

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## الگوهای ویرانگر

(چند مصاحبه با دانش آموزان دبستانی درباره

تحولهای روانی - اجتماعی آنان)

/ دکتر مرتضی منطقی /

/استاد دانشگاه خوارزمی/



## فهرست جلد دوم

|                                                  |     |
|--------------------------------------------------|-----|
| مقدمه جلد دوم.....                               | ۷   |
| ۲-۱۳- مصاحبه با امیرحسین ۱۱ ساله.....            | ۱۱  |
| ۲-۱۴- مصاحبه با کامیار ۱۳ ساله.....              | ۳۳  |
| ۲-۱۵- مصاحبه با رزیتای ۹ ساله.....               | ۳۸  |
| ۳- اثرهای الگوهای ویرانگر در نگاهی دوباره.....   | ۵۱  |
| مقدمه.....                                       | ۵۱  |
| ۳-۱- اثرهای زیستی الگوها.....                    | ۶۵  |
| ۳-۲- اثرهای روانی- تربیتی الگوهای ویرانگر.....   | ۷۲  |
| ۳-۳- اثرهای فرهنگی- اجتماعی الگوهای ویرانگر..... | ۱۰۲ |
| ۳-۴- اثرهای آموزشی الگوهای مخرب.....             | ۱۴۶ |
| ۳-۵- اثرهای اخلاقی- عقیدتی الگوهای ویرانگر.....  | ۱۵۴ |
| ۳-۶- اثرهای اقتصادی الگوهای ویرانگر.....         | ۱۷۹ |
| ۳-۷- اثرهای سیاسی الگوهای مخرب.....              | ۱۹۵ |
| ۳-۸- اثرهای زیباشناختی الگوهای ویرانگر.....      | ۲۱۶ |
| ۳-۹- اثرهای خانوادگی الگوهای مخرب.....           | ۲۲۶ |
| تأملی دوباره.....                                | ۲۴۱ |
| منابع.....                                       | ۲۴۹ |



## مقدمه جلد دوم

کتاب حاضر، جلد دوم کتاب «چند مصاحبه با دانش‌آموزان دبستانی درباره تحول‌های روانی-اجتماعی آنان: الگوهای ویرانگر» است.

در مقدمه جلد نخست خاطرنشان گردید، تاریخچه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته حکایت از آن دارد که فناوری‌های ارتباطی از آغاز با آمیزهای از فرصت‌ها و تهدیدها دیده می‌شدند و تجربه بشری در برخورد با فناوری‌های ارتباطی جدید، بدانجا انجامید که چون نفی و حذف فناوری‌ها امکان‌پذیر نیست، از این رو با بسترسازی فرهنگی لازم بر میزان کاربری از ابعاد مثبت فناوری‌ها بیفزاید و به این ترتیب در عمل عرصه کاربری‌های منفی از فناوری‌ها را محدود و محدودتر سازند.

در ایران برخلاف تجربه بشری غرب، بسیاری از مسوولان فرهنگی جامعه به دلیل آن که کاربری از فناوری‌ها می‌تواند منفی باشد، بیش‌تر از آن که نگاه مبتنی بر کاربری بهینه از فناوری‌ها را داشته باشند، به سبب احتمال پیش‌گفته، دست به نفی و انکار فناوری‌ها زده‌اند. تجربه ممنوعیت ویدیو در آغاز انقلاب و ادامه همین روند در ممنوعیت ماهواره، فیلترینگ سنگین اینترنت، ممنوعیت ورود تلفن همراه به مدارس (تا قبل از فراگیری کرونا) و ممنوعیت برخی از شبکه‌های اجتماعی، در همین راستا قابل فهم هستند. حال آن که باید توجه داشت، فناوری‌ها انتخاب نبوده و تحمیل هستند و در شرایط اخیر اولیای امور فرهنگی جامعه باید طبق قاعده فقهی دفع افسد به فاسد، با بسترسازی فرهنگی لازم، تلاش کنند تا با افزایش فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی جدید، در عمل کاربری از ابعاد منفی آن را محدود سازند.

نگاه مبتنی بر نفی فناوری‌ها در ایران از زمان طرح مسأله ماهواره در سال ۱۳۷۳ در مجلس شورای اسلامی تاکنون تداوم داشته است و به همین سبب در عمل عرصه را برای بسترسازی فرهنگی جهت افزایش فرصت‌های فناوری‌ها و کاهش تهدیدهای آن‌ها محدود کرده و بسته است. البته بروز نشانه‌هایی نظیر تلاش برای تهیه موتور جست‌وجوگر ملی یا اینترنت ملی، نشانه‌های مثبتی ارزیابی می‌گردند، اما باید دانست که در گذر زمان به سبب آن که برخی از نیازهای مردم جامعه پاسخ مقتضی دریافت نداشته‌اند، فضای مجازی به عرصه‌ای برای پاسخ به نیازهای اقشار مختلف اجتماعی تبدیل شده است و به همین سبب بحث کاربری از فناوری‌های در ایران پیچیده‌تر از آن شده است که تصور شود، تنها با بسترسازی فرهنگی برای کاربری مثبت از فناوری‌ها می‌توان به حل مشکل فناوری‌ها در جامعه ایران نایل آمد و اقدام اساسی در این جهت در حال حاضر هم‌زمان

با بسترسازی فرهنگی مورد نیاز، انجام برخی از اصلاحات جدی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی لازم در سطح جامعه است.

به هر روی نگارنده از آنجا که از سویی با عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته مواجه بود و از سوی دیگر شاهد استقبال گسترده اقشار مختلف اجتماعی، خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان از فناوری‌های جدید بود، در صدد بر آمد تا با یاری دانشجویانش دست به بررسی چگونگی کاربری کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته بزند و با به نمایش کشیدن فراز و فرودهای کاربری آنان از فناوری‌های ارتباطی جدید، ضمن هشدار به مسوولان فرهنگی جامعه، به تعمیق شناخت خانواده‌ها کمک کرده، آنان را در جهت نظارت جدی‌تر و ایفای نقش والدگری الکترونیک واداشته، آنان را نسبت به ضرورت بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری بهینه فرزندان‌شان از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، ترغیب سازد.

در جلد نخست این کتاب پس از مقدمه، در فصل دوم کتاب، مصاحبه‌های زیر درج شدند:

مصاحبه با اشکان ۱۳ ساله با عنوان «تتلو اصلاً حرفاش توهین نیست، اون فقط به شعراش قافیه می‌ده»؛ مصاحبه با بنیامین ۱۲ ساله با عنوان «بابا الان دیگه همه فحش می‌دن، همه. فک نکن کسی که دبستانیه فحش بلد نیست یا نشنیده، حالا تتلو هم یه دوتا فحش بده توی آهنگاش»؛ مصاحبه با رضای ۱۲ ساله با عنوان «دنیا اول که با ساسی مانکن بود، براش تتو زد، بعد رفت گل کرد با چند نفر دیگه هم بود، حالا با مهراد جمه، همه می‌گن اینا برای معروفیت و حاشیه هست فقط»؛ مصاحبه با شروین ۱۲ ساله با عنوان «آخه اون هم معروف نبود، یعنی توی اینستا و اینا... هم من از الکی دعوا راه انداختن خوشم نمیاد»؛ مصاحبه با آیدای ۱۲ ساله با عنوان «ما خیلی از هیکل جی جی حدید خوش مون اومد، بعد قرار گذاشتیم که هیکل مون شبیه به اون بشه، دیگه گفتیم شام و اینا نخوریم»؛ مصاحبه با ستایش ۱۰ ساله با عنوان «توی اینستا مثل دنیا جهان‌بخت می‌تونیم پول دربیاریم، فقط باید عکس‌های خوب بگیریم بذاریم»؛ مصاحبه با علیرضای ۱۲ ساله با عنوان «جوکر توی فیلم می‌گه، قوانین جهان خیلی سعی می‌کنن ما رو محدود کنن»؛ مصاحبه با امیر ۱۱ ساله با عنوان «همین من شرور خودش کلی چیز به آدم یاد می‌ده، مثلاً یاد می‌ده که چه طوری یه خلافاکار بزرگ بشی»؛ مصاحبه با آرمین ۱۳ ساله با عنوان «اون موقع من تو بزرگی یه لامبورگینی مشکی دارم، سیگار دارم، لباسام مشکیه»؛ مصاحبه با محمدحسین ۸ ساله با عنوان «یه بار با بردیا شمشیر بازی کردم، بعد با شمشیر سرش رو مثل داعش جدا کردم»؛ مصاحبه با ارغوان ۱۲ ساله با عنوان «چانیول گفت عشق بین دختر و پسر فقط خلاصه نمی‌شه»؛ مصاحبه با سوگند ۱۱ ساله با عنوان «بی‌تی‌اس‌ها فیسشون یه جور خاصیه، برای همین همه فک می‌کنن این‌ها منحرفند، مثلاً گوشواره میندازن یا آرایش می‌کنن».

در جلد دوم، پس از درج مصاحبه باقی مانده از فصل دوم با عناوین: «همین چند وقت پیش اس آر با خلوت رپ بتل کردن» (مصاحبه با امیرحسین ۱۱ ساله)؛ «اون از شاخ‌های اینستاگرام بود، حالا کشته شده، ولی خیلی ازش حساب می‌بردن» (مصاحبه با کامیار ۱۳ ساله) و «باربی با دوستاش آرایش می‌کنن، بعدش با دوس پسرانشون می‌رن دیسکو» (مصاحبه با رزیتای ۹ ساله)؛ به ارایه جمع‌بندی کتاب در فصل سوم پرداخته شده است. در این فصل پس از طرح عناوین «اهمیت نظری الگوها»، «ضعف الگوپردازی در داخل» و «پردازش قدرتمند الگوها در غرب» با استناد به اظهارات دانش‌آموزان مصاحبه شده از اثرهای الگوها بر کاربران، ذیل عناوین اثرهای زیستی، روانی- تربیتی، فرهنگی- اجتماعی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، زیباشناختی و خانوادگی یاد شده است.



## ۱۳-۲- مصاحبه با امیرحسین ۱۱ ساله

همین چند وقت پیش اس ار با خلوت رپ بتل کردن.

- سلام عزیزم حالت خوبه؟

سلام ممنون.

- اسمت رو می گی؟

امیرحسین.

- چند سالت هست امیرحسین؟

۱۱ سالمه.

- خوب امیرحسین تو برای خودت الگویی داری؟

بله من از سعید عزت اللهی خوشم میاد و الگومه.



- چرا؟

خوش تیپه، بازیش خوبه، تازه هم شهریمون هم هست، منم می خوام مثل اون فوتبالیست بشم.

- چون فقط خوش تیپه، الگوت هست؟

نه، من چند بار باهاش رفتم عکس گرفتم، خیلی مهربونه با طرفداراش، خودش رو نمی گیره.

- فقط از این اخلاقش خوشت میاد؟

آره دیگه، اجتماعی بودن مهمه.

- منظورت از اجتماعی بودن یعنی چی؟

یعنی این که با آدمای اطرافمون خوب رفتار کنیم، خوش برخورد باشیم تا مردم دوستمون داشته باشن.

- خوب توی لباس پوشیدن و مدل لباس هم از سعید الگو می‌گیری؟  
آره، من هم از رفتارش خوشم میاد هم تیپش، لباسایی که می‌پوشه خیلی شیکه، مخصوصاً عینکایی که می‌زنه، خیلی قشنگه.

- مثلاً از چه مدل لباس پوشیدنش خوشت میاد؟  
این که شلوار پاره می‌پوشه با یه پیراهن مردونه و آستینش رو می‌ده بالا، منم چندتا شلوار پاره و پیراهن مثل اون خریدم یا موقع زمستون یه هودی خریدم، دقیقاً مثل مال اون بود.



- سعید عزت‌اللهی تتو داره، دیدی؟  
آره رو دستش که شماره ۶ و با یه چیز دیگه.  
- نظرت راجع به تتو کردن چی هست؟  
خوبه باحال می‌شه وقتی تتو بزنی.  
- تو هم دوست داری تتو کنی؟  
نمی‌دونم، شاید بزرگ بشم بکنم، خود سعید تو یه مصاحبش گفته بود، اول تتو کرد، بعد رفت به مامانش نشون داد.

- چرا مگه خانواده‌اش مخالف بودن؟  
آره، می‌گفت تتو کردم دیگه، بعدش نشون دادم، یه کم دعوا کردن، ولی بعدش دیگه چیزی نشد.



- به نظرت اگه بزرگ بشی و تتو کنی، مامانت چیزی بهت نمی‌گه؟  
خب منم اگه بخوام تتو بکنم، مثل سعید تتو می‌زنم، بعد نشون می‌دم، اون موقع که دیگه نمی‌تونن کاری کنن، تازه تو خارج زندگی می‌کنه، اون‌جا همه می‌زنن، منم برم خارج دیگه کسی کاری نداره.  
- دوست داری بری خارج از کشور زندگی بکنی؟  
آره، برم فوتبال برای تیم خارج از کشور بازی کنم.  
- چرا حالا خارج، چرا برای تیم‌های ایران نمی‌خوای بازی کنی؟  
برای تیم ایران که بازی می‌کنم، ولی وقتی معروف بشم می‌رم خارج.  
- چرا؟  
خب همه کسانی که بازیشون خوبه و معروف می‌شن که دیگه ایران نمی‌مونن.  
- می‌دونی چرا ایران نمی‌مونند؟  
خب ایران پول کم‌تری بهشون می‌دن، اردوهاشون زیاد خوب نیست، همه جوهره اون‌ور بهتره دیگه، مثل همین بیرانوند اول که هیچی نداشت، پیتزا فروش بود، بعد که اومد پرسپولیس، وقتی معروف شد رفت.  
- الگوی دیگه‌ای هم داری؟  
آره از رونالدو هم خوشم میاد.



- پس علاوه بر سعید، یکی دیگه از الگوها رونالدو هست؟  
بله.  
- از چه چیز رونالدو بیش‌تر خوشش میاد؟  
فوتبالش که عالیه، بدنش که عالی، تو یه آزمایش که قبلاً داده بود، می‌گفتن همه‌اش عضله هست و اصلاً چربی‌ش کمه.  
- پس از هیکلش خوشش میاد؟  
آره، یه کم بزرگ‌تر بشم بعد فوتبال بدن‌سازی می‌رم، یه فوتبالیست باید خوش هیکلم باشه.  
- دیگه از زندگی رونالدو چی می‌دونی؟  
این‌که رونالدو چندتا دوست دختر داشته.

- خوب، نظرت در این مورد چی هست؟

با همه‌شون که هم‌زمان نبود، تازه ازدواج نکرده باهاشون، فقط یه مدتی باهاشون بوده، ولی اونا با مامانش مشکل داشتن، ولشون کرد.

- از کجا می‌دونی؟

تو اینترنت خونده بودم، رونالدو مامانش رو بیش‌تر از دوس دخترش دوس داشت و به خاطر مامانش دوس دخترش رو ول کرد.

- پس خبرهای رونالدو رو دنبال می‌کنی، از چه سایتی این خبرها رو دنبال می‌کنی؟

نمی‌دونم، همین جوری سرچ کنی میاد عکس خونه و بچه‌هاش و اینا.

- خونه‌ی رونالدو رو دیدی؟

آره، خوش به حال بچه‌هاش، چه ماشینای باحالی دارن، تو خونسون استخر دارن، می‌شه فوتبال بازی کرد تو حیاطش، انقد بزرگه اندازه زمین فوتباله، تازه تابستونا قایق دارن می‌رن توش خوش می‌گذرونن، منم یه روزی م‌تونم رونالدو می‌شم مطمئنم، فقط باید فوتبالم رو عالی کنم.

- خوب انشاالله به هدفتم برسی، ولی باید خیلی تلاش کنی، تازه باید علاوه بر فوتبال، درست رو هم خوب بخونی.

تلاش می‌کنم، ولی رونالدو که درس نخونده، اون تا کلاس پنجم سواد داره، ولی الان چه قدر پول داره.

- نظر تو چی هست، خوبه پول دار باشیم ولی تا کلاس پنجم سواد داشته باشیم؟

آره، وقتی پول‌داری دیگه چرا درس بخونی.

- آدم‌های پول‌دار درس نمی‌خوندن؟

نه، فکر نکنم.

- خب امیرحسین جان برای خودت گوشی داری؟

بله دارم.

- خوب چه کارهایی با گوشیت انجام می‌دی؟

بازی می‌کنم، درس می‌خونم.

- چه بازی‌هایی می‌کنی؟

من کال آف دیوتی موبایل بازی می‌کنم.



- دانلود بازی رایگان هست؟
- بله، ولی پرداخت درون برنامه‌ای داره.
- خوب این پرداخت درون برنامه‌ای برای چی هست؟
- برای خرید چندتا سلاح و شخصیته.
- خوب این سلاح‌ها و شخصیت‌ها چه فرقی با رایگانش دارند؟
- خفن‌ترن، هر پرو پلیری این شخصیت‌ها و اسلحه‌ها رو داره.
- چه قدر پرداخت کردی؟
- ۱۳۹ هزار تومن.
- باز هم باید پول بدی؟
- نه دیگه نیاز نیست، همه چیزاش باز می‌شه. فقط باید همه‌اش بازی کنیم تا تایرآپ بشم، لولم بره بالا.
- لولت چه قدر بالا می‌ره؟
- تا ۵۰ بشه.
- همین‌طور که پول می‌دی، می‌شه ازش پول هم در آورد؟
- می‌تونی اکانت رو بفروشی.
- تا حالا اکانت فروختی؟
- نه، موندم گرون‌تر بشه، بعد شاید بفروشم.
- پول برای ارتقای بازی رو پدر و مادرت دادند؟
- بله، ولی خب اولش می‌گفتن نه.
- چرا؟
- آخه می‌گفتن ارزش نداره که پول بدیم، ممکنه بعد هیچی برات نیاد، ولی وقتی پرداخت کردیم، ۲ ساعت بعد سی‌پی ریختن.
- یعنی چی سی‌پی ریختند؟
- یعنی ما پول ریختیم براشون، بعد برامون یه کد میاد و بعد چند ساعت همه شخصیتا و اسکینا برامون باز می‌شه، مثل همون جم که تو کلش آف کلنز.

- بازی کال آف چه جوری هست؟
- آنلاین وقتی بازی می کنیم به صورت گروهی با هم حرف می زنیم، من چندتا دوست دارم، حتی چند بار با خارجی ها بازی کردم.
- با اون ها صحبت کردی؟
- آره، ولی یه کم.
- پس انگلیسی ت خوب هست؟
- نه خیلی، ولی از دو سال پیش کلاس زبان می رفتم، یه کوچولو بلدم فقط.
- خوب امیر تفریحات مورد علاقه ات چی هست؟
- فوتبال و گیم.
- فقط همین؟
- آره، چیز دیگه ای نیست.
- از شبکه های مجازی استفاده می کنی؟
- آره.
- از کدوم ها؟
- تلگرام، واتساپ.
- توی واتساپ چه کار می کنی؟
- با بچه ها تماس تصویری گروهی می گیریم، و بیش تر برای گروه مدرسه است.
- تلگرام چه طور؟
- تو تلگرام کانالای جوک و گیم دارم.
- جوک هایی که می خونی مناسب سنت هستن؟
- راستش نه، بعضیاشون میزنه +۱۸.
- خوب متوجه منظورشون می شی؟
- همه اش که نه، ولی اگه متوجه نشم، برای دوستانم که می گم، مثلاً اونا می گن منظورش چیه.
- یعنی با دوست های خودت در مورد جوک ها صحبت می کنی؟
- آره.
- خوب می تونی یکی از این جوک ها رو برام بگی؟
- راستش نه خجالت می کشم.
- چرا؟
- آخه یه جوری خوب نیست.
- اگه خوب نیست، چرا خودت می خونیش؟

همین جوری، همه آدم بزرگ‌ها می‌خوندند.

- برای دوست‌ها و وقتی می‌گی خجالت نمی‌کشی؟

نه خب همه هم‌سنیم، شما بزرگ‌تری، یه کم واسه همونه.

- دوست‌های تو هم راحت تعریف می‌کنند؟

آره بابا، تازه هر کی می‌خواد جوکش باحال تر باشه، اون بی‌ادبی تره رو می‌گه.

- یعنی هر کی جوکش بدتر باشه بهتره؟

آره.

- عزیزم اتاقتی برای خودت داری؟

بله.

- خوب شب‌ها تا ساعت چند بیداری؟

تابستونا که تا ۲، ۳ شب بیدارم.

- چرا؟

بازی می‌کردم، اون موقع ۲ تا ۸ نامحدود می‌زنم بهتره.

- صبح‌ها بعد ساعت چند بیدار می‌شدی؟

یک دو بعد از ظهر.

- خوب بعد کی صبحونه می‌خوردی؟

صبحونه نمی‌خوردم، مستقیم نهار می‌خوردم.

- دوست‌های تو هم همین جوری هستند؟

بعضیاشون آره، ولی بعضیاشون مامان باباشون اجازه نمی‌دن تا دیر وقت بیدار بمونن.

- خوب امیر چه بازی دیگه‌ای تو گوشت داری؟

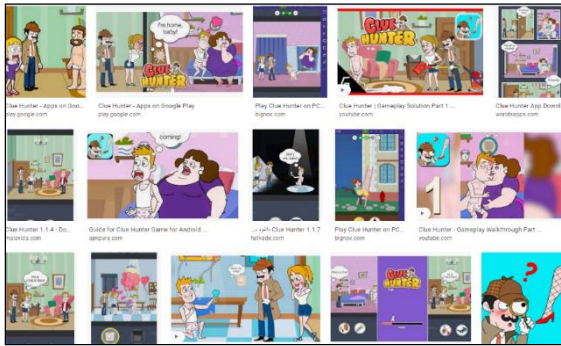
من بازی کلوهانتر<sup>۱</sup> رو دارم.

- می‌شه راجع به این بازی برام توضیح بدی؟

خب یه کارگاهه که قسمت اولش این جوری می‌شه یه زنه میاد بهش پول می‌ده، و مرحله به

مرحله کارگاهه باید دست شوهر اون رو، رو کنه که داره خیانت می‌کنه و بعدش از زنش پول می‌گیره

و می‌تونه لباس اینای جدید بخره و مراحل بعد کارگاه مأموریت‌های دیگه داره.



- چه جوری با این بازی آشنا شدی؟

همین جوری سرچ می‌کردم، دنبال بازی معمایی بودم این اومد، دانلود کردم خوشم اومد، آدم هی دلش می‌خواد مرحله بعدی رو باز کنه.

- خوب به نظرت مرده که داره خیانت می‌کنه، کارش چه طوره؟

بده، آخه آدم باید با یه نفر باشه، همیشه موقع این سریالایی که مامانم تو ماهواره می‌بینه، این رو می‌گه، وای این چرا با چند نفره، کار درستی نیست.



- پس کسانی که توی فیلم‌های خارجی نشون می‌دن و با چند نفرن، کارشون اشتباه هست؟ آره خیلی.

- تو این بازی مرده با زن‌های دیگه هست، نظرت در این مورد چی هست؟

معلومه دیگه کارش بده، نباید وقتی زن داره که با کسای دیگه باشه، بره مثلاً زن خودش رو ببوسه.



- تو این بازی وقتی مراحل رو رفتی، چی می‌شه؟
- هر مرحله رو که بریم، پول می‌گیریم دیگه.
- خوب با پولت چه کار می‌کنی؟
- وسایل خونه رو عوض می‌کنم، لباس می‌خرم.
- نظرت راجع به دین چی هست؟
- بد نیست.
- خوب بد نیست، یعنی چی؟
- من خودم می‌گم باید چیزی که می‌بینیم رو قبول داشته باشیم، مثلاً ما خدا رو نمی‌بینیم یا شیطان رو نمی‌بینیم، فقط می‌گیم هست، خب از کجا معلومه که واقعاً هست، این یه اشتباهه.
- یعنی باید هر چیزی که می‌بینیم رو قبول داشته باشیم؟
- آره.
- خوب اگه این جور باشه، بهشت و جهنم رو هم که نمی‌بینیم، یعنی اون‌ها هم نیست؟
- بله.
- پس چرا ما آدم‌ها کارهای خوب می‌کنیم؟
- چون حس خوبی بهمون دست می‌ده.
- خوب بعضی آدم‌ها کارهای بد می‌کنند، به اون‌ها حس خوبی دست نمی‌ده و ما حتماً باید کار خوب کنیم تا حس خوبی داشته باشیم؟
- از نظر اخلاقی آره، کارای بد خوب نیست.
- خوب اخلاق رو کی تعیین می‌کنه، چی بده چی خوبه، این‌ها رو که دین گفته!
- خب خیلیا هستن دین ندارن، ولی آدم خوبی هستن، کارای خوبی می‌کنن، نمی‌تونیم بگیم دین داشتن صد در صد باعث خوب بودن می‌شه، این همه آدم دین دارن، ولی آدمای بدی هم هستن.
- خوب الان خانواده شما مسلمونند، درسته؟
- بله فقط به اسمش.
- خوب یعنی چی؟
- خب مامان و بابا که نماز نمی‌خونن یا روزه نمی‌گیرن، شاید ما بی‌دینیم.
- خانواده پدریت یا خانواده مادریت چه طور؟
- پدر بزرگام که فوت شدن، ولی دوتا مامان بزرگم نماز می‌خونن، تازه یکیشونم چادریه، ولی اون یکی نه.
- خانواده پدریت مذهبی‌تر هستند یا خانواده مادریت؟
- مامانم اینا، آخه بیش‌تر خاله‌های مامانم چادرین، روزه می‌گیرن و مؤمن هستن.

- خوب مامانت چادری نیست؟

نه، مامان می‌گفت، مامان بزرگ وقتی بچه بود مجبور می‌کرد نماز بخونه، روزه بگیره، ولی الآن دیگه راحت.

- چرا راحت؟

خب خیلی سخت می‌گرفت، مادر جون (مادرِ مادرش) چون خیلی مؤمنه، می‌خواست مامان مثل خودش باشه، ولی وقتی مامان ازدواج کرد، می‌گه راحت شد دیگه، چادرم نمی‌ذاره.

- پس قبلاً مادرت چادری بود؟

آره زمانی که هنوز با بابا عروسی نکرده بود.

- گفتی فکر می‌کنی بی‌دین هستی درسته؟  
آره.

- مامانت هم همچین فکری می‌کنه؟

نمی‌دونم، شاید، مامان می‌گه آدم باید دلش خوب بشه وگرنه با نماز خوندن آدم خوب نمی‌شه، مامان اصلاً مثل مادر جون نیست، مادر جون دین داره، ولی ما نداریم.

- مگه کسانی که دین دارن، چه جوری هستند؟

همین دیگه، می‌رن مسجد، همه‌اش سفراپی که می‌رن این جور جاهاس.

- چه جور جاها؟

مکه و سوریه.

- تو خودت دوست داری بری مکه؟

نه، ما رفتیم ترکیه و مالزی، جاهای مذهبی رو دوست نداریم، خوش نمی‌گذره، ولی مادر جون همه‌اش دوست داره بره مشهد و این جور جاها.

- با مادر جونت مسافرت می‌رید؟

آره ولی خب زیاد خوش نمی‌گذره.

- چرا خوش نمی‌گذره؟

ما رفتیم مشهد، می‌خواستیم بریم جاهای تفریحیش، مادر جون هی می‌گفت بریم حرم.

- تو دوست داشتی بری حرم؟

نه.

- چرا؟

بریم چه کار کنیم، الکی اون وسطا له می‌شیم.

- دوست‌های تو چه طور، خانواده اون‌ها چه شکلی هستند؟

دوست صمیمیم که مامانش مثل مامان منه، مانتو می‌پوشه، چادری نیست، نمی‌دونم نماز اینا می‌خونن یا نه.

- خوب امیر با دوستانت راجع به چه چیزهایی صحبت می‌کنی؟

راجع به بازی و بعضی وقتا بچه‌ها میان از دوس دختراشون می‌گن.

- دوست‌های تو دوست دختر هم دارند؟

آره، خودشون که این‌جوری می‌گن.

- خوب مثلاً چی می‌گن؟

آرش (دوستش) یه دختره هست سر کوچه، قبلاً با هم بازی می‌کردن، می‌گه دوس دخترمه، با

هم حرف می‌زنن و از اینا. ولی الکی می‌گه، کی میاد با اون دوس بشه.

- یعنی داره دروغ می‌گه؟

آره بابا، مثلاً می‌خواد بگه منم شاخم.

- هر کسی که دوست دختر داره، شاخه؟

آره دیگه، یه جوری می‌خواد بگه منم بزرگم.

- آدم بزرگ‌ها دوست دختر دارند؟

آره.

- تو چی، تو داری؟

من نه ندارم، ولی الکی به آرش می‌گم، منم دارم.

- چرا الکی می‌گی؟

فکر نکنه من کم آوردم.

- خوب امیرحسین جان تو با دوست‌های خودت تنهایی بیرون می‌ری؟

آره چند بار رفتیم گیم نت، ولی دیگه مامان اجازه نداد.

- چرا؟

آخه اون‌جا محیطش یه جوریه، جلو درش همه پسر بزرگا هستن، بعد میان جلو در سیگار می‌شکن

و... دوست مامانم گفت، نذاره من برم اون‌جور جاها.

- دوست داشتی باز هم بری؟

آره بزرگ‌تر بشم می‌رم خودم، اون موقع دیگه نیاز به اجازه گرفتن ندارم.

- فقط به خاطر این که اون‌جا پسرای بی‌بند بودن که سیگار می‌کشیدن، مامانت اجازه نداد دیگه بری؟

آره، هم واسه این که درس بخونم وقتم رو تلف نکنم.

- به نظر خودت اون‌جا وقتت تلف می‌شه؟

نه، با درس خوندن وقتم تلف می‌شه.

- جدی می‌گی؟

نه بابا شوخی کردم، مگه این جوک رو نشنیدی، می‌گن کتاب مثل قرص خوابه، هر موقع می‌گیری دستت، خوابت می‌بره.

- آره شنیدم، تو فکر می‌کنی این حرف درست هست؟

آره واقعاً، همچین که کتاب می‌گیرم دستم، خسته می‌شم، ولی حالا یه عالمه بازی کنم، این جوری نمی‌شم.

- خوب پدرت از اینترنت و فضای مجازی چه استفاده‌هایی می‌کنه؟

هیچی، بابا بیش‌تر اخبار فوتبال رو دنبال می‌کنه و همین‌جا خبرای دیگه تو اینستا رو نگاه می‌کنه.

- مثلاً چه خبرهایی توی اینستاگرام می‌بینه؟

همین پدره دخترش رو با داس کشت، یا اون بچه‌ای که هم‌سن من بود، خودش رو دار زد واسه گوشه‌ی.



- بعد تو این اخبار رو از کجا می‌دونی؟

خب بابا بلند می‌خونه، به مامانم می‌گه دیگه.

- نظرت راجع به همین پسر بچه و دختره که پدرش کشتش، چی بود؟

اون بچه که خودشو کشت راستش گریه کردم به خاطرش، دلم به حالش سوخت که به خاطر یه گوشه‌ی، این طوری کرد. واقعاً خاک تو سر ایران.



اون پدره هم که زد دخترش رو کشت، حالا انگار دختره چه کار کرده، خوب یه دوست پسر داشت دیگه، الآن دوست من هم داره، ما انقد عقب مونده ایم، تو خارج اصلاً این چوری نیست.

- خوب از کجا می‌دونی تو خارج این جوری نیست؟

من گاهی فیلمایی رو که مامانم می‌بیننه، من هم نگاه می‌کنم، دختره با چند نفر دوسته، کجا پدرش اومده بکشتش.

- خوب تو بازی‌های خشن دوست داری؟

آره هیجان داره.

- وقتی کالاف دیوتی بازی می کنی، آدم می کشی چه حسی داری؟

خب او نا دشمنام هستن، اگه نکشمشون او نا من رو می کشن.

- زمانی که بازی می‌کنی، چه حسی داری؟

تو شرایط حساس استرس می گیرم.

- وقتے، می، بازی چہ حسے، داری؟

خیلی ناراحت می‌شدم، آگه اون موقع مامان صدام کنه، عصبانی می‌شم یا مثلاً دوستم وسط موقعیت حساس زنگ می‌زنه، عصبانی می‌شم، چند بار هم با اون دعواش شد، بعد بلاکش کردم.

- چرا مسدودش کردی؟

آخه داشتم بازی می‌کردم، هی زنگ می‌زد، منم اعصابم خورد شد، بلاک کردم بهش برخورد، یه مدت قهر بودیم، تازه اونم بلاکم کرد.

- عصبانی باشی طرف مقابل رو مسدود می کنی؟

آرہ.

- با بلاک کردن آروم می‌شے؟

آرہ دیگہ، ہی، زنگ نمے، زنہ موقعتای حساس بازی، التہ الآن آشتی کر دیں۔

- معذرت خواہی، کردی؟

نه خودش، آن یلاکم کرد، منم آن یلاکش کردم، دوباره با هم حرف زدیم.

- وقتی ناراحتی یا خشمگین می شوی، دیگر چه کار می کنی؟

همین دیگه، مثلاً با صدا بلند حرف می‌زنم، یعنی وقتی حرف می‌زنم، داد می‌زنم.

- مادرت دعوات نکرده؟

چرا بهم می‌گفت یه بار دیگه این جواری حرف بزنی، ازم گوش می‌گیره.

- از پیام رسان‌های ایرانی استفاده می‌کنی؟

نه بابا به درد نمی‌خوره که.

- چرا به درد نمی‌خوره؟

وسطش هنگ می‌کنه، تازه می‌گن پی‌ام ما رو می‌خونن، به درد نمی‌خوره.

- خوب امیر زمان‌هایی که بیرون می‌ری، با خودت گوشی بیرون می‌بری؟

آره، من همیشه گوشی و هندزفیری رو با خودم می‌برم.

- چرا؟

خب وقتی می‌رم بیرون آهنگ گوش می‌دم.

- چه آهنگ‌هایی گوش می‌دی؟

رپ.

- خوب خواننده مورد علاقه‌ات کی هست؟

من از خشایار اس آر خوشم میاد.



- از چی خشایار خوشت میاد؟

از آهنگاش که مثل رپ خارجی‌ست، بیتاش و لحنش که عالیه.

- رپ خارجی چه فرقی با رپ ایرانی داره؟

تو همین لحن و مدل خوندن و ایناش فرق دارن.

- خشایار اس آر توی آهنگاش راجع به چی می‌گی؟

مثلاً می‌گه کسی نمی‌تونه من رو میوت کنه جز خودم، یعنی کسی جرأت نداره با من بیفته،

تیکه‌های قوی داره.

- تپیش چه جواری هست؟

خوش تیپه، تازه کچله و می‌گه به خاطر این کچله که پشماش ریخته از دست خودش، از بس که خفنه، چندی پیش با بهزاد لیتو می‌خواست فیت<sup>۱</sup> بده.

– خشایار اس آر توی آهنگ‌هاش حرف‌های بد هم می‌زنه؟  
مگه می‌شه رپ بخونی و فحش ندی، یه دیس<sup>۲</sup> داده بود به تتلو، خدا بودا، به تتلو می‌گفت هَولِو.



– یعنی چی هَولِ؟

یعنی تتلو هَولِ<sup>۳</sup> دیگه.

– خوب هَولِ به چه معنی هست، می‌دونی؟

این پسرای که داف<sup>۴</sup> می‌بینن می‌گن جون و اینا.



۱. فیت اصطلاحاً به دو خواننده – یا دو نوازنده‌ی سرشناس – که با هم یک آهنگ را برگزار کنند، گفته می‌شود.

۲. دیس اصطلاحاً به توهین کردن یا زیر سوال بردن یک رپر از سوی رپری دیگر گفته می‌شود.

۳. هَولِ به شخصی می‌گویند که برای داشتن ارتباط با جنس مخالف دست به هر کاری می‌زند.

۴. داف در زبان آلمانی یعنی بند کفش و در زبان انگلیسی یعنی سبزی‌های فاسد جنگل، در اروپا برای دختران و زنان بد کاره به کار می‌رود. حتی در تایلند محل زنان روسپی دافی نام دارد. نکته‌ی تأمل برانگیز این جاست که بسیاری از دختران در ایران با شنیدن این کلمه فکر می‌کنند خیلی خوشگل هستن و وقتی با این نام خطاب می‌شوند، احساس خوشایندی نیز دارند.

- عزیزم می‌دونی داف یعنی چی؟

این دخترا که خوش اندامن و پلنگن، تتلو از این دخترا خوشش میاد و همه‌اش با این جور دختر اس، خشایار اس آر مسخره‌اش کرده به خاطر همین کار.

- حالا چرا تتلو رو دیس کرد؟

آخه تتلو چرت زیاد می‌گه، همه رپرا بهو دیسش می‌کنن که تتلو دیس بک<sup>۱</sup> می‌ده بهشون، مثلاً در جواب تتلو هولو، بهش گفت، جوجه هنری و این رو خوند براش.



- پس کلاً این‌ها با هم در حال دعوا کردن هستند؟

آره دیگه، رپ بتل می‌کنن، همین چند وقت پیش اس آر با خلوت رپ بتل<sup>۲</sup> کردن، آهنگ رینگ که خیلی خفنه.

- چی می‌گفتند؟

خلوت به خشایار اس آر می‌گفت، اومده می‌گه، به جا این که این سگه جای من رو بگیره، این وزغ کچل. منظورش اینکه که خشایار اومده جای من رو بگیره، بعد می‌گه تو اصلاً در حد من نیستی، تو یه آهنگ خشایار د، د، د می‌گه اولش بعد خلوت اومده بهش می‌گه لال نمی‌ری باو.



۱. دیس بک یا Split اصطلاحاً به حالتی گفته می‌شود که شخص اول، شخص دوم را دیس کند و بعد شخص دوم جواب وی را در یک تراک به شخص اول بدهد.

۲. رپ بتل: مسابقه‌هایی هست که در آن، دو رپر روبروی هم قرار می‌گیرند و هر کدام به مدت ۴۵ ثانیه وقت دارن هم دیگر را Diss کنن. در ۴۵ ثانیه اول، نفر اول برای نفر دومی شعر می‌گوید و به او تکه می‌اندازد و در ۴۵ ثانیه دوم، فرد دوم به فرد اولی تکه می‌اندازد. بعد مردم حاضر در آن مسابقه به آنان رأی می‌دهند.

- می‌دونی چرا بهش می‌گن خشایار اس آر؟  
نه، همین جوری دوست داشته بگه دیگه، معنی خاص نداره.  
- برای چی تتلو و خشایار اس آر به هم دیس دادن؟  
زمانایی که یکی میاد یه حرفی می‌زنه الکی، دنبال حاشیه ان، مثلاً تتلو یه چی می‌گه تا طرف مقابل جوابش رو بده، این طوری یه کم فالوور بگیرن.  
- یعنی الان تتلو دنبال حاشیه بود؟  
آره، پرحاشیه‌ترین خواننده تتلو هست، هر موقع قاطی می‌کنه، یه چی می‌گه، بعد همه یهو میان دیسش می‌کنن، وگرنه اس آر کاریش نداشت که، خودش الکی میاد مسخره بازی در میاره.  
- به نظرت کارش خوبه که دنبال حاشیه هست؟  
برای فالووره دیگه، هر کی یه کاری می‌کنی.  
- برای داشتن فالوور زیاد، باید به هم فحش داد؟  
مردم دنبال حاشیه ان دیگه، اینم یه کاریه.



- تو از رپ بتل خوشت میاد؟  
آره، منم بعضی وقتا از این تیکه خفنا می‌گم.  
- تو همه این آهنگ‌ها رو حفظ هستی؟  
آره چه جورم (شروع به خواندن آهنگ رینگ<sup>۱</sup> می‌کند).  
- این آهنگ‌ها رو جلو مامانت این‌ها هم می‌خونی؟  
نه بابا، اصلاً جرأت ندارم که.  
- چرا جرأت نداری؟  
خب مامان نمی‌دونه که من اینا رو می‌دونم که.  
- عزیزم برای گوشیت رمز گذاشتی؟  
بله.

- مامانت رمز گوشت رو می‌دونه؟
- نه، نمی‌دونه.
- برای چی رو گوشت رمز گذاشتی؟
- آخه دوستانم یهو یه جوک می‌فرستن یا پی‌ام که می‌دن، ممکنه مامان اگه باز باشه، بره نگاه کنه.
- خوب مامانت گوشت رو چک نمی‌کنه؟
- بعضی وقتا آره، نگاه می‌کنه.
- خوب پی‌ام‌های دوست‌ها رو نمی‌بینه؟
- پاک می‌کنم همه رو، بعد نشون می‌دم.
- یعنی از گروه خارج می‌شی؟
- نه، پی‌اما رو فقط پاک می‌کنم که چیزی نباشه، بعد می‌ذارم تو قسمت بایگانی، دیگه معلوم نمی‌شه.
- اهل خرید اینترنتی هستی؟
- آره خیلی، ما الان اکثراً اینترنتی خرید می‌کنیم.
- چه چیزهایی خریدین و راضی بودین؟
- آره خب، ما از سایتا معتبر می‌گیریم، مثل دی‌جی کالا یا جاهایی که کلاه‌برداری نکنن، آخه قبلاً یه بار خاله‌ام یه لباس سفارش داد، بعد پولش رو داد، ولی هیچی بهش ندادن، ولی ما مراقبیم.
- خوب تو چیزی خریدی؟
- آره، مامان برای اتاق خوابم فرش رونالدو اینترنتی سفارش داد، آوردن واسمون.
- پس وسایلی اتاقت سِت رونالدو هست؟
- نه فعلاً، فقط فرش و پتو و بالش‌م رونالدو هست، البته می‌خوام پرده رونالدو رو هم سفارش بدیم.



- دفتر و لوازم تحریر چی، اون‌هایی که می‌خری فوتبالی هستند؟
- آره، چند سال پیش تمام دفترام بازیکنای رئال بودن.
- از دفترهایی که شخصیت ایرانی دارند، خرید کردی؟

نه.

- چرا؟

آخه یا شخصیت کارتونهایی مثل شکرستانه یا عکس شهید می‌ذارن، بعد می‌گن ما اینا رو بخریم، من که تا حالا نخردم و خوشم نمیاد.



- چرا خوش نمیاد؟

آخه اصلاً قشنگ نیست، من وقتی دوم سوم بودم، دفتر بت من و مردعنکبوتی می‌خریدم، ولی الان که بزرگ‌تر شدم، فوتبالی می‌خرم و از این دفتر خوشم نمیاد.

- امیر چرا از وسایلی نمی‌خری که مثلاً قهرمان‌های ایرانی روش باشند؟

مگه قهرمان داریم؟

- به نظرت ما قهرمان نداریم؟

نه، ما کسایی مثل رونالدو یا مسی نداریم که کل جهان بشناسن.



- شهید سلیمانی چی؟ الان مجسمه‌هاش تو شهره و برای ما ایرانی‌ها قهرمان حساب می‌شه، به

نظرت اون قهرمان نیست؟



نه.

- چرا قهرمان نیست؟

نیست دیگه، همه‌اش باعث می‌شد آمریکا با ما بدتر بشه.

- خوب اگه نبودن داعش یا خیلی افراد دیگه الآن ممکن بود تو کشور ما باشند و امنیت نداشتیم، می‌دونی؟

زیادی بزرگ کردن، دیگه ما همه‌اش با آمریکا بدیم، هی می‌گی، مرگ بر آمریکا، مگه آمریکا میاد بگه مرگ بر ایران.

- یعنی به نظر تو ایران باید با آمریکا دوست باشه؟

آره، هر کی باهاش دوسته کشورش خوبه، ما فقط بلدیم الکی بجنگیم.

- عزیزم شبکه‌های ایران رو نگاه می‌کنید یا شبکه‌های خارج رو؟

بعضی وقتا شبکه ایران رو می‌بینم، ولی بیش‌تر شبکه‌های ماهواره رو نگاه می‌کنم.

- چه موقعی شبکه‌های ایران رو نگاه می‌کنی؟

فقط وقتی که می‌ریم خونه مادر جون (مادرِ مادرش)، اون‌جا دیگه نگاه می‌کنم.

- چرا فقط اون‌جا نگاه می‌کنی؟

آخه اون‌جا ماهواره نداره.

- چرا مادر جونت نداره؟

من و مامان بهش می‌گییم بذار بذاریم برات، خوبه سریال داره تو خونه حوصله‌ات سر نمی‌ره، ولی

می‌گه نه، من خوشم نیامد.

- چرا خوشش نیامد؟

می‌گه بده، گناهه، من نماز می‌خونم اون وسیله شیطان.

- چرا می‌گه وسیله شیطان؟

چون زنا لباسا لختی پوشیدن و به خاطر همون، ولی مامانی (مادرِ پدرش) اون با این که نماز

می‌خونه، ولی سریالا رو نگاه می‌کنه و ماهواره داره.

- نظر تو چی هست و در این مورد، کار کدوم یکی از مادر بزرگ‌هات رو قبول داری؟

معلومه مامانی، ولی مادر جون چون سواد نداره، خیلی قدیمیه.

- به نظرت هر کی قدیمی فکر کنه، ماهواره نداره؟

آره الآن همه دارن، ولی اونایی که قدیمی فکر می‌کنن می‌گن نه بده، ولی بد نیست که همیشه

چیزای بد نشون نمی‌ده، چیزای خوبم داره.

- مادر جونت وقتی میاد خونتون سریال‌های ماهواره شما رو می‌بینه؟

اوه، اصلاً، اصلاً نگاه نمی‌کنه، وقتی تلویزیون روشن باشه، مامان به خاطرش خاموش می‌کنه یا

اگه روشن باشه، مادر جون می‌ره توی اتاق.

- چرا توی اتاق می‌ره؟

که نبینه دیگه.

- گفتی ماهواره چیزهای خوبی هم داره، مثلاً چه چیزهایی داره؟

همین فوتبال که ایران بعضی وقتا فوتبالش رو نشون نمی‌ده یا آهنگ می‌ذاره، چیزای علمی نشون می‌ده، مسابقه اینا نشون می‌ده، خیلی خوبه.

- خوب توی شبکه‌های ایران هم فوتبال نشون می‌ده یا مسابقه می‌گذارند، چرا اون‌ها رو نگاه نمی‌کنی؟

آخه همه فوتبالا رو که پخش نمی‌کنن، اون مهما رو پخش می‌کنن، بعد کجا مسابقه داره، همه‌اش مسابقه‌هاش سوال جوابه.

- تو چه جور مسابقه‌ای رو دوست داری؟

این مسابقه‌هایی که مثل گات تلنت یا چیزایی که توش کارای باحال می‌کنن.



- شبکه سه، شبیه همین برنامه، عصر جدید رو نشون می‌داد. اون رو دیدی؟



آره، چند بار دیدم، ولی مسخره اس.

- چرا می‌گی مسخره هست؟

این اومدن تقلید کنن از گات تلنت ماهواره، ولی بلد نیستن که یه چیز مسخره آوردن، کسایی که هیچ استعدادی ندارن، می‌رن عصر جدید، خیلی کسل کننده است.

- یعنی هیچ کدوم از شرکت کننده‌هاش به نظرت خوب نبودند؟

من که همه رو ندیدم، ولی اونایی که دیدم خوب نبودن.

- به نظرت توی کشور ما عدالت وجود داره؟  
نه.
- چرا؟
- اگه عدالت بود، این همه فقر نبود که، منم هر چی دلم می‌خواست می‌تونستم داشته باشم.
- تو چی دلت می‌خواد داشته باشی؟
- وی آر، اسکوت برقی که الان بچه پول‌دارا دارن، از اینا مثل بچه رونالدو، بعد من ندارم.
- پس چون این‌ها رو نداری می‌گی عدالت نیست؟  
آره.
- تو دوستت رو چه جور صد می‌کنی؟
- بهم می‌گییم حاجی یا موقع بازی می‌گییم نوب سگ.
- چرا حاجی می‌گید؟
- این روزا همه می‌گن به هم، خفن‌تره، افتاده سر زبونمون، لاتیش رو پر می‌کنیم.
- تا حالا شده حرفی بزنی که جلو خانواده‌ات بد باشه؟  
آره، حواسم نبود گفتم.
- چی گفتی؟
- تو معنی ما بده، وگرنه تو خارج بهش می‌گن لعنت.
- خوب بعد مامان و بابات چی گفتند؟
- خودم رو زدم به اون راه که معنیش رو نمی‌دونم.
- نوب سگ یعنی چی؟
- یعنی یه پلیری که ابتداییه و حرفه‌ای نیست، می‌خوایم فان‌ترش کنیم می‌گم نوب سگ.
- توی بازی کال آف دیوتی، الان مد هالووین و زامبی اومده، درسته؟  
آره، از این اسکین<sup>۱</sup> زامبی و هالووین اومده، چون زمان هالووینه ۳۱ اکتبر بازی از چند روز قبل این اسکین رو داد.
- در مورد هالووین چی می‌دونی؟
- خودشون رو ترسناک می‌کنن، لباسا ترسناک می‌پوشن و جشن می‌گیرن.
- از کجا با این جشن آشنا شدی؟
- دختر عموم پارسال جشن گرفته بودن خودشون، بعد عکسشون رو گذاشته بودن رو تلگرامش دیدم، تو کارتون باب اسفنجی دیدم که خودشون رو ترسناک می‌کردن و هم رو می‌ترسونن و شکلات می‌گیرن.

- دختر عمو ت خارج از کشور زندگی می‌کنه؟  
نه ایرانه.

- خوب این جشن مخصوص ایرانی‌ها نیست که!؟  
آره، ولی الان همه زمان هالوین خودشون رو گریم می‌کنن، کیک می‌خرن، مثل تولد خونشون  
رو تزئین می‌کنن.  
- چرا این کارها رو می‌کنند؟  
که مثل خارجی‌ها باشن.



- تو هم این کار رو می‌کنی؟  
نه، ولی خوشم میاد ما هم جشن بگیریم.  
- دیگه در این مورد چه چیزهایی می‌دونی؟  
یه جا دیدم می‌گفتن هالوین جشن شیطان پرستیه.  
- خودت چی فکر می‌کنی؟  
نمی‌دونم یه جشن دیگه، مثل عید نوروز ما.  
- از این وسایل هالوین تا حالا خریدی؟  
آره یه دندون نیش دارم می‌ذارم، مثل خون آشاما می‌شم، خیلی باحاله.  
- برای هالووین خریده بودی؟  
نه، از قبل خریده بودم، ولی تو هالوین از این چیزا استفاده می‌کنن.  
- مرسی عزیزم که وقت گذاشتی، بیش‌تر از این خسته‌ات نمی‌کنم، خدانگهدار.

## ۱۴-۲- مصاحبه با کامیار ۱۳ ساله

اون از شاخ‌های اینستاگرام بود، حالا کشته شده، ولی خیلی ارزش حساب می‌بردن.  
- کامیار جان روزی چند ساعت فیلم و کارتون می‌بینی؟  
اگه کسایی که دوست دارم رو ببینم، گاهی روزی بیست بار می‌بینم.

- معمولاً چه نوع فیلم‌هایی می‌بینی؟
- فیلم طنز و جنگی رو خیلی دوست دارم.
- چه جور فیلم می‌بینی؟
- بیش‌تر توی گوشی می‌بینم.
- خودت انتخابشون می‌کنی؟
- بله.
- (مادر کامیار می‌گوید، من و باباش با بیش‌ترشان فیلم‌هایی که کامیار می‌بیند، مخالفیم).
- کی‌ها بیش‌تر فیلم می‌بینی؟
- وقتی از مدرسه میام. مخصوصاً شب‌ها.
- بیش‌تر چی نگاه می‌کنی کامیار؟
- کلیپ‌های وحید مرادی<sup>۱</sup> رو خیلی دوست دارم.

۱. فرارو در گزارشی با عنوان «وحید مرادی که بود؟» که در ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۷ منتشر ساخت، می‌نویسد: «تا چند روز پیش خیلی‌ها نام "وحید مرادی" را نشنیده بودند، اما وقتی خبر کشته شدن او در زندان رجایی شهر کرج منتشر شد، نامش سر زبان‌ها افتاد. وحید مرادی خود را "لات بامرام" می‌خواند، اما دیگران او را شر و اوباش می‌خواندند، حالا مرگش سوالات زیادی ایجاد کرده است.

هفته گذشته وحید مرادی را در زندان رجایی شهر کرج به قول دوستش "مفت‌بری" کردند. پس از انتشار فیلمی از رجز خوانی زندانیان با قمه‌های دست‌ساز پس از کشتن وحید مرادی حالا بسیاری از وضعیت زندان‌ها انتقاد می‌کنند که چرا باید کسی بتواند آنجا قمه داشته باشد و چه کسی مسؤول جان زندانیان است. از سوی دیگر چرا باید شخصی که زندگی‌اش سراسر جرم و خلاف بوده و پس از شانزده بار زندان در نهایت به جرم کشتن بهترین دوستش زندانی می‌شود و آنجا به قتل می‌رسد، در چشم بعضی‌ها یک قهرمان شود. وحید مرادی که بود؟

کم‌تر اسم او را شنیده بودیم، اما او به قول خودشان از "خوبای تهران" بود و حضوری پر رنگ و پر سر و صدا در اینستاگرام داشت. عربده می‌کشید، رجز می‌خواند و چندین بار به زندان رفته بود. پشت گردنش نوشته بود: "KING عقاب ایران" بود و تمام تنش رد چاقو و توتو داشت. خودش می‌گفت در تعقیب و گریزهای پلیس هفت بار تیر خورده است. وحید مرادی در فیلمی می‌گوید، اصالتاً همدانی است. قدرت‌نمایی‌هایش در اینستاگرام، خالکوبی‌های عجیب روی بدنش، ۱۴ بار حبس و چندین سال درگیری‌های خونین، سرانجام او را به یک قاتل تبدیل کرد؛ شروری که از ۱۷ سال پیش تاکنون سلاح به دست با قلدری در محله‌های مختلف تهران و کرج قدرت‌نمایی می‌کرد و به خاطر فیلم قلدری‌هایش به یکی از شاخ‌های اینستاگرام تبدیل شده بود. در فیلمی که پس از بازداشت از او منتشر شد، می‌گوید این صفحات را دیگران برای او ساخته‌اند و خودش یک گوشی معمولی دارد. لقب ندارد و همه باید به نام و فامیل صدایش بزنند: وحید مرادی! نخستین قتل

وحید مرادی روز ۲۶ اردیبهشت دوستش "حسین گودرزی" را کشت. آن‌هم درست چند روز پس از آزادی از زندان در ساختمانی در ولنجک. آن مهمانی به افتخار آزادی وحید مرادی از زندان گرفته شده بود. وحید مرادی پس از قتل از تهران فرار کرد. در ۵۰۰ متری مرز ترکیه بود که دستگیر شد. پس از دستگیری نام او با القای چون "کنده لات تهران"، "عقاب ایران" بر سر زبان‌ها افتاد. او پس از دستگیری مقابل دوربین پلیس گفت: یک پسر چهار ساله دارم که دوست ندارم راه مرا برود؛ برود دکتر شود، آدم حسابی شود. من اشتباه کردم، و در زندگی‌ام فقط حسرت خوردم. من دوستم را کشتم، مست بودم، نمی‌خواستم دوستم را بکشم. یک سال بود مشروب نخورده بودم. فحش داد و من او را کشتم.

وحید درباره جزییات ماجرای قتل دوستش حسین گودرزی گفت: "پس از پخش فیلم و توهین‌هایی که در فضای مجازی کرده بودم، از سوی پلیس مورد تعقیب قرار گرفتم. در منطقه شمالی کشور بودم که نیروهای پلیس، من را شناسایی کردند؛

آخرین بار با ۷ گلوله که از سوی پلیس به پایم شلیک شده بود، دستگیر شدم. پس از حدود یک ماه و نیم که آزاد شدم، چندتن از دوستانم جشن آزادی برایم در منطقه ولنجک گرفتند. به اتفاق چند نفر در آن مهمانی، حجم بسیار زیادی مشروبات الکلی مصرف کرده بودیم که پس از مستی، متأسفانه مقتول و دوستانش به من توهین کردند و فحش ناموسی دادند. پس از فحاشی آن‌ها، من نیز پاسخشان را دادم که این امر موجب درگیری فیزیکی ما شد؛ البته آن‌ها با شیشه‌های مشروب به من حمله کردند و من مجبور شدم با چاقویی که از قبل همراه داشتم، از خود دفاع کنم."

وحید مرادی پس از دستگیری به زندان رجایی شهر منتقل شد، تا این که غروب یازده اردیبهشت خبر مرگ او در زندان منتشر شد. این بار دیگر نام "عقاب ایران" حسابی سر زبان‌ها افتاد.

وحید مرادی چگونه به قتل رسید؟

دوربین‌های زندان صحنه قتل و آخرین نفس‌های وحید مرادی را ضبط کرده‌اند.

رسانه‌ها فردای آن روز جزئیات ماجرا را تشریح کردند. درگیری مرگبار بین زندانیان، دوشنبه یازده اردیبهشت در محوطه زندان آغاز شد، اما دقایقی بعد وحید به داخل سلول بازگشت. این بار سه زندانی وارد سلول شدند و او را با ۵ ضربه چاقو به قتل رساندند. با باز بینی فیلم دوربین مدار بسته زندان سه نفر به عنوان قاتلان وحید مرادی شناسایی شدند.

سعید یکی از متهمان قتل وحید مرادی، ماجرا را این گونه روایت می‌کند: "وحید از زمانی که وارد زندان شد، برای خودش باند تشکیل داد. به همه می‌گفت: من عقاب ایران هستم و نوچه‌هایش را اجیر کرده بود تا به سالن دیگر زندان حمله کنند. زندانیان دیگر را اذیت می‌کرد و برای همه خط و نشان می‌کشید. دو ساعت قبل از این درگیری من را برای تحقیقات در پرونده قبلی‌ام به پلیس آگاهی برده بودند. وقتی به زندان برگشتم متوجه شدم وحید اندرزگاه را به هم ریخته است. من شناختی نسبت به او نداشتم و در زندان با او آشنا شدم."

سعید مدعی بود که وحید را او نکشته است: "من وحید را نکشتم. فیلمی را که از درگیری وجود دارد بررسی کنند متوجه می‌شوند که من او را نزدّم."

عباس دومین متهم این درگیری نیز همین ادعا را تکرار کرد: "سال ۸۵ یکی از آشنایان را به خاطر اختلافات خانوادگی با اسلحه به قتل رساندم. البته چند وقت قبل با پرداخت دیه، رضایت خانواده مقتول را گرفتم و حسمم به خاطر جنبه عمومی جرم است. قرار بود به زودی آزاد شوم. وحید از همان روز اول که به زندان آمد، شروع به دعوا کرد. باند تشکیل داد و می‌گفت: کفتارها پایین باید باشند و شیرها بالا. خط و نشان می‌کشید و نوچه‌هایی برای خودش جمع کرده بود. آن روز هم ۵۰ نفری که همه چاقو و آب جوش داشتند را جمع کرده بود و می‌خواست به یکی از سالن‌ها حمله کند. ما دست خالی بودیم که دعوا شروع شد. من مرتکب قتل نشده‌ام اگر فیلم دوربین‌ها را ببینند متوجه می‌شوند من بی‌گناهم."

در این میان و با وجود این که هنوز به درستی ابعاد قتل این شرور سابقه دار در زندان مشخص نشده بود فیلمی از رجز خوانی زندانیان قمه به دست بالای جنازه غرق در خون وحید مرادی در فضای مجازی منتشر شد و جنجال‌ها بالا گرفت. هشتگ وحید مرادی تنها سه روز پس از مرگ در توییتر به شدت داغ شد. فیلم کوتاه هولناکی از داخل زندان، چند زندانی عصبانی با قمه‌های خونی، برای جنازه وحید مرادی و هواداران او رجز می‌خوانند. از اینجا به برای عده‌ای "شرور قاتل" به "مقتول بی‌گناه و بامرام" بدل شد.

ماجرا وارد فاز تازه‌ای شده بود. دوستان وحید مرادی معتقدند که او را نوچه‌های یکی از ارادل و اوباش تهران کشته‌اند و حالا انتقام در راه است. ویدیوهایی در اینستاگرام داغ می‌شود که پر از تهدید و قصه‌پردازی و شایعه است. اهالی توییتر ابتدا از یکدیگر درباره «وحید مرادی» می‌پرسند و می‌خواهند بدانند جریان چیست. اما از یک‌جایی به بعد حجم ویدیوها، حرف‌ها و شایعه‌ها آن قدر بالا می‌رود که دیگر داستان وحید مرادی برای هیچ کس ناآشنا نیست و بحث و تحلیل‌ها درباره این شرور معروف پایتخت، قتلی که انجام داد و حادثه‌ای که منجر به مرگش شد، آغاز می‌شود.

مراسم تشییع جنازه وحید مرادی که روز پنجشنبه برگزار شد نیز حاشیه کم نداشت. جمعیتی زیاد به بهشت زهرا رفته بودند. شاهدان عینی از درگیری‌های کوچکی حین مراسم خبر دادند. در آنجا نیز هواداران وحید مرادی برای قاتلان خط و نشان کشیدند. در همین حال رنکا پشت پرده جدیدی از قتل وحید مرادی منتشر کرده است. این سایت مدعی شد: دوستان و هواخواهان او در فضای مجازی اقدام به تهدید قاتل وحید مرادی و یک نفر دیگر به نام "ه.ک" کردند.

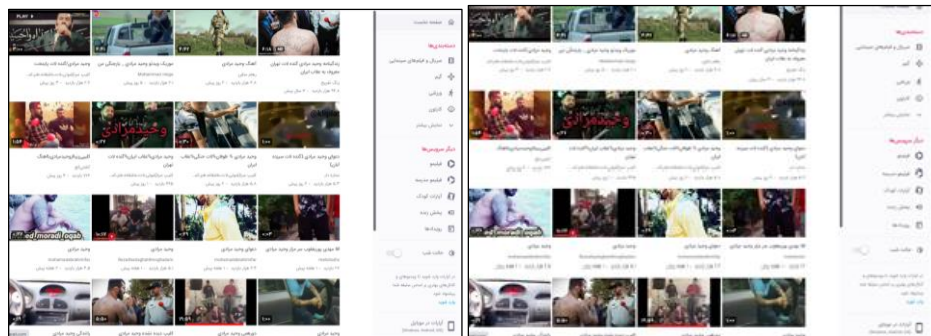
این سایت در ادامه نوشته است: "ه.ک شرور سابقه داری است که حالا چند سالی می شود دست از شرارت برداشته و بیش تر به سراغ کارهای خیر می رود"، "ه.ک" دوست قدیمی وحید مرادی بود و به دلایل مختلفی با وحید مرادی قهر بود. وحید مرادی در مصاحبه ای که چندوقت پیش در زندان با شبکه مستند انجام داد، کنایه هایی هم به او زد. به همین دلیل بسیاری از دوستان وحید مرادی اعتقاد دارند، دستور قتل وحید مرادی از بیرون زندان توسط "ه.ک" صادر شده است. وحید مرادی و این شخص بنا به دلایل شخصی با هم اختلاف داشتند تا این که با قتل وحید مرادی انگشت اتهامات به سوی "ه.ک" گرفته شد. تهدیدات هواداران وحید مرادی در فضای مجازی همچنان ادامه دارد. آن ها با انتشار ویدئوهای خشن قاتل وحید مرادی را به انتقام تهدید می کنند. این تهدیدها در فضای مجازی آن قدر ادامه دار شد که سردار رحیمی رییس پلیس پایتخت به هواخواهان این شرور هشدار داد.

رئیس پلیس تهران بزرگ در واکنش به قتل وحید مرادی در زندان و رجزخوانی های دیگر اوباش طرفدار او در فضای مجازی برای قاتلانش اظهار کرد: "به تمام افراد و اراذل و اوباشی که گردن کشی می کنند، هشدار می دهم که پلیس با تمام اقتدار با آن ها برخورد خواهد کرد. کشور ما محلی برای عریده کشی و گردن کلفتی نیست، ما به این افراد اجازه بروز رفتارهای خشنون بار نخواهیم داد. آخر این افراد مشخص است می خواهند بشوند وحید مرادی، به جان هم می افتند و یکدیگر را می کشند. با این افراد برابر قانون رفتار خواهد شد. پلیس فتا تمامی این ویدیوهای رجزخوانی در فضای مجازی را رصد می کند، قاتل وحید مرادی در اختیار پلیس آگاهی است و ما به دنبال بررسی انگیزه قتل وی هستیم و به محض این که به نتیجه ای در این رابطه برسیم آن را اعلام خواهیم کرد".

در این میان فیلم خوشحالی برادر "حسین گودرزی" از مرگ وحید مرادی نیز به جنجال ها دامن زد. برخی طرفداران مرادی ادعا می کنند، قاتلان به دستور برادر حسین گودرزی، وحید را به قتل رساندند. حسین گودرزی جوانی بود که در مهمانی ولنجک به دست وحید مرادی به قتل رسید.

در فیلمی دیگر که در فضای مجازی منتشر شده است، شرور با سابقه ای به تشریح لحظه قتل وحید مرادی پرداخته و به نقل از چند تن از دوستانش که در زندان رجایی شهر کرج شاهد درگیری بودند می گوید: "وحید در حیات زندان در حال هواخوری بود که چند نفر حالا نمی دونم برای اسم در کردن یا از جایی خط گرفته بودند، به وحید گیر دادند که درگیری همنجا شروع می شه و وحید با عصا با اونا می جنگه، اونا تیزی داشتند و وحیدم سریع رفت تیزی خودشو برداشت و با چند نفری از دوستاش با اونا درگیر شد. اشتباه وحید این بود که از دوستاش جدا شد و تا آخر راهرو یک رفت، در همون لحظه بود که وحید مرادی تنها موند و اونا چند نفری وحید مرادی رو مفت بری کردند".

شب گذشته نیز چند تن از دوستان وحید مرادی سر خاک او رفتند و فیلم و عکس هایی از شب دوم قبر وحید مرادی را پخش کردند...».



- وحید مرادی کیه؟

اون از شاخ‌های اینستاگرام بود، حالا کشته شده، ولی خیلی ازش حساب می‌بردن.

- چه قدر توی خریدن وسایلت، از اون الگو می‌گیری؟

نصف لباس‌هام مثل لباس‌های وحید مرادیه.

- معمولاً با چه کسانی فیلم می‌بینی؟

فیلم‌های طنز رو با مامان و بابام می‌بینم، ولی کلیپ‌های وحید مرادی رو با دوستانم می‌بینم، چون

مامان و بابام دوست ندارن.

- دیگه چه کسی رو دوست داری؟

از چوپون‌ها هم خیلی خوشم میاد. یکی از فامیل‌های دورمون اسمش محسنه، چوپونه، کلی ازش

سوال پرسیدم. رفتم لباس چوپونی هم خریدم. از این دستمال‌ها هم دارم که وقتی تو صحرا گرد و

خاک می‌شه، چوپون‌ها می‌بندن.

(مادر کامیار: پسر من روزی بیست بار کلیپ‌های چوپان‌ها در صحرا با سگ‌هاشون رو می‌بینم.

کلی هم برای خریدن وسایل چوپانی هزینه کرده است).

- وقتی توی قالب وحید مرادی می‌ری، چه قدر دوست‌هات با تو همراهی می‌کنند؟

یک سوم دوستانم تو مدرسه ازم حساب می‌برن. بعضی از دوستانم بهم زنگ می‌زنن، راجع به سنگ

انگشت‌ر وحید مرادی اطلاعات می‌گیرن. بعضی وقت‌ها هم تو مدرسه دو گروه می‌شیم با هم کل‌کل

می‌کنیم.

- بیش‌تر کجاها توی قالب وحید مرادی می‌ری؟

جلوی دوستانم.

- (از مادر کامیار پرسیدم که کامیار چه قدر در قالب وحید مرادی می‌رود؟ وی پاسخ داد:

خیلی زیاد. هر دفعه که کلیپ‌هاش رو می‌بینم، انگشت‌ر بزرگش رو تو دستش می‌کنه، تسبیح هم

می‌گیره دستش. من و باباش خیلی عصبی می‌شیم. ولی خودش خیلی احساس رضایت می‌کنه. کلاً

زیاد به رفتارهای کسانی که هم تیپ‌های وحید مرادی هستند و به قول خودش مردونه هستند، دقت

می‌کنه و اداشون رو در میاره. خیلی مثل اون‌ها صحبت می‌کنه و من از این بابت خیلی ناراحتم.

مثلاً تحقیق کرده که وحید مرادی ۳۵ تا کتونی داشته هی می‌خواد کتونی بخره. جدیداً هم می‌گه

وحیدمرادی یه کتونی ZX آبی داشته و اصرارداره که اون رو بخره.

از طرفی کامیار اضافه وزن داره، وقتی بهش می‌گیم کم‌تر غذا بخور، می‌گه محسن شکمش

بزرگه، منم می‌خوام مثل محسن (چوپان) باشم.

کامیار حافظه بسیار قوی‌ای هم داره و روزهایی که می‌خواد همه ازش حساب ببرن، دوتا انگشت‌ر

بزرگی را که دارد، هر دو را می‌اندازد).

- کامیار چیزی هم تو وحید مرادی هست که دوست نداشته باشی؟  
 آره، از خالکوبی‌هاش خوشم نمیداد. اگه خالکوبی نداشت خیلی بهتر بود.  
 (مادر کامیار: وقتی کامیار کلیپ‌های وحید مرادی رو می‌بیند، با صدای بلند حرف می‌زنه و دوست داره هی خواهرش رو بترسونه. بیش‌تر هم فیلم‌های خشن می‌بیند، می‌گه فیلم‌های سوسولی دوست ندارم. اون برعکس ادعاهاش یه کم ترسو هم هست، مثلاً چند شب پیش با دوستاش حرف جن رو زده بودند که ترسیده بود و اومد توی اتاق ما خوابید.)  
 کامیار برای رسیدن به هدفش قلدری هم می‌کنه، ولی وقتی دعوای بد هم می‌بیند می‌ترسه. دو ساله که بود یه همسایه داشتیم به اسم آقا جلال که سیبیل و شکم بزرگی داشت، و اکثر بچه‌ها ازش می‌ترسیدن، ولی کامیار ازش خوشش می‌اومد و هی می‌رفت بهش سلام می‌کرد).  
 - کامیار جان از چی وحید مرادی خوشت میاد؟  
 آدم لوطی منشی بوده رو ناموش حساس بوده و به مردم کمک می‌کرده.  
 - چه قدر وحید مرادی با ارزش‌های خانواده شما هم‌خوان هست؟  
 هیچی، ماما و بابام اصلاً این جور نیستن و ازش خوششون نمیداد.

## ۱۵-۲- مصاحبه با رزیتای ۹ ساله

باربی با دوستاش آرایش می‌کنن، بعدش با دوس پسرانشون می‌رن دیسکو.

تذکر پژوهشگر:

رزیتا پشت خوابگاه دانشجویان با بچه‌های برخی از کارکنان دانشگاه مشغول بازی بود و من نیز با آن‌ها وارد بازی شدم و بعد از بازی، از رزیتا خواستم با هم حرف بزنیم، رزیتا تک فرزند خانواده است و از لحاظ وضعیت اجتماعی- اقتصادی در حد متوسط هستند. او در حین مصاحبه وضعیت آرامی داشت و سوال‌هایی را که از او می‌پرسیدم، خوب جواب می‌داد و در کل همکاری خوبی داشت.

- رزیتا جون چند سالت؟

۹ سال.

- کلاس چندمی؟

سوم.

- مدرسه رو دوست داری؟

نه زیاد.

- چرا دوست نداری؟

نقاشی دوس دارم.

- دیگه چی دوست داری؟

طناب بازی.

- درس دوست داری؟

نه دوشش ندارم.

- چرا؟

چون همه‌اش باید مشق بنویسم، بعضی وقتا دستم درد می‌گیره.

- درس‌هات سخت هست؟

آره، همیشه به عالمه مشق دارم، خوشم نمیداد.

- معلمت رو دوست داری؟

نمی‌دونم.

- رزیتا تو از مدرسه خونه اومدی، چه کار می‌کنی؟

کارتون نگاه می‌کنم.

- چه کارتونی؟

کارتونی که جذاب باشه، باربی.



- دیگه چی نگاه می‌کنی؟

سیندرلا، السا و آنا.





- توی چه شبکه‌هایی می‌بینی؟
- جم جونیور دیگه، همه می‌شناسن.
- آهان، دیگه چه شبکه‌هایی؟
- من جم جونیور رو دوس دارم، فقط اون رو نگاه می‌کنم.
- من از بچه‌های دیگه پرسیدم، گفتن شبکه پویا هم می‌بینیم، تو چی؟
- من قبلاً نگاه می‌کردم، ولی خوشم نمیاد.
- چرا؟ چه جوریه که خوشت نمیاد؟
- فقط صبا کارتون داره.



- دیگه چی؟
- دیگه کارتوناش تکراریه، دیر دیر پخش می‌کنن، پیام بازرگانیش زیاده.
- جم جونیور چه جوریه؟
- خیلی خوبه، هر وقت بخوای کارتون داره، تبلیغم داره.
- تبلیغاتش زیاد نیست؟
- نه، خیلی جذابه.
- چی تبلیغ می‌کنه؟
- همه چی، لباس، اسباب بازی و اینا.
- تا حالا از چیزهایی که تبلیغ کرده باشه، خریدی؟
- آره، یه تبلیغه، خیلی دوس دارم جدیده.
- چی هست؟
- زیاد جدید نیس، تاتویه.

- می‌خواهی بخری؟

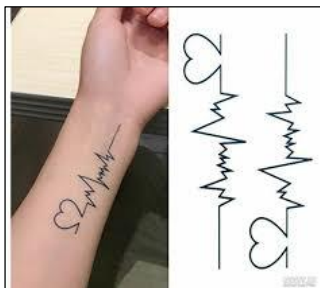
آرررره، حتماً.

- کی برات می‌خره؟

به مامانم می‌گم، واسم می‌گیره.

- دیگه چی برات خریده؟

شابلون‌های رنگارنگ.



- باهاشون چه کار می‌کنی؟

چندتا عکسه رنگین، عکسه همه چی، گل و گیاه و پروانه و حیوانات همه چی، این جوری می‌ذارم رو دستم، می‌چسبونم و بعد این جوری رو دستم می‌زنم، بعد یهو برمی‌دارم می‌افته رو دستم عکسش (زمان نشان دادن نحوه‌ی زدن شابلون به دستش، خیلی هیجان زده می‌شود).

- وقتی می‌ری مدرسه می‌زنی؟

مدرسه نمی‌ذارن، رو بازوم یا سینه‌ام می‌زنم، نمی‌بینن.

- به دوست‌هات هم نشون می‌دی؟

آره.

- اون‌ها هم شابلون دارن؟

آره، دینا اول خرید رو دستش دیدم، عاشقش شدم، رفتم خریدم.

- شابلوناتون رو با هم عوض می‌کنید؟

آره، میاریم مدرسه زنگای تفریح با هم عوض می‌کنیم.

- مامانت می‌گذاره ببری؟

نمی‌دارم بفهمه.

- چه جوری نمی‌گذاری؟

می‌دارم وسط کتابام.

- مدرسه نمی‌فهمن؟

نه اونا می‌گردن، ولی همین جوری.

- چه جوری، همین جوری؟

مثلاً می‌گردن فقط دست تو کیف می‌برن، بعضی وقتا هم خوب نمی‌گردن.

- نمی‌ترسی بفهمن؟

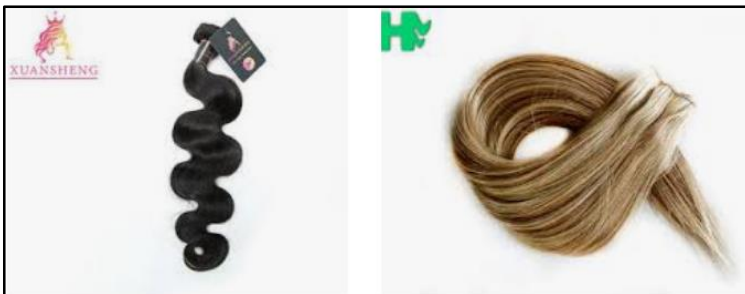
می‌ترسم، ولی تا حالا نفهمیدن.

- بفهمن چه کار می‌کنی؟

نمی‌دونم.

- خوب دیگه چی خریدی؟

موی اکسشن (کودک اشتباه تلفظ می‌کند).



- باهاشون چه کار می‌کنی؟

می‌زنم رو موهام.

- موهای خودت قشنگ نیست؟

نه، اونا طلاییین باحال‌ترن.

- موی مشکی دوست نداری؟

نه.

- چرا فکر می‌کنی موی طلایی قشنگ‌تره؟

چون باربی موهاش طلاییه.

- باربی رو دوست داری؟

آره خیلی، همه می‌شناسنش.

- کیا می‌شناسن؟

همه، دوستانم، مامان، فامیلامون.

- باربی چه جوریه؟

خیلی خوشگله.

- چه کار می‌کنه خوشگله؟

موهاش طلاییه، قدش بلنده.



- خوب دیگه چی؟

باریکه، خوشگله، چشماشم رنگیه.

- تو خوشگل‌تری یا باربی؟

باربی.

- چه کار می‌کنی مثل اون خوشگل بشی؟

موی طلایی می‌ذارم، کفش پاشنه بلند می‌پوشم، دامن کوتاه می‌پوشم.

- باربی آرایش هم می‌کنه؟

آره، اون از خواب بیدار می‌شه، همیشه آرایش داره، آرایشش پاک نمی‌شه، آرایش داره، بازم می‌ره

آرایش می‌کنه.

- تو هم دوست داری مثل اون آرایش کنی؟

آره، لوازم آرایشی باربی رو گرفتم.

- باهاشون چه کار می‌کنی؟
- نگه داشتیم، بزرگ شدم، آرایش کنم، بعضی وقتا یه کمی آرایش می‌کنم، رژ می‌زنم.
- مامانت می‌دونه؟
- اون خودش آرایش می‌کنه، ولی عصبانی می‌شه من رژ بزنم.
- چه کار می‌کنی عصبانی نشه؟
- زود پاکش می‌کنم.
- باری، دوست داره؟
- آره.
- باری خوشگل تره یا دوستاش؟
- اونام خوشگلن ولی باری بیش تر.
- دوست‌های باری چه شکلی هستن؟
- یکیشون موهاش قشنگه کوتاهه، اون دیگه هم مشکیه بلنده تا اینجاش (با دستش تا کمرش را نشان می‌دهد)، بلنده فرفریه.
- باری با دوست‌هاش چه کار می‌کنن؟
- تو خونه آرایش می‌کنن، بعدش با دوس پسرانشون می‌رن دیسکو.
- دیسکو چه کار می‌کنن؟
- می‌رقصن، آواز می‌خونن.



- مدرسه می‌رن؟
- خیلی کم، هر وقت باری می‌خواد درس بخونه، دوس پسرش میاد یا دوستاش میان.
- دوست پسر هم داره؟
- آره، خیلی باکلاسه.
- دوست پسر چیه؟

- کسی که با اون می‌رقصی، پسر، میاد دنبالت، ماشین داره.
- دیگه چی؟
- قد بلنده، مهربونه، هر چی باربی می‌گه، گوش می‌ده.
- چه جوری با دوست پسرش آشنا می‌شه؟
- باربی می‌ره دیسکو، اون جا با هم می‌رقصن، دوس می‌شن.
- دوست‌های تو همه دختر هستن؟
- آره.
- اون‌ها هم باربی رو دوست دارن؟
- خیلی، بعضی وقتا کارتون باربی پخش می‌شه، با هم تو مدرسه قرار می‌ذاریم، برگشتیم خونه اون رو ببینیم.
- بعدش چه کار می‌کنین؟
- برگشتیم مدرسه واسه هم تعریف می‌کنیم.
- چی می‌گین؟
- مثلاً کجا رفت، چی پوشید، لباسش چه جوری بود، گوشواره‌هاش چه جوری بود و اینا.
- در مورد درس حرف نمی‌زنید؟
- درس چیه بابا، حوصله آدم سر می‌ره.
- دوست داری با پسر دوست بشی؟
- امممممم آره، ولی فعلاً نه.
- چرا فعلاً نه؟
- چووون هنوز بچه‌ام، زیاد هم قدم بلند نیس.
- قدت بلند شد، دوست پسر می‌گیری؟
- آره دیگه.
- دوست پسر فقط برای دخترای قد بلنده؟
- آره دیگه، باید خوشگل بشی، وگرنه هیچ کس نگاهت هم نمی‌کنه.
- از کجا می‌دونی خوشگل نباشی، کسی نگاهت نمی‌کنه؟
- خب چون باربی خوشگله دیگه، تازه دوست دخترم زیاد داره.
- تو چی دوست دختر زیاد داری؟
- دارم، ولی به اندازه باربی نه.
- بزرگ شدی مثل باربی خوشگل نشی، چه کار می‌کنی؟
- آرایش می‌کنم.

- بدون آرایش باربی خوشگله؟

نمی‌دونم، ندیدم.

- بزرگ شدی مثل باربی نشی، ناراحت می‌شی؟

آره، اون خیلی جذابه، همه دوستش دارن.

- دوست داری بزرگ شدی، چه کاره بشی؟

آرایشگر.

- چرا؟

چون آرایش دوس دارم، دوس دارم خوشگل بشم، لنز بذارم.

- رنگ چشم‌هات رو دوس نداری؟

نه، آبی دوس دارم، آبی خیلی خوشگله، چشای باربی آبی آبی.

- خب رزیتا جون گفتی باربی رو دوست داری، با کی باربی رو نگاه می‌کنی؟

تنهایی. بعضی وقتا مامانم هست.

- مامانت هم باربی رو دوست داره؟

آره، می‌گه خوشگله.

- دیگه چی می‌گه؟

می‌گه می‌برمت کلاس موسیقی.

- باربی کلاس موسیقی می‌ره؟

آره، ولی من دوس دارم برم کلاس رقص.

- مامانت چی می‌گه؟

می‌گه اگه موسیقی یاد بگیری می‌فرستمت کلاس رقص.

- چرا رقص رو بیش‌تر دوست داری؟

چون باحاله، کمربت باریک می‌شه، لاغر می‌شی.

- باربی با دوستاش می‌رقصه، می‌رن بیرون، تو هم با دوست‌هات این کارها رو می‌کنی؟

آره با هم می‌رقصیم به هم یاد می‌دیم.

- دیگه چه کار می‌کنید؟

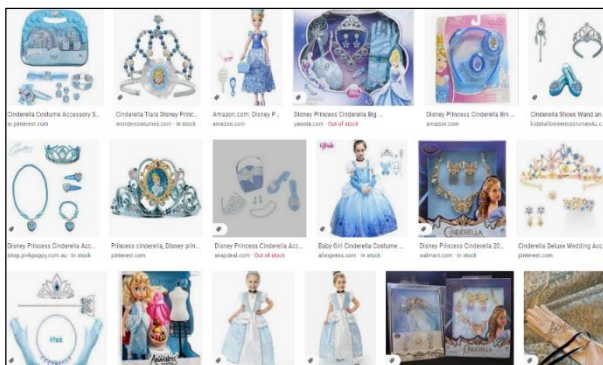
هر وقت می‌رم خونه مبینا، با هم می‌شینیم، آلبوم باربی رو که خریده، بهم نشون می‌ده، نگاه

می‌کنیم با هم، اون تبلتم داره، یه برنامه داره باربی رو داره. آرایش می‌کنه، لباس تنش می‌کنه،

گوشواره و اسش می‌ذاره، کفش پاش می‌کنه، موهاش رو رنگ می‌کنه، خیلی باحاله.



- تو تبلت نداری؟
- نه، مامانم واسم نمی‌گیره.
- بهش گفתי برات بگیره؟
- خیلی ولی نمی‌خره، می‌گه هر وقت کلاس پنجم شدی، بعد خوب درس خوندی، واست می‌گیرم.
- تو چی می‌گی؟
- هیچی می‌گم باشه، ولی خیلی مونده کلاس پنجم بشم.
- خب خاله جان عروسکش رو داری؟
- آره چندتا دارم.
- چرا چندتا داری؟
- اگه یکی گم کردم یا خراب شد، اونای دیگه رو داشته باشم.
- باهاشون چه کار می‌کنی؟
- هیچی، تو کمده گذاشتم.
- با اون‌ها بازی نمی‌کنی؟
- نه.
- چرا؟
- چون باربی بزرگه.
- دیگه توی اتاق چی داری؟
- پرده‌ی اتاقم سیندرلاس.



- دیگه چی؟

همین.

- سیندرلا رو هم دوست داری؟

آره. خیلی مهربونه، خوشگله، موهای اونم طلاییه.

- از کجا می‌دونی مهربونه؟

آخه خواهرناتنیاش با اون بدن، ولی اون مهربونه، کارای سخت می‌کنه، هیچی نمی‌گه.

- تو هم با دوست‌هات خوبی؟

آره، ما با هم دعوا نمی‌کنیم.

- اگه دعوا کنید، چه کار می‌کنی؟

هیچی.

- تو کارتون‌ها دیدی با هم دعوا کن؟

نه باربی مهربونه، با همه خوبه.

- چه جوری خوبه؟

می‌ذاره دوستاش از همه چیه اون استفاده کنن.

- از چی؟

از گوشواره‌هاش، گردن بندش، آرایشاش، با هم همه جا می‌رن.

- خوب خاله جون بهم می‌گی باربی با کی زندگی می‌کنه؟

باربی با هیچکی، دوستاش میان پیشش.

- یعنی باربی مامان و بابا نداره؟

داره، ولی اون خونه تنها داره، هر کاری بخواد می‌کنه.

- تو هم دوست داری تنها باشی؟

آره، هر جا دلم خواست می‌رم.

- کجاها دوست داری بری؟

شبا برم بیرون، با دوستانم بگردم، برم خرید.

- خوب دیگه چه کار بکنی؟

هر چی دیدم می‌خرم، آرایش می‌کنم.

- اگه بزرگ شدی، دوست داری تنها باشی؟

آره.

- اگه بابات و مامانت نگذارن چی؟

می‌ذارن.

- چه کار می‌کنی که تنها بشی؟
- اون قدر پول جمع می‌کنم، می‌رم خونه دیگه.
- چه جوری پول جمع می‌کنی؟
- کار می‌کنم.
- چه کاری؟
- گفتم دیگه آرایش می‌کنم، واسه دوستانم، واسه همه.
- خوب سیندرلا رو هم دوست داری؟
- آره.
- سیندرلا رو بیش‌تر دوست داری یا باربی؟
- هر دو.
- کدوم رو بیش‌تر نگاه می‌کنی؟
- باربی بیش‌تر پخش می‌شه.
- اگه سیندرلا و باربی با هم پخش بشن، کدوم رو نگاه می‌کنی؟
- شاید باربی.
- چرا؟
- چون هر دفعه قسمت جدید داره، شاید تکرار نشه.
- سیندرلا تکراریه؟
- آره سیندرلا ۱ و ۲ داره، ولی تکرار می‌شه.
- کدوم قسمت باربی رو بیش‌تر دوست داری؟
- همه‌اش رو.
- لباس‌های کدوم رو خریدی؟
- باربی، صورتیه واسه عروسی می‌پوشم.
- باربی لباس‌هاش همه‌اش صورتیه؟
- بیش‌ترش صورتیه، اتاقشم صورتیه.
- اتاقش چه جوریه؟
- صورتی، خیلی کمده داره، اونا هم صورتین، یه عالمه شونه و عروسک و لباس و وسایل آرایش داره، کفشاشم بلنده.



- تا حالا خواب باربی رو دیدی؟  
خیلی.
- چه خوابی؟  
با هم می‌ریم خرید، آواز می‌خونیم، بهم رقص یاد می‌ده.
- تو بهش یاد نمی‌دی؟  
نه.
- چرا؟  
چون من مث اون بلد نیستم.
- بن تن رو دیدی؟  
آره.
- دوستش داری؟  
نه، یه بار دیدم، دیگه ندیدم خوشم نیومد.
- چرا از اون خوشت نیامد؟  
پسرونه اس، همه‌اش جنگ داره، من از جنگ خوشم نمیاد.
- هر کارتونی که جنگ داشته باشه، پسرانه هست؟  
آره دیگه، دختر نمی‌جنگه.
- چرا؟  
خب دخترا بلد نیستن بجنگن، می‌ترسن.
- از کجا می‌دونی دخترها بلد نیستند بجنگند؟  
باربی بلد نیس، تازه من هر کارتونی دیدم، دخترا حرف می‌زنن، عروسک دارن و اینا دیگه.
- دخترها باید چه کار کنن؟  
بازی.
- فقط بازی؟  
رقص و اینام هس

### ۳- اثرهای الگوهای ویرانگر در نگاهی دوباره

#### مقدمه

در بررسی اثرهای الگوهای ویرانگر در ابتدا سه عنوان «اهمیت نظری الگوها»، «ضعف الگوپردازی در داخل» و «پردازش قدرتمند الگوها در غرب»، مورد بحث قرار خواهند گرفت. عنوان فرعی نخست ناظر بر «اهمیت الگوها» است. الگوها نه تنها در دیدگاه‌های دینی و عرفانی، بلکه در دیدگاه‌های علمی نیز مورد توجه بوده و مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

کودکان، نوجوانان، جوانان و همه اقشار اجتماعی در روند شکل‌گیری شخصیتی خویش، نیازمند الگو هستند و الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راهنمای کشتی‌ها هستند، راهنمای کشتی وجودی انسان‌ها هستند. بنابراین اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه باید توجه ویژه‌ای به مسأله الگوپردازی داشته، الگوهای مختلف علمی، ورزشی، اخلاقی، اجتماعی، عقیدتی و مانند آن‌ها را فراروی اقشار مختلف (خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان) مطرح کنند، زیرا انتخاب یک الگو توسط یک کودک، نوجوان یا جوان، سبب می‌شود، وی چگونه شدن خویش را بر مبنای معیارهای ارزشی که در الگوی خویش می‌بیند، رقم بزند.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوپردازی کودکان، ذیل نظریات مختلفی نظیر دیگربپیروی اخلاقی پیازه، یادگیری مشاهده‌ای بندورا و یا الگویابی کودکان در نظریات مختلف جامعه‌شناسی مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است.

اما با وجود اهمیت زیاد الگو، باید بیان داشت که الگوهای خوب، انسان‌ها را به راه‌های متعالی و ارزشمند سوق داده و هدایت می‌کنند، در حالی که الگوهای نامناسب و بد، در عمل آدمی را به وادی سقوط و اضمحلال نزدیک می‌سازند و علت آن که قرآن در جریان طرح اسوه‌ها، صفت حسنه را در کنار اسوه می‌آورد، همین معنا است.

عنوان «ضعف الگوپردازی در داخل»، حکایت از کم‌توجهی و ضعف نهادهای فرهنگی داخل در مقوله مهم الگوها دارد. کم‌توجهی اخیر از سرمایه‌گذاری گرفته تا برخورد علمی با مقوله الگوها گسترده است.

بررسی میدانی الگوپردازی‌های انجام شده برای کودکان ایرانی حکایت از آن دارد که با وجود سوابق درخشان در طرح الگوهای مختلف در طول تاریخ فرهنگی ایران، در حال حاضر در کنار

بی توجهی زیادی که در زمینه پردازش الگوها بری کودکان، نوجوانان و جوانان وجود دارد، بی توجهی به پردازش هنری، علمی و روان شناختی الگوها از سویی و عدم سرمایه گذاری جدی در این زمینه، در مجموع سبب شده‌اند که الگوهای ایرانی در مقایسه با الگوهای پردازش شده نهادهای تبلیغاتی سرمایه داری، به شکلی بسیار کم فروغی ظاهر گردند.

منطقی (منتشر نشده)، گزارش می‌دهد، در پژوهشی که وی و تنی چند از دانشجویانش در سال ۱۳۹۶ انجام دادند و طی آن الگوهای مورد علاقه ۱۰۰۰ دختر و ۱۰۰۰ پسر ۹-۸ ساله را مورد بررسی قرار دادند، قریب ۹۵٪ این الگوها، الگوهای خارجی هستند که از طریق بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای به آنان ارایه شده است.

به گزارش معاون تولید محتوای شورای عالی فضای مجازی<sup>۱</sup>، میزان بازی‌های دیجیتالی داخلی مورد استفاده کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی، در برابر بازی‌های تولید شده خارجی، بسیار ناچیز هستند. خاصه آن که بازی‌های خارجی با طرح الگوهایی در اوج جذابیت ممکن، در عمل با ایجاد وابستگی در کودکان و نوجوانان کاربر الگوهای اخیر، در حد گسترده‌ای دست به ارایه القائات اقتصادی، سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی به کاربران بازی‌ها، پویانمایی‌ها و کارتون‌های غربی می‌زند.



اگر بحث طرح الگوها و اسوه‌ها برای هدایت و راهنمایی کودکان، نوجوانان و جوانان، با توجه به بصری شدن فرهنگ در حال حاضر، معطوف به کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌ها و سریال‌ها شود، ضعف نهادهای تبلیغاتی ایران در الگوپردازی مناسب برای کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی مشهودتر می‌گردد. به این معنا که اگر چه تاحدود دو دهه قبل، تنها رسانه ملی به عرضه کارتون‌ها و پویانمایی‌ها و فیلم‌های کودکان و نوجوانان اقدام می‌کرد، اما به تدریج با باز شدن پای لوح‌های فشرده حاوی کارتون‌ها و یا فیلم‌های مختلف یا وارد عرصه شدن تبلت و کاربری کودکان و نوجوانان از بازی‌های دیجیتالی و همین طور تسهیل دسترسی به فیلم‌ها و سریال‌های

۱. طبق گزارش آقای خوراکیان (معاون محتوای شورای عالی فضای مجازی) در همایش فضای مجازی دانشگاه فرهنگیان که در شهریور ۱۳۹۷ برگزار شد، ۵٪ از کاربری کاربران ایرانی، بازی‌های داخلی بوده، بقیه کاربری آنان از تولیدهای کمپانی‌های غربی است.

خارجی، گزینه‌های اخیر هر یک قسمتی از وقت کودکان و نوجوانان را معطوف به خود کردند و در ادامه، به صورت جایگزین‌های جدی رسانه ملی مطرح شدند.

کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید سبب می‌شود کودکان و نوجوانان با استفاده از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌های داخلی و خارجی در عمل امکان مقایسه محصول‌های فرهنگی داخلی و خارجی را حداقل به لحاظ عینی (یعنی ابعاد ملموسی مانند گرافیک، صحنه‌های ویژه آن‌ها، تنوع موضوعی و موارد مشابه) به دست آورده، آن‌ها را با هم مورد مقایسه قرار دهند. در بررسی تطبیقی تولیدهای رسانه‌های داخل و خارجی می‌توان بیان داشت، تولیدهای داخل در مقایسه با تولیدهای خارج دارای برخی از نقاط قوت و ضعف هست.

از نظر محتوایی، تولیدهای داخل با توجه نسبی به ارزش‌های انسانی تهیه و تولید می‌شوند، این تولیدها، عموماً ارزش‌گرا، غیرشبهی، غیرمصرف‌گرا و با بار خشونت اندک هستند. مضاف بر این، فرهنگ جمع‌گرای ایران در این محصول لحاظ شده، تلاش می‌شود کودکان و نوجوانان کاربر با روحیه جمع‌گرا بار بیابند. اما تولیدهای خارج از نظر محتوایی، توجه جدی به ارزش‌ها و مسایل انسانی ندارند، ابعاد شبهی، مصرف‌گرا، تجمل‌گرا، رفاه‌طلبی و خشونت در آن‌ها قابل توجه است و در مجموع فرهنگی فردگرا را (که همان فرهنگ غرب باشد) را دامن می‌زنند. تفاوت اخیر یک امتیاز تردیدناپذیر برای تولید رسانه‌های داخل به شمار می‌رود که در برابر ارزش‌های غالباً خنثای محصول‌های رسانه‌های غربی، محصول‌های رسانه‌های داخلی حاوی ابعاد ارزشی و ارزش‌گرا هستند. اما از سویی به سبب سیطره تفکر عینی بر کودکان (و تا حدودی نوجوانان، یعنی تا سن ۱۱، ۱۲ سالگی) که سبب می‌شود، آنان قادر به فهم مفاهیم انتزاعی نباشند و تنها مفاهیم ملموس و عینی را فهم کنند، و از سوی دیگر به دلیل بی‌توجهی در به کارگیری متخصصان امر برای آرایه مفاهیم انتزاعی به صورت عینی برای کودکان و نوجوانان دارای تفکر عینی، نقطه درخشش طرح مسایل ارزشی و انسان‌گرا در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌های داخلی چندان دیده نشده، در برابر کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌های خارجی به سبب توجه به نکات روان‌شناختی لازم در تهیه محصول برای کودکان، گوی سبقت را از محصول‌های تهیه شده در داخل می‌ریابند و شبکه‌های داخلی در مجموع در مقایسه با شبکه‌های خارجی، از آن‌ها عقب می‌افتند.

یکی از دلایل بارز عقب افتادن محصول‌های رسانه‌ای ایران در قیاس با محصول‌های رسانه‌ای خارجی، تنوع موضوعی اندک کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های ایرانی در مقایسه با محصول‌های خارجی است.

اشباع برنامه‌های ایرانی از موضوع‌های دینی، ضعف دیگری است که برخی از کودکان و نوجوانان کاربر، متذکر آن شده‌اند.

ضعف پردازش محصول‌های رسانه‌های ایرانی به لحاظ گرافیکی، جلوه‌های ویژه و آب و رنگ تولیدها، در مقایسه با قدرت گرافیکی، جلوه‌های ویژه و آب و رنگ کارتون‌ها، پویانمایی، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های خارجی، امر مشهودی است که محصول‌های تولید شده در داخل را از منظر مخاطبانش، در سطحی پایین‌تر قرار می‌دهد.

موسیقی متن تولیدهای ایرانی نیز عموماً یک موسیقی ملایم است، در حالی که موسیقی متن برخی از تولیدهای خارجی به شدت هیجان انگیز، تحرک‌بخش و تحریک‌کننده است.



به همین ترتیب در برابر حجم تولیدهای اندک ایران، تولید رسانه‌های خارجی بسیار بیش‌تر و به لحاظ میزان سرمایه‌گذاری، گاهی برای تهیه یک برنامه خارجی (نظیر پویانمایی ظهور نگهبانان)، به اندازه یک سال هزینه ایران در تولید محصول‌های رسانه‌ای کودکان، هزینه صرف می‌شود.

با توجه به این که کودکان (و تاحدودی نوجوانان) از تفکر عینی برخوردارند، به سادگی می‌توان نتیجه گرفت، وقتی کودکان ایرانی در برابر گرافیک کم نظیر و صداگذاری خوب محصول‌های غربی قرار می‌گیرند، یا وقتی آنان در محصول‌های اخیر دایم با ساختمان‌های آسمان‌خراش و ماشین‌های پیشرفته مواجه می‌گردند و یا با تنوع موضوعی کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های خارجی روبرو می‌شوند، یا با شنیدن موسیقی متن کارتون، پویانمایی یا فیلم و سریالی که مشغول کاربری از آن است، به شدت به هیجان می‌آید، ترجیح محصول‌های غربی بر محصول‌های داخلی خیلی دور از ذهن نمی‌نماید، ضمن آن که الگوهای غربی مطرح شده در بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها، با انجام کارهای مجیرالعقولی که به انجام آن مبادرت می‌ورزند، به سادگی کودکان و نوجوانان را جذب خویش می‌سازند.

ساخت سریال‌هایی که گاه به چند صد قسمت می‌رسند (نظیر سریال فرنرز که ۳۲۶ قسمت است)، مخاطبان خود را وارد عرصه‌ای می‌سازد که مخاطب برای ارضای کنجکاوی خویش هم که شده است، نمی‌تواند از پیگیری سریال‌های اخیر به سادگی دست بردارد. مضاف بر این که تولیدهای رسانه‌های خارجی به دلیل آن که خیلی ارزش‌گرا نیستند، ممکن است خود را مجاز بدانند که از مسایل نفسانی در کارتون‌ها و پویانمایی‌های خویش سود ببرند.



تبلیغات طولانی و غیرمرتبط شبکه‌های پویا و نهال و همین‌طور سیمای عامل دیگری در جهت فاصله گرفتن کودکان و نوجوانان از کاربری از شبکه‌های ایرانی هست که در مصاحبه کودکان و نوجوانان دبستانی زیادی مورد اشاره قرار گرفته است.

ضعف‌هایی که درباره الگوهای کارتون، پویانمایی، فیلم‌ها و سریال‌ها در ایران از آن یاد شد، منحصر به تولید اخیر نبوده، عیناً در الگوپردازی سایر نهادهای فرهنگی و یا با صبغه فرهنگی نیز مشاهده می‌گردد. به این معنا که عمده الگوهای پردازش شده برای کودکان، نوجوانان و جوانان، الگوهای مذهبی (اثمه، بزرگان دینی و افراد مذهبی -متعلق به یک جناح خاص-) هستند و پردازش الگوهای اخلاقی، علمی، حرفه‌ای و مانند آن‌ها به محاق سپرده شده‌اند. مضاف بر این الگوهای مذهبی طرح شده برای نوجوانان و جوانان نیز غالباً الگوهایی هستند که هیچ نقص و کاستی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود و از این رو مخاطبان که واجد ترکیبی از خوبی‌ها و بدی‌ها هستند، در برخورد با این الگوها احساس نزدیکی نکرده، به راحتی حاضر به الگوبرداری از آن‌ها نمی‌شوند.

با توجه به آن چه گذشت، ضعف مفرط الگوپردازی برای تمامی اقشار جامعه به شدت احساس شده، باید به عنوان برنامه‌ای مهم و اساسی بدان پرداخت.

عنوان «پردازش قدرتمند الگوها در غرب»، حکایت از ماجرای متفاوت و برعکس دارد، به این معنا که در غرب با شناخت اهمیت الگوها که بسان فانوس‌های دریایی که کشتی‌ها را هدایت می‌کنند، الگوها کشتی وجودی کاربران را به سمت و سوی مورد نظر خویش هدایت می‌کنند. در این قسمت از انبوهی از راهکارهای علمی و ترفندهای روان‌شناختی که سبب می‌شوند الگوهای غربی مخاطبان خود را به سمت و سوی دلخواه دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری هدایت کند، یاد شده است.

با تأمل در الگوهای مطرح شده در فضای رسانه‌ای غرب، مشخص می‌شود که تقریباً تمامی این الگوها (افرادی نظیر باربی، برتزو، السا، مرد عنکبوتی، بن‌تن، بت‌من و مانند آن‌ها برای کودکان و افرادی همچون هری استایلز، نیکیتی منیاز، گومز و نظایر آن‌ها برای نوجوانان و جوانان) در عین

برخورداری از صدا یا ظواهر عینی قابل توجه، از اخلاق، رفتار و منش انسانی بسیار دور هستند و این مسأله حساسیت مضاعف طرح الگو برای کودکان و نوجوانان را به نمایش می‌گذارد.

با بررسی الگوپردازی‌های انجام شده در جریان بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، مشخصاً دو جریان متمایز ملاحظه می‌گردد. جریان نخست جریان الگوپردازی‌های جهان سرمایه‌داری غرب است که در جریان طرح الگوهای خویش، مشخصاً اهداف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاصی را تعقیب می‌کند که به تحکیم، تعمیق و گسترش بیش از پیش اهداف جهان سرمایه‌داری که همان کسب سود است، بینجامد.

جریان بعد، نهادهای مردمی و انسان‌گرایی هستند که در صدد خدمت به جامعه خود و جامعه جهانی برآمده‌اند، اما مقایسه تولیدهای جریان زیر پوشش نهادهای سرمایه‌داری با جریان‌های مستقل و خدمت‌گذار دلالت بر آن دارد که تولیدهای جریان اخیر در برابر انبوه تولیدهای نهادهای زیر پوشش نهادهای سرمایه‌داری و سیاسی غرب، جریانی ضعیف بوده، قابل رقابت با جریان پیش‌گفته نیست. اگر در این قسمت تمرکز بحث روی تولیدهای نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری (و مشخصاً امریکا) باشد، می‌توان اظهار داشت، جریان اخیر اولاً با شناخت دقیق روان‌شناسی کودکان، نوجوانان و جوانان و ثانیاً با در دست داشتن اهداف مشخصی که در صدد تحقق آن‌ها است، کار تولید بازی‌های دیجیتالی، پویانمایی‌ها، کارتون‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های خود را با سرمایه‌گذاری‌های گسترده دنبال می‌کند.

درباره شناخت دقیق روان‌شناسی کودکان دبستانی باید گفت، کودکان اخیر تا حدود ۱۱، ۱۲ سالگی از ویژگی‌هایی نظیر «تفکر عینی»، «دیگرپروی اخلاقی»، «خودمیان‌بینی»، «ظرفیت‌های شناختی و عاطفی محدود» و «نوع‌دوستی فطری» برخوردارند.

نهادهای تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری با توجه به روان‌شناسی خاص کودکان و نوجوانان، با طرح الگوهای مختلفی که در عمل جریانی همسو را تشکیل می‌دهند، می‌کوشند تا از طریق اثرگذاری الگوهای اخیر بر مخاطبانشان، به تحقق اهداف نهایی خویش بپردازند. به این معنا که بازی‌های دیجیتالی، پویانمایی، کارتون‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، با طرح الگوهای مختلف دخترانه و پسرانه در اشکالی بسیار جذاب، پرآب و رنگ و شگفت‌آور، در عمل الگوهای فریبنده‌ای را فراروی کودکان و نوجوانان مطرح می‌سازند که آنان از سویی به دلیل حاکمیت دیدعینی خویش و از سویی دیگر به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی خاصی که از آن برخوردارند (و مثلاً پسران شیفته قهرمانیگری و برتر واقع شدن و دختران شیفته الگوهای جذاب، زیبا و خوش اندام هستند)، بلافاصله جذب الگوهای اخیر می‌گردند.

استفاده بهینه از دستاوردهای روان‌شناختی، بهره‌گیری از ظرایف روان‌شناسانه و استفاده از ظرایف هنری از دیگر تمهیداتی هستند که در جریان طرح الگوهای مورد نظر جهان سرمایه‌داری مد نظر نهادهای تبلیغاتی سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند.

فضای بازی‌ها، پویانمایی‌ها و کارتون‌های تهیه شده توسط نهادهای تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، در غالب موارد فضایی پرهیجان است. به عنوان مثال، در تولیدهای خاص پسران، موجودهای فرازمینی با آمدن به زمین، حیات مردم زمین را تهدید می‌کنند و یا جنگ و گریز بین انسان‌ها و زامبی‌ها در بازی‌ها در جریان است و یا آن که در سطحی دیگر، تعقیب و گریزها از موجودهای فرازمینی و هیولاها، به جنگ و گریز انسان‌ها با یکدیگر بدل می‌شود.

الگوهای مطرح شده در تولیدهای خاص دختران نیز با به نمایش نهادن انبوهی از جذابیت‌ها در آرایش، پوشش، مصرف‌گرایی، تنوع‌طلبی و زیبایی‌های غیرمتعارف الگوها (نظیر اندام باری، چشم‌های برتز و بدن‌های جراحی و پروتز شده بسیاری از زنان هنرپیشه و خواننده غربی)، دختران کاربر را در تب و تاب تعقیب الگوها، مقایسه هیجانی خود با الگوها و تحولات پی‌درپی آرایشی و پوششی الگوها قرار می‌دهند و دختران کاربر در شرایط اخیر دیگر فرصتی برای اندیشه و اندیشه روزی و تأمل درونی در خود نمی‌یابند.

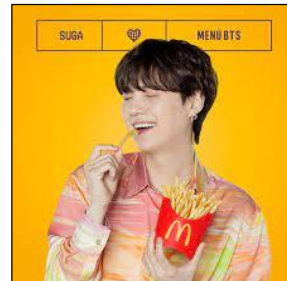
یکی از ویژگی‌های مهم مورد توجه ارایه کنندگان الگوهای اخیر، سوءاستفاده از روح نועدوست و خیرخواهی درونی کودکان و نوجوانان است، به این معنا که الگوهای پردازش شده اخیر، غالباً به این صورت در بازی‌ها، کارتون‌ها و پویانمایی‌ها ارایه می‌گردند که در صدد نجات انسان‌ها و بشریت برآمده‌اند و با افراد و نیروهایی که در تلاش برای هدم و نابودی انسان‌ها و بشریت هستند، می‌جنگند. کودکان خردسال از سویی با تداوم کاربری از الگوهای دخترانه و پسرانه‌ای که نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری برای آنان تدارک می‌بینند و از سوی دیگر با ملاحظه مکرر برخوردهای هیجان‌مدار موجود در بازی‌ها، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها، کارشان به آنجا می‌انجامد که حل هیجان‌مدار مسایل را عادی پنداشته، رویه و روش حل هیجان‌مدار مسایل مختلف را پیشه خود می‌کنند.

پیشی گرفتن الگوهای پرآب و رنگ تهیه شده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، از محدود الگوهای طراحی شده داخل، سبب می‌گردد کودکان و نوجوانان با استقبال از الگوهای اخیر، در گروه‌های خویش به کسانی که نسبت به پذیرش الگوهای غربی از خود پذیرش نشان نمی‌دهند و یا کاربر وسایل منتسب به آنان نیستند، با دیده نفی و انکار بنگرند و به آن‌ها فشار وارد آورند تا آنان نسبت به پذیرش الگوهای مزبور و یا کاربری از وسایل منتسب به آنان اقدام کنند.

در ادامه کاربری کودکان و نوجوانان از الگوهای مطرح شده برای آنان، کودکان و نوجوانان شاهد تغییر و تحول‌های متعددی در بازی‌ها، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های خاص خویش هستند که مانع از تکراری شدن الگوها و افتادن آن‌ها از چشم کاربران می‌گردند.

با تکرار الگوهای طراحی شده در اشکالی متنوع و متفاوت برای کودکان و نوجوانان، دلبستگی آنان به این الگوها که غالباً از صدای زیبا یا فیزیک بدنی قدرتمند و توانایی‌های شگفت‌آور و خارق‌العاده‌ای برخوردارند و یا از جذابیت زنانه بیش از اندازه‌ای برخوردار هستند، گاهی به آنجا می‌رسد که به این الگوها همپای اولیایشان و یا حتی بیش‌تر از آنان علاقه‌مند گشته و آنان را دوست می‌دارند.

الگوهای دخترانه و پسرانه در حالت اخیر، ضمن ارایه سبک زندگی غربی به کودکان و نوجوانان کاربر، به تدریج با طرح ارزش‌های خاصی، نظام ارزشی کودکان را به گونه‌ای شکل می‌دهند که منطبق با نظام ارزشی الگوهای مورد علاقه‌شان بوده، فردگرایی، دنیاگرایی، مصرف‌زدگی و لذت‌جویی را در صدر نیازهای خویش احساس کنند.





از سوی دیگر تداوم فضای هیجان مدار الگوهای دخترانه و پسرانه به آنجا می‌انجامد که در پسران و دختران کاربر الگوهای پردازش شده نهادهای تبلیغاتی دنیای سرمایه‌داری، برخی از حساسیت‌زدایی‌ها پدید می‌آید. به این معنا که پسران در ارتباط با محتوای پرخشونت و شهوی، حساسیت‌زدایی شده و دختران نیز در برخورد با محتوای مصرفی و شهوی، حساسیت خود را به تدریج از دست می‌دهند و به این ترتیب، کودکان و نوجوانان عاطفی، رقیق‌القلب و نودوست، به تدریج با مشاهده مضامین پرخاشگرانه و فوق پرخاشگرانه (الگوهای پسرانه) یا مصرف‌زدگی و رفتار شهوانی (الگوهای دخترانه)، از توجه به دیگران غفلت ورزیده، با سبک زندگی جدید و نظام ارزشی خاصی که یافته‌اند، معطوف به نیازها و هوا و هوس خود گردند.

به هر صورت کودکان و نوجوانان کاربر که از الگوهای طراحی شده نهادهای تبلیغاتی سرمایه‌داری تغذیه کرده و به تدریج بزرگ می‌شوند، با رسیدن به دوران خودپیروی اخلاقی و تفکر انتزاعی، اگر چه یادگیری‌های پیشین در مورد برخوردهای پرخاشگرانه یا پر از عشوه و ناز خود را کنار می‌گذارند، اما بازی‌ها و فیلم‌های پرخاشگرانه پسرانه یا بازی‌ها و فیلم‌های مبتنی بر ستایش جذابیت و زیبایی زنانه، در ذهن آن‌ها ترس از جهان واقع و یا تحقیرشدگی در برابر عرضه جذابیت‌های غیرمتعارف الگوهای زنانه را نهادینه ساخته‌اند. بنابراین کاربران خردسال پیشین و بزرگسال بعدی، با کنار نهادن پرخاشگری و یا داعیه‌های برتری‌جویی خویش، با این نگاه که آن‌ها در جهانی پررعب زندگی می‌کنند و در نهایت می‌توانند در خدمت قدرت و یا چهره‌های فوق جذابی باشند که در بازی‌ها و کارتون‌ها شاهد آن‌ها بوده‌اند، سعی می‌کنند تنها به بیرون کشیدن گلیم خودشان از آب پردازند و در نهایت با مصرف‌زدگی و زندگی شهوی که در آن‌ها نهادینه شده است، سر خودشان را گرم سازند و به این ترتیب در عمل بسان رباتی عمل کنند که ایده‌آل جهان سرمایه‌داری است، زیرا جهان سرمایه‌داری با به فراموشی سپردن ابعاد انسانی و اخلاقی، تنها به افزایش سود خود می‌اندیشد و سود اخیر تنها در شرایطی به دست آمده و حاصل می‌گردد که انسان‌ها دنبال آزادی، استقلال و روحیه انقلابی نباشند که تصمیم به زیر سوال بردن نظام سرمایه‌داری یا شورش علیه آن را بگیرند، بنابراین بازی‌های دیجیتالی، پویانمایی‌ها، کارتون‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای با نهادینه کردن

خطامشی‌هایی که به مرعوب شدن کاربران انجامیده، آنان را تشویق به مصرف بی‌حد و حصر می‌سازد، تحقق حداکثر سود مورد علاقه جهان سرمایه‌داری را برای این نظام میسر می‌سازد. نکته مهمی که در پردازش الگوها باید بدان توجه کرد، جهت‌گیری ارزشی الگوها است. به تعبیر دیگر همان‌گونه که قرآن از الگوهای حسنه و سیئه سخن می‌گوید، الگوها ممکن است در نهایت واجد آثار ارزشی مثبت یا منفی در کاربران‌شان باشند. بالطبع الگویی نظیر پرفسور حسابی که در تمامی عمر از آموختن و آموزش دادن و تلاش برای رفاه و سعادت مردم کشورش فروگذاری نکرد، الگویی ارزشی و مثبت و الگوهایی که سمبلی از هوسناکی و مصرف‌گرایی را در خود به معرض دید می‌گذارد، واجد ارزش‌هایی منفی است.

اما در میان الگوهای منفی هم می‌توان مراتبی قابل شد. به این معنا که برخی از الگوهای نامناسب تنها هوسناکی و مصرف‌گرایی را در خود به معرض دید می‌گذارند، اما الگوهای دیگری هستند که ارزش‌های نامناسب مضاعفی را به هوادارانشان انتقال می‌دهند. به عنوان مثال، الگویی نظیر بت‌من در عین به نمایش کشیدن خشونت و گرایش‌های شهوانی، در روند تحول و تطور فیلم‌های خودش از فردی که نسبت به قانون تمکین دارد تبدیل به فردی می‌شود که با پشت پا زدن به قانون، شخصاً در صدد اجرای عدالت مورد نظر خویش برآمده با شکنجه دادن و کشتن افراد به اصطلاح خاطی، اهداف خویش را پی می‌گیرد. به شکل مشابهی الگویی نظیر پویان مختاری که در عین به نمایش نهادن هوا و هوس‌های خویش، در عمل مبلغ اوجی از مصرف‌گرایی است و مضاف بر همه این‌ها با دعوت هوادارانش به شرکت در سایتهای شرط بندی و قمار سرمایه آنان را به باد فنا داده، آنان را ورشکسته می‌کند، ارزش‌های نامناسب مضاعفی را به هوادارانش انتقال می‌دهد.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی، اگر الگوهای نامناسب معمول را الگوهای منفی بنامیم، الگویی نظیر بت‌من و پویان شایسته نام‌گذاری الگوهای ویرانگر هستند.

بنابراین با تعریف الگوهای ویرانگر یا مخرب مبنی بر این که الگوهای ویرانگر، اصطلاحاً به الگوهایی گفته می‌شود که در عین القائات خویش در بی‌قیدی، نفع‌طلبی، هواپرستی و خودخواهی، در عمل هواداران خویش را وارد عرصه‌ای از هنجارشکنی و توهم می‌سازند که پس از گذشت مدتی، با آشکار شدن نتایج هنجارشکنی‌ها و یا رفع توهم زندگی، نتیجه آن آسیب، خسران و تحسری است که گریبان هواداران الگوهای مخرب را می‌گیرد، بحث الگوهای ویرانگر بومی را در اثر حاضر پی می‌گیریم. اگر بحث الگوهای ویرانگر، بیش‌تر به الگوهای مخرب بومی منحصر شود، می‌توان بیان داشت، زندگی و عملکرد افرادی مانند پویان مختاری، میلاد حاتم‌آبادی (حاتمی)، امیر مقصودلو (تتلو)، ساسی مانکن، ساشا (محمدجواد) سبحانی، داود هزین (غفاری)، حصین، خشایار اس آر، نیلی افشار، دنیا جهان‌بخت، ندا یاسی، ریحانه پارسا و مانند آن‌ها حکایت از آن دارد که افراد اخیر (به جز برخی که ته صدایی دارند) فاقد هر گونه هنری هستند و نهایت کار آنان، حاشیه‌پردازی، ایجاد سایت شرط‌بندی

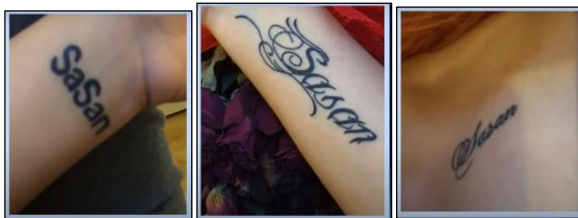
و قمار، فریب دختران و انتقال آنان به ترکیه<sup>۱</sup> و سوءاستفاده از آنان، پیشنهاد چالش‌های بعضاً شرم‌آور و هنجارشکن، برگزاری لایوهای نامناسب (در مردان) و تراشیدن بدن با جراحی‌های مختلف و حاشیه‌پردازی (نظیر پناه بردن از آغوش این شاخ مجازی به آغوش آن سلبریتی، اقدام به خودکشی تصنعی- در دنیا جهان بخت<sup>۲</sup>- یا پخش تصاویر نیمه برهنه خویش و ادعای شرکت در فیلم‌های پورن- در ریحانه پارسا-) در زنان است

۱. لازم به توضیح است، با دستگیر شدن میلاد حاتمی و انتقال وی به ایران، شاخ‌های مجازی که ترکیه را محل امنی برای فعالیت‌های خویش می‌دانستند، احساس خطر کرده و سعی در جابه‌جایی به دیگر کشورها، خاصه کشورهای اروپایی، کردند تا در پوشش سیاسی آنان به اقدام‌هایشان ادامه دهند و هرگز نباید تصور کرد با دستگیر کردن یک یا چند نفر از این دست افراد و یا حتی ترور آنان، جریان الگوهای ویرانگر به بن‌بست خواهد رسید، بلکه این جریان پس از وقفه موقت ایجاد شده، در کشورهای غربی با قدرت و شدت بیش‌تری تداوم پیدا خواهد کرد و راز و رمز نجات نوجوانان و جوانان از دست این الگوهای ویرانگر، سرمایه‌گذاری‌های لازم و در عین حال بسترسازی‌های فرهنگی- اجتماعی مورد نیاز برای نسل جوان، در سطح داخل است.

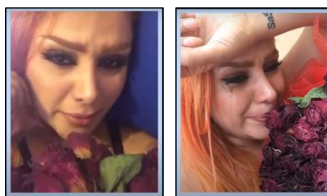
۲. دنیا جهان‌بخت یکی از چهره‌های اینستاگرامی مورد توجه کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی است.



یکی از اتفاق‌هایی که در دیده شدن و کسب فالوور بسیار زیاد توسط او در اینستاگرام تأثیر گذار بود و بسیاری او را با این اتفاق شناختند مسایل مطرح شده توسط او درباره رابطه عاطفی‌اش با ساسان (ساسی مانکن) خواننده سبک مشهور سبک پاپ و رپ است. البته شناخت او نه به دلیل رابطه با ساسان، بلکه به دلیل حواشی بعد از اتمام رابطه او با ساسان بود. او بعد از رابطه با ساسان اسم او را در چند قسمت از بدن خود خالکوبی کرد و عکس و فیلم این خالکوبی‌ها را پخش کرد.



در پی این صحبت‌ها و حواشی دنیا جهان‌بخت ویدیوهایی از خود منتشر می‌کرد که در حال گریه است و انتشار این عکس‌ها و ویدیوها را به مثابه درد و دل با دنبال کنندگان خود می‌دانست.

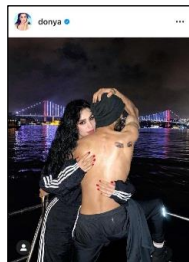


دنیا در ویدیوی دیگری که از خود منتشر کرد با یک روسری در حال خفه کردن خود در یک تماس آنلاین با هواداران خود بود. که این ویدیو بسیار خبرساز شد و عده زیادی به آن واکنش نشان دادند و حتی کلیپ‌ها طنزی در مورد آن ساخته شد و در فضای مجازی پخش شد.



اما هرچند که این عکس‌العمل‌ها از طرفی در جهت انتقاد و مسخره کردن او بود، اما به افزایش دنبال کنندگان او انجامید. بعد از چند روز کشمکش و حاشیه همه این مسایل و صحبت‌ها به راحتی پایان پذیرفت و دنیا جهان‌بخت با چند پست از ساسان عذرخواهی کرد! که خود می‌تواند نشانه ساختگی بودن تمامی حواشی باشد.

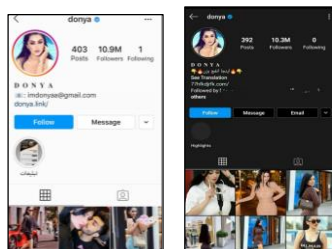
در طول این سال‌ها دنیا جهان‌بخت با افراد پرمخاطبی همچون ساسی مانکن، تتلو، پویان مختاری، مونتیگو و مهرداد جم ارتباط برقرار کرده است. این ارتباط‌های عاطفی در اوایل بسیار پرشور هستند و هر دو طرف علی‌الخصوص دنیا جهان‌بخت تلاش زیادی در نشان دادن عمق این رابطه و گفتارها و جملات عاشقانه دارند و در نهایت بعد از مدت کوتاهی پایان می‌پذیرند (همان‌گونه که ارتباط وی در حال حاضر با پدر فرزندش هم قطع شده است).



جهان‌بخت در سال ۹۵ و در گفت‌وگو با سینا ولی‌الله گفت، قبول دارد که تا به این لحظه کار خاصی در فضای مجازی نکرده است و قصد دارد در ادامه فعالیتش در اینستاگرام از بستر چند میلیونی فراهم آمده برای او که در آن زمان ۲/۴ میلیون نفر دنبال کننده بود بهتر استفاده کند و فضای پیجش را مفید کند.



او در همین مصاحبه خود اقرار کرد که محتوای پیج او تنها عکس‌های او است و مطلب سازنده یا مفیدی در این پیج وجود ندارد. او در مورد فضای پیجش در این برنامه اعلام کرد که در بخش کامنت‌ها بسیار از نوجوانان با هم آشنا می‌شوند و وارد رابطه می‌شوند و این به شکلی است که عده‌ای تنها صفحه من را برای رسیدن به پارت‌تر خود دنبال می‌کنند. دنیا جهان‌بخت در آن زمان ۲/۴ میلیون دنبال کننده داشت، امروز بعد از گذشت ۴ سال این عدد به ۱۲/۴ میلیون دنبال کننده رسیده است که در بین صفحات ایرانیان در اینستاگرام عددی بسیار زیاد است.



فاصله بین دو تصویر بالا از نظر زمانی ۳ ماه است.

عکس سمت راست در مهر ۱۳۹۹ و عکس سمت چپ در دی ماه ۱۳۹۹ گرفته شده است. اما فاصله تعداد دنبال کنندگان در این دو تصویر چیزی در حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر است که این خود حتی در فضای بین‌المللی اینستاگرام هم عدد قابل توجهی است.



میزان بازدید و دنبال کنندگان صفحه دنیا جهانبخت زمینه را برای تبلیغات او چه در زمینه سایت شرط‌بندی چه در زمینه تبلیغات دیگر مهیا کرده است، به گونه‌ای که دنیا جهانبخت در صفحه شخصی خود تعرفه تبلیغات را برای متقاضیان مطرح کرده است که با توجه به آن مشخص می‌شود که تبلیغات معمولی در صفحه او از ۲۰۰۰ دلار تا ۵۰۰۰ دلار هزینه دارد.



اخیرا دنیا جهانبخت در یک استوری و پست در صفحه شخصی اش اعلام کرد که از مهراد جم حامله است و یک صفحه برای کودک خود درست کرده است. این صفحه در عرض سه روز پس از راه‌اندازی از نظر تعداد دنبال کننده به عدد ۱۵۳ هزار دنبال



با تأمل در سایر چهره‌های اینستاگرامی ایرانی که در حال حاضر هم به شدت مورد توجه اقشار مختلف اجتماعی، خاصه نوجوانان و جوانان هستند، می‌توان به اطلاعات و روند نسبتاً مشابهی رسید که این مسأله در رمزگشایی روان‌شناسی اجتماعی نسل‌های جدید ایران راهگشا خواهند بود.



برخی از هواداران با تأمل در فالورهای چند میلیونی افراد اخیر (که در عمل به سبب سرازیر کردن تبلیغات در صفحه آنان، آن‌ها را به پول، شهرتی کاذب و یک زندگی لاکچری رسانده است، ممکن است پیش خودشان تصور کنند آنان نیز با پا نهادن در جای پای سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی اخیر، می‌توانند با تراشیدن بدن خود، انجام چالش‌های هیجان انگیز و مانند آن‌ها، بتوانند نگاه انبوهی از کاربران فضای مجازی را معطوف به خود کرده، با افزایش لایک‌ها و فالورهایشان به همان زندگی لاکچری که امثال پویان مختاری و میلاد حاتمی به نمایش آن می‌پردازند، برسند، حال آن که چنین تصویری خطا است و امکان آن که ده‌ها هزار نفر با تراشیدن بدن و برگزاری چالش‌های مختلف بتوانند فالورهای چند میلیونی به دست بیاورند، نزدیک به صفر است، مگر آن که در گامی فراتر از الگوهای ویرانگر پیشین (نظیر ریحانه پارسا که با نشر تصاویر نیمه عریان خویش، وعده بازی در فیلم‌های پورن را داد که برخی از علاقه‌مندان به حاشیه‌سازی‌ها، سرزدن به صفحه وی را نیز پی گرفتند) رفتارهای هنجارشکن‌تری را از خود به معرض دید بگذارند تا شاید در این مسیر نگاه‌های (کنجکاو و هوسناک) برخی از کاربران متوجه آنان نیز شده، آن‌ها با افزایش فالورهایشان به پول و زندگی لاکچری برسند.



پس از ارایه تعریف الگوهای ویرانگر، در عنوان «بررسی اثرهای مختلف الگوهای مخرب بر هواداران»، با استناد به مصاحبه‌های انجام شده اثرهای مختلف الگوهای مخرب بر هوادارانشان ذیل عناوین فرعی: اثرهای زیستی، روانی - تربیتی، فرهنگی - اجتماعی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، زیباشناختی و خانوادگی مورد بحث قرار خواهند گرفت.

## اثرهای الگوهای مخرب بر کاربران

با توجه به مضامین ارائه شده از سوی دانش‌آموزانی که مصاحبه‌های آن‌ها در فصل پیش درج شد، می‌توان از اثرهای مختلف الگوهای ویرانگر بر کاربرانشان یاد کرد. این اثرها به قرار زیر هستند:

- اثرهای زیستی،
- اثرهای روانی - تربیتی،
- اثرهای فرهنگی - اجتماعی
- اثرهای آموزشی،
- اثرهای اخلاقی - عقیدتی،
- اثرهای اقتصادی،
- اثرهای سیاسی،
- اثرهای زیباشناختی،
- و اثرهای خانوادگی.

در ادامه، با استناد به مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دختر و پسر دبستانی، در عنوان‌های مورد اشاره، بحث خواهد شد، اما در این قسمت باید به دو نکته اشاره داشت.

نکته اول این که اگر چه غالب اثرهای الگویی درج شده در مصاحبه‌های صورت پذیرفته، منفی است، اما نباید تصور کرد، الگوها نمی‌توانند واجد تحول‌آفرینی‌های مثبت، مؤثر و انسانی باشند. انتخاب و پردازش الگوهای مناسب، حلقه مفقوده نهادهای تبلیغاتی داخل است که باید به جدّ بدان پرداخت.

نکته دوم، تذکر گسترده وسیع‌تر اثرگذاری الگوهای ویرانگر است. به این معنا که در قسمت جمع‌بندی کتاب، استندهای انجام شده، صرفاً از مصاحبه‌های انجام شده، صورت پذیرفته است و به دلیل محدودیت مصاحبه‌های اخیر و کم عمق بودن برخی از آن‌ها (که به دلیل بی‌بهره بودن پژوهش از هیچ حمایت مالی و امکاناتی بوده است)، همه ابعاد و وجوه اثرگذاری الگوهای ویرانگر ترسیم نشده‌اند.

### ۱-۳- اثرهای زیستی الگوها

کودکان، نوجوانان و جوانان برای چه‌گونه بودن و شدن خویش نیازمند الگوهایی هستند که بدان‌ها مسیر چه‌گونه بودن و چه‌گونه شدن را بیاموزند، اما باید توجه داشت، الگوها می‌توانند خوب یا بد باشند. بالطبع اگر الگوهای مورد توجه کودکان، نوجوانان و جوانان خوب و مناسب انتخاب شده

باشند، این الگوها می‌توانند کاربران خویش را به درجات بالای انسانی سوق داده و هدایت کنند، اما اگر الگوهای مورد نظر، الگوهای مناسبی نباشند، این الگوها می‌تواند خطرآفرین باشند.

با بررسی الگوهای مطرح شده در مصاحبه‌های انجام شده دانش‌آموزان دختر و پسر دبستانی، مشخص می‌شود که متأسفانه غالب الگوهای انتخابی کودکان و نوجوانان مورد اشاره، الگوهای داخلی نبوده، الگوهای ساخته و پرداخته آن سوی آب هستند. البته در مورد اسوه‌ها و الگوهای اخیر لازم به یادآوری است، الگوهای مطرح شده در غرب، منتجه فعالیت‌های گروه‌های مردمی و انسان‌گرا یا دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری هستند که البته الگوهای پردازش شده توسط گروه‌های مردمی و انسان‌گرا، غالباً الگوهای خوب و مناسبی هستند، اما به سبب آن که سرمایه و امکانات در دسترس دستگاه‌های تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، بسیار بیش‌تر از امکانات جریان‌های خودجوش مردمی است، وجه غالب تولید کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌ها در غرب، متعلق به دستگاه‌های تبلیغاتی دنیای سرمایه‌داری است که بالطبع محتواهای تهیه شده اخیر، در صدد تحقق اهداف همین دنیا هستند.

جهان سرمایه‌داری از سویی برای افزایش فروش خویش و از سوی دیگر برای ممانعت از تربیت انسان‌های آزاده‌ای که ممکن است با انقلاب خویش، پایه‌های جهان سرمایه‌داری را متزلزل کنند، می‌کوشد تا از طریق الگوهای ساخته و پرداخته خود، کودکان، نوجوانان و جوانان را از سویی به سمت مصرف بیش‌تر و هر چه بیش‌تر سوق دهد و از سوی دیگر با وارد کردن آنان به دنیای شهوات، دوری آنان از معنویت، معنویت‌گرایی و طغیان علیه ریشه‌های ظلم و جور را فراهم آورد که این دو با طرح الگوهایی در اوج مصرف‌گرایی و شهوت‌گرایی امکان‌پذیر است. البته مکمل تبلیغات اخیر، الگوهای پرخشونت و جنایتکاری هستند که با رفتارهای پرخاشگرانه و فراپرخاشگرانه خویش، جهان را در منظر کاربران خویش چنان پر رعب می‌نمایانند که آنان برای پرهیز از رعبی که وجود آنان را فرا می‌گیرد، با پناه جستن به همان مصرف‌گرایی و شهوت‌رانی، سعی در تخفیف آلم و ترس‌های درونی خویش می‌کنند.

دانش‌آموزان دبستانی مصاحبه شده، در توصیف اثرهای زیستی که الگوهای مورد علاقه آنان، در عمل برایشان رقم زده‌اند، از موارد زیر یاد کرده‌اند:

- بلوغ زودرس،
- گرفتن رژیم‌های مفرط و پرخطر،
- آسیب‌های فیزیکی و زیستی در جریان تکرار رفتارهای الگوها،
- و سایر آسیب‌های جسمانی.

## بلوغ زودرس

کاربری از برخی کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌ها توسط کودکان و نوجوانانی که بلوغ زیستی خویش را تجربه نکرده‌اند، به سادگی می‌تواند بلوغ زودرسی را برای آنان رقم بزند. زیرا مطالعات انجام شده حکایت از آن دارند که برخورد با متن‌ها، تصاویر و فیلم‌های تحریک‌کننده، در تسریع و زودرس بلوغ جنسی افراد ذی‌نقش و مؤثر است (منطقی، ۱۳۹۹ الف).

کودکان و نوجوانان با انجام بازی‌هایی نظیر به دنیا آوردن نوزاد یا برخورد با الگوهای غربی که همواره جنس مخالفشان در کنارشان هست و یا با ملاحظه این که مثلاً در پویانمایی معجزه‌گر، دختر کفش دوزکی و پسرگره‌ای از هر فرصتی برای بوسیدن یکدیگر سود می‌برند، به سادگی می‌توانند در تسریع بلوغ کاربران مؤثر واقع آیند.

البته الگوهای ویرانگری که از برخی از آن‌ها یاد شد (و البته به دلیل ایرانی بودنشان، کاربر ایرانی احساس نزدیکی بیش‌تری به آن‌ها دارد)، با برگزاری برخی از چالش‌ها و لایوهایی که آشکارا رنگ و بوی جنسی می‌دهند، در تحریک مخاطبان خویش به شدت مؤثر عمل می‌کنند.



ستایش ۱۰ ساله و امیر ۱۱ ساله در مصاحبه‌های خود از کاربری کارتون‌ها و پویانمایی‌هایی یاد کرده‌اند که به دلیل ویژگی تحریک‌کننده بودنشان، در تسریع بلوغ زیستی کودکان و نوجوانان کاربر مؤثر واقع می‌آیند.

«گفتی کارتون دختر کفشدوز کی می‌بینی، چه چیزی توی این کارتون تو رو جذب می‌کنه؟  
خب خیلی باحاله دیگه...»

– خوب می‌تونی بگی باحاله، یعنی چه طوری هست؟

دختر کفشدوز کی خیلی خوش‌هیكله و خوشگله، بعد تو هر قسمتش باید یه مأموریت انجام بده،  
و از طرفی از گربه‌ی سیاه هم خوشش میاد.

– خوش‌هیكل یعنی چه طوری هست؟

خب قدش بلنده و اصلاً شکم نداره و کمر باریکی داره، منم خیلی کم غذا می‌خورم، همه بهم  
می‌گن خیلی خوش‌هیكلم و نباید زیاد بخورم که چاق بشم.

– می‌شه بهم بگی گربه‌ی سیاه کی هست؟

یه پسره هست که عاشق دختر کفشدوزکی می‌شه، و خب این عشق‌شون خیلی قشنگه، وقتی هم که با هم دوست می‌شن، همه‌اش همدیگه رو بوس می‌کنن و واقعاً قشنگه».

«می‌شه بگی فلش کیه و چه کار می‌کنه که این قدر دوستش داری؟»

یه پسره اس که سرعت داره، هم خوشگله هم با استعداد، فقط لباسش رو هنوز مغازه‌ها نیاوردن، چون برنامه کودک نیست، برنامه بزرگ‌تره هست.

- خوب تو چرا نگاهش می‌کنی؟

منم بزرگم دیگه.

- چرا فکر می‌کنی مال آدم بزرگ‌ها هست؟

چون توش عشق و عاشقی هم داره، مثلاً بوس و لاو ترکوندن و اینا.

- لاو ترکوندن چی هست؟

یعنی عاشق یه دختر می‌شه، براش همه کار می‌کنه، حواسش بهش هست و جشن و اینا دارن و خلاصه همینا دیگه».



## گرفتن رژیم‌های مفراط و پرخاطر

برخی از کاربران با الهام از الگوهای ویرانگر، در صدد برمی‌آیند تا اندام خویش را با گرفتن رژیم‌های مفراط، به شکل اندام مدل‌هایی درآورند که شاید روزی بیش‌تر از یک سیب مصرف نمی‌کنند (و در ادامه با آغشتن پنبه به آب پرتقال، معده خویش را پر کرده، از تشنج آن می‌کاهند). مصاحبه‌آیدای ۱۲ ساله، نمونه‌ای از رژیم‌های نوجوانان هوادار الگوهای مخرب را به معرض دید می‌گذارد.

آیدا در مصاحبه خود نه تنها از اقدام خود به رژیم گرفتن حرف می‌زند، بلکه یادآور شده است، دوست دارد از خانواده خود جدا شده، خانه مجردی داشته باشد و با کنار نهادن درس، بلاگر شده، کلی پول درآورد:

«... من چند شب شام نخوردم، به خاطر همین بابام دعوا کرد باهام.

- دلیل خاصی داشت که شام نمی‌خوردی؟

- چیز مهمی نبود، راستش فقط با سارا قرار داشتیم که یه مدت خیلی کم غذا بخوریم، دیگه بعد

از چند شب مامانم به بابام گفت، اونم عصبانی شد که این‌جوری مریض می‌شی و کار می‌دی دستم.

- خوب می‌شه بگی چرا همچین قراری گذاشتید؟

آخه چیزی نبود، سارا یه عکس از جی جی حدید برام فرستاد، ما هم خیلی از هیکل جی جی حدید خوشمون اومد، بعد قرار گذاشتیم که هیکل مون شبیه به اون بشه، دیگه گفتیم شام و اینا نخوریم، این جوری توی مدرسه خیلی شاخ می‌شدیم، تازه من هی حس می‌کنم، هیکلم خوب نیست.

- یعنی چی؟

خب راستش مثلاً همون جی جی حدید خیلی خوش‌هیکله، این جوری لباسا هم به نظر خیلی قشنگ‌تر میان.

- خوب آخرش چی شد؟

هیچی دیگه، بابام نداشت، منم حوصله بحث و اینا رو نداشتم، بی‌خیالش شدم. کلی هم جلوی سارا خجالت کشیدم که نتونستم این کار رو بکنم، به خاطر همینه می‌گم، دوست دارم یه خونه برای خودم داشته باشم».

### آسیب‌های فیزیکی و زیستی

کودکان و نوجوانانی که در جریان کاربری از فناوری‌های دیجیتال، بی‌تحرك یا کم‌تحرك باقی می‌مانند، به شدت مستعد چاق شدن هستند. از سوی دیگر بازاریابی‌های صورت گرفته روی چگونگی مصرف کودکان مخاطب فناوری‌ها، اسباب تشویق آنان را در جهت مصرف مواد غذایی با چربی و قند بالا، فراهم می‌آورد.

کولپ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰)، در همین رابطه با طرح مفهوم Advergaming (تبلیغات صورت گرفته در جریان بازی) دست به بررسی ۲۹۰ صفحه وب و ۲۴۷ بازی در ۱۹ سایت اینترنتی زدند. بررسی پژوهش‌گران اخیر نشان داد که شرکت‌های مختلف تولید کننده، برای تحت تأثیر قرار دادن کودکان، تبلیغات خود را به شکل مستقیم و غیرمستقیم در بازی‌های یا الگوهای مورد علاقه کودکان قرار می‌دهند تا به این ترتیب آنان را تحت تأثیر قرار داده، از آنان برای خود یک مشتری دائمی بسازند. از این رو ضرورت دارد که متخصصان مراکز بهداشتی به این موارد جدید که در لفافه بازی، مواد غذایی با قند و چربی بالا را برای کودکان تبلیغ می‌کنند، توجه کنند.





گذشته از سوءاستفاده‌های اخیر که بعضاً ضمن تغییر ذائقه بومی کودکان و نوجوانان، اسباب چاقی آنان را فراهم می‌آورند، کودکان و نوجوانان کاربر الگوهای ویرانگر، در مصاحبه‌های خویش بعضاً بیان داشته‌اند که آنان در جریان الگوبرداری از الگوهای مورد نظر خود یا در محیط خویش آسیب‌های فیزیکی ایجاد کرده‌اند و یا در اثر علاقه به الگوها و کاربری مفرط از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های آنان، دچار آسیب‌های زیستی شده‌اند. به عنوان نمونه، برخی از کاربران گزارش کرده‌اند که در جریان تکرار اعمال الگوهای نظیر بت‌من، اسپایدرمن و مانند آن‌ها، هنگام پریدن از یک ارتفاع (نظیر بت‌من) یا تلاش برای بالا رفتن از یک دیوار (نظیر مرد عنکبوتی)، موفق به پریدن یا بالا رفتن از در و دیوار نشده و به جای آن زمین خورده و زخمی شده‌اند.

رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد، وی با نانچیکو وسیله دکوری مادر را شکسته است. محسن ۸ ساله هم خاطرنشان ساخته است، چشم‌هایش در اثر کاربری زیاد از بازی‌ها، دچار آسیب شده‌اند. امیرحسین ۱۰ ساله هم از بهم خوردن ریتم خوابش در اثر کاربری مفرط از بازی‌ها یاد کرده و سرانجام رضا در ادامه مصاحبه‌اش، خاطرنشان می‌سازد، در اثر اضطراب زیادی که در بازی می‌یابد، به مواردی نظیر جویدن لب‌ها و زخمی کردن آن‌ها متوسل می‌گردد.

«- شده حالا به جز کارتون مرد عنکبوتی، وقتی کوچیک‌تر بودی، کارتونی بینی و بخوای مثل اون شخصیت کارتون رفتار بکنی؟

آره من کارتون لاکپشت نینجا رو دوست داشتم، تازه نانچیکو هم خریدم.

- نانچیکوی اسباب بازی؟

اولش آره، ولی واقعیش دارم، الآن ۳ تا نانچیکو دارم، یکی اسباب بازی که پلاستیکی و سبکه، ولی دوتای دیگه هم دارم، یه چوبی یه فلزی، سنگینم هست.

- خوب مگه بلد بودی از نانچیکو استفاده کنی که اون رو خریدی؟

نه، ولی خوشم می‌اومد.

- واقعیش رو از کجا خریدی؟

از لوازم ورزشی.

- مامان و بابات موافق بودند؟

نه، می‌گفتن می‌زنم تو سرم، سنگینه به دردم نمی‌خوره، ولی راضی‌شون کردم.

- چه جوری راضی کردی؟

همه‌اش هر روز می‌گفتم.

- پس برای این که دیگه نگی، برای تو خریدند؟  
آره.

- خوب در جریان استفاده از اون خودت آسیب ندیدی؟

چرا اون اول همه‌اش می‌زدم این‌ور اون‌ور، ولی الان بلام تند تند برم، بچرخونم و از زیر پام رد کنم.

- شده بود به خودت با نانچیکو آسیبی هم بزنی؟

آره، گاهی توی بازی اشتباهی اون رو می‌زدم به خودم.

- شده وقتی داری با نانچیکو بازی می‌کنی، به وسیله‌ای هم آسیب بزنی؟  
آره، یه وسیله دکوری مادرم رو شکوندم.

«- خیلی بازی می‌کنی؟

خیلی دوس دارم، ولی خیلی بازی نمی‌کنم.

- چه قدر بازی می‌کنی؟  
نیم ساعت فقط.

- چرا، مگه خیلی دوست نداری؟

چرا ولی تابستون که خیلی همه‌اش از صبح بازی می‌کردم، چشام مث چراغ چشمک زن شد، بابام منو برد دکتر، اونم گف چون خیلی با ایکس‌باکس بازی کرده این طوری شده، بابام هم دیگه اجازه نمی‌ده بیش‌تر از نیم ساعت با ایکس‌باکس بازی کنم».

۱- «خوب شب‌ها تا ساعت چند بیداری؟

تابستونا که تا ۲، ۳ شب بیدارم.

- چرا؟

بازی می‌کردم، اون موقع ۲ تا ۸ نامحدود می‌زنم بهتره.

- صبح‌ها بعد ساعت چند بیدار می‌شدی؟

یک دو بعد از ظهر.

- خوب بعد کی صبحونه می‌خوردی؟

صبحونه نمی‌خوردم، مستقیم نهار می‌خوردم».

«- دیگه به جز داد زدن در بازی، چه کار می‌کنی؟

مثلاً بعضی وقتا پوست لبمو می‌خورم، الان لبم همه پوست پوست شده.

- چرا؟

حواسم نیست، نمی‌دونم».

رضای ۱۲ ساله، در ادامه مصاحبه خود، از مرگ یکی از هم‌بازی‌هایش یاد کرده است. وی با تصور این که با پوشیدن لباس اسپایدرمن قادر است، همچون وی به پرواز درآید، با پریدن از پنجره به پایین، مرده است:

«می‌تونی چندتا از کارهای مرد عنکبوتی که برات جالب هست رو بهم بگی؟

همین تار میندازه و از ساختمون‌های بلند می‌پره، بعد از هر جا دلش بخواد بالا می‌ره.

- خودت یا دوست‌هات تا حالا خواسته‌اید کارهای مرد عنکبوتی رو انجام بدید؟

راستش من یه دوست داشتم، می‌رفتیم خونه خاله‌ام باهاش بازی می‌کردم، همسایه خاله‌ام بود،

چند سال پیش به خاطر همین کار مرد عنکبوتی مُرد.

- برای چی مُرد؟

آخه خودش رو پرت کرد پایین از خونه خودشون.

- چه جوری می‌دونی؟

آره، خاله‌ام به مامانم می‌گفت، داشت تو کوچه با دوستاش بازی می‌کرد، بعد به دوستاش گفته بود،

من می‌رم لباس مرد عنکبوتی رو بپوشم، رفته بود لباسای مرد عنکبوتیش رو پوشید، بعد از پنجره خودش

رو پرت کرده بود پایین، یعنی فکر می‌کرد، تار میندازه مثل مرد عنکبوتی، سالم میاد رو زمین. بعد وقتی

مامانم اینو شنید، انقدر برای من گفت که اینا واقعی نیستن که من این کار رو نکنم.

- تو اون موقع چند سالت بود؟

می‌خواستم کلاس سوم برم، تابستون بود.

- اون پسر هم‌سن تو بود؟

نه از من کوچیک‌تر بود.

- تو تا اون موقع شده بود فکر کنی، می‌تونی کارهای مرد عنکبوتی رو انجام بدی؟

آره».

## ۲-۳- اثرهای روانی - تربیتی الگوهای ویرانگر

در بررسی اثرهای روانی - تربیتی الگوهای دختران و پسران مصاحبه شده، موارد زیر در

مصاحبه‌های آنان مشهود است:

- انگیزه‌بخشی،

- احساس اعتماد به نفس (کاذب)،

- ارضای هیجان‌جویی

- طرح زودرس مقوله عشق جسمانی برای کودکان و نوجوانان،
  - دامن زدن به عشق تخیلی،
  - دامن زدن به اندیشه جنسی کودکان و نوجوانان،
  - عادی سازی خیانت،
  - طرح مقوله هم جنس گرایی،
  - سوق دادن کاربران به سمت خشونت و پرخاشگری،
  - تشویق حل هیجان مدار مسایل،
  - فحاشی و رکیک شدن بیان،
  - احساس حقارت،
  - ایجاد علاقه نسبت به مواد دخانی و الکلی
  - به دست آوردن تصویر منفی از خویش،
  - مواجه شدن با سردرگمی ارزشی،
  - تحقیرآمیز دیدن و برخورد ابزاری با جنس مؤنث،
  - توهم زدگی،
  - سوق یافتن به سمت ابتذال فکری،
  - بی معنا یافتن زندگی و ارایه راهکار خودکشی.
- در ادامه مصادیقی از عناوین پیش گفته، ارایه خواهند شد.

## انگیزه بخشی

انگیزه بخشی یکی از مهم ترین فرازهایی است که طرفداران برخی از الگوهای مخرب داخلی و خارجی از آن یاد می کنند. به عنوان مثال، برخی از الگوهای ویرانگر بومی با ظاهر شدن در نقش یک راهنما و هادی ژست انگیزه بخشی به هواداران را گرفته اند:



طرفداران گروه بی‌تی‌اس و بلک پینک نیز از این یاد می‌کنند که خواننده‌های مورد علاقه آنان در آهنگ‌هایشان بدان‌ها امید داده و از آن‌ها می‌خواهند تا در برابر سختی‌ها ناامید نشوند و بدانند که موفقیت در انتظار آنان است.

مقوله انگیزه‌بخشی حلقه مفقوده‌ای است که در داخل به آن توجه نشده و در میان سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرهای ایرانی کسی در صدد ارتقای انگیزه‌های نوجوانان و جوانان برنیامده است و در برابر گروه‌هایی که در آن سوی مرزها، با اهداف القای زندگی مبتنی بر نظام سرمایه‌داری و ارزش‌های لذت‌مدار شکل گرفته است. پاسخ‌گوی نیاز نوجوانان و جوانانی می‌شوند که در داخل مورد توجه واقع نشده‌اند.

سوگند ۱۱ ساله، در توصیف انگیزه‌بخشی گروه بی‌تی‌اس در مصاحبه‌اش چنین بیان می‌دارد:

«- چرا اسم اون گروه تلگرامیتون رو، اسم یک گروه موسیقی رو گذاشتید؟

همه ما طرفدار این گروهیم.

- می‌تونی یه کم درباره‌اش به من بگی؟

یه گروه موسیقی کره‌ای فوق‌العاده اس، اسمش بی‌تی‌اسه، حتماً می‌شناسیش چون خیلی عالی و معروفه. این گروه ۷ عضو داره که یکی از یکی بهترن، در واقع مثل فرشته‌ی نجاتن.

- چه چیزی از این گروه تو رو به خودش جذب کرده که این قدر ازشون خوب می‌گی؟  
همه چیزشون عالیه.

- منظورت از این که می‌گی فرشته نجاتن چیه؟

خب به ما امید می‌دن، به نظرم اون حرفای امید بخششون توی آهنگاشون، خیلی از آدم‌ها رو به زندگی برگردونده.

- مثلاً چی می‌گن سوگند؟

مثلاً می‌گن ما همه‌مون باید خودمون رو دوست داشته باشیم، باید برای رسیدن به هدفمون خیلی تلاش کنیم و همه موانع رو از سر راه برداریم.

- مثلاً چه هدفی؟

رسیدن به هر چیزی که می‌خوایم».

### احساس اعتماد به نفس (کاذب)

برخی از کودکان و نوجوانان در مصاحبه‌هایشان از اعتماد به نفسی که الگوهای مورد نظرشان بدان‌ها می‌دهند، یاد می‌کنند، به عنوان مثال، برخی از کودکان و نوجوانان به دلیل داشتن چشم‌های آبی و موهای طلایی از آنجا که منطبق بر معیار زیباشناختی غرب هستند، احساس اعتماد به نفس بیش‌تری می‌کنند یا بعضی از آنان به دلیل آن که از بدن انعطاف‌پذیری برخوردار بوده و چالش‌های

رقص پیشنهادی الگوهای ویرانگر را بهتر اجرا می‌کنند، یا تصاویر نیمه برهنه آن‌ها لایک‌های بیش‌تری به دست می‌آورند، احساس اعتماد به نفس بیش‌تری می‌کنند، حال آن که این اعتماد به نفس‌ها را می‌توان اعتماد به نفس‌های کاذب نامید، زیرا اعتماد به نفسی واقعی و راستین است که بر مبنای کوشش، تلاش و مرارت‌هایی که یک فرد تحمل کرده است، به دست آمده باشد، نه آن که مثلاً به صرف آن که بینی فردی عروسکی است (و هم‌زمان بینی عروسکی در فضای مجازی و نزد الگوها مد شده است) وی بر همین مبنا اعتماد به نفس به دست بیاورد، زیرا با گذشت زمان و عوض شدن مد، ممکن هست همان بینی عروسکی نه تنها مد نباشد، بلکه ضد مد باشد (منطقی، ۱۳۹۹ ب). ستایش ۱۰ ساله، در مصاحبه خودش از اعتماد به نفس مشابهی حرف می‌زند که در نتیجه خوشگل بودن به دست می‌آید:

«- کارتون کفش قرمزی که می‌گی درباره چی هست؟

این کارتونه یه جورایی مثل سیندرلا هستش، بابای کفش قرمزی با یه جادوگر ازدواج کرده، بعد اون جادوگره می‌خواد که خوشگل‌ترین زن روی زمین باشه، کفش قرمزی هم یه دختر خوشگله، ولی یه کم چاقه، ولی وقتی یه کفش قرمز رو می‌پوشه لاغر می‌شه، خیلی خوشگل‌تر می‌شه.

- یعنی هر کی چاقه خوشگل نیست؟

نه، این جور نیست، ولی خب لاغری خیلی بهتره، همه بازیگرا توی فیلما با همه مدلا لاغرین. این جور هر لباسی بخوای اندازه‌ات می‌شه، من که دوست ندارم چاق باشم.

- به نظرت چرا این قدر خوشگل بودن مهم هست؟

خوب کیه که دوست داره زشت باشه، هر وقت که یه نفر خیلی خوشگله، بیش‌تر دوش دارن، آدم اعتماد به نفس می‌گیره».

## ارضای هیجان‌جویی

هیجان و هیجان‌جویی عامل مهمی است که در همه اقشار سنی، خاصه نوجوانان و جوانان باید بدان توجه کرد. هیجان و هیجان‌جویی که در جنس مذکر، از شدت بیش‌تری تا جنس مؤنث برخوردار است را می‌توان به مثابه غذای روح دید.



هیجان روح سر زندگی و شادابی را در زندگی پدید آورده و افراد افسرده بسیاری با وارد شدن در یک جریان پرهیجان، با تجربه هیجان و شور و شعفی که بدان‌ها روی می‌آورد، می‌توانند از افسردگی خویش فاصله گرفته، به یک زندگی طبیعی بپردازند.

البته باید توجه داشت که ارضای هیجانی افراد می‌تواند هم در راه‌های مثبت و سازنده و هم در راه‌های منفی و مخرب صورت بپذیرد. شادمانی‌های مثبت نظیر شرکت در اعیاد و جشن‌های ملی بوده و شادمانی‌های نادرست مواردی مانند به تمسخر و مضحکه گرفتن افراد و یا قومیت‌های دیگر است.

رضا و شروین ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از ارضای هیجان خویش در جریان ملاحظه کنسرت مارشملو و بازیشان، به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- خوب توی این کنسرت‌ها فقط مارشملو میاد؟»

نه، خواننده دیگه هم میاد، یه بار تراویس اسکات اومده بود، یه رپر خیلی باحال بود، یه شلوار پوشیده بود و تیشرت نداشت، وقتی اومد همه از زمین پرت شدیم رو هوا، همه جا آبی شد بود و تراویس اسکات از همه بزرگ‌تر بود، ما ریز بودیم و دوتا نور زد بهم، چندتا اسکلت اومدن کنارش می‌رقصیدن، اصلاً کنسرت‌های خارجی خیلی باحاله.

- دوست داری بری کنسرت‌های خارج؟

آره کنسرت خارجی باحال‌تره، همه می‌رقصن، ولی این‌جا ما اگه بریم کنسرت، باید فقط بشینیم». «... یه بازی هست اسمش کمیته.

- چه جوریه هست؟

مورتال کمبت این جوریه که توی چندتا راند باید بازی کنی، هر دفعه باید دوبار پشت سر هم ببری، تا بری مرحله بعد.

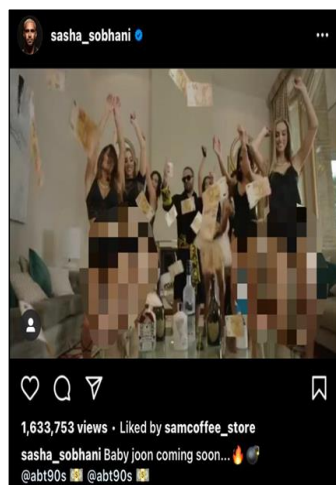
- بعد چه جوریه تموم می‌شه؟

شمارش معکوس می‌شه و تو باید ضربه آخر رو بزنی، من عاشق این قسمتشم.

- ضربه آخر چی هست؟

می‌زنی حریفه رو داغون می‌کنی و برنده می‌شی».

مرور پست‌های ساشا سبحانی حکایت از آن دارد که پست‌های وی مبتنی بر نوعی از هرزه‌نگاری است و محتوای پورن در این پست‌ها به مقدار زیادی ملاحظه می‌شوند. در اکثر ویدیوهای سبحانی، وی به همراه چند خانم با پوشش نا مناسب نمایش داده می‌شود یا مثلاً سبحانی را در حالی نشان می‌دهد که با یک خانم زیبا سوار بر ماشین‌های لوکس و گران قیمت شده، در حالی که همه به آنان احترام می‌گذارند، در حال رفتن به یک پارتنی هستند.



## طرح زودرس مقوله عشق جسمانی برای کودکان و نوجوانان

عشق مفهومی چند بعدی است، به این معنا که عشق می‌تواند کاملاً معنوی بوده، عاری از شوائب جنسی باشد و می‌تواند کاملاً جسمانی بوده و عاری از انگیزه‌های انسانی و تعالی بخش باشد. عشقی که الگوهای مطرح شده در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌های غربی مروج آن هستند، در غالب موارد، عشق‌های جسمانی و فارغ از انگیزه‌های انسانی و متعالی است.

ملاحظه افرادی نظیر تتلو که به طرح تشکیل حرمسرا و نیوفیس و وان استندنایت می‌پردازد<sup>۱</sup> یا ملاحظه افرادی نظیر پویان مختاری و نیلی افشار که پس از مدتی عشق‌ورزی با هم، با نفرت از

۱. امیرحسین مقصودلو با نام هنری تتلو، خواننده و ترانه‌نویس ایرانی است که در سبک رپ، پاپ و آر اند بی فعالیت می‌کند. امیر تتلو، از نخستین خوانندگان سبک آر اند بی در ایران است که توانست به صورت زیرزمینی بخواند و شهرتی به‌دست آورد. وی در اواسط دهه ۱۳۸۰ به دبی سفر کرد و پس از مدتی به ایران بازگشت.

تتلو نخستین آلبوم رسمی خود به نام زیر همکف را در سال ۱۳۹۰ بدون اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر کرد و پس از زیر همکف، تاکنون ۱۱ آلبوم دیگر منتشر کرده‌است. او تاکنون سه بار توسط پلیس بازداشت شده است. اولین بازداشت تتلو در سال ۱۳۹۲ توسط پلیس امنیت اخلاقی بود. وی در ۱۲ آذر سال ۱۳۹۲ بازداشت شد و پس از چند روز با قید وثیقه آزاد شد. چندی بعد، اخبار مبنی بر انتشار ندامت‌نامه‌ای از او و تلاشش برای کسب مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد.

پس از آن تتلو در سال ۱۳۹۵ به دلیل (تشویش و اشاعه فساد و فحشا) به مدت بیش از دو ماه در بازداشت موقت به سر برد. تتلو در سال ۱۳۹۷ ایران را به مقصد استانبول ترکیه ترک کرد و نخستین کنسرت خود را همان سال با حواشی بسیاری در تفلیس گرجستان برگزار کرد. تتلو در بهمن ۱۳۹۸ در ترکیه، به علت آنچه نقض مقررات ویزا عنوان شد، به مدت یک هفته بازداشت شد.

تتلو از چهره‌های خبرساز و پرطرفدار و پرحاشیه شبکه‌های اجتماعی پربازدید در ایران است. حساب کاربری تتلو در اینستاگرام، به دلیل آنچه زیر پا گذاشتن قوانین این شبکه اعلام شده، تاکنون دو بار بسته‌شده است؛ یک بار در سال ۱۳۹۷ که تتلو در روزهای پیش از آن از جملاتی توهین‌آمیز علیه زنان استفاده کرده و از هواداران مرد خود خواسته بود تا زنان را کتک بزنند یا

هم جدا شدند و یا مشاهده افرادی نظیر دنیا جهانبخت که عشق‌ورزی با افرادی همچون ساسی مانکن، مونتیگو، تتلو، مهرداد جم را در کارنامه خویش دارد، همگی ضمن طرح مقوله عشق برای کودکان و نوجوانان و هوادار این افراد، عشق را عمدتاً در ابعاد مادی و جسمانی خودش مطرح و محدود می‌سازند.

شرکت یک نوجوان ۱۴-۱۳ ساله در لایو مینا نامداری و حرف‌ها و مضامینی که بین آن دو رد و بدل شد (و مینا نامداری را که به بیان خودش، سن مادر همان پسر را داشت، سخت از تحولات نوجوانان و جوانان ایرانی به شگفتی انداخت)، نمونه بارزی در این جهت به شمار می‌رود.



ارغوان ۱۲ ساله نیز در مصاحبه خویش برداشتی کاملاً مادی از عشق را ارایه کرده، نشان می‌دهد که از پدیده عظیم عشق، تنها نازل‌ترین سطح آن را برداشت کرده است:

«... اصلاً همه‌شون خیلی خوشگل بودن، آدم نمی‌دونست روی کی کراش بزنه!

- کراش یعنی چی؟

به آن‌ها توهین کنند. اینستاگرام در این رابطه نوشت که امنیت کاربرانش مهم‌ترین مسوولیت این شرکت است و این شبکه اجتماعی در اجرای قوانین خود بسیار جدی است.

در سال ۱۳۹۹ بنا به اعلام بی‌بی‌سی فارسی، تتلو از ایجاد حرمسرا برای خودش گفت و دختران ۱۵ تا ۲۰ ساله را برای ورود به آن فراخواند. این پیام او دعوت برای رابطه جنسی تعبیر شده و شامل دختران زیر سن قانونی می‌شود. اینستاگرام در بار دوم اعلام کرد که تتلو دیگر حق فعالیت در این شبکه را ندارد.



یعنی همین خوشت اومدن از کسی.  
- از کجا با این کلمه آشنا شدی؟  
از تو همین کانال‌ها فکر کنم، خیلی می‌گن».

## دامن زدن به عشق تخیلی



فروید معتقد بود در دوران نوجوانی، علاقه کودک به اولیایش، به علاقه وی به الگوهای مطرح در جامعه بدل می‌شود (منصور، ۱۳۷۸). به تعبیر دیگر بسیاری از جوانان در صدد عشق ورزیدن به چهره‌های برتر هنری، ادبی، ورزشی و مانند آن در جامعه برمی‌آیند و البته در این میان گاهی دختران و پسران نوجوان، بدون برخورد رویارویی با فرد مورد نظر، در تخیلات خویش عاشق وی می‌شوند و به این ترتیب در عمل خود را در تب و تاب عاشقی و عشق ورزیدن قرار می‌دهند. مصاحبه ارغوان ۱۲ ساله، نمونه‌ای از شکل‌گیری عشق تخیلی نوجوانان را به دست داده و به معرض دید می‌گذارد:

«- چه چیزی توی این فیلم جذبت کرد؟

بکش، بکشش! (می‌خندد) من اصلاً از انیمه خوشم نمی‌آید، مخصوصاً سریالی، ولی دوستانم نگاه کردن و گفتن ارغوان خیلی خفنه برو ببین، منم رفتم دیدم و خیلی آدم رو جذب می‌کنه، داستانش خیلی جدیده، کلاً چون پسرای خیلی خوشگلیم توش ان، مثلاً لی وای خیلی خوشگله».

طرفداران الگوهای ویرانگر خاصه افرادی که عشق را تنها در وجه مادی آن ادراک و فهم کرده و شیفته قد و بالای الگوی مورد نظر خودشان شده‌اند، گاهی ممکن است، حتی تمایل داشته باشند که به خواست انحرافی الگوهای مورد نظرشان (نظیر بحث نیوفیس تتلو) پاسخ مثبت بدهند، اما باز هم در تحقق خواست خویش موفق نشوند که در ادامه احساس شکست در عشقشان را هم به دست خواهند آورد.

## دامن زدن به اندیشه جنسی کودکان و نوجوانان

کو دکان باید در دنیای کودکی خود به سر ببرند و شور و شوق کودکی خویش را در بستر طبیعت و در ارتباط با دوستان و اطرافیشان محقق سازند، اما کسانی که از لیبرال مسلک بودن سخن گفته و دایه ضرورت انتخاب آزادانه انسان‌ها را دارند، در حالی که کودکان در سنین پایین و تفکر عینی

خویش (که فاقد روحیه نقد و انتقاد است) به سر می‌برند، در عمل با ارایه محتویات و مضامینی نظیر رابطه با جنس مخالف، هم جنس‌گرایی، مصرف مواد مخدر، خشونت بی‌حد و مرز و مانند آن‌ها، سوژه‌ها و موضوع‌های جدیدی در اذهان آنان پدید می‌آورند که در عمل رشد روانی سالم آنان را به خطر می‌اندازد.

اظهارات امیرحسین ۱۱ ساله و رضای ۱۲ ساله در مصاحبه‌هایشان، شواهد بارزی از همین معنا را به دست می‌دهند:

«من بازی کلو هانتر رو دارم.

- می‌شه راجع به این بازی برام توضیح بدی؟

خب یه کارگاهه که قسمت اولش این‌جوری می‌شه یه زنه میاد بهش پول می‌ده، و مرحله به مرحله کارگاهه باید دست شوهر اون رو، رو کنه که داره خیانت می‌کنه و بعدش از زنش پول می‌گیره و می‌تونه لباس اینای جدید بخره و مراحل بعد کارگاه مأموریت‌های دیگه داره.

- چه جوری با این بازی آشنا شدی؟

همین‌جوری سرچ می‌کردم، دنبال بازی معمایی بودم این اومد، دانلود کردم خوشم اومد، آدم هی دلش می‌خواد مرحله بعدی رو باز کنه.

- خوب به نظرت مرده که داره خیانت می‌کنه، کارش چه طوره؟

بده، آخه آدم باید با یه نفر باشه، همیشه موقع این سریالایی که مامانم تو ماهواره می‌بینه، این رو می‌گه، وای این چرا با چند نفره، کار درستی نیست.

- پس کسانی که توی فیلم‌های خارجی نشون می‌دن و با چند نفرن، کارشون اشتباه هست؟ آره خیلی.

- تو این بازی مرده با زن‌های دیگه هست، نظرت در این مورد چی هست؟

معلومه دیگه کارش بده، نباید وقتی زن داره که با کسای دیگه باشه، بره مثلاً زن خودش رو بیوسه».

«- گفتی تهی رو دوست داری، دیگه از چه کار تهی خوشت میاد؟

اول که از آهنگ‌هاش خوشم میاد، بعد این که آدم خوبیه.

- خوب توی بیش‌تر موزیک ویدیوهای تهی دخترها لباس مناسبی ندارند، این کارش بد نیست؟

نه، فقط برای کارشه دیگه، الان توی همه موزیک ویدیوهای خواننده‌ها، دخترا این‌جورین، تازه

تهی همه‌اش با خواننده‌های خارجی کار می‌کنه، اونام اون شکلین.

- چه شکلی هستند؟

همین تو استخر هستن، مایو پوشیدن و می‌رقصن.

- برای چی این کار رو می‌کنند، می‌دونی؟

دخترا وقتی می‌رقصن بیش‌تر، تو همون موزیک ویدیو طرفداراشون بیش‌تر می‌شه.

- پس اگر موزیک ویدیو دختر نداشته باشه، طرفدار نداره؟  
داره، ولی کمه، اینا از این لباسای س\*\*می می پوشن.  
- خوب معنی کلمه سکسی رو که می گی، می دونی چی هست؟  
آره، دوتا معنی داره، یکی خوب، یکی بد.  
- خوب معنی خوبش چی هست، بدش چی هست؟  
یعنی جذاب و خوش اندام، ولی اون یکی معنیش بده، نمی گم.  
- یعنی خیلی بده؟  
آره همون چیزی که بچه میارن و... (خجالت می کشید درباره اش صحبت کند).  
- خوب تو این کلمه رو از کجا یاد گرفتی؟  
تو مدرسه بچه ها می گفتن، بعداً تو آهنگ ساسی شنیدم.  
- معنیش رو از کجا فهمیدی؟  
تو گوگل نوشتم اومد، چندتا از این عکسا اومد دیدم».



## عادی سازی خیانت

یکی از موضوع های مهمی که در پویانمایی ها، فیلم ها و سریال های خارجی ملاحظه می شود، روابط خارج از عرف قهرمانان مطرح در فیلم یا سریال است، به عنوان مثال در غالب فیلم ها و سریال های ساخت ترکیه، افراد حاضر در فیلم یا سریال با وجود تأهل، به سادگی دست به روابط فرازنشویی می زنند.

تکرار مکرر موضع روابط نامناسب شخصیت های مطرح در فیلم ها و سریال های اخیر کار را بدانجا می رساند که کاربران به تدریج حساسیت های اولیه خویش را در ارتباط با موضوع روابط فرازنشویی از دست داده، به دیده پدیده ای عادی و یا نسبتاً عادی به آن می نگرند.

حکایت افرادی مانند پویان و نیلی، شواهد بومی هستند که خیانت افراد به یکدیگر را امری عادی و مرسوم نشان می دهند. به عنوان مثال، محسن افشانی در افشاگری که درباره برخی از چهره های اینستاگرامی ایرانی ساکن در ترکیه دارد، تأکید می ورزد که نیلی در حالی که شوهر و فرزند داشته است، آن ها را رها کرده و اکنون به عنوان دوست دختر با پویان با وی زندگی می کند (که البته این دو مدتی بعد از هم جدا شدند).

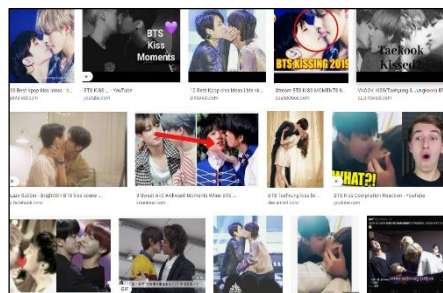
## طرح مقوله هم جنس گرایی



(هری استایلز)

نظام انسان مدار غرب به سبب عدم برخورداری از یک نظام ارزشی یک پارچه، گرایش‌ها و تمایلات مختلف افراد را (تا جایی که مخل آسایش دیگران نباشد) آزاد نهاده است. از همین رو افراد موافق هم جنس گرایی زیر لوای لیبرال و آزاد بودن، دست به تبلیغ اندیشه‌های خویش زده، می‌کوشند با قانع‌سازی دیگران مبنی بر این که تمایلات آن‌ها سنخی از تمایلات طبیعی انسان‌ها است، از اندیشه‌های جنسی خویش دفاع به عمل آورند.

ملاحظه موضع‌گیری افرادی که اعضای گروه بی‌تی‌اس را به عنوان الگوی خویش برگزیده‌اند، در مقوله عشق، بیانگر آن است که غالب آنان، همان‌گونه که الگوهای مورد علاقه‌شان از عشق بدون جنسیت دفاع می‌کنند، وظیفه خود می‌دانند که هم از هم جنس گرایی الگوهایشان و بالطبع از هم جنس گرایی دیگران در سطح جامعه دفاع کرده و با وجود نداشتن گرایش به هم جنس، از گرایش آنان به هم جنس‌شان دفاع به عمل بیاورند.



## سوق دادن کاربران به سمت خشونت و پرخاشگری

بررسی الگودزدی دستگاه‌های تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری حکایت از آن دارد که الگوهای اخیر بعضاً در اوج قدرت بدنی و حتی قدرت‌های فرابشری ترسیم شده، غیرمستقیم می‌کوشند تا خود را به مثابه سمبل امریکا مطرح کنند. به عنوان مثال، اگر چه پیش‌تر الگوهای امریکایی (نظیر کاپیتان امریکایی یا واندرومن) به صراحت پوشش تنش‌ان پرچم امریکا بود، اما به تدریج پرچم اخیر جای

خود را با ترکیبی از رنگ‌های آبی و قرمز (در افرادی نظیر سوپرمن، سوپر بوی، سوپر گرل، مرد عنکبوتی) که به شکل غیرمستقیم‌تری تداعی‌گر پرچم امریکا است، عوض کرده‌اند که در هر دو حالت طراحان بازی‌های اخیر در صدد القای این معنا بوده‌اند که قهرمانان امریکایی (و در واقع امریکا)، شکست ناپذیرند و هیچ کس نباید به این اندیشه بیفتد که امکان فایق آمدن بر امریکا وجود دارد.

البته الگوهای پرخاشگر، وظیفه القای رعب‌آمیز بودن جهان را هم برعهده دارند تا کاربران در پس زمینه ذهنی خودشان با پر رعب دیدن جهان اطرافشان، سرشان را در مصرف و مصرف هر چه بیش‌تر گرم کنند تا به این ترتیب، تهدیدی از سوی انسان‌های معترض نسبت به نظام سرمایه‌داری صورت نپذیرد.

الگوهای ویرانگری همچون بت‌من یا شخصیت‌های بازی‌هایی نظیر پابجی، فورتنایت و کلش، با به نمایش کشیدن اوج پرخاشگری‌های ممکن، در عمل به کاربران و هوادارانشان برخوردهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه را القا می‌کنند.

اظهارات امیر ۱۱ ساله و رضای ۱۲ ساله که کار بر موارد اخیر و موارد مشابه هستند، گویای فزونی گرفتن پرخاشگری کاربران الگوهای اخیر هستند:

«- امیر دوست داری خودت هم مثل این بازی‌ها خشن باشی؟

من که هستم.

- چه طوری هستی؟

خشن خطرناک.

- مگه چه کار می‌کنی؟

سلاح دارم، می‌جنگم، قوی‌ام، لباسای بت‌من و عنکبوتی رو دارم، ماسک ترسناک و خنجر دارم،

بس نیست؟

- چرا بسه خیلی‌ام زیاده، باشه ممنون، حالا امیر جان تو فکر می‌کنی حتماً باید خشن باشی؟

آره بابا، همه باید خشن باشن.

- چرا؟

خشن خوبه.

- از کجا یاد گرفتی؟

خودم بلدم.

- خودت از چه راهی فهمیدی که خشن بودن خوبه؟

با دیدن فیلما فهمیدم...

- دیگه چه بازی‌هایی داری؟

یه بازی دارم به سوی مرگ، خیلی باحاله، من تنها آدم زنده‌ی زمینم که باید از جاده‌ها عبور کنم و هزارتا زامبی جلوم هستن، خیلی هیجان انگیزه، هر لحظه ممکنه یه زامبی از یه طرف بهم حمله کنه، من باید بایپشرفته‌ترین سلاح‌هام بکشمشون، بزnm سرشون و نفله‌شون کنم.

- با چه سلاح‌هایی؟

اره برقی دارم، همه چی دارم، می‌کشمشون راحت.

- دیگه چه بازی‌ای داری؟

یه زامبیه دیگه دارم که این دفعه پیاده نیستم ماشین دارم، سوار می‌شم بعد روی ماشینم کلی سلاح نصب شده، تو هر مرحله می‌زنم زامبیایی که میان سمتم رو تیکه پاره می‌کنم، اونم باحاله. بعد یه بازی دارم اونم خیلی دوست دارم اسمش تخریب استیکمن ۳ هست. اون خیلی خفنه.

- چه شکلیه؟

بین اولش راحتی، کم‌کم سخت می‌شه، می‌تونن بن‌تن بشی یا مرد عنکبوتی بشی یا هر کسی که دوستش داری، بعد باید با سلاحات بقیه قهرمانا رو خراب کنی و امتیاز بگیری، بری مرحله‌ی بعد.

- این بازی رو هم دانلود کردی؟

آره، همه بازیام رو تقریباً دانلود کردم.

- بازی‌های دیگه تو چه طوریه؟

چندتا ماشین و رالی دارم خیلی خوبه، مسابقه می‌دم، برنده می‌شم.

- کدوم بازی رو از بقیه بیش‌تر دوست داری؟

رالی با تخریب استیکمن ۳.

- تخریب استیکمن ۳ رو چرا دوست داری؟

اولاً توش هالک و بن‌تن اینا داره، بعدشم خیلی جدید و جالبه، می‌زنی به اون یکی، اون می‌خوره به بعدیا منفجر می‌شن و پرتاپ می‌شن، خیلی باحاله اصن.

- امیر تو دوست داری بیش‌تر چه بازی‌هایی داشته باشی؟

همینایی که دارم رو دوست دارم، بقیه بازی‌ها خشن نیستن، اصن هیجان ندارن، خون‌ریزی ندارن،

بی‌مزه‌ان».

«- اگه مامان و بابات بخوان برن بیرون تو باهاشون می‌ری یا دوست داری بمونی خونه و بازی

کنی؟

تو خونه بهتره.

- چرا تو خونه بهتره؟

آخه تو ماشین موقع بازی نمی‌شه حرف زد، ولی تو خونه تنها دیگه هر چه قدر دلم بخواد با

صدای بلند حرف می‌زنم یا اگه داد بزnm، مامانم نمی‌گه آروم.

- چرا، مگه موقع بازی داد می‌زنی؟
- قسمت‌های حساس آره، ولی مامانم میاد دعوا می‌کنه، می‌گه یه بار دیگه داد بزنی گوشه‌ی رو می‌گیرما یا یه ذره بلند حرف می‌زنم، این رو می‌گه.
- خوب بهتر نیست آروم‌تر صحبت کنی؟
- آخه دست خودمم نیست که، دشمن رو باید بکشیم، باید به دوستم بگم حواسش باشه.
- دوستت هم مثل تو داد می‌زنه؟
- آره، به خاطر همون هندزفری نمی‌ذارم، یهو داد می‌زنه گوشم پرده‌اش پاره می‌شه.
- پس زمانی که هیجانی و عصبانی می‌شید، داد می‌زنید؟
- آره».

### تشویق حل هیجان‌مدار مسایل

در برخورد با مسایل پیش آمده، می‌توان از یکی از دو راهکار حل مسئله‌مدار یا حل هیجان‌مدار مسایل سود برد. راهکار حل مسئله‌مدار ناظر بر گفت‌وگو طرفین برای یافتن راهی برای حل عقلانی و منطقی مسایل فرا روست، در حالی که راهکار هیجان‌مدار مسایل، ناظر بر اتخاذ روش‌های هیجان‌مدار و حل مسئله با زد و خورد و مانند آن است.

آرمین ۱۳ ساله که بت‌من را به عنوان الگوی خودش انتخاب کرده است، در مصاحبه خودش اتخاذ راه حل‌های هیجان‌مدار خویش را به قرار زیر منعکس کرده است:

«- آقا آرمین فکر کن ۳۰ ساله شده، من می‌خوام یک سری سوال بکنم که ببینم اون موقع چه جور فکر می‌کنی، باشه؟  
باشه.

- خوب تو ۳۰ ساله بشه، دوست داری چه لباس‌هایی بپوشی؟  
دوست دارم همه لباس‌های مشکی باشه، عین بت‌من، دلم می‌خواد برم بدنسازی خودم رو قوی کنم، عین اون که کسی جرأت نکنه بهم نزدیک شه، بعد هر کی که خواست اذیتم کنه، بزخم خوردش کنم.

- خوب به نظر میاد بت‌من رو خیلی دوست داری.  
آره عمو، همه کارتوناش رو دیدم، عکس والپیپر موبایلمم آرمه بت‌منه، بزرگ شدم می‌خوام عین بت‌من بشم، همه از من بترسن...»

- حالا اگه مثلاً تا اون موقع آمریکا باشی، بدن‌سازی هم حتماً رفتی دیگه، درستشه؟  
آره.

- خوب اون‌جا باز هم اگه کسی اذیتت کرد، باز هم می‌زنی خوردش می‌کنی؟  
آره.

- اون جا پلیس هاش مگه با پلیس های این جا فرق ندارند؟  
چرا فرق دارن، ولی نمی شه که همه اش زنگ بزنی به پلیس که، بعدشم اون جا همه تفنگ دارن  
و مواظب خودشون هستن.

- یعنی می خوای بگی تو هم اون جا تفنگ می خری؟  
آره.

- یعنی هم با مشت بزنی هم با تفنگ؟  
(می خندد) نه، اون موقع که خشابام تموم شد، با مشت می زنم».

### فحاشی و رکیک شدن بیان

اتخاذ روش های پرخاشگرانه (و گاه فوق پرخاشگرانه) الگوهای غربی از سویی و پیش گرفتن  
روش های حل هیجان مدار مسایل توسط این الگوها از سوی دیگر، خود به خود با رکیک شدن بیان  
و فحاشی نزدیکی و آمیختگی دارند.

در فروردین ۱۳۹۹ و در دوران شیوع کرونا ویروس گفت و گوی اینستاگرامی تتلو با ندا یاسی،  
شخصیت مشهور ایرانی در رسانه های اجتماعی، با ۶۲۶ هزار بیننده، ضمن رکورد منحصر به فردی  
که در این زمینه بر جای گذاشت<sup>۱</sup>، مشحون از به کارگیری ادبیات هرزه و رکیک بود.



آراد ۱۰ ساله، در مصاحبه خویش بیان می دارد، دوست وی در جریان کاربری از نسخه فارسی  
جی تی ای، فحش های جدید یاد گرفته است، همان گونه که برخی از کاربران رپ زیرزمینی با شنیدن  
آهنگ های آنان، فحش های جدید را یاد گرفته و به کار می برند.

1. <https://virgoool.io/@naefraspana70/%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%B1-%D8%AA%D8%AA%D9%84%D9%88-%D9%88-%D9%86%D8%AF%D8%A7-%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%AF%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%85-s7ftsvidqexz>

سوگند ۱۱ ساله، در مصاحبه‌اش از یادگیری فحش‌های کاردی بی در آهنگ‌هایش و به کار بردن آن‌ها سخن گفته است. رضا و شروین ۱۲ ساله هم از آموختن فحش‌های جدید از الگوهای مخرب و به کارگیری آن توسط خودشان یاد کرده‌اند:

«... منم گاهی از فحش‌هایی کاردی بی تو آهنگاش می‌گه، استفاده می‌کنم.

- زشت نیست؟

خب برای همه که به کار نمی‌برم، واسه شوخی با دوستانم می‌گمشون.

- یعنی بین دوست‌هاست استفاده می‌کنین؟

آره معمولاً».

«- حالا چرا توی خود فورتنایت حرف نمی‌زنید؟

آخه می‌گن اگه فحش بدیم، بن می‌شیم.

- برای چی فحش می‌دید؟

فحش که نیست.

- چی می‌گید؟

مثلاً اگه بذاریم رو این که همه صدامون رو بشنون بعد بگیم f\*\*k، اونایی که صدامون رو شنیدن،

می‌تونن ریپورت کنن، به خاطر همون واتساپ بهتره.

- دیگه چه فحش‌هایی از انگیزی بلدی؟

همین f\*\*k و bi\*ch.

- معنی این کلمه‌ها رو می‌دونی؟

آره.

- حالا چرا باید فحش بدید؟

دست خودمون نیست، وقتی تعجب می‌کنیم می‌گم what the f\*\*k یا معنی شیت، لعنتی

می‌شه».

«- می‌شه بگی از چه چیز اینستاگرام خوش می‌داری؟

از کلیپای باحالی که می‌ذارن.

- منظورت سلبریتی‌ها هست؟

نه سلبریتی نیستن، شاخن.

- شاخ یعنی چه جوری؟

یعنی باحال و مشت، چیزای خنده‌دار می‌ذارن.

- حرف‌های بی‌ادبانه هم می‌زنند؟

نه فقط حرفای زیر زانو می‌زنن.

- حرف‌های بالای زانو یعنی چی؟

بین مثلاً اونا که بی ادبیه می شه بالای زانو هس، زیاد بد نباشه، می شه زیر زانو.

- می تونی اسم چندتاشون رو بگی؟

خیلی هستن، مثلاً داوود هزینه، مثلاً امین و فرزانه، مهدی امینی».

## احساس حقارت

کودکان و نوجوانان با پیگیری و رصد الگوهای ویرانگر مورد علاقه شان، ضمن آن که با امکانات رفاهی و زندگی لاکچری آنان برخورد می کنند، با واقعیت آزادی عمل آنان در ارتباط با جنس مخالف نیز مواجه می شوند و مثلاً می بینند که تهی، چه گونه چندین دختر نیمه برهنه را در اجرای آهنگش به کار می گرد، پویان، میلاد حاتمی و مانند آن ها، چه گونه نزد چندین دختر نیمه برهنه روزگار می گذرانند یا امثال نیلی و دنیا، چه گونه به راحتی دوست پسرهایشان را تغییر می دهند.

علاقه به تحقق شرایط پیش گفته در مورد خود فرد از سویی و احساس غیرممکن بودن تحقق موارد اخیر در شرایط زندگی فعلی فرد از سوی دیگر، می توانند اسباب احساس حقارت کاربران را فراهم آورند.

## ایجاد علاقه نسبت به مواد دخانی و الکی

صبر اوج احترام به حکمت خداوند است هم عرق می خورم و هم عشق حسینم (یکی از پست‌های پویان مختاری)

بسیاری از الگوهای مخرب داخلی و خارجی مصرف سیگار، مواد مخدر و الکل را در دستور کار خود دارند و هواداران این الگوها با ملاحظه کاربری آنان از مواد دخانی و یا الکی، بعضاً کنجکاو می شوند که شخصاً دست به تجربه موارد پیش گفته بزنند.

در پست زیر، ساشا سبحانی در کنار ماشین جدیدش با مجموعه‌ای از مشروبات الکلی نشسته، به سمت باک ماشین رفته و یک شیشه مشروب را در باک آن خالی می کند. وی در این پست نوشته است: این روشی هست که من با ماشین جدیدم رفتار می کنم.

علیرضای ۱۲ ساله، با دیدن فیلم پیکو بلاینדרز (که بنا بر اظهارات برخی از رسانه‌ها، توماس شلی برای این فیلم بیش از ۱۰۰۰ نخ سیگار مصرف کرده است) از شیفتگی خود به سیگار کشیدن یاد می کند:

«- حالا در مورد پیکو بلاینדרز یک کم توضیح بده.

اونم خیلی سریال باحالیه، گانگستریه.

- چی شد که تصمیم گرفتی ببینیش؟

حقیقتش توی اینستا هر دفعه می گشتم کلی پست و استوری در موردش می دیدم یا دیالوگوی معروفش رو گذاشته بودن، برای همین دوست داشتم ببینمش.

- یک جورایی این قضیه پیکي بلیندرز هم مثل اون کافی شاپ بود که نمی‌خواستی از بقیه عقب بیفتی؟

اولش شاید اون طوری بود (با خنده)، ولی خب وقتی دیدمش واقعاً بهش علاقه‌مند شدم.  
- آره، منم توی اینستاگرام زیاد دیدمش، حالا واقعاً به اون اندازه‌ای که می‌گن، باحال هست؟  
مخصوصاً اون شخصیت اصلیش توماس شلبی، مخصوصاً سیگار کشیدنش فوق‌العاده هست».



تصاویر زیر نیز متعلق به جوکر، شارلیز ترون بازیگر معروف و آلن دلون بازیگر معروف کلاسیک است:



افراد دیگری نظیر تتلو، به صراحت در برابر جمع هواداران مصرف ماده مخدر گل را تبلیغ کرده، دست به مصرف آن نیز می‌زند.

مصرف مشروبات الکلی نیز وجه مشابهی است که بسیاری از الگوهای مخرب به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به آن مبادرت ورزیده، همین امر اسباب علاقه هواداران به آن را فراهم می‌آورد.

### به دست آوردن تصویر منفی از خویش

کاربران الگوهای غربی غالباً در برخورد با ویژگی‌های فوق‌العاده و یا فوق‌بشری الگوهای پردازش شده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، در مقایسه‌ای که بین خود و الگوهای مورد

علاقه‌شان می‌کنند، ممکن است به سادگی به این نتیجه برسند که چون نمی‌توانند نظیر الگوهای مورد نظر سیکس پک داشته و یا از پوستی همچون برف و چهره‌ای همچون فرشتگان برخوردار باشند، ممکن است خود را زیر سوال برده، با دیده منفی به خودشان بنگرند، حال آن که همان‌گونه که خاطرنشان شد، الگوهای فرابشری که توسط دستگاه‌های تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری پردازش شده‌اند، اساساً نمی‌توانند در انسان‌های خاکی انعکاس یابند.



### مواجه شدن با سردرگمی ارزشی

کودکان و نوجوانان در سنین تفکر عینی خویش تعارض را پذیرفته، بدون هیچ گونه دغدغه‌ای با آن زندگی می‌کنند، اما با رسیدن کودکان به سن تفکر انتزاعی، افراد در می‌یابند که جمع خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های متعارض، شدنی و امکان‌پذیر نیست و منطقاً امکان دستیابی به ابعاد نسبتاً متعارض، وجود ندارد. بنابراین با فرارسیدن سن تفکر انتزاعی و فهم عدم امکان جمع مسایل متناقض و متضاد توسط فرد، به سادگی ممکن است وی دچار سردرگمی و آشفتگی ذهنی شود.

مواجهه مداوم کودکان و نوجوانان با افراد هنجارشکنی نظیر تتلو، پویان، میلاد، خشایار و نظایر آن‌ها یا الگوهایی نظیر بت‌من، سوپرمن و مانند آن‌ها، کودکان و نوجوانانی را که در یک محیط نسبتاً اخلاقی رشد کرده‌اند را با تعارض‌هایی مانند این مسأله مواجه می‌کند که آیا می‌توان به راحتی دست به فحاشی زد، آیا می‌توان روابط آزاد، آن هم با چندین نفر داشت، آیا می‌توان مصرفی بی‌حد داشت، آیا می‌توان به سادگی چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای در آمال و ارزش‌ها داشت یا می‌توان استخوان‌های طرف مقابل را با تصور اجرای عدالت خورد کرد؟

بررسی مورد حصین، نمونه بارزی در جهت تغییرات ۱۸۰ درجه‌ای الگوهای مخرب را به دست می‌دهد که بالطبع موجبات سردرگمی ارزشی هوادارانش را فراهم می‌آورد.



حسین رحمتی در اوایل دهه هشتاد (۱۳۷۸) فعالیت خود را در سبک رپ با نام مستعار حسین ابلیس شروع کرد. کارها اول او بیش‌تر محتوای تهاجمی و سیاسی داشت.

بعد از این کارها نوبت به آهنگ سیاسی ۱۸ تیر رسید که یکی از پر سر و صداترین کارهای سیاسی تا به امروز بوده است. در این آهنگ که اولین آهنگ رپ فارسی با موضوع سیاسی است، حسین به رهبر جمهوری اسلامی و نیروی بسیج و نیروی انتظامی توهین می‌کند و در پی این امر دستگیر می‌شود.<sup>۱</sup>

حصین در فراز بعدی کارهایش، به ارایه آهنگ چالیم<sup>۲</sup> می‌پردازد<sup>۳</sup> که بیش‌تر با موزیک ویدیو آن شناخته شده است.

در این موزیک ویدیو تعداد زیادی مدل زن با لباس‌هایی بدن نما یا در موارد زیادی نیمه برهنه حضور دارند در سکانس‌ها زیادی افراد شیشه مشروب به دست به پایکوبی می‌پردازند و در سکانس‌هایی مدل‌ها به رقص‌های تحریک آمیز می‌پردازند.

در کنار موارد یاد شده بخش‌هایی از متن این آهنگ نیز قابل توجه است. الفاظ حصین در این آهنگ و از این آهنگ به بعد این است که الفاظ و کلمات مورد استفاده او کاملاً کوچه بازاری و مصطلح بین جوانان است و به اصطلاح سویه‌ای لاتمی دارند. هواداران او این وجه به اصطلاح خیابانی و خاکی او را بسیار می‌پسندند و این نوع بیان را نشانه مردمی بودن و واقعی بودن او می‌دانند.

در دوره سوم، که از سال ۹۷ آغاز می‌شود، حصین به وضوح از نظر تعداد آهنگ کم کار می‌شود و محتوای کارهایش تغییر می‌کند.

حصین در قسمتی از فعالیت‌های اجتماعی خودش با حمله به پوپان، میلاد و مانند آن‌ها، سایت‌های شرط‌بندی و قمار آن‌ها را ناایمن و عرصه‌ای برای کلاهبرداری معرفی می‌کند. حصین در یک ویدیوی استوری شده در پیج اینستاگرام خود در دی ماه ۱۳۹۸ سال نو میلادی را تبریک گفت و اعلام کرد که هم‌زمان با سال نو میلادی سایت شرط‌بندی خود با نام سنگین بت را راه‌اندازی کرده است تا به قول خودش قماربازها بتوانند با خیال راحت و بدون دغدغه کلاهبرداری در این سایت به شرط‌بندی بپردازند.<sup>۴</sup>

1. <https://www.beytoote.com/art/artist/biography-hussein-devil.html>

2. <https://www.mashreghnews.ir/news/392965/%D8%A7%D8%A8%D9%84%DB%8C%D8%B3-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B4%D9%87%D8%AF-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA-%D8%B4%D8%AF>

3. [https://www.youtube.com/watch?v=S\\_NQkT76C8c](https://www.youtube.com/watch?v=S_NQkT76C8c)

4. <https://www.youtube.com/watch?v=tsMBnPDuYw>

یکی از دلایلی است که عده‌ای مخصوصاً هواداران او سایت سنگین بت را برای شرط‌بندی انتخاب می‌کنند، افشاگری حصین در مورد بقیه سایت‌های شرط‌بندی مبنی بر کلاه‌برداری، دزدی و تغییر نتیجه بازی‌ها هست.



تعارض‌های ارزشی که در الگوهای مخرب مشاهده می‌گردد، به سادگی ذهن ساده کودکان و نوجوانان هوادار الگوهای اخیر را با تعارض و سردرگمی مواجه می‌سازند.

### تحقیرآمیز دیدن و برخورد ابزاری با جنس مؤنث

الگوهای ویرانگر عموماً نگاهی ابزاری نسبت به جنس مؤنث را مطرح می‌سازند. پرونزو (۱۹۹۱) در کتاب خویش گزارش می‌دهد، وی در تحلیل محتوایی که در سطح مشهورترین بازی‌های دیجیتالی انجام داده است، به این نتیجه رسیده است که زن‌ها چهره نسبتاً گم و ناپیدایی در بازی‌های اخیر دارند و آنجا هم که ردی از آن‌ها هست، غالباً به این صورت است که یک مرد باید در صحنه حاضر شود و زن با پناه جستن به سینه ستبر و بازوهای قدرتمند وی از مهلکه نجات یابد. گذشته از الگوهای مخرب خارجی، با تأمل در الگوهای مخرب ایرانی، مسأله برخورد ابزاری این افراد با جنس زن، در کارهایشان عیان است. به عنوان مثال، ساسی مانکن با به کارگیری رقص یک ستاره پورنو در جریان اجرای خودش، سعی می‌کند، چشم‌های بیش‌تری را متوجه خویش کند، همان‌گونه که تهی یا به کارگیری مجموعه‌ای از زنان نیمه برهنه در هنگام اجرای خودش، دست به عمل مشابهی می‌زند.

ملاحظه موارد دیگری مانند طرح چالش پرتاب موبایل به باس\* دختران توسط میلاد حاتمی، اوج تحقیر شدگی و برخورد ابزاری با زنان را به همراه دارد.



آرمین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش طی اظهار نظری که راجع به جنس مؤنث دارد، بیان می‌کند:

«- خوب تو توی آمریکا باشی، با کی ازدواج می‌کنی؟

نه با هیچ‌کس، برا چی ازدواج کنم؟

- خوب گفتم شاید ۳۰ ساله باشی، تا اون موقع ازدواج کرده باشی؟

نه، من ازدواج نمی‌کنم، بدم میاد.

- منظورت چی هست؟

من از دخترا بدم میاد.

- چی شده که بدت میاد؟

دخترا لوسن، بچه ننه ان، من همه دوستام پسرن.

- یعنی همه دخترها این‌جوری هستند؟

آره، این جورین».

## توهم زدگی

برخی از شاخ‌های اینستاگرامی که فقط و فقط با حاشیه‌سازی‌های خودشان مطرح شده‌اند، گاهی به سبب حجم بالای بازدید کنندگان صفحه خودشان، دچار توهم شده، تصور می‌کنند که حتماً ارزشی در وجود آنان نهفته است که جمعی پیگیر احوالات آنان هستند. تصویر زیر متعلق به دانیال پایدار (آی پایدار) از شاخ‌های مجازی اینستاگرامی است. وی در حالی که دست به انجام حرکت سخیفی زده است، از میزان تأثیرگذاری خویش در مخاطبانش سوال به عمل آورده است:



(متن پست: بهترین چیزی که از من یاد گرفتی چی بوده؟  
چه قدر تونستم تأثیر گذار باشم برات؟)

برخی از کودکان و نوجوانان هم در جریان کاربری از الگوهای مخربی که با آنها مواجه شده و بدانها علاقه‌مند گردیده‌اند، در تلاش برای الگوبرداری از حرکات و سکنات الگوهای اخیر، با آنان همذات‌پنداری کرده، توهم کسب‌توانی مضاعف را به دست آورده، بر همان مبنا با دوستان و همسالانشان برخورد می‌کنند، مسأله اخیر خاصه در دانش‌آموزان دبستانی با سن پایین، قابل مشاهده است. شروین ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش به طرح نمونه‌ای از توهم زدگی که از آن یاد شد، پرداخته است:

«اون موقع بیش‌تر شبیه کدوم شخصیت از کارتون‌هایی که گفتم هستی؟

سوپرمن.

- چرا؟

چون زورم زیاد می‌شه و چند نفرشون رو تار و مار می‌کنم (می‌خندد).

- پس همه‌شون رو تنهایی شکست می‌دی؟

آره.

- زورت که زیاد می‌شه، چه جوری می‌شی؟

صورت‌م سرخ می‌شه، بازو هامم میاد بالا، بعد سرشون داد می‌زنم (می‌خندد)، اونا می‌ترسن و در

می‌رن.

- اون‌ها سعی نمی‌کنند ادای سوپرمن رو در بیارن و با تو بجنگند؟

نه، یکیشون لباس اسپایدرمن رو داره، ولی خیلی اُسکوله، فوتش کنم می‌افته».

امیر ۱۱ ساله هم به شکل مشابهی، در مصاحبه‌اش از اندیشه‌های توهمی خویش یاد کرده است:

«می‌خوام یه سرزمین درست کنم که خودم و اژدهاهای خودم باشیم، مثه اژدها سوار تربیتشون کنم، سوارشون بشم و پرواز کنم.  
- اژدها سوار چندتا اژدها داره؟  
اون یه جزیره داره، پر اژدها، همه‌شون هم مال خودش، به دوستاشم داده.



- اژدها سوار چند سالشه؟  
همسن منه.  
- تو هم می‌خوای الآن اژدها داشته باشی؟  
آره، یه عالمه باشن و تربیتشون کنم، اول از مار می‌خوام شروع کنم.  
- مار؟  
آره.  
- می‌خوای چه کارش کنی؟  
تربیتش کنم واسه خودم.  
- ولی مار نیش داره خطرناکه.  
از اژدها که خطرناک‌تر نیست.  
- ولی اژدها الآن وجود نداره.  
کی گفته وجود نداره، وجود داره من حتی بازیشم تو تبلتم دارم.  
- حالا فکر نمی‌کنی که بخوای مار رو تربیت کنی، خطرناک باشه؟  
نه بابا، وقتی هی‌کاپ می‌تونه اژدها تربیت کنه، چرا من نتونم.  
- حالا چرا مار؟  
البته می‌تونم حیوونای دیگه‌ای هم تربیت کنم، ولی خب اژدها خیلی شیک‌تره، خب خارجیا همه حیوون خونگی دارن، منم داشته باشم دیگه.  
- حالا نمی‌شه حیوون خونگی نداشته باشی؟

نه اصن، حتماً باید داشته باشم، اونم اژدها.

- چرا حالا اژدها؟

چون خوشم میاد.

- چرا خوشت میاد؟

چون خیلی باحاله، هیچ کدوم از دوستان ندارن، من می‌خوام یه چیز جدید داشته باشم.

- چرا جدید می‌خواهی داشته باشی؟

ول کن بابا، هر چه قدر بهت توضیح بدم نمی‌گیری.

- امیر منظور من اینه که چرا می‌خواهی اژدها داشته باشی، مگه دیگه سرگرمی وجود نداره که

بخوای انجام بدی؟

سرگرمی بهتر از اژدها نیست، اژدها خطرداره، ترس داره، ابهت داره، ولی بقیه سرگرمیا زیاد

هیجان انگیز نیستن. من می‌خوام یه کاری کنم که خیلی هیجان‌دار باشه مثه فیلمایی که دیدم

باشه».



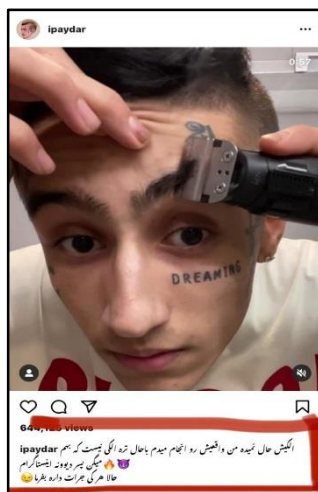
## سوق یافتن به سمت ابتدال فکری

برخی از کاربران الگوهای ساخته و پرداخته دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، در جریان پیگیری دقایق زندگی الگوهای مورد نظرشان، در عمل درگیر مسایل حاشیه‌ای زندگی آنان شده، با غرق شدن در این حواشی، خود به خود توجه آنان از مسایل مهم زندگی منقطع شده، معطوف به حواشی الگو و فراز و فرودهای رفتاری آنان می‌گردد.

تصاویر زیر شامل برخی از پست‌های دانیال پایدار (آی پایدار) و همسرش ماهک است. همان‌گونه که از تصاویر برمی‌آید، نخست ماهک کفش‌های برند دانیال را آتش می‌زند و در ادامه دانیال با قیچی کردن لباس‌های ماهک و خرد کردن وسایل آرایش وی در دستشویی دق دلی خالی می‌کند:



پایدار در تصاویر زیر نیز دو چالش را مطرح کرده است، تراشیدن ابرو و خوردن نوشابه با پا!



پایدار در تصاویر زیر یا روغن زیتون روی زمین ریخته است تا فردی که در محوطه راه می‌رود، زمین بخورد و یا آن که با کمک خواهرش دست و پای ماهک را می‌بندند تا وی را در استخر بیندازند:



در تصویر زیر نیز پایدار با مشث به صفحه لپ تاپ خواهر زده و آن را خورد کرده است و به این ترتیب داد وی را درآورده است:



انعکاس رفتارهای مبتذل الگوهای مخرب را می‌توان به راحتی در هواداران ملاحظه کرد. رزیتای ۹ ساله و ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های خود، نمونه‌ی بارزی از درگیر شدن نوجوانان با حاشیه‌پردازی‌های الگوهای اخیر را به دست داده‌اند:

«- باربی دوست پسر هم داره؟

آره، خیلی باکلاسه.

- دوست پسر چیه؟

کسی که با اون می‌رقصی، پسره، میاد دنبالت، ماشین داره.

- دیگه چی؟

قد بلنده، مهربونه، هر چی باربی می‌گه، گوش می‌ده.

- چه جور ی با دوست پسرش آشنا می‌شه؟

باربی می‌ره دیسکو، اون جا با هم می‌رقصن، دوس می‌شن.

- دوست‌های تو همه دختر هستن؟

آره.

- اون‌ها هم باربی رو دوست دارن؟

خیلی، بعضی وقتا کارتون باربی پخش می‌شه، با هم تو مدرسه قرار می‌ذاریم، برگشتیم خونه

اون رو ببینیم.

- بعدش چه کار می‌کنین؟

برگشتیم مدرسه واسه هم تعریف می‌کنیم.

- چی می‌گین؟

مثلاً کجا رفت، چی پوشید، لباسش چه جور ی بود، گوشواره‌هاش چه جور ی بود و اینا».

«فرهنگ کره کلاً خیلی پاستوریزه هست، کلاً سبک فرهنگ‌شون هم پایینه!

- منظورت از پاستوریزه بودن چی هست؟

مثلاً این که یه دونه آیدل به یه آیدل گروه دیگه، مثلاً یه خواننده پسر به یه خواننده دختر گروه

دیگه نگاه بکنه، یعنی که اوه این دوتا با هم قرار می‌ذارن.

- یعنی فکر می‌کنی فرهنگ مردم کره نسبت به ایران چه طوری هست؟

حتی می‌تونه از ایران هم بدتر باشه، البته خب آزادترن تو پوشش و اینا... البته تو ایرانم نمی‌تونن

یه دختر و پسر رو تو خیابون کنار هم ببینی، بعد فکر کنی که دوستای عادی، دوستای صمیمی

جنس مخالف برای خیلی خانواده‌ها عادی نیست، داخل کره هم این طوریه که نمی‌تونن دست هم

رو راحت بگیرن، مردم عادی می‌تونن، ولی مردمی که شناخته شدن، همه زیر ذره‌بین، بعد همین

دیگه. مثلاً تو همین باسند که در موردش صحبت کردم، سهون، با یه دختره دیگه که اسمش

سجونگه، با هم صمیمین، ولی توی همین چند وقت پیش طرفدارای سهون شروع کردن به هیت دادن به دختره، که تو چرا به سهون نزدیک می‌شی؟ تو می‌خوای با استفاده از سهون خودت رو معروف کنی، در حالی که بابا اینا حتی یه بار همدیگه رو بغل هم نکردن جلوی دوربین، یعنی در این حد ان.»

## بی‌معنا یافتن زندگی و ارایه راهکار خودکشی



کامیار ۱۳ ساله که وحید مرادی را به عنوان الگوی خودش انتخاب کرده است، در مصاحبه خویش گزارش می‌دهد که بسیاری از وسایل وی، مشابه وسایلی است که وحید مرادی در دوران حیاتش از آن‌ها استفاده می‌کرد. مادر کامیار نیز در ادامه مصاحبه خاطرنشان می‌سازد، چون وحید مرادی ۳۵ کتانی داشته است، کامیار دنبال تهیه ۳۵ کتانی است و چون یک کتانی وی ZX آبی بوده است، پسرش دنبال تهیه همان مدل کتانی هست. موارد دیگری از بحث‌های کامیار با دوستانش درباره انگشترهای وحید، نوشته‌های روی انگشترها و نظایر آن‌ها است:

«کلیپ‌های وحید مرادی رو خیلی دوست دارم.

- وحید مرادی کیه؟

اون از شاخ‌های اینستاگرام بود، حالا کشته شده، ولی خیلی ازش حساب می‌بردن.

- چه قدر توی خریدن وسایلت، از اون الگو می‌گیری؟

نصف لباس‌هام مثل لباس‌های وحید مرادیه.

- معمولاً با چه کسانی فیلم می‌بینی؟

فیلم‌های طنز رو با مامان و بابام می‌بینم، ولی کلیپ‌های وحید مرادی رو با دوستانم می‌بینم، چون

مامان و بابام دوست ندارن.

- (از مادر کامیار پرسیدم که کامیار چه قدر در قالب وحید مرادی می‌رود؟ وی پاسخ داد:

خیلی زیاد. هر دفعه که کلیپ‌هایش رو می‌بینم، انگشتر بزرگش رو تو دستش می‌کنم، تسبیح هم

می‌گیرم دستش. من و باباش خیلی عصبی می‌شیم. ولی خودش خیلی احساس رضایت می‌کنه. کلاً

زیاد به رفتارهای کسانی که هم تیپ‌های وحید مرادی هستند و به قول خودش مردونه هستند، دقت

می‌کنه و اداشون رو در میاره. خیلی مثل اون‌ها صحبت می‌کنه و من از این بابت خیلی ناراحتم. مثلاً تحقیق کرده که وحید مرادی ۳۵ تا کتونی داشته هی می‌خواد کتونی بخره. جدیداً هم می‌گه وحیدمرادی یه کتونی ZX آبی داشته و اصرارداره که اون رو بخره».

ریز شدن هواداران در دقایق زندگی الگوهای مخرب، چنان ذهن آن‌ها را به تصرف خود درمی‌آورد که شاید دیگر جایی برای تأمل و اندیشه در مورد مسایل مهم زندگی در ذهن هواداران باقی نماند. آبراهام مزلو در هرم پیشنهاد خویش به طرح نیازهای آدمی اقدام کرده است. این نیازها از موارد عینی و فیزیکی، نظیر نیاز به تغذیه آدمی شروع شده، به موارد بالاتری نظیر نیاز به تعلق، دوست داشتن و خودشکوفایی می‌رسد. بسیاری از عرفا و حکما نیز از نیاز متعالی جست و جوی معنا در آدمی یاد کرده‌اند و روان‌شناسی همچون ویکتور فرانکل که تجربه زندان به دست نازی‌ها را داشت، با اتکا به شواهدی که در بین زندانیان دیگر می‌دید، دست به طرح روش درمان معنا درمانی زد که دادن معنا به افراد مسأله‌دار، اساسی‌ترین قسمت آن به شمار می‌آید.

ویکتور فرانکل در کتاب فریاد ناشنیده برای معنا (؟، ترجمه علوی و تبریزی، ۱۳۷۱)، از خودکشی افرادی یاد می‌کند که در اوج رفاه قرار داشتند، اما به سبب نداشتن معنایی در زندگی، در عمل دست به انتحار و خودکشی زده بودند.

الگوهای مخرب نیز اگر چه به لحاظ امکانات از اوج امکانات مختلف برخوردارند، اما آنان نیز ممکن است به سادگی در برخورد با بحران بی‌معنایی، دست به خودکشی بزنند و به این ترتیب به نوعی مروج خودکشی کردن در سطح هواداران‌شان شوند. قسمتی از اظهارات ارغوان ۱۲ ساله در مصاحبه‌اش، ناظر بر همین معنا است:

«از بین این اعضای کی‌پاپ، چند نفرشون با هم تو رابطه هستند؟

با هم نیستن، ولی بین طرف‌دارا شیپ می‌شن، چانیول و بکیون با هم شیپ می‌شن.

- ولی در واقعیت ممکنه که چیزی نباشه؟

آره، مثلاً چن و شیومین، البته اسمای اصلی‌شون مین سوک و جونگه هست، این دوتا هم با هم شیپ می‌شدن، ولی چن ازدواج کرد و بچه‌دار شد، پس مشخصه که استریته، این چیزیه که فن‌ها فکر می‌کنن در موردشون و ممکنه واقعی نباشه، و چیزی که هست تو کره، این‌طوره که اگه دوتا پسر خیلی همدیگه رو بغل کنن تو کره عادیه.

- مثل ایران؟

نه تو ایران هم باز به نظر من کم‌تره، اونا خیلی بغل می‌کنن، و بقیه این رو مثل رفتارای گی‌ها می‌بینن، بالاخره پسرا می‌تونن با هم صمیمی باشن، ولی واقعاً فرهنگ کره داغونه.

- چه طور؟

مثلاً همین چن، عضو اکسو سال ۲۰۲۰ اومد خبر داد که من دارم ازدواج می‌کنم و دوست دخترم حامله هست.

بعد این طرفدارا شلوغ کاری کردن، بعد طرف اگه بگه گی هستیم، هم باز کلی هیت می‌گیره، کلاً حس می‌کنن که باید آیدل هاشون، آیدل همون خواننده‌های کره‌ای ان، باید همون طوری که می‌خوان باشن، ازدواج بکنه هم می‌گن تو غلط کردی چرا ازدواج کردی، باید تا آخر عمرت سینگل بمونی.

- بعد این‌ها چه قدر تحت تأثیر این طرفداراشون هستند؟

در حدی که دوتا از آیدل‌های کی پاپ، یکی شون ۲۰۱۹ یکی هم ۲۰۱۷ خودکشی کرد.

- چه بد، خودکشی موفق؟

آره، جونگ هیون عضو شاینی سال ۲۰۱۷ خودکشی کرد، سولی هم اگه اشتباه نکنم عضو fx

بود، یه گروه دخترونه بود، گوهارا هم اگه اشتباه نکنم سولویست بود، یعنی تنها کار می‌کرد».



### ۳-۳- اثرهای فرهنگی - اجتماعی الگوهای ویرانگر

یکی از اثرهای مهم الگوها و اسوه‌ها روی کاربرانشان، اثرهای فرهنگی - اجتماعی است که نمی‌توان نادیده از آن گذشت. اگر بخواهیم تنها با اتکاء به مصاحبه‌های انجام شده دانش‌آموزان مندرج در کتاب حاضر، در این زمینه به بحث بپردازیم، می‌توان در زمینه اثرهای فرهنگی - اجتماعی الگوهای ویرانگر روی هوادارانشان، به موارد زیر اشاره داشت:

- تلاش دستگاه‌های تبلیغاتی جهت ارتقای اثرگذاری الگوهای ویرانگر،

- شکل‌گیری علاقه وافر هواداران نسبت به الگوهای مخرب،

- قداستیابی الگوهای ویرانگر در چشم و دل هواداران،
  - ندیدن و توجیه رفتارهای نامناسب الگوهای مخرب،
  - تبعیت ظاهری از الگوهای مخرب،
  - تبعیت رفتاری از الگوهای ویرانگر،
  - شباهت‌جویی ارزشی به الگوهای ویرانگر،
  - اخذ سبک زندگی از الگوهای مخرب،
  - تحول‌های فراغتی پدید آمده در کاربران،
  - تحول‌های کلامی پدید آمده در کاربران،
  - پذیرش تولید محتوای هواداران،
  - تشویق تعمیق روابط دو جنس،
  - بروز گسست نسلی،
  - تحول‌های نسلی،
  - اختلال در روند جامعه‌پذیری،
  - آموزش هنجارشکنی و بی‌قانونی،
  - ارتقای نقد اجتماعی،
  - مقاومت فرهنگی،
  - ایجاد بستری جهت جهانی شدن.
- در ادامه عناوین فرعی پیش‌گفته، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

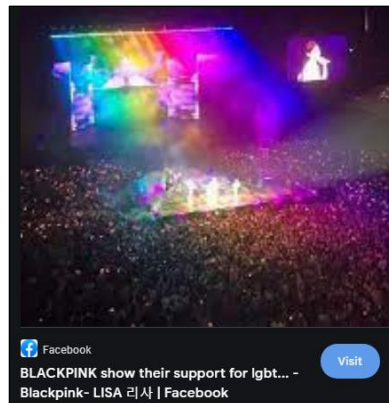
### تلاش دستگاه‌های تبلیغاتی جهت ارتقای اثرگذاری الگوهای مخرب

«چی بالاتر از این که به نوکریت رسیدم،  
بههم آبرویی دادی که تو خوابم نمی‌دیدم،  
تو اوج روسیاهی یکی هوام رو داره،  
حسین همونه که می‌بخشه، منت نمی‌گذاره،  
اگه جاده‌ها بسته است، اگه دوره مسیرم،  
خدا شاهده من اگه نیام حرم می‌میرم،  
تا خالی می‌شه پشتم، هوای منو داری،  
ازت ممنونم ارباب که واسم کم نمی‌گذاری.»

قسمتی از متن موزیک پویان مختاری درباره امام حسین-علیه السلام-.



الگوها بهترین امکان عمل ممکن برای انتقال ارزش‌های مورد نظر به اقشار مختلف اجتماعی (خاصه کودکان و نوجوانان هستند، زیرا آنان از سویی به دلیل بی‌بهره بودن از تفکر انتقادی و از سوی دیگر به سبب نوگرایی که بدان علاقه دارند، کشش بیش‌تری نسبت به الگوها از خود نشان می‌دهند. از این رو دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری به جدّ می‌کوشند تا از این امکان عمل بهره و سود ببرند. نهادهای تبلیغاتی پیش‌گفته، نه تنها می‌کوشند با طرح الگوهایی جاذب، آن‌ها را در چشم و دل هواداران قابل پذیرش کنند، بلکه می‌کوشند تا با سازمان دادن به هواداران و ایجاد روابط متقابل بین هواداران و الگوها، بر عمق وابستگی هواداران به الگوهای مورد نظرشان بیفزایند. اگر بحث محدود به مصاحبه‌های گزارش شده در کتاب شود، در نمونه گروه‌های موسیقایی می‌توان از در نظر گرفتن استانداردهای سخت برای پذیرش افراد در گروه، گذاشتن دوره‌های آموزشی و کارورزی برای افراد انتخاب شده، اجرای برنامه‌های متنوع برای هواداران، ایجاد تشکیلات برای هواداران، برگزاری روز هواداران، تهیه فیلم‌های نمایشی کوتاه، شرکت دادن الگوها در فیلم‌های بلند و نظایر آن‌ها یاد کرد که این موارد در کنار جذابیت‌های فیزیکی اولیه الگوها، انگیزه‌بخشی آنان به هواداران (نظیر آهنگ‌های انگیزشی گروه بی‌تی‌اس)، ارضای طبع پرشور هواداران با خلق صحنه‌های مهیج در حین اجرا (نظیر رقص‌های پر تحرک بی‌تی‌اس ضمن اجرا موسیقی)، میزان اثرگذاری الگوها در هواداران‌شان را افزایش می‌دهد.



سوگند ۱۱ ساله و ارغوان ۱۲ ساله، در مورد چگونگی پذیرش افراد در گروه بی‌تی‌اس در مصاحبه‌هایشان به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- کیپ‌هاپ چیه؟»

یه کمپانیه که مجموعه‌ای گروه‌های موسیقی رو داره، هم گروه‌ها موسیقی دختر و هم پسر، افراد این گروه‌ها باید در کنار استعداد موسیقی، دنس رو هم بلد باشن.

- این خواننده‌ها چه جوری وارد این گروه می‌شن؟

خب کار این کمپانی خیلی حرفه‌ایه، هر کسی نمی‌تونه وارد این گروه بشه، این‌ها اول توسط رئیسی این کمپانی تست می‌شن بعد هم آموزش می‌بینن و گروه تشکیل می‌دن».

«... داخل ایران هم مردم عادی کره و ایران یه جورایی شبیه هم ان، چون نه با هم جنس‌گرایی موافقن، نه با دوست دختر و پسر موافقن، و واقعاً همه اینا بده‌ها (با ناراحتی).

ولی نمی‌دونم روی چه حسابی آیدل‌هاشون خیلی فرق دارن، قبل از این که خواننده بشن یه دوره کارورزی می‌گذرونن، شاید توی اون مدت در مورد این چیزا باهاشون صحبت می‌شه که این قدر فرق داره بین خواننده‌ها با مردم عادی، ولی توی ایران فکر نکنم خواننده‌ها و بازیگرا خیلی فرق داشته باشن با مردم عادی، چون اونا هم با همین فرهنگ بزرگ شدن دیگه، ولی احتمالاً توی اون کارآموزی آیدل‌ها شاید در مورد این چیزا باهاشون صحبت می‌شه».

ارغوان ۱۲ ساله، در قسمت دیگری از مصاحبه خودش از معیارهای دشواری که کمپانی بی‌تی‌اس فراوری خواندگانش قرار داده است، سخن به میان آورده است:

«- حالا نظر خودت راجع به این مسایل چی هست، این که کی‌پاپ‌ها با هم باشند خوبه یا جدا باشند، این که با هم جنس ارتباط برقرار کنند خوبه یا بده؟

بین اینا آزاد نیستن واقعاً، حتی اگر بخواد ازدواج کنه و بچه‌دار بشه، کاری که همه آدما می‌کنن، ولی تا زمانی که این کار رو می‌کنه، چرا باید هیت بگیره؟ چرا به خاطر این که با زنی ازدواج کرد که عاشقش بود هیت بگیره؟

فحش بخوره که تو باید از گروه بری؟ بگن اوکی چن، تو باید از اکسو بری، چرا؟ چون تو ازدواج کردی؟ و این واقعاً خوب نیست در این حد افتضاح ان. به خاطر هر دلیلی شروع می‌کنن به هیت دادن، مثلاً یه چیزی بکیونگ داخل جایی که فن‌ها میان ازش امضاء می‌گیرن گفت، یک جور دیگه ترجمه شد و بکیونگ کلی فحش خورد به خاطرش، در حدی که به خاطرش مجبور شد پست بذاره تو اینستا و معذرت خواهی کنه به خاطر کاری که نکرده بود! و این که همه گروه‌های کی‌پاپ کمپانی دارن و تحت یه کمپانی حمایت می‌شن، مثلاً اکسو داخل اس‌ام شروع به فعالیت کرد، و این اس‌ام خیلی کمپانیه عوضی ایه.



- مثلاً اس ام چه کار می‌کنه؟

همه کارهای اکسو تحت نظر کمپانی‌شونه، آلبوم دادنشون و... بعد کلاً خیلی تحت نظرن دیگه آرتیستاشون، نسبت به اروپایی و آمریکایی، بعد کمپانی‌ها هم خیلی می‌گن که اوه، تو این حرف رو زدی سهام کمپانیمون میاد پایین، برو عذرخواهی کن.

چیز دیگه هم که هست اینه که خیلی کار می‌کشن، انگار که رباتن، بخوام باز مثال بزنم، بکیون عضو اکسو، پارسال هم داشت برای کنسرتا آماده می‌شد، هم برای کار توی یه گروه دیگه آماده می‌شد، هم داشت برای سولوی خودش و هم کار توی اکسو آماده می‌شد، خب زندگی شخصی هم داشت، چه طوری یه آدم می‌تونه این همه فشار رو تحمل کنه؟

بعد کنسرتاشون دنس هم داره، و خب خیلی انرژی می‌گیره، و خب اوکی، کی پاپ رو هر چه قدر هم دوست داشته باشم، خیلی هم بدی داره.

- چه بدی‌هایی داره؟

همین دیگه، بعد فن‌ها مجبورن برای دفاع از آیدل‌هاشون کلی کارای حمایتی انجام بدن، همین الان چانیول سه ماهه که نیست، به خاطر چی؟ به خاطر این که شایعه براش در آوردن که این آدم با ده نفر هم‌زمان بود و به دوست دخترش خیانت کرده، حالا چه طوری گفته؟ طرف یه مرد ناشناسی بوده، بعد دوتا مجله و سایت کره‌ای هم شروع کردن پیاز داغ زیاد کردن و به خاطر همین الان سه ماهه که پیداش نیست».



رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش از تنوع آفرینی برخی از گروه‌های موسیقایی چنین یاد کرده است:

«- مارشملو کی هست؟

یه دی‌جی که یه ماسک گذاشته رو صورتش، چشاش هم ضربدریه و صورتش اصلاً معلوم نیست.

- یعنی کسی تا حالا قیافه‌اش رو ندیده؟

نه، ولی بعضیا می‌گن دیدنش، شبیه یه دی‌جی آمریکایه.

- به نظرت چرا صورتش رو مخفی می‌کنه؟

چون می‌خواد جالب و باحال باشه، همین خواننده‌های خودمون اومدن ازش تقلید کردن.

- چه کسانی ازش تقلید کردند؟

اکس بند.

- اکس بند کی هستند؟

- چندتا خواننده ایرانی که تازه شروع کردن، ولی مثل مارشملو رو صورتشون ماسک گذاشتن».

ارغوان ۱۲ ساله در مصاحبه‌اش، ایفای نقش برخی از اعضای گروه موسیقایی اکسو در فیلم‌ها را

مورد تأکید قرار می‌دهد:

«سریال خارجی ندیدم، کره‌ای بیش‌تر نگاه می‌کنم، صد روز با دوستانم که کیون سو عضو اکسو

توش بازی می‌کنه، بازیگرم هست.

بعد مون لاورزم رو دیدم، اینم تاریخی بود، جادوگری نمی‌شه گفت، ولی تخیلی بود.

- خوب در کل این فیلم رو چه طوری دیدی؟

در کل دوست داشتم چون آيو هم بازی می‌کرد، آيو هم خواننده هست، بعدش لی جون کی و

بکیون بازی می‌کردن و همه‌شون خیلی خوشگل بودن، آدم نمی‌دونست روی کی کراش بزنه!»

تینای ۱۱ ساله نیز در مصاحبه‌ای که داشته است، از ران‌ها (نمایش‌های کوتاه) و فیلم‌هایی که

الگوهای مورد علاقه‌اش در آن حضور دارند، به شرح زیر یاد کرده است و سرانجام ریحانه ۱۰ ساله،

از شکل‌گیری ارتش بی‌تی‌اس‌ها<sup>۱</sup> یاد می‌کند که هواداران را گرد هم می‌آورد.

تعیین روز هواداران در گروه بی‌تی‌اس و تهیه وسایلی نظیر فانوس‌هایی که هواداران می‌توانند با

خود در جریان اجرای کنسرت‌های گروه بی‌تی‌اس ببرند، از دیگر اقدام‌هایی است که می‌کوشند

روابط هواداران با الگوها را عمق بیش‌تری ببخشند.

---

۱. بی‌تی‌اس مخفف عبارت پسران ضد گلوله است. بنابراین آرمی بی‌تی‌اس به معنای ارتش خوانندگان بی‌تی‌اس است.

عمق روابط ایجاد شده بین هواداران چنان زیاد است که آنان خود را بسیار نزدیک به دیگر هواداران احساس کرده، همچون صمیمی‌ترین دوستانشان با آنان برخورد کرده، آنان را در راز و رمز زندگیشان سهیم می‌کنند، اظهارات سوگند ۱۱ ساله، در این ارتباط به شرح زیر است:

«سوگند تو مسایل خصوصیت رو به دوست‌هات می‌گی؟

خب ببین بعضی مسایل خصوصی مهم نیستن می‌تونی بگی، اما بعضی چیزا مهمن، نباید بقیه بدونن اونا رو، معمولاً فقط به یکی دوتا از دوستای صمیمیم می‌گم.

- مسایل خصوصی که مهم نیستند، مثلاً چه چیزهایی هستند؟

مثلاً این که مامان بابام چه کاره ان، یا توی روزای تعطیل چه کار می‌کنیم، رابطه مامان و بابام چه جوریه.

- این که رابطه مامان و بابات با هم چه جوریه، خصوصی نیست؟

هست، اما می‌شه به بقیه گفت.

- یعنی اگه مامان و بابات یه اختلافی داشتند، به دوست‌هات می‌گی؟

اوووم... آره بعضی وقتا.

- مثلاً چی می‌گی؟

مثلاً می‌گم مامان و بابام سر فلان موضوع با هم دعوا کردن.

- به کدوم دوست‌هات می‌گی؟

مثلاً تو اون گروه دوستام که واسه بی‌تی اسه می‌گم.

- تو که اون‌ها رو نمی‌شناسی، چرا چنین مسأله خصوصی رو بهشون می‌گی؟

می‌شناسمشون، ندیدمشون».

### شکل‌گیری علاقه وافر هواداران نسبت به الگوهای مخرب

الگوهای ساخته و پرداخته نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری که غالباً در تبلیغات کالاهای تولیدی کارخانه‌های سرمایه‌داران، نقش فعالی ایفا می‌کنند، به دلیل جذابیت‌های شخصی و (به واسطه نهادهای تبلیغاتی) اجتماعی که از آن برخوردارند، به سادگی مورد توجه کاربران قرار گرفته، با تکرار برنامه‌ها و تولیدهایشان، به تدریج در ذهن آنان می‌نشینند و با توجه به ارضای هیجانی نسبی که در کاربران خود پدید می‌آورند، رفته رفته کاربران را نسبت به خود علاقه‌مند می‌سازند. به عنوان نمونه، رزیتای ۹ ساله، در مصاحبه خویش گزارش می‌دهد که الگوی مورد علاقه وی حتی در خواب او رسوخ کرده است و ارغوان ۱۲ ساله، خاطرنشان می‌سازد برای کسب اطلاع از دقایق گروه بی‌تی‌اس، عضو کانال‌های اطلاع‌رسانی زیادی در همین ارتباط شده است تا به آخرین اخبار گروه مورد علاقه‌اش دست پیدا کند.

«- تا حالا خواب باری رو دیدی؟

خیلی.

- چه خوابی؟

با هم می‌ریم خرید، آواز می‌خونیم، بهم رقص یاد می‌ده.

«- به نظرت نظام کره‌ای‌ها مردسالار هست یا زن‌سالار؟

آره، مردسالاره، واقعاً پسرا طرف‌دارشون بیش‌تره و وقتی یه آیدل پسر و یک آیدل دختر با هم قرار می‌ذارن، کسی که هیت می‌خوره دختره نه پسره، می‌گن تو به اوپای ما نزدیک شدی، اوپا یعنی عزیز، به مردای بزرگ‌تر از خودشون می‌گن، تو چرا می‌خوای بچسبی به این و خودت رو معروف کنی، کلی فحش و هیت می‌دن بهش و به خاطر چی؟ چون با یه مرد قرار گذاشتی.

- از کجا تمام این اطلاعات رو به دست میاری؟

من یک عالمه کانال اکسو و یکی دوتا کانال خبری کی پاپ رو عضو، و اون اول واقعاً هیچی نمی‌فهمیدم.

- یعنی برای تو بزرگ‌تر از سنات بود یا چی؟

بین همین که من از کلاس پنجم یه جورایی بزرگ شدم تا این چیزا رو بفهمم، یک سال اول واقعاً سخت بود و برای سنم زیاد بود و اصطلاحات کی پاپ رو نمی‌دونستم، تو کانالا جوین شدم و اینا... بعد یه سری پست تو اینستا هم هست البته من ندارم اینستا، کلی کانال خبری هم هست که می‌تونن ازشون اطلاعات کسب کنی، برای کسانی که تازه آشنا شدن خوبه.

ریحانه ۱۰ ساله در جریان مصاحبه خودش، از علاقه وافر خود به گروه بی‌تی‌اس یاد می‌کند و تأکید می‌کند که حاضر است در نقش پیش مرگ آنان ظاهر شود.

شایلین ۱۱ ساله نیز در مصاحبه خودش می‌گوید، اگر او بیلی آیلش را که به وی علاقه دارد، ببیند، احتمالاً از شدت خوشحالی غش خواهد کرد.

دنای ۱۲ ساله، پس از بیان علاقه وافر دوستش به گروه بی‌تی‌اس، خاطر نشان می‌سازد که او برای گروه بی‌تی‌اس فن پیچ (صفحه هواداری) زده است. ملیکای ۱۲ ساله هم در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، او برای لورن که الگوی مورد علاقه وی است، فن کلیپ تهیه می‌کند و با وجود آن که لورن وی را سین نکرده است، گاهی برای تهیه کلیپ‌های هواداری خودش، بیش‌تر از یک روز وقت صرف می‌کند.

تصاویر زیر متعلق به برخی از هواداران پویان مختاری و تتلو است که طی پست‌هایشان، از دلدادگی خویش به الگوهای مطلوب طبع خویش یاد کرده‌اند:



## قداست‌یابی الگوها در چشم و دل هواداران



(کلیپ نوجوانی است که وحید مرادی را سلطان خود می‌نامد و پس از فوت وحید برای او ساخته شده است)

برخی از الگوهای مخرب بومی می‌کوشند تا با شباهت جستن به یک نظریه‌پرداز و راهنما برای هوادارانشان، به نوعی به تقدیس و ستایش خویش بپردازند. متن زیر قسمتی از مصاحبه با وحید ۲۲ ساله است که به روایت دوران دبستان خود پرداخته است:

«امیر ده سال پیش که توی ایران بود روی نماز و دعا تأکید داشت.

مثلاً دعای روز اول، دوم، سوم ماه رمضان رو می‌خوند، یعنی امیر شده بود یک آخوند، جوری بود که شاید خیلی از آخوندا اون جوری نبودند.

ساق بند می‌زد، روزی صد تا پست می‌گذاشت و توی اونا حجاب رو توضیح می‌داد. می‌گفت حجاب مال مرد هم هست، برای همه این‌ها رو توضیح می‌داد.

نماز رو توضیح می‌داد، می‌گفت سجده کنی، تخلیه انرژی منفی هست، ورزش کنی، عرق کنی، گریه کنی این‌ها همه راه‌های تخلیه هست و این طوری می‌تونی جلوی راه‌های ورود انرژی منفی رو بگیری، امیر می‌گفت، اگه لباس ناجور بپوشی، وقتی آدم‌ها تو رو ببینند انرژی منفی به طرف تو می‌فرستند.

راه‌های تماس رو به ما یاد می‌داد، انگار ما سر کلاس بودیم، حجاب، کارما، طبیعت، قدرت ذهن انسان، قانون جذب، کائنات، انرژی مثبت و منفی، راه‌های تماس رو به ما یاد می‌داد. امیر می‌گفت شما با پوشش و تماس نگرفتن می‌تونید جلوی راه‌های ورود انرژی منفی رو بگیرید.

من از ۱۳ سالگی طرفدار امیر شدم، ما الان که ۲۲ ساله، جیک و پوک اون رو می‌دونم. بزرگ‌تر که شدم و درک و فهمم بیش‌تر شد، ۱۰ برابر بیش‌تر طرفدارش شدم، یعنی چون فهمیدم، بیش‌تر طرفدار اون شدم.

نظرم درباره امیر این هست که اون یک استاد هست، نظم نوین جهانی رو می‌دونه و جلوی اون‌ها ایستاده، یعنی روبروی حکومت‌های این جهان و ایستاده است، هدفش بزرگ هست، من اون رو در

حد یه دانشمند قبول دارم. دیگران که به اون انگ می‌زنند، در واقع اون رو نفهمیدند که به اون انگ و برچسب می‌زنند.

از نظر امیر انسان یک موجود جاودانه هست و با مرگ تموم نمی‌شه. انسان اشرف مخلوقات هست و مرگ سهمش نیست، حالا برای این که انسان اشرف مخلوقات بشه، اون داره به ما آموزش می‌دهد تا از ما آدم‌ها و طرفدارهاش یک فرشته بسازه. من صوت امیر رو برات می‌فرستم تا ببینی چه دید عمیقی داشته و داره<sup>۱</sup>.

حتی فن پیچ‌هایی که امیر را دنبال می‌کنند، گاهی براشون سوال‌هایی پیش میاد. بعضی فن پیچ‌ها به امیر شک کرده بودند، امیر تا قبل از این که خارج بره، کسی اون رو درست درک نکرد. تازه الان برخی از فن پیچ‌ها فهمیده‌اند هدف امیر چی هست».

۱. پیام صوتی پیاده شده تتلو برای طرفداران، به قرار زیر است:

«پیچه‌ها یه سری حقایقی را برای شما نوشتم که متأسفانه همه‌اش هم حقیقت داره، گفتید توی ویس توضیح بده که توضیح می‌دم. عرض کنم که آرکون‌ها بزرگ‌ترین دشمنان انسان هستند و از درد رنج مردم تغذیه می‌کنند، ۱۲ خانواده هم هستند که از آرکون‌ها حمایت می‌کنند، چون هر چه قدر این‌ها قوی‌تر بشن، اون‌ها قوی‌تر می‌شن، در واقع این دو بهم وابسته‌اند، مثل دلقک ماهی و شقایق که بهم وابسته هستند و قبلاً اون رو براتون توضیح داده بودم.

این ۱۲ خانواده که گفتم، سنترال بانک‌های دنیا هستند و ثروت دنیا رو به دست گرفتند و آرکون‌ها رو بیش‌تر می‌کنند برای این که شیوع بیماری بیش‌تر بشه، کاری که ما باید بکنیم این هست که باید از آرکون و نفوذ اون‌ها در خودمون جلوگیری کنیم و حجاب سبب می‌شه آرکون‌ها وارد بدن ما نشند و اگه آرکون‌ها وارد بدن ما بشند، باید اون‌ها رو با نماز و ورزش از بدن خارج کرد، برای همین هست که نماز صبح، ظهر و شب داریم، یعنی آرکونی که صبح تا ظهر وارد بدن ما شد، با نماز ظهر از بدن ما خارج می‌شه و آرکونی که تا شب وارد بدن ما شه، با نماز شب از بدن ما خارج می‌شه. برای همین بود که پیامبر سجده طولانی می‌رفت، برای این که این آرکون‌ها رو از بدنش تخلیه کنه. حالا هر کی این آرکون‌ها رو یاد بده چه طور تخلیه می‌شن، اون رو می‌کشن، مثل بورس‌لی و توپاک که اون‌ها رو کشتند، اما رهبر ما سال‌ها است که مقابلشون ایستادگی کرده و به واسطه عشقی که بین رهبر و ملت ایران هست، محفوظ مونده، اما من می‌ترسم به این اندازه قدرت نداشته باشم و به واسطه آرکون‌ها تحت حمله آرکون‌ها قرار بگیرم و بمیرم، برای همین گفتم این حقایق رو به شما بگم تا اگر من رو کشتند، شما برگردید به حرف‌هام اون‌ها رو باور کنید و به اون‌ها توجه داشته باشید.

حالا چرا آمریکا با ما مخالف هست، چون آقا از این قضیه خبردار هست و برای حفظ منافع ما اجازه ساخت بانک فراماسونری رو به اون‌ها نداده و ما یکی از سه کشوری هستیم که تحت کنترل فراماسونری نیستیم و کنترل ما دست خودمون هست، ولی اون‌هایی که به آرکون‌ها، توجه ندارند و رعایت نمی‌کنند، مورد حمله آرکون‌ها قرار می‌گیرند، مثل کسانی که در موج سال ۸۸، آرکون‌ها اون‌ها رو تحت تأثیر قرار دادند و همه به منافق و دشمن ایران تبدیل شدند. ما برای این که آرکون‌ها از ما استفاده نکنند، باید حجابمون رو رعایت کنیم، باید نمازمون رو بخونیم، باید عرق کنیم، با اشک هم می‌شه تخلیه کرد. ما باید همه پشت رهبرمان باشیم پشت نظام باشیم. ما باید بنویسیم خدا اون قدر نمت داده است که در جهان فقیری وجود نداشته باشه. اگر فقر وجود داره، به خاطر این ۱۲ خانواده هست. این‌ها واحد پول ما رو کم کرده‌اند و واحد پول خودشون رو افزایش دادند.

هیتلر برای این یهودی‌ها رو کشت که فهمید، یهودی‌ها سال‌ها باعث تولید این بیماری‌ها و بدبختی بوده‌اند. آقامون هم برای همین هست که جلوی این‌ها ایستاده و ما همه باید پشت رهبرمون باشیم. می‌خواید این حقایق را باور کنید، می‌خواید باور نکنید. اما به روح پدرم به جون مادرم ذره‌ای ریا و دروغ در حرف‌هام نیست، همه این‌ها برای سرافرازی مردم ایران است، پس کمکم کنید راه‌های ورود آرکون‌ها رو ببندیم. ما با نماز و ورزش باید جلوی اون‌ها رو بگیریم. ما باید نشون بدیم از اون‌ها پایین‌تر نیستیم و تلاش کنیم دست این ۱۲ خانواده را رو کنیم تا انشا الله آرکون‌ها از بین برونند و آقا امام زمان ظهور کنند و عشق در دنیا جاری بشه. امیدوارم حرف‌هام رو با گوش دل گوش کنید. والله من وابسته به جناحی نیستم به همون قرآن به اسمم امیرحسین قسم، همه این‌ها رو از روی عشقم به هوادارهام و ایران گفتم و بس».



(قرآن خواندن یکی از طرفداران تتلو)

مشابه آن چه از تتلو نقل شد، در اظهارات سایر شاخ‌های مجازی هم دیده می‌شود. نمونه‌هایی از این اظهارات در زیر آمده است:



(متن پست: در هیچ مدرسه و دانشگاهی بهت یاد نمی‌دن چه طور پول در بیاری، رفیق، چون صنعت همیشه کارمند می‌خواسته، نه کارآفرین)



(متن پست: یه افسانه باش، عادی بودن رو که همه بلدن بابا)

شدت علاقه هواداران به الگوها سبب می‌شود که آنان نه تنها با الگوهای مورد علاقه خود به صورت صفر و یک برخورد کرده و به طور کامل آنان و رفتارهایشان را مورد تأیید قرار دهند، بلکه حالتی از قداست را برای آن‌ها قایل شده، با دیده‌ای مقدس بدان‌ها بنگرند.

رضای ۱۲ ساله، به صرف این که حسین تهی پول یکی از آهنگ‌هایش را صرف تهیه امکانات پزشکی مردم نیازمند کرده است، دست به ستایش وی زده و آرمین ۱۳ ساله هم با بیان این که افرادی مانند بت‌من، جوکر و ددپول آدم‌های خفنی هستند، ایده‌آل خویش را دست‌یابی و رسیدن به وضعیت آنان می‌داند:

«- به نظرت ما تو کشورمون ابر قهرمان داریم؟

اسپایدرمن یا بت‌من که نداریم.

- نه منظورم افرادی که مثل همین ابر قهرمان‌ها به مردم کمک کنند؟

آها آره، آدمای خوبی داریم که به دیگران کمک کنن.

- می‌تونی بهم چند نفر که تو ایران هستند و به مردم کمک می‌کنن رو بگی.

آره، الان همین پزشکا دارن به مردم کمک می‌کنن، ولی شبیه شخصیت ابر قهرمان واقعی

نیست، اما به مردم کمک می‌کنن یا تهی خواننده مورد علاقه‌ام هست، اون آهنگی خوند، پولش رو

برای مبارزه با کرونا داد.

- پس فکر می‌کنی تهی یه ابر قهرمان هست؟

ابر قهرمان مثل اسپایدرمن که کارای خفن کنه نه، ولی این که مثل همین شخصیت‌های فیلم به

مردم کمک می‌کنه خوبه.

- تو از کجا می‌دونی تهی به مردم کمک کرد؟



شبکه من و تو، نشون داد آهنگ دنیا رو که خوند، پولش رو داد برای همین بیمارستان‌ها، بعد تهی تو پستاش گذاشت».

«- توی گروه معمولاً چه چیزهایی می‌گذارین؟

همه چی.

- چندتا مثال می‌زنی؟

عکس هست، رمزهای بازی‌ها (برای تقلب در بازی)، وُیس می‌ذاریم، جوک می‌ذاریم.

- منظورت از عکس، چه عکس‌هایی هست؟

عکس ماشین، بتمن، جوکر، ددپول، آدمای خفن.

- می‌شه یک خورده درباره آدم‌های خفن، بیش‌تر توضیح بدی؟

خفن دیگه، آدمایی که اسلحه دارن، لباساشون مشکیه، سیگار می‌کشن، خالکوبی آتیشی دارن رو

دستاشون.

- این آدم‌هایی رو که می‌گی، کجاها می‌شه پیداشون کرد؟

تو فیلما.

- تو هم دوست داری بزرگ شدی این‌جوری بشی؟

آره، صد در صد».

ریحانه ۱۰ ساله نیز در مصاحبه خود بیان می‌کند که وقتی رازش را به دختر خاله خودش گفته

است، برای آن که وی راز او را به دیگران انتقال ندهد، به وی گفته است که در غیر این صورت، او

هم آرزوی مرگ الگوی مورد علاقه دختر خاله را خواهد کرد.

### توجیه رفتارهای نامناسب الگوهای ویرانگر

دلدادگی به الگو سبب می‌شود، هواداران وی به شکلی عاطفی و رؤیایی با وی برخورد کنند و در

صورت مواجه شدن با نقد و اشکالی در این میان، به جای بررسی و تحلیل منطقی نقدهای مطرح

شده، دفاع تمام‌قد و یکپارچه از الگو را پیشه خود کنند.



بنیامین ۱۲ ساله و اشکان ۱۳ ساله، از آنجا که به تتلو دل بسته‌اند، در مصاحبه‌های خودشان از مصرف مواد مخدر و فحاشی وی به جدّ دفاع کرده و آن را توجیه می‌کنند:

«- خودت هم پیچ اینستاگرام داری؟»

آره یه دونه پابلیک دارم، یه دونه پرایوت.

- چرا ۲ تا پیچ؟

اون پابلیک رو فامیلیم دارن، اون پرایوته رو دوستان دارن.

- مطالبی که به اشتراک می‌گذاری، توی این ۲ تا پیچ فرق می‌کنه؟

آره فرق می‌کنن، توی پیچ پرایوته که دوستان هستن، هر چی که دلم بخواد می‌ذارم، هر عکس و موزیک و تکستی که دلم بخواد، بدون ترس از قضاوت شدن. توی اون‌ی که فامیلا هستن، فعال نیستم خیلی، یکی دوتا عکس پست کردم فقط.

- گفتم بدون ترس از قضاوت شدن، مگه تا حالا پیش اومده که قضاوت بشی؟

بین من خودم سعی کردم فامیل رو دور نگه دارم که این قضاوت و فوضولی کم بشه!

قبل از این که این پیچ پرایوته رو بزنم، توی اون پیچ پابلیک که فامیلا هستن، من از تتلو آهنگ و تکست استوری می‌کردم، یکی از داییم همه‌اش می‌گفت، این چرت و پرتا چیه می‌ذاری یا پسرعموم می‌گفت، تتلو مزخرفه و گوش نکن این آهنگا رو. حالا منم فن تتلوئم... این طوری که می‌دیدم اینا اصن نمی‌فهمن تتلو کی هست و چی داره می‌گه، گفتم اعصاب خودم رو خورد نکنم و یه پیچ مخصوص خودم و دوستان بزنم.

- یعنی با حرف اون‌هایی که تتلو رو رد کردن مخالف هستی؟

معلومه که مخالفم.

- گفتی طرفدار تتلو هستی، دقیقاً چه ویژگی‌ای توی این آدم دیدی که طرفدارش شدی؟  
تتلو یه استعدادده به نظرم، ببین صفر تا صد آهنگاش کار خودشه. تکست، آهنگ‌سازی، ملودی، تنظیم، میکس و مستر، همه چیش. هیچ خواننده‌ی دیگه‌ای نداریم ما که این‌طوری باشه، هیچ‌کس. نمی‌دونم آهنگاش رو گوش دادی یا نه، آهنگاش یکی دو دقیقه نیست، ۱۰-۱۲ دقیقه هس، بلکه بیش‌تر.

- چون آهنگ‌هاش طولانی‌ه به نظرت براش امتیاز مثبت محسوب می‌شه یا کارهاش کیفیت هم دارند؟

%۱۰۰ که کیفیتم داره.

- تو تتلو رو از همه نظر الگو قرار می‌دی؟ منظورم این هست که از همه کارهاش و حرف‌هاش رو قبول داری؟

می‌دونم می‌خوای چی بگی! ببین من قبول دارم، بعضی وقتا بعضی حرفاش خیلی خوب نیست و توهینه، اما اون حرفا رو وقتی گل مصرف می‌کنه می‌گه، وقتایی که تأثیر گله می‌پره، خودش میاد می‌گه چرت و پرت گفته و حالش خوب نبوده اون موقع.

- این موضوع باعث شده تو راجع به گل سرچ بکنی؟

آره، می‌خواستم ببینم عوارضش چیا هس.

- نتیجه تحقیقت چی بود؟

این بود که اعتیاد داره و روی حافظه هم تأثیر منفی داره، خوب نیس کلاً.

- فکر نمی‌کنی این‌که اون گل رو مصرف می‌کنه، باعث می‌شه روی طرفدارهاش تأثیر منفی

بگذاره؟

ببین تتلو خودش می‌دونه گل زدن کار درستی نیست، ولی بدبخت اذیت شده که دیگه می‌ره

سمت این چیزا که یه کم آرامش پیدا کنه».



«تتلو هم گل می‌کشه و هم ورزش می‌کنه، بعضی از افرادی که من با اون‌ها حرف زدم، می‌گفتن گل کشیدن و ورزش کردن با هم ایرادی نداره. تو نظرت در این باره چی هست؟ نظر من اینه که تتلو تونست، منم می‌تونم.

- پس تو هم اگر بتونی، هم گل می‌کشی و خوش می‌گذرونی و هم ورزش می‌کنی. آره.

- بعضی‌ها می‌گن تتلو از ادبیات درستی توی آهنگ‌هاش استفاده نمی‌کنه و حتی شده به مخاطبینش هم توهین کرده، به نظرت این مطلب با حرف درست زدن تضاد داره یا نه؟ اصلاً. اون حرفاش توهین نیست بلکه فقط به شعراش قافیه می‌ده.

- یعنی به نظر تو فقط برای این که قافیه اشعارش درست در بیاد و بتونه حرف‌های درستش رو توی شعرش جا بده، مجبوره از فحش استفاده کنه؟

نه اونا که فحش نیست، یه جور لفظ قلمه. فحش به فرد مشخصی می‌دن».

سوگند ۱۱ ساله و ارغوان ۱۲ ساله نیز در مواجهه با نقد هم جنس‌گرایی برخی از اعضای گروه بی‌تی‌اس، بدون توجه به تصاویر متعددی که در این ارتباط از اعضای گروه بی‌تی‌اس در فضای مجازی منتشر شده است، ضمن عادی اعلان کردن مسأله هم جنس‌گرایی، صحت آن را در مورد الگوهای خویش رد می‌کنند:

«خوب سوگند یه سوال راجب بی‌تی‌اس اومد تو ذهنم، این که درسته که می‌گن اعضای این

گروه بی‌تی‌اس، هم جنس‌گران؟

آهان به عنوان یه فن باید حتماً این موضوع رو بهت توضیح بدم، من مطمئنم که تو گروه بی‌تی‌اس هیچ هم جنس‌گرایی وجود نداره و این‌ها همه‌اش حاشیه اس.

- چرا برای اون‌ها این حاشیه‌ها رو درست می‌کنن؟

خب همیشه آدمای موفق مخالف دارن و بعضی‌ها دوست دارن نابودشون کنن، این حرفم برای همینه.

- هم جنس‌گرایی از نظر تو چه طور هست؟

از نظر من یه گرایش طبیعی، حتی گروه بی‌تی‌اس هم ازشون حمایت می‌کنن».

«در مورد مفهوم گی و ال‌جی‌بی‌تی از کجا خوندی و آشنا شدی و چی شد که می‌گی من با

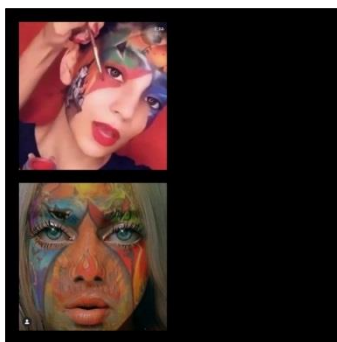
این قضیه مشکلی ندارم؟

اول این که واقعاً کی پاپ باعشش بود، اول این که وقتی من می‌دیدم که وای چقد این دوتا پسر کنار هم دیگه سوییتن و رابطه‌شون خوبه و چقد گوگولن، خب چرا فقط عشق باید بین دختر و پسر باشه، کجا این گفته شده؟ یه چیزی خودم دیدم که مخالفاً می‌گفتن فلان آیه اومده و... .

ولی یه چیزی هست که فرق بین هم جنس‌باز و هم جنس‌گرا مشخص نشده برای مردم ایران.

همجنس‌باز کسیه که به خاطر هوس و این چیزا می‌ره سراغ همجنس خودش، ولی همجنس‌گرا کسیه که عاشق همجنس خودش و اون رو به خاطر خودش می‌خواد نه هوس.  
- کی بیش‌تر با این قضیه آشنا شدی؟  
از قبل می‌دونستم، ولی تو دوران قرنطینه خیلی بیش‌تر خوندم و آشنا شدم.  
- و به طور کلی این رو چیز نرمالی می‌دونی؟  
آره و توی خارج یه چیز اوکی ایه، و یک دختر و یک دختر می‌تونن با هم ازدواج کنن، و بیش‌تر برای کسانی که مسلمانن و عربا و ایرانیا چیز غیر نرمالیه».

### تبعیت ظاهری از الگوهای مخرب



کودکان، نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به الگوها، در نخستین گام می‌کوشند با تقلید از ظواهر صوری الگوهای مورد علاقه‌شان خود را با آنان همسان کنند، از این رو مثلاً طرفداران بیلی آیلش با پوشیدن لباس‌های سبز یا طرفداران پری کتی با آبی کردن قسمتی از موهایشان، در صدد تشبه-جویی به الگوی مورد علاقه‌شان برمی‌آیند. اما در ادامه، انجام رفتارهایی مشابه رفتارهای آنان و در نهایت یکسان‌سازی ارزش‌های خویش با ارزش‌های الگوی مورد نظر، شباهت آنان با الگوی مورد علاقه‌شان به اوج خودش می‌رسد.

امیر ۱۱ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وسایل زیادی از الگوهای مورد علاقه‌اش نظیر بن‌تن، اسپایدرمن، باب اسفنجی، مینیون‌ها و لاک‌پشت‌های نینجا را تهیه کرده است، رضای ۱۲ ساله نیز چنان به الگوی مورد علاقه عشق می‌ورزد که در مصاحبه‌اش اظهار می‌کند، از مادرش خواسته است تا او را به نام الگوی مورد علاقه‌اش صدا بزند:

«- گفתי لباس عنکبوتی داری، از کجا آوردیش؟

خریدمش دیگه، ماسکشم دارم، لباساش رو که کامل دارم، لباس بت‌منم دارم، شل مشکیش رو هم دارم، خیلی از لباسا رو دارم.

- دیگه چی داری؟

ساعت بن تنی دارم، طرح بن تنه.

- خوب دیگه چی داری که عکس و طرح کارتونی داشته باشه؟

کیفم مرد عنکبوتیه برجسته داره، از مال همه بهتره.

- کتابها و دفترت چه شکلی ان؟

دفترام یکیش اینه مینیونه، اینم باب اسفنجیه، اینم بن تنه، اینم دوباره مینیونه.

- خوب دیگه از این کارتونها چی داری؟

خط کش لاک پشتای نینجا رو هم دارم».

«- چرا مرد نباید عمل کنه؟

سوسول می شه. راسل ادلر (یک شخصیت بازیگر)، رو صورتش جای چاقو هست، ولی عمل

نمی کنه که.

- از راسل ادلر خوشت میاد؟

آره، به مامانم می گم من رو راسل ادلر صدا کنن.

- راسل ادلر کی هست؟

تو بازی کالا آف، من شخصیتش رو نگرفتم ولی فیلمشو دیدم، اونایی که شخصیتش رو گرفته

بودن، خیلی خوب بود، یه مأمور مخفی سیاه، آخرش خیانت می کنه.

- چرا خیانت می کنه؟

برای این که اطلاعاتش لو نره، مأمورای آمریکایی خیلی خفن هستن.

- چرا خفن هستند؟

خفن هستن دیگه، کارای باحالی انجام می دن، راسل ادلر برای مأموریت های سخت گفتن خوبه».

### تبعیت رفتاری از الگوهای ویرانگر

هواداران الگوها پس از تلاش برای آن که خود را به رنگ الگوی مورد نظر خویش درآورند و از

البسه و وسایلی شبیه وی استفاده کردند، در صدد کپی برداری از رفتارهای آنان برمی آیند و می کوشند

مثلاً شبیه الگوی مورد علاقه شان راه بروند، بخندند و یا طرف مقابلشان را نظیر وی بزنند.

در مصاحبه زیر آروین از تمایل خویش به گیاه خوار شدن (همچون تتلو) یاد کرده است:



حجم میلیونی هوادارانی که در سایت‌های شرط‌بندی و قمار شاخ‌های مجازی حاضر هستند، گواه روشنی بر تبعیت رفتاری هواداران از الگوهای مخرب است: محسن افشانی در افشاگری که نسبت به افرادی همچون پویان و میلاد دارد گزارش می دهد



که پویان ۱/۸ میلیون و میلاد ۱/۲ میلیون عضو در سایت‌های شرط‌بندی و قمار خود دارند. رزیتای ۹ ساله طی اظهاراتش در مصاحبه، خاطرنشان می‌سازد، او به تبعیت از باربی که الگوی مورد علاقه‌اش است، تنها رقص و بازی را برای دختران قبول دارد. امیرحسین ۱۱ ساله و علیرضای ۱۲ ساله هم با یاد کردن از الگوی مورد علاقه خودشان، به دنبال بدن‌سازی و سیکس پک شدن هستند تا به این ترتیب بتوانند به رونالدو شباهت بیابند:

«بن‌تن رو دیدی؟»

آره.

– دوستش داری؟

نه، یه بار دیدم، دیگه ندیدم خوشم نیومد.

– چرا از اون خوشت نیامد؟

پسروانه اس، همه‌اش جنگ داره، من از جنگ خوشم نمیاد.

- هر کارتونی که جنگ داشته باشه، پسرانه هست؟

آره دیگه، دختر نمی‌جنگه.

- چرا؟

خب دخترا بلد نیستن بجنگن، می‌ترسن.

- از کجا می‌دونی دخترها بلد نیستند بجنگند؟

باربی بلد نیس، تازه من هر کارتونی دیدم، دخترا حرف می‌زنن، عروسک دارن و اینا دیگه.

- دخترها باید چه کار کنن؟

بازی.

- فقط بازی؟

رقص و اینام هس».

«- پس یکی دیگه از الگوها رونالدو هست؟

بله.

- از چه چیز رونالدو بیش‌تر خوشش میاد؟

فوتبالش که عالیه، بدنش که عالی، تو یه آزمایش که قبلاً داده بود، می‌گفتن همه‌اش عضله

هست و اصلاً چربی‌ش کمه.

- پس از هیکلش خوشش میاد؟

آره، یه کم بزرگ‌تر بشم بعد فوتبال بدن‌سازی می‌رم، یه فوتبالیست باید خوش هیکلم باشه».

«- خوب الان که دیگه فوتبال رو جدی دنبال نمی‌کنی دیگه، چه چیز رونالدو الگوتی که بخوای

ازش الگو بگیری؟

خب هنوز بازیاش رو دنبال می‌کنم، بعد سالن یا فوتبال که می‌رم ازشون استفاده می‌کنم.

- خوب به جز فوتبال، دیگه چه چیزهایی هست که سعی می‌کنی توشون مثل رونالدو باشی؟

والا مثلاً مدل موهایش یا لباسایی که می‌پوشه.

- اشکال نداره تعدادی از این عکس‌ها رو نشون بدی؟

اوکیه.

- خوب الان توی این عکس‌ها، از چه چیزهایی خوشش اومده که انتخابشون کردی؟

یکی خب مثلاً مدل موهایش، دوست دارم آرایشگاه می‌رم این مدلی بزنم، و یکی هم اون عکسش

که روی مبل نشسته، انصافاً فقط سیکس پکس رو ببین، قراره از این تابستون که میاد، برم باشگاه،

می‌خوام حتماً این شکلی بشم».

اشکان ۱۳ ساله هم در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، وی به جز مصرف گل، مایل به انجام هر کاری که تتلو کرده است، هست:

- «- امیر تتلو چه خوش گذرونی‌هایی می‌کنه که تو انجام دادی یا دوست داری انجام بدی؟ هر کاری انجام می‌ده می‌کنم، به جز گل کشیدن.
- توی ویژگی‌های ظاهری مثل تیپ و لباس پوشیدن یا حتی زدن تتو، امیر تتلو رو الگو قرار دادی یا این که دوست داری انجام بدی.
- توی تیپ و لباس که الگوم هست، تتو هم ایشالله ۱۸ سالگی.
- چرا تا ۱۸ سالگی باید صبر کنی؟
- بعد ۱۸ اجازه می‌دن و سن قانونیه.
- الان تتویی که می‌خوای بکوبی رو انتخاب کردی؟
- بله.
- و این که کجای بدنت می‌زنی؟ حاضری روی صورت یا گردنت هم بزنی یا جایی می‌زنی که قابل پوشاندن باشه؟
- روی پلک چشم می‌خوام بزnm».

### شباهت‌جویی ارزشی به الگوهای مخرب

عمیق‌ترین سطح همانندسازی با الگوها، استقبال هواداران از ارزش‌های آنان است. از این رو برخی از کودکان و نوجوانان می‌کوشند تا نظام ارزشی خویش را کاملاً منطبق بر نظام ارزشی الگوی مورد علاقه‌شان کنند.

امیرحسین ۱۱ ساله که کاربر برخی از بازی‌های دیجیتالی غربی است، در جریان مصاحبه‌اش تأکید می‌کند، او جشن هالوین را همچون عید نوروز دیده، با آرایش وحشتناک خود در این جشن حاضر می‌شود:

- «- توی بازی کال آف دیوتی، الان مد هالووین و زامبی اومده، درسته؟
- آره، از این اسکین زامبی و هالووین اومده، چون زمان هالووینه ۳۱ اکتبر بازی از چند روز قبل این اسکین رو داد.

- در مورد هالووین چی می‌دونی؟
- خودشون رو ترسناک می‌کنن، لباسا ترسناک می‌پوشن و جشن می‌گیرن.
- از کجا با این جشن آشنا شدی؟

دختر عموم پارسال جشن گرفته بودن خودشون، بعد عکسشون رو گذاشته بودن رو تلگرامش دیدم، تو کارتون باب اسفنجی دیدم که خودشون رو ترسناک می‌کردن و هم رو می‌ترسونن و شکلات می‌گیرن.

- دختر عموت خارج از کشور زندگی می‌کنه؟

نه ایرانه.

- خوب این جشن مخصوص ایرانی‌ها نیست که!؟

آره، ولی الان همه زمان هالوین خودشون رو گریم می‌کنن، کیک می‌خرن، مثل تولد خودشون رو تزئین می‌کنن.



- چرا این کارها رو می‌کنند؟

که مثل خارجی‌ها باشن.

- تو هم این کار رو می‌کنی؟

نه، ولی خوشم میاد ما هم جشن بگیریم.

- دیگه در این مورد چه چیزهایی می‌دونی؟

یه جا دیدم می‌گفتن هالوین جشن شیطان پرستیه.

- خودت چی فکر می‌کنی؟

نمی‌دونم یه جشن دیگه، مثل عید نوروز ما.

- از این وسایل هالوین تا حالا خریدی؟

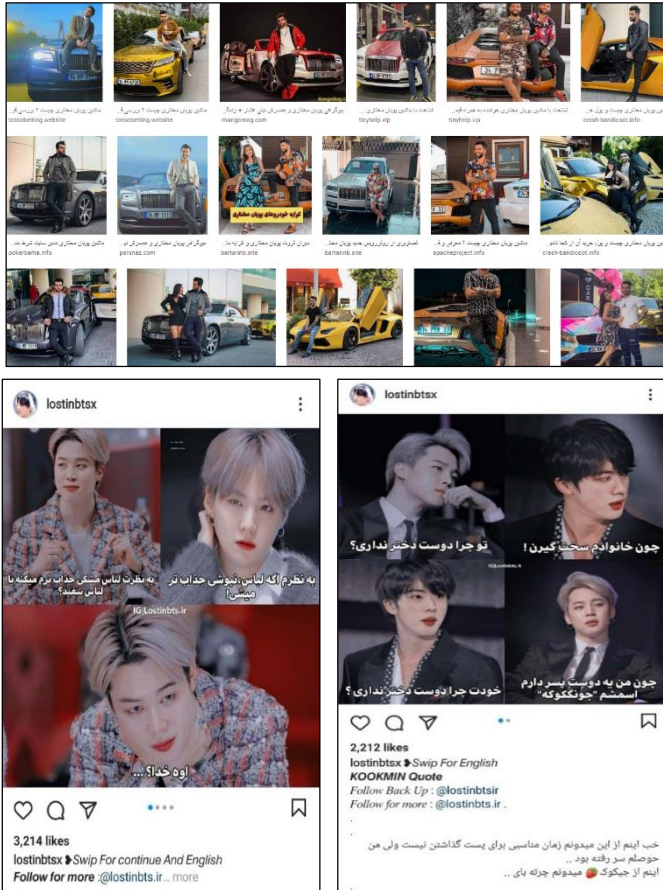
آره یه دندون نیش دارم می‌ذارم، مثل خون آشاما می‌شم، خیلی باحاله.

- برای هالووین خریده بودی؟

نه، از قبل خریده بودم، ولی تو هالوین از این چیزا استفاده می‌کنن».

## اخذ سبک زندگی از الگوهای مخرب

کودکان، نوجوانان و جوانان پس از توجه به الگو و انتخاب وی، تلاش بر تشبیه جویی با وی می کنند و با توجه به پیگیری دقایق زندگی آنان، در عمل رفته رفته با سبک زندگی آنان آشنا شده و همان سبک زندگی را نیز برای خود انتخاب کرده، در صدد تحقق آن برمی آیند.



آرمیتای ۷ ساله، در سن ۷ سالگی خویش پس از آشنا شدن با سبک زندگی باربی، نه تنها دنباله رقص باله است، بلکه همچون او لباسی صورتی و سگ تهیه کرده است و همچون او از اندیشه بچه دار شدن می گریزد.

## تحول های فراغتی پدید آمده در کاربران

کودکان و نوجوانان در پی الگوبرداری از الگوهای مورد علاقه خویش، از آنجا که می خواهند تا حد امکان به الگوی مورد نظرشان نزدیک و نزدیک تر شوند، در فعالیتهای اوقات فراغت خود نیز

دست برده، می‌کوشند تا به این فعالیت‌ها سمت و سویی منطبق با رفتارهای الگوی مورد نظر خویش را بدهند.

فردین ۱۱ ساله نیز در مصاحبه‌اش از تشکیل گروه تینان‌ها و بازی با سبک و سیاق تیتان‌ها و صدف ۱۲ ساله، از یادگیری آرایشگری از باربی و انجام همان رفتار با دوستانش یاد کرده‌اند. رزیتای ۹ ساله، در مصاحبه خودش از این مسأله یاد کرده است که با دوستانش، رقص باربی را تمرین می‌کنند، رضای ۱۲ ساله، از انجام چالش‌های پیشنهادی الگوها و علیرضای ۱۲ ساله از کافه‌نشینی، به تبع سلبریتی‌های مورد علاقه‌اش یاد کرده‌اند:

«- باربی با دوستاش می‌رقصه، می‌رن بیرون، تو هم با دوست‌هات این کارها رو می‌کنی؟ آره با هم می‌رقصیم به هم یاد می‌دیم».

«- دوست‌های تو این رقص‌ها رو انجام می‌دهند؟

آره، یکی از دوستام از این کفش‌ها خریده بود که چراغ دارن، بعد رقص پای هیپ هاپ رو می‌رفت، فیلم گرفت گذاشت تو چنل آپاراتش.

- برای چی حالا این رقص رو رفت؟

اون چالش و رقص و هر چی بشه رو انجام می‌ده.

- دیگه چه رقص‌هایی انجام داده؟

همین چالش عینک رو رفت گذاشت، ولی خوب نشد، مسخره شده بود.

- این فیلم‌هایی که از خودش می‌گذاره رو، همه می‌بینند؟

کلاً ۱۰ نفره، زیاد ویو نمی‌خوره براش».

«- این کافه‌هایی رو که می‌رین، چه جوری انتخاب می‌کنید؟

والا حقیقتش توی اینستا می‌گردیم سه چهار نفری، اون جاهایی که جدید باز شدن یا تا حالا نرفتیم و چیزای باحال دارن رو انتخاب می‌کنیم که بریم.

- به نظر تو درسته آدم برای یک کافه از این سر شهر بره اون سر شهر؟

من این‌طوریم، که احساس می‌کنم یه کافه جدید که باز می‌شه یا معروف می‌شه، همه می‌رن اون کافه، (با خنده) بعد من اگه نرم یه جورایی از غافله عقب می‌افتم.

- خوب از کجا می‌دونی که همه می‌رن که می‌ترسی حالا از قافله عقب بیفتی؟

از استوری‌ها و پست‌هایی که توی اینستاگرام می‌ذارن، متوجه می‌شم.

- بعد برای اولین بار این‌ها رو از کجا پیدا می‌کنید؟

سلبریتی‌ها تبلیغ می‌کنن خیلی از این کافه‌ها رو».

برخی از سایت‌ها برای ارتقای بازدید کنندگان خویش (و در نتیجه کسب درآمد بیش‌تر از طریق تبلیغات)، با توجه به ذائقه کودکان و نوجوانان، به طرح مباحث مبتذل و بی‌ارزش حول و حوش

الگوها می‌پردازند که به هر صورت کودکان و نوجوانان طرفدار الگوهای مزبور به آن‌ها پرداخته و در عمل، در ادامه این مسیر، ابتذل فکری خویش را نتیجه می‌گیرند، مواردی نظیر تست شناخت باب اسفنجی و مانند آن، از این دسته مباحث به شمار می‌روند:

«- خوب عزیزم تو توی گوگل تا حالا چه چیزهایی سرچ کردی یا دیدی که برات جالب بوده؟ تست شناخت باب اسفنجی.

- این تست چه جوری هست؟

۱۰ تا سواله، مثلاً می‌گه چه قدر باب اسفنجی رو می‌شناسیم.

- خوب چه نتیجه‌ای داشت؟

من از ۱۰ تا سوال ۲ تا غلط داشتم، نتیجه تست گفت خوب بود.

- فقط همین تست رو داشت؟

نه، تست‌های دیگه داره، انگری بردز و کارتون‌های دیگه یا تو کدوم دنیای انیمیشنی زندگی می‌کنم، باحاله مثل این فیلترها می‌مونه، و برنامه‌هایی که می‌گه شبیه کدوم شخصیت معروفی» (رضا، ۱۲ ساله).

## تحول‌های کلامی

تازگیا شعر می‌نویسم خودکارم کافر می‌شه،

ورقو که حرفشو نزن، پر فحش خواهر مادر می‌شه (فرازی از آهنگ حرمسرای تتلو).

یکی از تحول‌های فرهنگی پدید آمده در سطح نوجوانان تحول‌های کلامی است که آنان در خود نشان می‌دهند.

کاربری از الگوهای مخربی که در استدلال‌ها یا آهنگ‌هایشان دست به ارایه رکیک‌ترین فحش‌ها می‌زنند (و حتی برخی از نوجوانان برای یادگیری فحش‌های جدید به آهنگ‌های اخیر مراجعه می‌کنند)، رکیک شدن کلام نوجوانان را تبیین می‌کند. به عنوان نمونه ساشا سبحانی در یکی از پست‌هایش خطاب به ناقدانش بیان داشت: هر کس نمی‌تونه پول دراره بره بمیره.

تحول‌های کلامی که در کودکان و نوجوانان کاربر فضای مجازی و الگوهای مخرب ملاحظه می‌شود، در ساده‌ترین حالات شامل به کارگیری کلمات و اصطلاحات انگلیسی است، اما در ادامه به استفاده از فحش‌های انگلیسی و همین‌طور ابداع عباراتی دال بر تمسخر فرد یا گروهی می‌انجامد که گاهی فهم آن برای افرادی که بیرون از گروه همسالان نوجوان هستند، دشوار و غامض می‌نماید. امیرحسین و سوگند ۱۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش مواردی از این دست را گزارش می‌کنند:

«- تو دوستت رو چه جوری صدا می‌کنی؟

- بهم می گیم حاجی یا موقع بازی می گیم نوب سگ.
- چرا حاجی می گید؟
- این روزا همه می گن به هم، خفن تره، افتاده سر زیونمون، لاتیش رو پر می کنیم.
- تا حالا شده حرفی بزنی که جلو خانواده ات بد باشه؟
- آره، حواسم نبود گفتم.
- چی گفتی؟
- تو معنی ما بده، وگرنه تو خارج بهش می گن لعنت.
- خوب بعد مامان و بابات چی گفتند؟
- خودم رو زدم به اون راه که معنیش رو نمی دونم.
- نوب سگ یعنی چی؟
- یعنی یه پلیری که ابتداییه و حرفه ای نیست، می خوایم فان ترش کنیم می گم نوب سگ».
- «- تو اینستا چه کسانی رو دنبال می کنی؟
- بعضی از فامیلامون و بعضی از بازیگرا.
- مثلاً چه کسانی؟
- تیلور سويفت و کاردی بی رو خیلی دوست دارم.
- این ها چه کسانی هستند و تو چرا طرفدارشون هستی؟
- هردوشون دوتا خواننده خیلی توانان، تیلور که آهنگاش خیلی عاليه، کاردی بی هم یه رپره که متن آهنگاش خیلی خوبه.
- متن آهنگ هاش مگه چی هست؟
- خب اعتراضیه دیگه، خیلی عاليه. معمولاً به خیلی چیزا اعتراض می کنه و همیشه دعوت می کنه که طرفداراش قوی باشن.
- تو آهنگ هاش فحش هم می ده؟
- آره (می خندد و می گوید)، اصن کاردی بی و فحش ندادن، مگه می شه؟



- تو هم توی فحش دادن ارزش تقلید می‌کنی؟  
خب به زبان انگلیسی می‌گه، منم گاهی استفاده می‌کنم.  
- زشت نیست؟

خب برای همه که به کار نمی‌برم، واسه شوخی با دوستانم می‌گمشون».

### پذیرش تولید محتوای هواداران

فضای مجازی امکان پذیرش تولد محتوای کاربران را فراهم ساخته است و همه کاربران از این امکان برخوردارند که در صورت تمایل تولید محتوای خویش را برای بازدید عموم در فضای وب قرار دهند.

سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها که غالباً به عنوان الگوی کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی انتخاب می‌شوند، بعضاً ممکن است طرفداران خویش را به انجام چالش‌هایی که مطرح می‌کنند، دعوت کنند. تینای ۱۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، توضیح می‌دهد که وی نه تنها برای تولد الگوی مورد علاقه‌اش کلیپ تبریک تهیه کرده است، بلکه از چالش پیشنهادی وی در رقص استقبال کرده، فیلم آن را نیز در فضای مجازی نهاده است. ستایش ۱۰ ساله و آیدا و شروین ۱۲ ساله هم در مصاحبه‌های خود به طرح موارد مشابهی اقدام ورزیده‌اند:

«- خوب این جلب توجه باید به هر قیمتی باشه؟

خب نه.

- دوست‌های خودت توی اینستاگرام خیلی فعالیت می‌کنند؟  
آره، یکی از دوستانم خیلی کلیپ می‌ذاره از خودش و آبجیش، خیلی هم فالوور دارن، سال دیگه فکر کنم معروف بشه.

- خوب چه کار می‌کنند؟

چالش می‌دونی چیه خاله، اینا چالش‌های خارجی رو انجام می‌دن که تو اینستا می‌ذارن، بعد یه عالمه تبلیغش رو می‌کنن.

- چه قدر برای این کارش وقت می‌گذاره؟

خیلی، مثلاً یه بار یه هفته نیومد سر کلاس، الکی به خانم معلم مون گفته بود که کرونا گرفتم، ولی همه‌اش داشت با آبجیش تمرین می‌کرد که کلیپ بسازند.

- خوب این‌جوری که از درسش عقب می‌افته، اشکال نداره؟

خوب عوضش این‌طوری می‌تونه معروف بشه و پول دربیاره، به خاطر همینکه می‌گم آموزش مجازی خیلی خوبه، چون هم داره کار می‌کنه، هم درسش رو می‌خونه، حالا یه کم کم‌تر درس می‌خونه، زیاد فرقی نداره».

«گفتی کلیپ هم می‌سازید؟»

آره، با دوستم سارا.

– سارا کی هست؟

سارا دختر باحالیه، تازه یه بار می‌خواستیم توی پارک سر کوچه‌شون از اون کلیپا بسازیم، ولی خراب شد.

– دوتایی با هم؟

دیگه بیش‌تر از این نمی‌تونم توضیح بدم».

«... مثلاً یکی از دوستانم با دوست دخترش ادای امین و فرزانه رو درآورده بود، از خودش کلیپ

گرفته بود، نشون بچه‌ها می‌داد، می‌خندیدن.

– خانواده امین و فرزانه از کارها و کلیپ‌هایی که اون‌ها می‌گذارند، اطلاع دارند؟

حتماً دارن، چون پیجشون روی همه بازه، معروفن بابا، پونصد کا فالوور دارن.

– پونصد کا یعنی چی؟

یعنی پونصد هزار نفر.

– واقعاً؟

آره دیگه».

## تشویق تعمیق روابط دو جنس

با ملاحظه الگوهای عروسی – کارتونی غرب، مشخص می‌شود که در کنار هر الگوی طرح شده‌ای – به جز محدود الگوهای پردازش شده توسط فمینیست‌ها دارای دوست جنس مخالف است – جنس مخالف وی قرارداده شده است (نظیر دوست پسر باری، برتز، آنا و دوست دختر بت‌من، اسپایدرمن و نظایر آن‌ها). به همین ترتیب در فیلم‌ها و سریال‌هایی که دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری به تهیه آن‌ها اقدام ورزیده است، مسأله دوستی و روابط نزدیک دو جنس مورد تأکید خاص قرار دارد. به عنوان مثال، در سریال فرندز که در ۳۲۶ قسمت تهیه شده است، سه دختر و سه پسر در خانه مشترکی اسکان دارند که به سادگی روابط عاشقانه خود با دوستان هم خانه‌شان را تغییر می‌دهند.<sup>۱</sup>

۱. مشابه همین مسأله را در گروه ایرانی واتنوز که در ترکیه مستقر هستند، می‌توان دید. این گروه متشکل از ۴ پسر هست

که به جز یک نفر آنان که ازدواج کرده است، سه پسر دیگر با دوست دخترهایشان در یک محل مشترک، زندگی می‌کنند.





امیرحسین ۱۱ ساله، در مصاحبه خود از دوست دخترهای متعدد الگوی مورد علاقه‌اش یاد می‌کند. شروین ۱۲ ساله، از روابط راحت و باز خودش با اطرافیان در دوره‌های یاد کرده و رضای ۱۲ ساله، خاطرنشان می‌سازد که وی دوست دختر دارد:

«- دیگه از زندگی رونالدو چی می‌دونی؟

این که رونالدو چندتا دوست دختر داشته.

- خوب، نظرت در این مورد چی هست؟

با همه‌شون که هم‌زمان نبود، تازه ازدواج نکرده باهاشون، فقط یه مدتی باهاشون بوده، ولی اونا

با مامانش مشکل داشتن، ولشون کرد.

- از کجا می‌دونی؟

تو اینترنت خونده بودم، رونالدو مامانش رو بیش‌تر از دوس دخترش دوس داشت و به خاطر

مامانش دوس دخترش رو ول کرد».

«- از نظرت بین سریال‌های ایرانی و خارجی که می‌بینی، کدام‌شون جذاب‌ترند؟

خب معلومه، فرندز.

- چرا؟

من پایتخت رو فقط به خاطر نقی می‌بینم، وگرنه هیچی نداره، ولی فرندز رو هر وقت می‌بینم،

حتی تکراری باشه، می‌میرم از خنده.

- پس همه شخصیت‌هاش برای تو جالب هستند.

آره، همه‌شون، همه دخترا و پسرا و رابطه‌شون با هم و داستانی که داره، جذابش کرده.

- آگه توی پایتخت هم روابطشون این‌طور بود، جذاب‌تر می‌شد؟

آره خیلی، ولی این‌جا نمی‌شه از این فیلم‌ها بسازن.

- به نظرت چرا نمی‌شه؟

یکی این که نمی‌ذارن، اجازه نمی‌دن، یکی هم پول ندارن که فیلمای عالی یا انیمیشن بسازن.

- به نظرت فرهنگ خود مردم این‌طور هست و دوست ندارند یا این که بیش‌تر اجازه ندارند؟

مردم که دوست دارن، الآن توی اینستا یا تیک تاک یا بیرون که می‌ریم همه با هم هستن، مردم مشکلی ندارن، ولی مدیرای تلویزیون یا بالاتر یاشون نمی‌خوان قبول کنن دنیا عوض شده، گیر می‌دن، بیش‌تر هم آخوندا گیر می‌دن.

- دنیا چه جوری شده که می‌گی عوض شده؟

الآن همه با هم راحتن، ما خودمون با پسر خاله‌هام و دختر خاله‌هام می‌ریم کوه همیشه یا می‌ریم دورهمی مهمونی، تولد، همه جا، خیلی هم خوبه، خوش هم می‌گذره بهمون».

«- راجع به فیلم اسپایدرمن، این که اسپایدرمن دوست دختر داره، به نظرت اشکالی نداره؟

نه، اشکالی نداره دوست دختر داره، منم الآن دوست دختر دارم، بعد دوست دختر اسپایدرمن با اون عاشق هم بودن».

امیرحسین در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش اذعان می‌کند که داشتن دوست جنس مخالف در بین همگانش، اعتبار اجتماعی به حساب می‌آید و او نیز به دلیل نداشتن دوست دختر، برای ممانعت از این که دوستانش وی را با دیده تحقیر و تخفیف ببینند، به دروغ اظهار داشته است که دوست دختر دارد:

«- دوست‌های تو دوست دختر هم دارند؟

آره، خودشون که این جوری می‌گن.

- خوب مثلاً چی می‌گن؟

آرش (دوستش) یه دختره هست سر کوچه، قبلاً با هم بازی می‌کردن، می‌گه دوس دخترمه، با هم حرف می‌زنن و از اینا. ولی الکی می‌گه، کی میاد با اون دوس بشه.

- یعنی داره دروغ می‌گه؟

آره بابا، مثلاً می‌خواد بگه منم شاخم.

- هر کسی که دوست دختر داره، شاخه؟

آره دیگه، یه جوری می‌خواد بگه منم بزرگم.

- آدم بزرگ‌ها دوست دختر دارند؟

آره.

- تو چی، تو داری؟

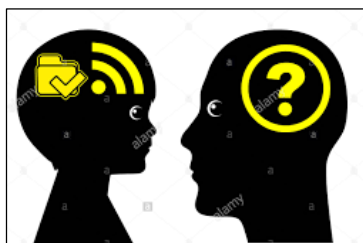
من نه ندارم، ولی الکی به آرش می‌گم، منم دارم.

- چرا الکی می‌گی؟

فکر نکنه من کم آوردم».

## بروز گسست نسلی

الگوها را باید به مثابه پلی برای انتقال ارزش‌ها دید، از این رو در شرایطی که طرح الگوهای داخلی با ضعف مفرط در سرمایه‌گذاری و مطالعات علمی توأم هستند، در برابر طرح الگوهای خارجی با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه و مطالعات تجربی و میدانی لازم همراه هستند. از این رو در شرایط اخیر انتظار این که علاقه به الگوهای غربی به گسست فرهنگی کودکان، نوجوانان، جوانان و اصولاً کاربران ایرانی بینجامد، انتظار دور از ذهن نیست.



بررسی مصاحبه‌های مندرج در فصل پیش کتاب، حکایت از آن دارد که حداقل برخی از کودکان و نوجوانان مصاحبه شده در عمل گسست فرهنگی را در خود نشان می‌دهند.

آیدای ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش بارها به تکرار این حرف می‌پردازد که پدر و مادرش قدیمی هستند و حرف‌های صد سال پیش را می‌زنند که دوره آن‌ها گذشته است. شروین ۱۲ ساله هم در مصاحبه خودش ضمن تأکید بر این که اصولاً فرهنگ ایران قابل قبول نیست، از قدیمی فکر کردن اولیایش سخن می‌گوید و آرمین ۱۳ ساله نیز عیناً با استدلال این که پدر و مادرها قدیمی هستند، از نفهمیدن مسایل توسط آن‌ها یاد می‌کند:

«- یعنی توی اینستاگرام هم گروه دارید؟

آره، ولی گروه اینستا خیلی نمی‌شه چت کرد.

- توی اینستاگرام برای هم چی می‌فرستید؟

کلیپای سمی‌ای که می‌سازن ( خنده).

- می‌شه بیش‌تر توضیح‌شون بدی؟

آره، یه سری دختر و پسر می‌رن توی پارک درباره‌ی رابطه‌هاشون فیلم می‌گیرن، یا بهم تیکه میندازن، می‌ذارن توی پیجاشون.

- خوب نظرت درباره‌ی این‌ها چی هست؟

خیلی باحالت، کلاً خیلی کیف می‌ده، البته مامانم یه کم گیر می‌ده، ولی خب اونا قدیمی‌اند.

- چه گیری؟

هی می‌گه اینا نامحرم با هم، و نباید به هم دست بزنن و از این جور حرفا.

- خوب نظر خودت چی هست؟

به نظر من که این حرفا قدیمی شده، به قول سارا، دیگه دوره این حرفا گذشته.

- چرا؟

آخه دلایل شون خیلی مسخره هست، می گن چرا حجاب شالت عقبه یا توی خیابون چرا روسریت می افته، حرفای صد سال پیش رو می زنن، آخه الان دیگه اصلاً این خبرا نیست... .

- دقیقاً از چه چیز بلاگرها خوشت میاد؟

از این که خیلی راحت و آزاد زندگی می کنن، من هر کاری می کنم مامانم می گه زشته نکن، بلند نخند، حواست به شالت باشه، یا مانتوت کوتاهه، هر چی هم می گم دوره این حرفا گذشته، ولی گوش نمی ده، دوستانم رو نمی بینه که چه جواری می رن خارج از کشور عکس می گیرن، یا حتی دوست پسر هم دارن».

«- سن این ها رو می دونی؟

کیا؟

- همین امین و فرزانه که گفتی کلیپ دوتایی می گذارند.

نمی دونم، هم سن خودمونن، شایدم کلاس هشتم یا نهم باشن.

فکر می کنی خوبه که توی سن کم، دخترها و پسرها با هم دوست بشن؟

اگه پدر و مادرشون گیر ندن، آره.

- یعنی اگه گیر ندن، به نظر تو اشکالی نداره؟

نه.

- پس چرا دوست دختر و دوست پسر توی فرهنگ ما، چیز خوبی شمرده نشده؟

چون فرهنگ مون مسخره هست، پدر و مادرا قدیمی فکر می کنن، ولی دنیا عوض شده، الان

همه دارن دیگه».

«- تا حالا درباره این که دوست داری بزرگ شدی بری آمریکا، با مامان و بابا صحبت کردی؟

نه.

- خوب شاید بتونند بهت کمک کنند که راه مناسب رو پیدا کنی؟

نه بابا، مامان و بابام نمی فهمن، خیلی قدیمی ان.

- یعنی چی قدیمی هستند؟

همین دیگه، مثلاً هنوز بلد نیستن با موبایل و اینا کار کنن.

- یعنی فکر می کنی، اگه بلد نباشند با موبایل کار کنند، بلد نیستند که بهت کمک کنند، راه

درست رو پیدا کنی؟

فکر نکنم، اونا منو نمی‌فهمن، تازه پولشونم کمه که من برم آمریکا، یه بار باهاشون دعوا کردم که دوست ندارم ایران باشم، از این جا بدم میاد، ولی بابام منو دعوا کرد».

## تحول‌های نسلی

تحول‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در سطح جهان و انقلاب فناوری‌های ارتباطی و تشکیل یک دهکده واحد جهانی، در عمل بر سرعت تحولی‌های نسلی جوامع مختلف افزوده‌اند و این مسأله خاصه در ایران که با چالش‌های خارجی و داخلی بسیاری مواجه است، شدیدتر به نظر می‌رسد تا جایی که نگارنده، در عمل شاهد بوده است که نسل دهه ۷۰، نسل دهه ۸۰ را گودزیلا و عیناً نسل دهه ۸۰، نسل دهه ۹۰ را گودزیلا می‌نامند.

ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش تأکید می‌کند که وی با خواهرش که تنها ۳-۲ سال با او اختلاف سنی دارد، فرق زیادی دارد و در حالی که او جامعه‌ال‌بی‌بی‌جی‌تی را پذیرفته است و به عشق بدون جنسیت اعتقاد پیدا کرده است، خواهرش عقاید وی را نمی‌پذیرد و به وی برچسب روشنفکر بازی را می‌زند.

رضای ۱۲ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان ساخته است برادر او هم‌زمان با داشتن دوست دختر، چند دوست دختر اجتماعی هم دارد و خود وی نیز دوستی روابط دو جنس را مورد تأکید خویش قرار می‌دهد:

«- دوستت هم مثل تو فکر می‌کنه؟

آره.

- خواهرت چه طور؟

اون خیلی نه، اون تازه کلاس دهم فهمید، اون جوری نیست که بگی مشکل داره، ولی خوشش نمیداد. اون به من می‌گه که تو سعی می‌کنی ادای روشن‌فکرا رو در بیاری، ولی من حداقل دارم تلاش می‌کنم که روشن‌فکر باشم، تو چرا این‌طوری نمی‌کنی (می‌خندد).

- مثلاً با خواهرت در مورد چی حرف می‌زنی؟

خودمم بعضی وقتا شیپ می‌کنم داخل کی پاپ، وای این کاپل خیلی گوگولیه، وای یه مومن داند، مثلاً مومن‌های چامبک، چامبک ترکیب اسم چانیول و بکیونگه، من کایسو رو دوست دارم، می‌شه کای و کیون سو! مثلاً نگاه‌هایی که واقعاً جونگین به کیون سو می‌کنه‌ها، وایییی خیلی گوگولن! بعد من با همین چیزا اوکیم، اون مشخصه که زیاد حال نمی‌کنه با این چیزا».

«- این که دختر و پسر در فیلم‌ها با هم دوست هستند، توی فرهنگ ایران خیلی پذیرفته شده نیست، قبول داری؟

این واسه گذشته هست، وگرنه الان دیگه این‌جوری نیست.

- مگه گذشته چه جوری بود؟

همین دیگه، دختر و پسر با هم دوست نبودن، مامان بزرگم، بابا بزرگم رو ندیده بود، باهاش عروسی کرد، اما الان داداش من چندتا دوست دختر داره، بد نیست که.

- داداشت چند سالش هست؟

۲۲ سالشه.

- مامانت می‌دونه داداشت دوست دختر داره؟

آره، همه‌اش داره باهاشون حرف می‌زنه.

- این که داداشت با چند نفره، اشکالی نداره؟

یکیشون رو دوست داره فقط، بقیه دوست معمولی هستن.

- دوست معمولی یعنی چی؟

همین باهاشون حرف بزنه فقط، تو خارج این جوویه.

- خوب ما که خارج زندگی نمی‌کنیم، تو ایران این‌ها بده، می‌دونستی؟

نه، الان عادی شده.

- برای همه عادی شده؟

برای ما که عادی اشکالی نداره، حالا شاید بعضیا مثل قبل فکر کنن».

### اختلال در روند جامعه‌پذیری

جامعه افراد خودش را به مثابه سرمایه‌های خویش می‌بیند و بالطبع در صدد گذاردن ارزش‌های خویش در ذهن افرادش است تا آنان در حفظ و حراست ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خویش بکوشند، از این روند با عنوان جامعه‌پذیری یاد می‌شود.



جامعه‌پذیری می‌تواند در ابعاد رسمی (نظیر انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق خانواده و مدرسه) و یا در ابعاد غیررسمی (مانند انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق آهنگ‌ها، سروده‌ها، فیلم‌ها و نظایر آن) صورت پذیرد.

از آنجا که ارزش‌های اجتماعی در ایران (که تاحدودی ارزش‌های تکلیف‌مدار دینی است) با ارزش‌های جوامع غربی (که بیش‌تر مبتنی بر ارزش‌های انسان‌مدار و لذت‌طلب هستند)، متفاوت است، اخذ ارزش از محتوای فرهنگی آن سوی آب، با اخذ ارزش از محتوای فرهنگی داخل، تفاوت ماهوی داشته، در روند جامعه‌پذیری افراد اختلال ایجاد می‌کند.

ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش از این که با کی پاپ آشنا شده و از این طرق با جامعه ال‌جی‌بی‌تی آشنایی یافته است، ابراز شادمانی می‌کند. علیرضای ۱۲ ساله هم با ال‌گوبرداری از الگوهای مورد علاقه‌اش، به صراحت بیان می‌دارد، هرگز روابط خود با جنس مخالف را در قالب خانواده نپذیرفته و پی نمی‌گیرد. رضای ۱۲ ساله هم با مقایسه دیگر کشورهای جهان با ایران، از این که به فرض امکانات فضای مجازی در ایران، شبیه مثلاً افغانستان نیست، ابراز ناراحتی و گله می‌کند.

«- کی نمی‌خواد این‌طوری بشه؟»

خانواده‌ها بچه‌هاشون رو این‌طوری پر می‌کنن دیگه، اینم هست بچه‌ها تحت کنترل قرار می‌گیرن و من همون موقع هم که تبلت داشتم، نسبت به بچه‌های دیگه آزادتر بودم و خب خانواده‌های اونا اگه ببینه که وای بچه من داره راجع به اینا می‌خونه، بچه رو دعوا می‌کنن و بچه خب نمی‌ره سراغ این چیزا. حتی منم اگه با کی پاپ آشنا نمی‌شدم، هیچ‌وقت شاید با ال‌جی‌بی‌تی آشنا نمی‌شدم و وقتی هم که بزرگ می‌شدم مشکل داشتم، و واقعاً این از خوبی‌های کی پاپ بود که داره من رو با چیزایی که برای بقیه مردم دنیا اوکیه آشنا می‌کنه، چیزایی که داخل کشور من درست نیست، ولی بقیه مردم دنیا قبولش دارن».

«- توی فیلم جوکر، چه چیزیش رو دوست داشتی؟»

بین شخصیت باحالی داشت، یعنی خاص بود.

- جالبیش چی بود؟ چه چیزش خاص بود؟

بین توی فیلم نشون می‌داد چه قدر ما آدم‌ها از خیلی چیزا پیروی می‌کنیم که بهمون تلقین کردن یا دستور دادن که حتماً باید پیروی کنیم، در صورتی که نیازی به اون پیروی نیست واقعاً.

- خوب علیرضا خودت از شخصیت جوکر که می‌گی خوشت اومده، حالا مثلاً بین اون افکارش

و کارهایی که می‌کرده، چیزی هم بوده که قبول داشته باشی؟

آره، اگه بخوام راستش رو بگم، جوکر توی فیلم می‌گه، قوانین جهان خیلی سعی می‌کنن ما رو

محدود کنن.



- یعنی مثلاً چه طور باید باشه، مثلاً خیلی از این قانون‌ها نباشند؟  
آره به نظرم.
- خوب اگه این قانون‌ها حذف بشن، چه چیزی قراره جایگزینشون بشه، و این‌که این همه جمعیت رو کنترل کنه؟  
به نظرم یه سری قوانین بمونن، ولی خیلیاش قابل حذف و واقعاً نیازی به اونا نداریم.
- به نظرت چرا بهشون نیاز نداریم؟  
ببین، ما هم درسته آدم هستیم، ولی خب یه جورایی یه نوع حیوان هستیم، واقعاً نیاز داریم، آزادتر باشیم.
- یعنی یه جورهایی این رو داری می‌گی که آزادی ما خیلی کمه و باید بیش‌تر باشه؟  
آره واقعاً، آزادی و راحتی ما خیلی کم شده، هی هر چی جلوتر می‌ریم، اسیر چیزای مختلف می‌شیم.
- می‌تونی چندتا از این قانون‌های دست و پا گیر رو بگی؟  
مثلاً این که آدم هر روز هفته بخواد بره سر کار (با خنده)، برای این که بتونه پول در بیاره، مثلاً من این نظم رو قبول ندارم یا مثلاً توی بحث ازدواج، به نظرم ازدواج و این داستانا الکی هستن، زن و مرد می‌تونن کلاً با هم ارتباط داشته باشن، به هر شکلی که دوست دارن.
- خوب آخه اگه مرد و زن به هم متعهد نباشند و ازدواج نکنند، خیلی مشکلات پیش میاد، مثلاً یکی از مشکلات اون این هست که اون موقع کلی بچه داریم، که به اندازه کافی با پدر و مادرشون ارتباط ندارند یا شاید اصلاً نبیننشون.
- ببین حالا این‌طوری فکر می‌کنیم، چون که چیزی رو به جز این ندیدیم، و این‌که یه جورایی بهش عادت کردیم، بعد می‌ترسیم که یه چیز جدید رو تجربه کنیم، من به نظرم توی آینده دنیا، کلاً چیزی به عنوان خانواده خیلی وجود نداره.
- حالا اگر هم حق با تو باشه، این تغییر رو توی جهان، تو خودت به شخصه چه جوری می‌خوای ایجاد کنی؟

خب قطعاً کار برای ایجاد تغییر که خیلی سخته، ولی خب خودم اگر یه روز بخوام با یک دختر ارتباط داشته باشم با اون توی قالب ازدواج نمی‌رم، بعد سعی می‌کنم فقط از بودن باهاش لذت ببرم».

«- دوست‌های تو هم چنین نظری دارند که بخوانند خارج برند؟

آره دوستم که می‌خواد بره خارج، اون‌جا راحت‌تر بازی کنه، این‌جا ما نمی‌تونیم یه بازی بخریم، باید به یه نفر که خارج سایت زده پول بودیم، بره تو اکانتمون و رمز و ایمیلمون رو می‌دیم، پول می‌ریزیم به حسابش تا برای ما بازی‌ها رو بخرن، اگه تحریم نبودیم، خودمون همین‌جا می‌خریدیم، انقدر سخت نبود.

- می‌دونی برای چی تحریم هستیم؟

چون با آمریکا بدیم، شاه گذاشت آمریکایی‌ها بیان تو کشور، الان افغانستان یوتویوب فیلتر نیست، ولی ما فیلتریم».

### آموزش هنجارشکنی و بی‌قانونی

برخی از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌های تهیه شده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، در صدد آموزش هنجارشکنی و بی‌قانونی به کاربران‌شان هستند، زیرا بی‌قانونی جامعه را به سمت و سویی سوق خواهد داد که هر کس طریق خویش را پیش گرفته و تزامم ایجاد شده، جامعه را در تشتت و توقف نگاه خواهد داشت.

بازی‌های کلش آف کلنز، کلش رویال، پابجی، فورتنایت و نظایر آن‌ها بازی‌هایی هستند که در آن‌ها فقط قانون جنگل وجود دارد و هر کسی که توان بیش‌تری در غارت و کشتن دیگران داشته باشد، برتر دیده شده، به موفقیت‌نهایی دست خواهد یافت. بالطبع کاربران بازی‌های اخیر و مشابه آن‌ها، در جریان بازی رفته رفته جامعه‌پذیر شده، به این نتیجه می‌رسند که باید در جامعه خودشان بی‌قانونی و هنجارشکنی را پیشه خود کنند.

محمدحسین ۸ ساله، در مصاحبه خود از نمونه‌ای از بازی‌های مبتنی بر قانون شکنی یاد کرده است. شروین ۱۲ ساله هم که کاربر بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های آن سوی آب است، در مصاحبه‌اش بیان می‌کند که باید قانون را پیچاند و سرانجام امیر ۱۱ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد که قانون شکنی را در عمل فراگرفته و در زندگی خویش محقق ساخته و می‌کند:

«- محمدحسین دوست داری بازی کنیم؟

آره.

- چه بازی‌ای دوست داری؟

ماشین بازی.

- باشه ماشین بازی می کنیم، می تونی بگی چه طوری دوست داری ماشین بازی کنی؟  
من دزد می شم با اون ماشین مزداته که خیلی سریع می ره، ویراژ می دم، تو هم پلیس شو، آژیر  
بزن بیا دنبالم که منو بگیره.
- خوب بعدش؟  
بعد من از تو اگروزم آتیش می زنم به تو، یه بمبم می اندازم روت که دیگه ناکار بشی.
- یعنی تو پلیس رو ناکار می کنی؟  
آره، تازه تو ایکس باکسم می تونم بزنم محککم تو ماشین پلیس که داغون بشه، باید اینقد سریع  
برم که پلیس نتونه منو بگیره.
- اگه پلیس تو رو بگیره، چی می شه؟  
منو می کشه خب... منو می کشه، بعد من می یازم.
- نمی شه پیاده بشی، معذرت بخوای بعد بری؟  
(می خندد) نهههه، بازیش این طوریه یا پلیس دزد رو می کشه یا دزد پلیس رو می کشه، تازه من  
خودم یه بار با فراری داشتم رانندگی می کردم، یهو یه پلیس اومد جلوم، اینقد محکم کوبوندم بهش  
که داغون داااغون شد.
- همیشه می کوبونی به پلیس ها؟  
آره.
- تا حالا تو خیابون هم کوبوندی به یه پلیس؟  
آره یه بار با ماشین بابام رفتم توی سربالایی، بعد پلیسه هم دنبالم بود، منم دنده عقب رفتم  
کوبوندم بهش، اونم کنترلش رو از دس داد، رف تو دره (کودک تخیلاتش را تعریف می کند).
- ولی پلیس ها که خوبن، باعث می شن تو خیابون نظم و مقررات باشه، تو اون ها رو می کشیشون؟  
خب دیگه تقصیر خودشونه که می افتن دنبالم.
- خوب برای چی دنبالت می افتن؟  
چون من یه دزد هستم که با سرعت خیلی بالا دارم می رم و لایی هم می کشم.
- یعنی خلاف قوانین عمل می کنی؟  
من قانون و اینا نمی شناسم، فقط با ماشینم گاز می دم (دستش را به حالت فرمان در می آورد و ادا  
و صدای رانندگی با سرعت بالا را در می آورد).
- ماشین بازی رو دوست داری؟  
خب معلومه.
- چرا؟  
چون اینقد باحاله، گاز می دی با سرعت ۲۰۰ تا می ری جلو».

«- به نظرت این وسط مشکل چی هست که می‌گی مسوولان گیر می‌دن؟  
می‌گن خوب نیست و گناهه.

- به نظر تو هم گناه هست؟  
نه، اصلاً! وقتی دو نفر می‌رن بیرون خوشحال ان، پدر و مادرشونم راضی هستن، چرا اونا باید گیر بدن.

- خوب شاید قانون کشور این اجازه رو نمی‌ده؟  
پس چرا قانون کشوری دیگه اجازه می‌ده، تازه خیلی بهتر هم هست قانون شون.  
- پس تو فکر می‌کنی قانون کشورهای اون‌ها بهتره؟  
معلومه خب، این‌جا همه قانون رو می‌پیچونن.  
- خوب خودت هم که می‌خوای قانون رو بییچونی، همین الان گفتم قانون مون خوب نیست.  
آره، توی بعضی چیزا، اونم فقط برای این که الکی گیر می‌دن».  
«- لاک پشت‌ها مبارزه می‌کنن؟  
آره، مثل بقیه قهرمانا یه چشم بند می‌زنن و با نانچیکو و چوب و شوکر و طناب و اینا می‌جنگن.  
یه چیزی بهت می‌گم به کسی نگو من یه شوکر دارم.

- از کجا آوردی؟  
خریدمش از سامان.  
- برای چی؟  
داشته باشم دیگه، همین جوری، یه نانچیکوام می‌خوام بخرم.  
- چرا می‌خوای ابزار خطرناک بخری؟  
چون لاک پشتام دارن، خب چیه مگه، ولی به کسی نگیا، بابام نفهمه.  
- مامانت می‌دونه؟  
نه بابا، اونم نمی‌دونه.

- خطرناک نیست از این وسایل نگه می‌داری؟  
فقط کسی نفهمه که بدبخت می‌شم، همیش خطرناکه.  
- تا حالا با اون‌ها کار کردی؟  
تا حالا که به کسی نزددم.  
- می‌خوای بزنی؟  
آره دیگه، هر وقت جنگی چیزی شد، می‌زنم.  
- امیر ولی فکر کنم داشتن این چیزا اول مجوز می‌خواد؟

بابا تو آمریکا نگاه کنی، همه می‌رن همین جوری از مغازه این چیزا رو می‌خرن، اصلنم نیاز به مجوز نداره، فقط اینجا سخت گیریه».

## ارتقای نقد اجتماعی

الگوهای مخرب از چند طریق در ارتقای نقد اجتماعی کودکان و نوجوانان مؤثر واقع می‌آیند. در درجه نخست کودکان و نوجوانانی که در شرایط مناسب عاطفی و خانوادگی تربیت شده‌اند، ممکن است در برخورد با هنجارشکنی‌های آنان، دست به نقد هنجارشکنی الگوهای مخرب بزنند و در درجه بعد، ممکن است کودکان و نوجوانانی که از شرایط تربیتی معمولی در زندگیشان برخوردار بوده‌اند، اجازه نقد رفتاری الگوهای مخرب را به خود نداده، صرفاً دست به دنباله روی و پیروی از آنان بزنند.

اظهار نظرهای دو نفر از پاسخ دهندگان که در برخورد با الگوهای مخرب دست به نقد رفتارهای آنان زده‌اند، به قرار زیر است:

«- به صفحه افرادی مثل تتلو، دنیا، ریحانه پارسا و پویان مختاری سر زدی؟ من قبلاً طرفدار تتلو بودم و آهنگاش رو گوش می‌دادم، ولی از وقتی که رفت تو حاشیه، دیگه تمایلی به دنبال کردن این آدم‌ها ندارم، چون اوایل وقتی دنبال می‌کردم به شدت کنجکاو می‌کرد که برم حاشیه‌های بعدش رو بخونم، این خیلی وقتم رو می‌گرفت. - چه طوری تونستی از این کار دست بکشی؟

با خواننده‌های غربی آشنا شدم که برای فناشون کلی هدیه می‌فرستند و باهاشون کلی مهربونی، ولی اینا به جای این که طرفداران شون رو که عمدتاً جوون رو به راه درست بکشونن با راه انداختن سایتای شرط‌بندی یا لایوهای که توی اینستا گذاشتن اونا رو به کارایی دعوت کردن که نتیجه‌ای جز پوچی نداشت».

«- افراد معروف و حاشیه‌دار رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

مثلاً مثل کیا؟

- مثلاً افرادی مثل تتلو یا پویان مختاری و یا میلاد حاتمی و موتیگو. نه. حالم از شون به هم می‌خوره. چند ماه پیش یه جریان همگانی ایجاد شد تو اینستاگرام که همه اینا و خیلیای دیگه رو باید ریپورت و بلاک می‌کردیم که منم انجام دادم. - خوب چرا حالت از شون بهم می‌خوره؟

چون با سایتای شرط‌بندی دزدی می‌کنن و جوونا رو بدبخت می‌کنن». در حالت بعد، کودکان و نوجوانان در جریان یک یادگیری مشاهده‌ای، همچون الگوهای مورد علاقه خویش دست به نقد می‌زنند. به عنوان مثال، الگوهای ویرانگر بومی، برای توجیه مهاجرت

خویش به خارج و احیاناً گرفتن ژست‌های سیاسی، غالباً در مصاحبه‌هایشان وضعیت فرهنگی-اجتماعی ایران را نفی و انکار می‌کنند. بالطبع هواداران خردسال و نوجوان این الگوها در اثر کاربری از آنان، از بیانات آن‌ها تأثیر پذیرفته، تاحدودی نقد اجتماعی مشابهی را پیشه خویش می‌کنند. بررسی نقدهای اجتماعی جمعیت دانش‌آموزی مصاحبه شده در این پژوهش، حکایت از آن دارد که برخی از این نقدها، موارد درست و مناسبی هستند، اما نقدهای دیگری، تاحدود زیادی درست نبوده، منطبق با واقع نیستند (که احتمالاً تفاوت ایجاد شده در این زمینه بین کودکان و نوجوانان اظهارنظر کننده، به تربیت خانوادگی مناسب و نامناسب آنان باز می‌گردد که تربیت خانوادگی مناسب، فرزند را در برابر شور و هیجان‌آفرینی‌های الگوهای مخرب حفظ و حراست می‌کند). رضا و ارغوان ۱۲ ساله، نمونه‌هایی از هر دو نوع نقد اجتماعی را در بیانات خویش منعکس کرده‌اند:

«- دوست داری ایران زندگی کنی یا خارج از کشور؟

دوست دارم برم لندن.

- چرا لندن؟

تهی لندنه.

- فقط به خاطر این که تهی لندن هست؟

آره، ولی خب اون جا امکاناتش بیش تره.

- یعنی چه جور امکاناتی داره؟

اینترنت رایگان داره، قشنگه، جاهای تفریحی خوبی داره، ولی ایران این جوری نیست.

- چه جوری نیست؟

مثلاً همین اینترنت رایگان نداره، بیرون تازه باید پول بدیم، ولی ضعیفه».

«- این خز و خیل‌هایی که گفتی منظورت چه کسانی هست؟

مثلاً این ندا یاسی... با اون صدای زشتش... دنیا... پویان مختاری... اون دوست دخترش نیلی...

بعد اوه کلی چیز شد و با ریحانه پارسا شرط‌بندی گذاشتن و... .

- مثلاً از ندا یاسی چی دیدی؟

من تو فازشون نیستم، نگاه نمی‌کنم.

- چه چیزی ازش دیدی؟

یه دونه دیده بودم، لایو نیلی و دنیا بود، نیلی قشنگ چیز می‌کنه دنیا رو.

- چی می‌کنه؟

نمی‌دونم، انگار با پویان کات کرده بود... نمی‌دونم واقعاً، اصلاً تو فازشون نیستی، خیلی پست‌شون میاد تو اکسپلور، بعد دیگه بلاک می‌کنم که پستاش نیاد، بعد الانم که با این پسر هست مه‌راد جم، بعد وای... .

- خوب نظرت راجع بهشون چی هست؟

دنیا که با پونصد نفر بود و کات کرد و... حس می‌کنم مه‌راد دوستش داره، ولی دنیا این جوریه که می‌گه یه کم با تو خوش باشم و می‌ذاره می‌ره... کلاً ازشون بدم میاد، آبروی ایرانیا رو می‌برن، ایرانیا همه‌شون انقد بد نیستن».

## مقاومت فرهنگی

منطقی (۱۳۸۳) در تعریف مقاومت فرهنگی می‌نویسد:

«زمانی که در جامعه هزینه اظهارنظرهای سیاسی بالا برود و کسانی که دست به اظهارنظرهای سیاسی بعضاً مخالف مقامات می‌زنند، نسبت به پیامدهای آن احساس خطر جدی کنند، به جای استقبال از اظهارنظرهای سیاسی، دست به مقاومت فرهنگی زده، با شیوه‌های فرهنگی که در جامعه با خطرهای کم‌تری مواجه هستند، عقاید و نقطه نظرهای خویش را بیان می‌کنند».

وجود انبوهی از طنزها و مطایبه‌هایی که مسوولان را هدف قرار داده‌اند، حکایت از شکل‌گیری مقاومت فرهنگی در جامعه دارند.

با بررسی اظهارات دانش‌آموزان مصاحبه شده، مشخص می‌شود برخی از دانش‌آموزان در عمل مقاومت فرهنگی را پیشه خویش کرده‌اند، رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، وی در برابر رهنمودهای مسوولان جامعه دال بر ضرورت کاربری از پیام رسان‌های داخلی، مقاومت نشان داده، حاضر به کاربری از پیام رسان‌های داخلی نیست:

«- از پیام رسان‌های داخلی استفاده نمی‌کنی؟

نه.

- چرا؟

کسی از اون‌ها استفاده نمی‌کنه.

- می‌دونی چرا تلگرام فیلتر هست؟

نه، فکر کنم می‌خوان مجبورمون کنن از برنامه‌های ایرانی استفاده کنیم.

- چرا بخوان افراد رو مجبور کنند؟

که بریم برنامه اونا رو داندلود کنیم، ولی کسی نمی‌کنه».

## ایجاد بستری جهت جهانی شدن

گسترش ارتباطات و تحقق فضای مجازی در عمل جهان حاضر را به دهکده کوچکی تبدیل کرده است و برخلاف گذشته که رسیدن خبری از این سوی جهان به آن سوی جهان، ممکن بود ماه‌ها طول بکشد تا کاروانی خبر را به آن سوی جهان انتقال دهد، در حال حاضر می‌توان بلافاصله از رخدادهایی که در جهان رخ می‌دهند، آگاه شد.

اگر از ویژگی اخیر به عنوان یک تحول در جهانی شدن بینش‌های محلی سابق یاد شود، طرح دغدغه‌های یک سرزمین برای مردمی که در سرزمینی دیگر و متفاوت زندگی می‌کنند، در عمل نمودی از همان جهانی شدن به شمار می‌آید.

با ملاحظه مصاحبه‌های انجام شده مشخص می‌گردد که بسیاری از کودکان و نوجوانان مصاحبه شده، با رصد و پیگیری تحول‌های مورد نظرشان در سرزمینی دیگر، در عمل جهانی شدن را برای خویش رقم زده، دید محلی خویش را به تدریج به دیدی جهانی، گسترش می‌دهند و توجه آنان تنها معطوف به وقایع داخلی کشور خودشان نیست.

ملاحظه اظهارات رضا و ارغوان ۱۲ ساله در مصاحبه‌هایشان، دلالت بر آن دارد که این نوجوانان بیش‌تر از آن که پیگیر مسایل فرهنگی و اجتماعی خودشان باشند، پیگیر رخدادهای فرهنگی-اجتماعی هستند که در سطح جهان رخ می‌دهد و می‌کوشند تا به دقایق آن‌ها نیز وقوف یابند: «ایپیک گیمز که فورتنایت رو ساخته، از کمپانی مارول خواسته کارکترها مردعنکبوتی باشه تو بازیش.

- این کمپانی ایپیک گیمز و مارول رو می‌تونن برام بیش‌تر توضیح بدی؟  
کمپانی ایپیک گیمز سازنده بازی فورتنایت، اون برای این که بازیش معروف‌تر بشه و طرف‌داراش بیش‌تر بشن، میاد به کمپانی‌های مختلفی مثل مارول که مردعنکبوتی رو ساخته یا کمپانی دی‌سی که بت‌من و سوپرمن رو ساخته، پول می‌ده، تا اونا اجازه بدن از این شخصیت‌ها تو بازیش استفاده کنه.

- چرا پول می‌ده، خوب همین جوری می‌تونه استفاده کنه دیگه؟  
نه دیگه، نمی‌شه، وگرنه ازش شکایت می‌کنن.  
- چرا شکایت می‌کنند؟  
می‌گن بی‌اجازه این کار رو کرده، مثلاً همین تو یوتیوب، اگه یه آهنگ رو بیش‌تر از ۱۰ ثانیه پخش کنیم، رو ویدیومون کپی رایت می‌خوره، بعدش اگه کسب درآمد ما فعال بشه، می‌ره تو حساب خواننده اون آهنگ.

- خوب این جوری که پول می‌ده به این کمپانی‌ها، فکر نمی‌کنی ضرر می‌کنه؟

نه، بعداً از کاربرای بازی پولش رو در میاره، تو فورتنایت اگه بخوایم کاراکتر یا گان و چیزهای دیگه بگیریم، باید پول بدن بازیکن.

- تو چه جوری این قدر راجع به کمپانی‌ها اطلاعات داری؟

موقع نشون دادن فیلم یا کارتون‌ها، اولش می‌زنه اسمشونو، مثلاً کمپانی دی‌سی.

- توی این کمپانی‌ها فقط فیلم و کارتون می‌سازند؟

نه کمپانی مارول هم فیلم هم بازی، مثل بازی مردعنکبوتی ۲۰۱۹ تو پی اس فور و فیلم

مردعنکبوتی که کمپانی مارول ساخته.

«چیزی که الان دارم نگاه می‌کنم یه انیمه هست (با هیجان) اتک آن تایتان، وایلی خیلی خوبه

حتماً برو ببین.



خوب یک کم در موردش برای من توضیح بده، من هم مشتاقم که ببینم.

فصل اولش ۲۰۱۳ پخش شد، ولی الان فصل چهارمش داره پخش می‌شه، یکی دو ماه دیگه

هم کلاً تموم می‌شه، من یه ماه پیش شروع کردم و توی یه هفته ۵۹ قسمتش رو نگاه کردم! فصل

دومش ۲۰۱۷، فصل سومش ۲۰۱۸، آپریل ۲۰۲۱ کلاً تموم می‌شه.

- خوب یک مقدار در مورد داستانش بگو.

یه غولایی هستن که بهشون می‌گن تایتان و سال‌ها پیش حمله کردن به آدما و آدما رو می‌خورن،

نه به خاطر این که گشنه‌شون باشه‌ها، سرگرمی‌شون هست، بعد صد سال پیش یه کسایی اومدن

سه تا دیوار ساختن و مردم صد سال راحت زندگی کردن، ولی یهو یه روزی تایتان‌ها دوباره حمله

می‌کنن و این طوری شروع می‌شه ماجرا، بعد یه گروهی هم هست که می‌رن می‌جنگن باهاشون و

کلاً خیلی خوبه، چندتا قسمتشم امتیاز ده از ده گرفته برای اولین بار در تاریخ.»

## ۴-۳- اثرهای آموزشی الگوهای مخرب

کودکان، نوجوانان و جوانان در جریان مصرف محصولات فرهنگی در پوشش کارتون، پویانمایی،

بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌ها، به الگوهایی از اقصاء نقاط جهان علاقه‌مند و وابسته می‌شوند

که برای پیگیری کارها و رصد زندگی آنان نیازمند فضای مجازی هستند. برخورد دانش‌آموزان با فضای مجازی متضمن برخی از پیامدهای آموزشی مثبت و منفی برای کاربران آن‌ها است. آموزش فعال، یادگیری‌های غیررسمی، شکل‌گیری مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی و بی‌علاقگی به درس، برخی از اهم مواردی هستند که در اظهارات دختران و پسران مصاحبه شده در پژوهش حاضر، مشاهده می‌شوند.

آموزش فعال، آموزش خود خواسته شاگردان بوده، آنان برای یادگیری، شخصاً در محیط عمل به فعالیت می‌افتند. ویژگی گوگل کردن، ویژگی مهمی است که در نسل‌های بزرگ‌سال تقریباً وجود ندارد، به این معنا که دانش‌آموزان حاضر در مدارس، در برخورد با هر مسأله‌ای، بلافاصله با جست و جوی رایانه‌ای موضوع مورد نظر که توسط تبلت، گوشی همراه و یا رایانه صورت می‌پذیرد، به انبوهی از اطلاعات لازم در مورد مسأله مورد نظرشان دست می‌یابند.

یادگیری‌های غیررسمی مفهوم جدیدی است که چند دهه پیش مطرح شده است و به معنای آموزشی است که در کلاس‌های درس مدارس رخ نداده، یادگیری‌های آن در بستر جامعه رخ می‌دهد. البته یادگیری‌های غیررسمی بسته به بسترسازی اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی کودکان، نوجوانان و جوانان، ممکن است مثبت یا منفی باشد.

از سوی دیگر کودکان و نوجوانان از کنجکاوی فطری برخوردارند و بسته به بسترسازی انجام شده برای آنان، کنجکاوی اخیر می‌تواند فرد را به تعالی کشانده و یا به حسیض بکشاند. بالطبع از الگوهای ویرانگر انتظار اصلاح نرفته، انتظار می‌رود آنان کنجکاوی کودکان و نوجوانان را به انحراف کشانده، به جای مباحث معنوی و علمی، متوجه مباحث مبتذل، پرخاشگرانه و شهوی کنند.

شکل‌گیری مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی به معنای آن است که گاهی دانش‌آموزان با حضور در مدرسه به جای پیشبرد اهداف آموزشی مدرسه، به یادگیری‌ها و رد و بدل کردن اطلاعاتی با هم می‌پردازند که ممکن است، نه تنها در راستای اهداف آموزشی نباشند، بلکه در جهت مخالف آن عمل کنند.

بی‌توجهی و بی‌علاقگی به درس نیز مقوله مهمی است که باید بدان توجه ویژه داشت، زیرا دانش‌آموزان زیادی در برخورد با الگوهایی که بدون درس خواندن به انبوهی از لایک‌ها و فالوورها رسیده‌اند، خود به خود به این نتیجه می‌رسند که برای موفقیت در جهان آینده، درس خواندن از ضرورت چندانی برخوردار نیست.

در ادامه، موارد پیش گفته با استناد به بیانات جمعیت دانش‌آموزی مصاحبه شده، مورد بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت.

## آموزش فعال

برخی از کاربران برای ابزار علاقه به الگوی مورد نظرشان ممکن است صفحه هواداری (فن پیج) زده و یا به مناسبت‌های مختلف برای الگوی مورد علاقه‌شان کلیپ (فن کلیپ) تهیه کنند. غالب این افراد برای تهیه محتوای مورد نظرشان با یادگیری استفاده از نرم افزارهای مختلف، شخصاً ادیت کلیپ‌های تهیه شده را خودشان انجام می‌دهند که ثمرات آموزشی این کار، بسیار مهم است، به این معنا که آموزش فعال، آموزش ایده‌آل نظریه‌پردازانی همچون پیازه است و وی اعتقاد دارد، تنها چیزهایی را که شاگردان فرامی‌گیرند، مواردی است که خودشان به کشف آن‌ها نایل آمده باشند، نه آن که مثلاً معلم، ترکیب اسید و باز را در آزمایشگاه بدان‌ها نشان داده باشد.

تعمیم یادگیری فعالی که در اثر سروکار داشتن با فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آید، بهترین نتایج آموزشی را برای دانش‌آموزان در بر خواهد داشت و در عمل، نظام آموزش و پرورش را می‌تواند از فضای آموزش گروهی به سمت آموزش فردی سوق داده و معلمان را از حالت یک منبع اطلاعاتی به صورت یک راهنمای تحقیقی درآورد.

اظهارنظر رضای ۱۲ ساله، مصداقی در جهت آموزش فعالی که از آن یاد شد را ارایه می‌کند:

«خودت کار با نانچیکو رو یاد گرفتی یا از جایی دیدی؟»

همون کارتون لاکپشت اینجا می‌دیدم، شبکه نمایش اون موقع خیلی از این فیلمای جنگی نشون می‌داد، و بعضی وقتا از نانچیکو استفاده می‌کردن، دیگه دیدم و خودم یاد گرفتم، تو خونه هم هر موقع بی‌کار بودم، بازی می‌کردم، تو فروشگاه پلی و بازار آموزش نانچیکو بود، اونا رو هم دانلود کرده بودم.

- چه جوری بود؟

یاد می‌داد مثلاً چه جوری نانچیکو دستمون بگیریم، چه جوری بچرخونیمش، خوب بود.

- پس هر چیزی بخوای یاد بگیری از تو اینترنت پیدا می‌کنی؟

آره، سریع سرچ می‌کنم، همه چی میاد».

## یادگیری‌های غیررسمی

یادگیری‌های غیررسمی یادگیری‌هایی هستند که در بستر جامعه رخ می‌دهند و در این میان کودکان، نوجوانان و جوانان از کارتون، پویانمایی، بازی دیجیتال، فیلم، سریال، روزنامه، کتاب، آهنگ و خلاصه هر آنچه در جامعه یافت می‌شود، می‌توانند بیاموزند و برای خودشان یادگیری‌هایی داشته باشند. البته لازم به ذکر است که یادگیری‌های غیررسمی بسته به بسترسازی‌های فرهنگی برای نوجوانان و جوانان جامعه می‌تواند به صورت یادگیری موارد انسانی و مثبت و یا به صورت یادگیری موارد منفی و نامناسب همچون مدگرایی، تفاخرطلبی، هنجارشکنی، سوءاستفاده، تعدی و نظایر آن باشد.



رضا و آیدای ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های خود مصادیقی از یادگیری غیررسمی را که در ارتباط با الگوهای مورد علاقه‌شان در جریان آن‌ها قرار گرفته‌اند، گزارش می‌کنند:

«- چه جوری با مارشملو آشنا شدی؟»

تو بازی فورتنایت یه ایونت بود، از هواپیما می‌پریدیم پایین، تو منطقه مشخص شده، نمی‌تونیم با هم بجنگیم، کنسرت بود، اونم کنسرت مارشملو که مارشملو پای دستگاه بود و می‌رقصیدن.

- ایونت یعنی چی؟

رویداد.

- خوب این رویداد چه فرقی با خود بازی داره؟

همین، بعضی وقتا می‌تونیم بریم کنسرت یا بعضی ایونت‌ها می‌ریم می‌جنگیم که شکل اسلحه خودمون رو عوض کنیم و یا رقص‌های مختلف یاد بگیریم.»

«- عزیزم گفתי توی بازی فورتنایت تو کنسرت‌ها می‌رقصیدید، می‌شه در مورد رقص‌هاشون

به‌هم بگی چه جوری هست؟

رقص‌های فورتنایت خیلی معروفه.

- چرا معروفه؟

رقصای باحالی داره، من خودم رقص floss و worm رو دوست دارم، که برای سیزن دوی

فورتنایت.



- این رقص‌ها چه جوری هستند؟

توی رقص وورم رو زمین می‌خوابیم، مثل کرم بالا پایین می‌ریم، ولی خیلی کمر آدم درد می‌گیره، و توی رقص فلوس دستمون رو این‌ور اون‌ور می‌کنیم و کمرمون رو تکون می‌دیم.

- تو تا حالا این رقص‌ها رو انجام دادی؟

آره، ولی نمی‌دونم اونا چه جوری رقص وورم رو انجام می‌دن که بدنشون درد نمی‌گیره، برای من محکم می‌خوره رو زمین، ولی خیلی خوب می‌رن.

- خوب شاید چون تو بازیه و واقعی نیست.

نه، من رقصای هیپ هاپ رو دیدم، می‌رن رو سرشون می‌مونن و می‌چرخن، فکر کنم چون تمرین می‌کنن، ولی اینا سخته، من رقص پاش رو خوب بلدم.

### کنجکاوی‌های به انحراف رفته

کنجکاوی سرمایه‌ای فطری است که حتی حیوانات نیز از آن برخوردارند. مطالعات انجام شده دلالت بر آن دارند، وقتی یک میمون در قفسی قرار می‌گیرد که تنها یک دریچه برای نگاه کردن به بیرون و دیدن قطار متحرکی که در مسیر ریل‌هایش می‌چرخد، دارد، در حالی که آب و غذا و جفت میمون را هم در کنار آن قرار داده‌اند، با این همه میمون ۶۰٪ وقت خود را صرف سیاحت بصری می‌کند و این به معنای آن است که نیاز به ارضای کنجکاوی مسأله‌ای جدی است و اولیا و اولیای آموزشی کودکان و نوجوانان باید بدان اهتمام جدی داشته باشند.



کنجکاوی هم می‌تواند در مسیرهای متعالی، نظیر سوق یافتن به سمت مباحث علمی هدایت شود و هم در مسیرهای مبتذل، نظیر این که فلان خواننده یا هنرپیشه چه رنگ یا غذایی را دوست دارد و یا چند بار ازدواج و طلاق داشته و در حال حاضر، با چند دوست جنس مخالف خودش حشر و نشر دارد.



کودکان و نوجوانان مصاحبه شده در بیانات خود به شکل غیرمستقیمی اشاره داشته‌اند، در محیط سترونی که برای آنان سرمایه‌گذاری و بسترسازی فرهنگی جدی نشده است، کنجکاویشان به جای موضوع‌های ارزشمند علمی و انسانی، به سمت و سوی موضوع‌های نامناسب و احیاناً مبتذل سوق یافته است. رضای ۱۲ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌اش چنین بیان داشته است:

«- با خانواده‌ات فیلم‌هایی که دانلود می‌کنی رو می‌بینی؟

بعضی وقتا آره، از گوشی که دانلود کردم می‌ریزم تو فلش بعد می‌زنم تو تلویزیون، دارم نگاه می‌کنم مامان و بابا و داداش و خواهرم می‌بینن، ولی بعضی وقتا تنها نگاه می‌کنم.

- چرا تنها نگاه می‌کنی؟

همین جوری، ولی اگه بخوام با خانواده ببینم، باید با سانسورش دانلود کنم.

- خودت تنها نگاه کنی، بدون سانسور می‌بینی؟

آره.

- چرا؟

آخه با سانسور خیلی جاها رو حذف می‌کنن».

## مدارس پنهان

اگر اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جوانان در جامعه دست به تربیت مناسب و سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی لازم برای کودکان، نوجوانان و جوانان نزنند، آنان در فضای جهانی شده متوجه تولیدهای دیگری می‌شوند که در لفافه‌های جذابی بدن‌ها ارایه می‌شود و از آنجا که کودکان، نوجوانان و جوانان در گروه‌های همسالان خویش متشکل هستند، به سادگی یافته‌های خود را به دوستانشان انتقال داده و متقابلاً یافته‌ها و داده‌های آنان را دریافت می‌دارند.

بهترین محل برای تبادل اطلاعات و آموخته‌ها و یادگیری‌ها، در درجه اول اهمیت، محیط مدارس و در درجات بعدی اهمیت، محله مسکونی و مجتمع‌های آپارتمانی و پارک‌های محلات مسکونی هستند.

کودکان و نوجوانان با بردن انواع لوح‌های فشرده، فلش یا گوشی و تبلت به مدرسه، دست به مبادله انبوهی از تصاویر، کلیپ‌ها، فیلم‌های سانسور شده و نشده و مانند آن‌ها با هم می‌زنند که بالطبع آموزش‌های این مدارس پنهان که در بطن مدارس رسمی شکل می‌گیرند، در راستای آموزش‌های مدارس نبوده، ممکن است حتی در تقابل مستقیم با آن‌ها باشند.

رزیتای ۹ ساله در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است، وی برای دور زدن مسوولان مدرسه، با شابلون‌های رنگی، روی دست یا سینه‌اش عکس می‌زند و در مدرسه آن‌ها را به دوستانش نشان می‌دهد:

«- تا حالا از چیزهایی که تبلیغ کرده باشه، خریدی؟

آره، یه تبلیغه، خیلی دوس دارم جدید.

- چی هست؟

زیاد جدید نیس، تاتویه.

- می‌خواهی بخری؟

آرررره، حتماً.

- کی برات می‌خره؟

به مامانم می‌گم، واسم می‌گیره.

- دیگه مامان چی برات خریده؟

شابلون‌های رنگارنگ.

- با اون‌ها چه کار می‌کنی؟

چندتا عکسه رنگین، عکسه همه چی، گل و گیاه و پروانه و حیوانات همه چی، این جوری

می‌ذارم رو دستم، می‌چسبونم و بعد این جوری رو دستم می‌زنم، بعد یهو برمی‌دارم می‌افته رو دستم

عکسش (زمان نشان دادن نحوه‌ی زدن شابلون به دستش، خیلی هیجان زده می‌شود).

- وقتی می‌ری مدرسه می‌زنی؟

مدرسه نمی‌ذارن، رو بازوم یا سینه‌ام می‌زنم، نمی‌بینن.

- به دوست‌ها هم نشون می‌دی؟

آره».

## بی توجهی به بی سواد ماندن

یکی از مهم‌ترین تحول‌های آموزشی پدید آمده در دانش‌آموزان حال حاضر در جامعه، بی‌علاقگی به درس خواندن است. اگر چه سابقاً هم در مدارس دانش‌آموزانی پیدا می‌شدند که تمایل چندانی به درس خواندن نشان نمی‌دادند، اما رشد شگفت‌آور این مسأله در دانش‌آموزان فعلی، نیاز به بازنگری و تبیین مجدد دارد.



در عدم استقبال گستره قابل توجهی از کودکان، نوجوانان و جوانان به درس خواندن، دلایل متعددی به نظر می‌رسد.

بی‌کار ماندن جوانان دانشگاهی در جامعه، سطح درآمد پایین مشاغل بسیاری از افراد تحصیل کرده، سیطره ارزش‌های مادی بر جامعه و کم رنگ شدن هم‌زمان ارزش‌های معنوی (از جمله برخورداری از دانش و حکمت) در جامعه، الگوهای ویرانگر و برخی از دلایل دیگر، از علت‌های بی‌انگیزگی درس خواندن دانش‌آموزان در حال حاضر است.

بررسی میدانی حاضر حکایت از آن دارد که الگوهای بی‌سوادی که تنها با اتکا به تراشیدن بدنشان یا درگیر شدن با حواشی متعدد، به فالوور و به تبع آن پول فراوان (پول ناشی از تبلیغات در صفحات شخصیشان یا پول ناشی از راه‌اندازی سایت‌های شرط‌بندی و قمار بازیشان)، به دست آورده‌اند، از مهم‌ترین دلایل بی‌انگیزه بودن دانش‌آموزان به درس خواندن است. در رده‌های بعد اعتیاد و وابستگی یافتن دانش‌آموزان به فضای مجازی و اتلاف وقت گسترده آنان در جریان کاربری از فضای مجازی و بصری شدن فرهنگ آنان، از دلایل عمده بی‌انگیزگی دانش‌آموزان نسبت به درس خواندن است. رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به بی‌کار ماندن جوانان فارغ التحصیل، درس نخواندن خودش را توجیه می‌کند:

«- درس خوندن رو دوست داری؟

نه.

- چرا؟

درس بخونم که چی، آخرش که کار نیست.

- کی گفته کار نیست؟

الآن خیلیا بی کارن، رفتن دانشگاه ولی بی کارن، من دوست ندارم برم دانشگاه».

رزیتای ۹ ساله، در مصاحبه خودش در حالی که بیان می‌دارد، درس خواندن حوصله آدم را سر می‌برد، از الگوی مورد علاقه خویش نیز یاد کرده است که رفتن به دیسکو با دوست پسر را بر درس خواندن ترجیح می‌دهد. امیرحسین ۱۱ ساله هم با استدلال در این که رونالدو فقط ۵ کلاس درس خوانده است و در حال حاضر، هم به پول و هم به شهرت رسیده است، خاطرنشان می‌سازد با پولدار شدن، اساساً دیگر نیازی به درس خواندن نمی‌ماند.

«- باری با دوست‌هاش چه کار می‌کنن؟

تو خونه آرایش می‌کنن، بعدش با دوس پسرانشون می‌رن دیسکو.

- دیسکو چه کار می‌کنن؟

می‌رقصن، آواز می‌خونن.

- مدرسه می‌رن؟

خیلی کم، هر وقت باری می‌خواد درس بخونه، دوس پسرش میاد یا دوستاش میان».

«- باید خیلی تلاش کنی به هدفِت برسی، تازه باید علاوه بر فوتبال، درست رو هم بخونی. تلاش می‌کنم، ولی رونالدو که درس نخونده، اون تا کلاس پنجم سواد داره، ولی الآن چه قدر پول داره.

- نظر تو چی هست، خوبه پول دار باشیم ولی تا کلاس پنجم سواد داشته باشیم؟

آره، وقتی پول داری دیگه چرا درس بخونی.

- آدم‌های پول دار درس نمی‌خوندن؟

نه، فکر نکنم».

مهمسای ۱۱ ساله و ملیکای ۱۲ ساله نیز در مصاحبه‌های خویش بیان می‌دارند، درصددِ بلاگر شدن و تیک تاکر شدن هستند، بنابراین دیگر نیازی به درس خواندن ندارند و این در حالی است که شاید سواد این دانش آموزان دبستانی هنوز به اندازه درست خواندن و درست نوشتن نیز نرسیده باشد.

## ۵-۳- اثرهای اخلاقی - عقیدتی الگوهای ویرانگر

بررسی میدانی انجام شده در سطح دانش آموزان دختر و پسر دبستانی حکایت از آن دارد که کاربری از الگوهای آن سوی آب، در کنار اثرهای مختلفی که تا اینجا از آن‌ها یاد شد، واجد برخی از اثرهای عقیدتی و اخلاقی نیز هستند.

کاهش معنویت‌گرایی در اثر افزایش دنیاگرایی، یکی از اولین تبعات کاربری از الگوهای ساخته و پرداخته جهان سرمایه‌داری است، به این معنا که کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌هایی که مورد استفاده کودکان و نوجوانان کاربر قرار می‌گیرند، به علت کثرت توجهی که به مسایل مادی و ملموس دارند، در عمل توجه کاربران را از معنویات که بیش‌تر واجد سنجی انتزاعی هم هستند، دورتر می‌سازند.

برخی از نوجوانان با ملاحظه بی‌تفاوتی الگوهای مورد علاقه‌شان نسبت به دین و دیانت، در عمل حساسیت خود نسبت به دین‌مداری را از دست می‌دهند. بعضی از نوجوانان دیگر هم با ملاحظه برخی از اطلاعات جهت‌دار در مورد خشونت‌های دینی، نسبت به دین دچار تردید می‌گردند و سرانجام عده دیگری از نوجوانان به دلیل تربیت عاطفی مناسبی که از آن برخوردار بوده‌اند، به شکل فطری از این مسأله یاد می‌کنند که اساس دین، محبت است، نه خشونت که برخی از آن به عنوان اساس دین یاد می‌کنند.

القائات عقیدتی و تشکیک در جهان‌بینی الهی که در برخی از محصولات فرهنگی آن سوی آب ملاحظه می‌گردند، مسأله قابل توجه دیگری است که نباید از آن چشم پوشید، برخی از این تولیدهای فرهنگی در عمل می‌کوشند تا خط‌مشی‌های عقیدتی متفاوت با آنچه که ادیان الهی از آن یاد کرده‌اند، به مخاطبان و کاربران خویش القا کنند.

زیر سوال بردن منجی، دامن زدن به خرافات و نفی دین، از دیگر مصادیق بارز تلاش برخی از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها و سریال‌های تهیه شده توسط دستگاه تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری است.

با القائاتی که از آن یاد شد و ارایه شاهد مثال‌های متعدد از سوی محصولات فرهنگی آن سوی آب در جهت تبیین سبک زندگی ایده‌آل به کاربران، کودکان و نوجوانانی که در فضایی شرقی و محیطی نسبتاً دینی و با ارزش‌های اخلاقی بار آمده و تربیت شده‌اند، در عمل خود را با شواهد متضادی مواجه می‌بینند که آنان را در خط‌مشی‌های اخلاقی خودشان دچار سردرگمی می‌سازد. مضاف بر سردرگمی ارزشی برخی از کاربران، کاربران دیگری با تغذیه مدام از القائات اخلاقی محصولات آن سوی آب، در عمل نسبیّت‌گرایی اخلاقی را که به وفور در این آثار وجود دارد، پذیرفته، به احتمال زیاد در آینده بر همان منوال عمل خواهند کرد.

کودکان و نوجوانان علاقه‌مند به الگوهای مخرب، با ملاحظه سبک زندگی آنان که شامل اوجی از لذت‌گرایی، بی‌قیدی و مصرف‌گرایی است، خود به خود چنان معطوف به علایق شخصی و ارضای تمنیات نفسانی خویش می‌شوند که هرگونه جهت‌گیری معطوف به دیگران را از یاد برده، دست از نועدوستی و کمک و حمایت دیگران برمی‌دارند. به تعبیر دیگر، اخلاق خودمدار حاکم شده در آنان، دیگر جایی برای اخلاق دیگرمدار باقی نمی‌گذارد.

برخی از الگوهای مخرب که مورد توجه هواداران خویش هستند، مستقیم و غیرمستقیم به طرح مواضع ایدئولوژیک و عقیدتی خویش می‌پردازند و هواداران تحت تأثیر آنان، در عمل تشویق می‌شوند که در مسیر عقیدتی الگوی مورد علاقه خویش گام بردارند، به عنوان مثال، یکی از هواداران لیدی گاگا با دریافت این که وی منتسب به گروه شیطان‌پرست‌ها هست، پس از جست‌وجوی رایانه‌ای در مورد شیطان‌پرستی و آشنا شدن با مراسم آنان، شخصاً در صدد برگزاری مراسم شیطان‌پرستی برای خود کرده بود.

تتلو نیز همان‌گونه که به هواداران خویش توصیه می‌کند که در کنار ورزش، ماده مخدر گل را مصرف کنند، پیشنهاد می‌کنند، هواداران وی دوره‌های پاک‌ی داشته باشند و در این دوره‌ها به عوامل محیط زیستی خویش آسیب نرسانند.

در موارد دیگری الگوها ممکن است قرائت دینی خاصی را برای هواداران خویش مطرح سازند. مثلاً برخی از الگوهای ویرانگر ایرانی ترکیه‌ای نشین، در عین تظاهر به دین‌داری و مثلاً خواندن قرآن، هواداران را دعوت به شرکت در سایت‌های شرط‌بندی و قمار خویش می‌کنند و یا در حالی که عکس همسرشان را در استخر به معرض دید دیگران می‌گذارند، سخن از دیانت و اسلام نیز می‌زنند.



بنابراین با وجود قلت داده‌ها<sup>۱</sup>، می‌توان از اثرهای قابل توجه اخلاقی و عقیدتی دستاوردهای نظام تبلیغاتی دنیای سرمایه‌داری یاد کرد.

در ادامه به اجمال عناوین پیش گفته مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### کاهش معنویت گرایی با افزایش دنیاگرایی

در آموزه‌های دینی و سخنان بسیاری از عرفا و اخلاقیون، مثال دنیا و آخرت به صورت پیوستاری طرح شده است که آدمی با حرکت به سمت یکی از دو مورد یاد شده، در عمل از دیگری دور می‌گردد، چرا که اساساً جهت‌گیری دنیا و آخرت به میزان زیادی با هم متفاوت و متضاد است.



بیان مولوی مبنی بر این که «آدمی از راه گوش فربه شود»، ناظر بر این معنا است که روح آدمی در اثر مجاورت و ملازمت با انسان‌های عالم، فربه شده، در اثر مجاورت با انسان‌های جاهل، ضعیف و نحیف خواهد شد. به تعبیر دیگر، وقتی مثلاً دنیای ۱۲ ساله، گزارش می‌دهد که هفته‌ای ۵-۴ فیلم خارجی نگاه می‌کند، باید انتظار داشت وی با تغذیه روانی که به این ترتیب دارد، انسانی با ارزش‌های مدنظر کمپانی‌های غربی بار بیاید.

ملاحظه مصاحبه رزیتای ۹ ساله، بیانگر آن است که وی با دلالت الگوهای خویش چنان در ظواهر صوری و مادی دنیا غرق شده است که خود به خود دیگر فرصتی برای تأمل در معنا و معنویت برای وی در آینده باقی نخواهد ماند:

«دوست داری با پسر دوست بشی؟

امممممم آره، ولی فعلاً نه.

چرا فعلاً نه؟

چووون هنوز بچه‌ام، زیاد هم قدم بلند نیس.

قدت بلند شد، دوست پسر می‌گیری؟

آره دیگه.

دوست پسر فقط برای دخترهای قد بلنده؟

---

۱. همان‌گونه که پیش‌تر هم ذکر شده است، تحلیل‌های ارایه شده در این کتاب، مبتنی بر مصاحبه‌های انجام شده با کودکان و نوجوانان دبستانی است که متن مصاحبه‌ها نیز در کتاب درج گردیده‌اند.

آره دیگه، باید خوشگل بشی، وگرنه هیچ کس نگاهت هم نمی‌کنه.

- از کجا می‌دونی خوشگل نباشی، کسی نگاهت نمی‌کنه؟

خب چون باربی خوشگله دیگه، تازه دوست دخترم زیاد داره.

- تو چی دوست دختر زیاد داری؟

دارم، ولی به اندازه باربی نه.

- بزرگ شدی مثل باربی خوشگل نشی، چه کار می‌کنی؟

آرایش می‌کنم».

## تحول قرائت دینی

با تأملی در حوزه‌های دینی ایران و دیگر کشورهای اسلامی ملاحظه می‌شود که دو جریان اسلام سیاسی که داعیه حکومت دارد و اسلام غیر سیاسی که کار دین را جدا از حکومت و حکمرانی سیاسی می‌داند، وجود دارند.

در حوزه اسلام سیاسی نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، دیدگاهی که معتقد به مداخله همه مردم در مسایل حکمرانی است و دیدگاهی که معتقد به این است که الناس ایتام و العماء قیمون علیهم.

نوجوانانی که در ایران زندگی می‌کنند و با جلوه‌هایی از اسلام سیاسی (نظیر اجباری بودن حجاب، مسأله مجازات ارتداد و مانند آن) خود را مواجه می‌بینند و از سویی برخورد با خودی‌ها را که طبق قرآن باید رحمانیت توام باشد، این گونه نمی‌یابند، خود به خود ممکن است نسبت به دین احساس ناخوشایندی پیدا کنند. از سوی دیگر نوجوانان اخیر در برخورد با الگوهایی که با کنار نهادن دین، از دین انسانیت سخن سر داده‌اند، خود به خود احساس می‌کنند، باید از قرائت رسمی دین که در جامعه و کتاب‌هایشان با آن مواجه هستند، فاصله بگیرند. اظهارات ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، شاهد مثال بارزی در مورد تحول قرائت دینی است که در برخی از نوجوانان پدید آمده است (و همان گونه که در کتاب‌های مقطع دبیرستان خواهد آمد، این مسأله در سطوح سنی دبیرستان با شدت و حدت بیش‌تری در سطح جوانان دانش‌آموز ملاحظه شده و به چشم می‌خورد).

«چی شد به این فکر افتادی که قرآن دست‌کاری شده؟

آخه واقعاً چیزایی که می‌گن... یا بعضی وقتا می‌بینی تو کانالایه فیلمایی مباد که بعضی روحانیا دارن یه چیزایی می‌گن! خیلی آنرماله، آخه واقعاً فکر نمی‌کنم خدا این قدر سخت گیر و بی‌رحم باشه، هر چی هم تو قرآن می‌گه اینه که بکشین، بکشین، بکشین، خدا باید خیلی مهربون باشه به نظرم.

- پس تو اسلام رو قبول داری، ولی فکر می‌کنی که این طور نبوده؟

اگه خودم می‌تونستم دینی رو انتخاب کنم، مسیحی بودن رو انتخاب می‌کردم.

- چه طور؟

حس می‌کنم آزادترن، اما اونم درجه‌بندی داره دیگه.

- مثلاً چی رو توی مسیحیت دوست داری؟

مثلاً همین اعضای اکسو، اونا مسیحین.

- کره‌ای‌ها در کل دینشون چی هست؟

خیلی دین‌های متفاوت دارن، کلاً پنجاه درصدشون بی‌دینن، یه عده‌شون مسیحین، یه عده بودایی، سوهو بوداییه، ولی هشت تاشون مسیحین، بین عشق و حال‌شون رو می‌کنن، مشروب‌شون رو می‌خورن، ولی سهون مثلاً همه‌اش کلیسا هست، یعنی هم به خدا اعتقاد دارن، هم دارن یه زندگی عادی رو هر جور دل‌شون می‌خواد پیش می‌برن، واقعاً یعنی این قدر ما محدود شدیم، من که معلوم نیست تا چند سال دیگه زنده بمونم، بعدشم که دیگه قرار نیست تا هیچ‌وقت دوباره زندگی کنم، پس چرا استفاده نکنم از همین چند روزی که زنده‌ام، از همین چند سال، مثلاً یه جا دیدم که توی یه کشوری می‌دارن که بچه‌ها خودشون دین‌شون رو انتخاب کنن وقتی که ۱۸ سال‌شون شد، بعد می‌گن که کدوم دین رو می‌خوان، هیچ‌وقت این طوری نیست که یکی بیاد هی پرشون کنه، این دین این طوره اون طوره.

- چند سالت بود که به این مسایل فکر کردی، که مثلاً چه خوب می‌شد اگه آدم می‌تونست

دینش رو عوض کنه؟

از همین ششم.

- پس در کل فکر می‌کنی با این شرایط اگر بتونی دینت رو عوض کنی، دین رو عوض می‌کنی

و بی‌دین نمی‌مونی، درسته؟

آره، به نظرم آدم باید به یه چیزی تعهدی داشته باشه دیگه، چون من به خدا که اعتقاد دارم، اگه بی‌دین بمونی یعنی به خدا اعتقاد نداری، بعد به نظرم بین دینایی که خدا رو قبول دارن و می‌پرستن مسیحیت بهتره تا اسلام، همین فیلم شی که ماه کامل شد؟ همون پسره هست که می‌گه هر چه قدر بیش‌تر بکشیم، خدا خوشحال‌تره، همین چیزا رو نشون می‌ده که انگار دین اسلام فقط برای کشت و کشتاره، یعنی چی ما بکشیم خدا خوشحال می‌شه؟ مگه نمی‌گی خدا مهربونه!

- خدا رو چه طوری می‌بینی؟

خدا می‌گه به همدیگه بدی نکنید، همدیگه رو نکشید، با همدیگه مهربون باشید، به هم کمک کنید، انقد همه‌اش با هم دشمنی نداشته باشید، فکر نکنم واقعاً خدا این قدر قانون‌های سخت‌گیرانه بذاره واسه مردمش... خدا رو من این‌جوری نمی‌بینم».

## تشکیک در جهان‌بینی الهی

برخی از آثار تولید شده در آن سوی آب، حاوی القائات عقیدتی خاصی هستند که این القائات از سوی الگوهای مورد علاقه آنان بدان‌ها انتقال می‌یابد. به عنوان نمونه، پویانمایی «شاهزاده مصر» در صدد ترسیم حضرت موسی، علیه السلام، به صورت فردی عادی، شرابخوار و زن باره است. در پویانمایی «ظهور نگهبانان»، منجی نفی شده، در بسیاری از فیلم‌های تهیه شده آخرالزمانی هم اندیشه منجی نفی و انکار می‌گردد.

برخی از تولیدهای کارتونی، پویانمایی، فیلم‌ها و سریال‌ها هم در صدد دامن زدن به خرافات هستند، به عنوان مثال، تولیدهایی که در آن‌ها مفهوم جادو و جادوگری وجود دارد، به میزان قابل توجهی در آثار تهیه شده برای کودکان و نوجوانان وجود دارد که دلیل آن احتمالاً نوعی مقابله با دین و دیانت است. زیرا جادو و جادوگری مفهومی است که با ماوراءالطبیعه گره خورده است، از سویی دین نیز با ماوراءالطبیعه گره خورده است و کودکان کاربر محصولاتتی که در آن‌ها مقوله جادو وجود دارد، پس از بزرگ شدن، به راحتی جادوی سفید و سیاه را کنار نهاده آن را خرافه می‌پندارند، بنابراین کودکان اخیر می‌توانند عیناً مقوله دین را با استدلالی مشابه کنار بگذارند.

پویانمایی «نه» نیز دین و دیانت را امر موهوم و فرسوده‌ای می‌داند که باید آن را کنار نهاد. برخی از شاخ‌های مجازی هم که می‌کوشند خود را به صورت یک نظریه‌پرداز، هادی و راهنما برای هوادارانشان مطرح کنند، با اظهار نظرهای عجیب و غریب خودشان ممکن است در اعتقادات مخاطبانشان تشکیک ایجاد کنند. پست زیر دانیال پایدار نوعی از تناسخ را به ذهن هواداران متبادر می‌سازد:



اشکان ۷ ساله که کاربر برخی از کارتون‌ها و پویانمایی‌های غربی است، در برخورد با الگوهای ساخته و پرداخته دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا، که بعضاً با قدرت‌های فرابشری ترسیم شده‌اند، به این نتیجه رسیده است که اگر انسان‌ها به یک منجی نیاز داشته باشند، الگوهای فرابشری امریکایی متکفل این امر خواهند شد.

امیر ۱۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در عمل نشان می‌دهد که در اثر کاربری از الگوهای آن سوی آب، به تشکیک در جهان‌بینی الهی رسیده است، زیرا وی ضمن اعتقاد یافتن به خدای قومیتی، در برخورد با الگوهای امریکایی که با قدرت‌های فرابشری ترسیم شده‌اند، اساساً به این نتیجه رسیده است که امریکایی‌ها فارغ از خداوند هستی، متکفل امور خود و جامعه‌شان هستند.

امیر ۱۱ ساله در قسمتی از بیانات خودش در مصاحبه، از خدایان چندگانه و خدای قومیتی یاد می‌کند:

«- خدا به نظرت توی کشورهای غیر مسلمون هم هست؟

نه بابا، اون جاها پیدا نمی‌شه.

- چرا؟

چون خدا فقط مال مسلموناست.

- کی گفته؟

معلومه دیگه چون آمریکا اصلاً قرآن نمی‌خونه، نماز نمی‌خونه، انگلیسم همین طور، اون وقت اینا چه طوری خدا داشته باشن، تازه فک می‌کنن حضرت عیسی خدا هس، من جای خدا بودم، همه‌شون رو یه راست می‌فرستادم جهنم.

- خدا که بخشنده هست و بنده‌هایی که توبه کنن رو می‌بخشه، تو هم می‌بخشی؟

نخیرم، همه اینا الکیه، خدا اگه بخشنده بود که آمریکا انقد از خدا بدش نمی‌اومد، همه چیزای

امریکایی علیه خدا هستن، پس معلومه که خدا دشمن اوناس.

- کدوم چیزهای امریکایی علیه خدا هست؟

کلش دیگه، مگه نشنیدی، می‌گن اونا تو مرحله آخر قرآن رو آتیش می‌زنن».

امیر ۱۱ ساله در فراز دیگری از مصاحبه خودش، اظهار می‌دارد فردی مانند فلش، قادر به انجام

کارهایی است که خداوند متعال قادر به تحقق آن‌ها نیست:

«- پس تو فکر می‌کنی بن‌تن از همه قوی‌تره؟

آره، از همون اول شانس داشت که همچین ساعتی گیرش اومد، معلومه از همه بهتره.

- چون شانس داره؟

آره دیگه، خوش شانسه.

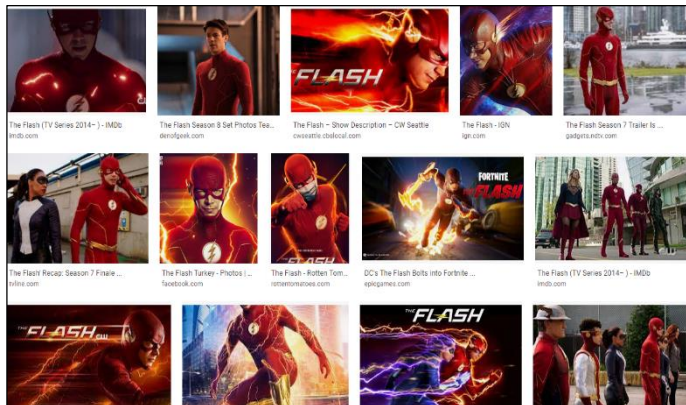
- به نظرت خدا بهش شانس نداده؟

نه بابا، خودش شانس داره، خدا که با اون کاری نداره.  
- یعنی اصلاً فکر نمی‌کنی که خدا یه ذره بهش کمک کرده؟  
نه.

- بقیه‌ی شخصیت‌های کارتونی که دوست داری چی، خدا به اون‌ها کمک می‌کنه؟  
بین خدا فقط به مسلمونا کمک می‌کنه، قهرمونا که مسلمون نیستن.  
- مسلمون نیستن، پس یعنی چی هستن؟  
کافرن دیگه، اونا خودشون با کمک خودشون زندگی می‌کنن، خدا هم واسشون بلا می‌فرسته، اونا خودشون فرشته‌ی نجات دارن، شهرشون رو نجات می‌دن.  
- کی می‌گه خودشون بدون کمک خدا کار می‌کنن، از کجا می‌دونی؟  
معلومه دیگه، نگاشون کنی می‌فهمی.  
- هالک چی اون چه طوریه؟  
یه روزی یه ماده‌ای روش اثر کرد که نیروی درونش رو بیدار کرد، قبلاً باباش اون ماده رو روی خودش امتحان کرد، بعد به بچه‌ش ارث دادش که این شد.  
- این از شانسته یا خدا کمکش کرد؟  
اینم شانسی بود، خدا که به هالک و اینا کمک نمی‌کنه.  
- چرا به هالک کمک نمی‌کنه؟  
چون هالک خدا رو نمی‌پرسته، خدا هم دیگه با اون دوست نیست...  
- بیش‌تر دوست داری مثل کی باشی؟  
هم دوست دارم مثل هالک باشم، هم می‌خوام مثل بن‌تن باشم، هم می‌خوام سرعت داشته باشم، بعد همه‌ی این قدرتا رو داشته باشم تا بتونم فرمانروای کل زمین بشم، حتی می‌خوام برم فضا اون جا رو هم تصرف کنم.



توی فیلم فلش یکی بود دشمن فلش بود، خیلی زورش زیاد بود، حتی صد برابر فلش قوی بود، حتی سوپر وومن هم زورش رو نداشت، من می‌خوام مثل اون باشم، اون حتی زمان رو می‌تونست راحت کنترل کنه، بهتر از فلش می‌ره به گذشته و برمی‌گرده، اون صاحب زمانه و اگه کسی تو زمان جابه‌جا بشه، مجازاتش می‌کنه، اون همه کار بلده خدا هم نمی‌تونه زمان رو نگهداره، اما اون می‌تونه».



## نفی دین

اسلام سیاسی که به سبب الزام در برخی مسایل حاد اجتماعی نظیر ارث، حجاب، ارتداد و نظایر آن، ملزم به اعمال مجازات علیه شهروندانی است که تن به مقررات تدوین شده و مقرر نداده‌اند، کار دشوارتری را در قیاس با اسلام غیرسیاسی برعهده دارد که مردم را در مواردی مانند حجاب مخیر داشته و به جای مداخله در جزئیات حکومتی، کار خود را به نصیحت و دلالت مردم و حکومت به طرف خیر و خیرخواهی، محدود کرده است.

فضای جامعه اسلام سیاسی در مواجهه با فضایی که توسط الگوهای ویرانگر (و در حد نازل‌تری فضای مجازی) ترسیم می‌شود، دارای تقابل‌های بسیاری است که برخی از نوجوانان در مواجهه با این تقابل‌ها، با استدلال‌های مبتنی بر صفر و یک خویش (که نشأت گرفته از فقدان تفکر انتزاعی یا ضعف آن است)، ممکن است حکم به حقانیت آنچه الگوها از آن یاد کرده و می‌کنند، بدهد و با استقبال از دنیاگرایی موجود در الگوها و آنچه در فضای مجازی مشاهده می‌شود، روی خویش را از دین و معنویت برگردانند.

امیرحسین ۱۱ ساله، در فرازی از مصاحبه‌اش با استدلال عینی خویش (که در نتیجه تفکر عینی وی بوده، خیلی قادر به فهم مفاهیم انتزاعی نیست)، دین و دیانت را که برای وی ملموس نیست، کنار نهاده است:

«- نظرت راجع به دین چی هست؟»

بد نیست.

- خوب بد نیست، یعنی چی؟

من خودم می‌گم باید چیزی که می‌بینیم رو قبول داشته باشیم، مثلاً ما خدا رو نمی‌بینیم یا شیطان رو نمی‌بینیم، فقط می‌گیم هست، خب از کجا معلومه که واقعاً هست، این یه اشتباهه.

- یعنی باید هر چیزی که می‌بینیم رو قبول داشته باشیم؟

آره.

- خوب اگه این جور باشه، بهشت و جهنم رو هم که نمی‌بینیم، یعنی اون‌ها هم نیست؟

بله.

- پس چرا ما آدم‌ها کارهای خوب می‌کنیم؟

چون حس خوبی بهمون دست می‌ده.

- خوب بعضی آدم‌ها کارهای بد می‌کنند، به اون‌ها حس خوبی دست نمی‌ده و ما حتماً باید کار

خوب کنیم تا حس خوبی داشته باشیم؟

از نظر اخلاقی آره، کارای بد خوب نیست.

- خوب اخلاق رو کی تعیین می‌کنه، چی بده چی خوبه، این‌ها رو که دین گفته!

خب خلیا هستن دین ندارن، ولی آدم خوبی هستن، کارای خوبی می‌کنن، نمی‌تونیم بگیم دین

داشتن صد در صد باعث خوب بودن می‌شه، این همه آدم دین دارن، ولی آدمای بدی هم هستن.

- خوب الان خانواده شما مسلمونند، درسته؟

بله، فقط به اسمش.

- خوب یعنی چی؟

خب مامان و بابا که نماز نمی‌خونن یا روزه نمی‌گیرن، شاید ما بی‌دینیم».

شروین ۱۲ ساله و آرمین ۱۳ ساله هم با استدلال‌هایی نسبتاً مشابه، فاصله‌گیری خویش از دین

و دیانت را اعلان کرده‌اند:

«- خودت تنهایی سریال می‌بینی یا با مامان این‌ها؟

اولش با مامانم می‌دیدم، ولی از وسطاش خودم تنها.

- توش چیزی داره که خوب نباشه؟

یعنی چی؟

- که مثلاً دوست نداشته باشی نشون مامان بدی؟

نه.

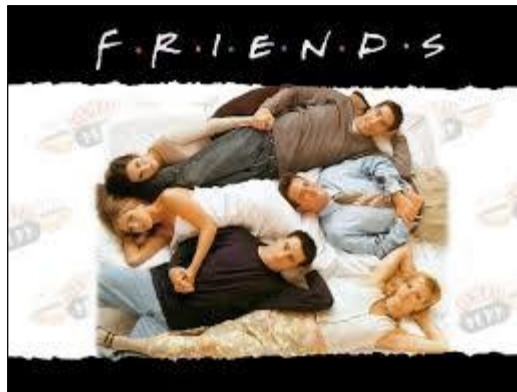
- هیچی؟

یه کم صحنه داشت.

- چه جوری بود، می شه یه کم بگی که بفهمم؟
- راس و ریچل مثلاً دیگه (می خندد).



- اون ها با هم دوستند؟
- اولش دوست بودن، بعد با هم عروسی کردن.
- بقیه شون هم عروسی کردند؟
- نه، ولی با هم دوستن.
- توی یک خونه هستند؟
- آره همه شون پیش هم ان، با هم زندگی می کنن.



- می شه که آدم ها عروسی نکنند، ولی با هم زندگی کنند؟
- آره، می شه اگه دوست باشن با هم، می شه.
- بیش تر با کدام امام آشنایی داری؟
- بیش تر امام حسین.
- به امام حسین اعتقاد داری؟
- آره، مامانم اعتقاد داره.
- مثلاً چه کار می کنه؟
- مثلاً روزای عاشورا، می ریم دسته رو می بینیم با داداشم.

- توی دسته چه کار می‌کنند؟
- طبل می‌زنن، سینه می‌زنن، زنجیر می‌زنن.
- تا حالا رفتی؟
- آره رفتم.
- چه کار کردی؟
- زنجیر زدیم.
- بقیه امام‌ها رو چه قدر می‌شناسی؟
- نمی‌شناسم، امام زمان رو یک کم می‌شناسم.
- از امام زمان چی می‌دونی؟
- توی کتاب‌مون هست که امام زمان ظهور می‌کنه.
- تو به این مسأله اعتقاد داری؟
- نه.
- چرا؟
- وقتی ندیدم، چه جوری اعتقاد داشته باشم، من که کلاً اعتقادی به این چیزا ندارم.
- یعنی فکر می‌کنی امام‌ها وجود نداشتند؟
- ما که نمی‌دونیم، برای خیلی سال پیشه».
- «- خوب تو توی آمریکا باشی هنوز هم مسلمونی؟
- نه، من الانشم نماز نمی‌خونم.
- می‌دونم الان نمی‌خونی، ولی بزرگ شدی چه طور؟ اون موقع که واجب می‌شه که بخونی.
- نه دیگه، برم آمریکا راحت می‌شم از این کارا.
- راحت می‌شی؟
- آره دیگه، هر کاری بخوام می‌تونم بکنم، آزادم».
- مجموعه آنچه ذیل عناوین فرعی: کاهش معنویت‌گرایی با افزایش دنیاگرایی، تحول قرائت دینی، القائنات عقیدتی و تشکیک در جهان‌بینی الهی و نفی دین از آن یاد شد، کودکان و نوجوانان کاربر را در عمل با اخلاقیات متفاوت مواجه می‌سازند، سردرگمی اخلاقی و تن دادن به نسبیت‌گرایی اخلاقی، دو پیامد از پیامدهای اغتشاش در دیدگاه عقیدتی افراد به شمار می‌روند.
- کودکان و نوجوانان کاربر الگوهای غربی در برخورد با اخلاقیاتی که این الگوها غالباً منادی آن هستند، با مواردی مواجه می‌شوند که در تربیت محیطی خویش با آن‌ها کمتر مواجه شده‌اند. به عنوان مثال، دین‌مداری، اخلاق‌مداری، جمع‌گرایی، پرهیز از اسراف و نظایر آن‌ها، از مفاهیمی هستند که کودک با آن‌ها از بدو کودکی خویش آشنا می‌شود، اما اگر همین کودک هم‌زمان با مواردی نظیر

بی‌دینی، غیراخلاقی بودن، فردگرایی، اسراف، شهوت‌گرایی، خشونت و پرخاشگری و مانند آن‌ها مواجه شود، بالطبع ذهن او یارای تحلیل درست و منطقی مسایل متعارض را نداشته، به راحتی به سردرگمی می‌رسد (منطقی، ۱۳۹۹ ج).

مصاحبه فرشته ۱۰ ساله، نمونه‌ای در همین زمینه به شمار می‌آید. وی تحت تربیتی به ظاهر اسلامی قرار دارد، اما در برابر شیفته سیندرلا و حرکات و سکنات او است و همین تعارض در عمل وی را دچار سردرگمی، ابهام و تردید ساخته است.

## نسبیت‌گرایی اخلاقی

اگر چه دیدگاه دینی به اخلاقیاتی ثابت اعتقاد دارد، اما دیدگاه‌های غیردینی اخلاقیات را ثابت ندانسته، تابع شرایط محیطی می‌داند و در واقع نسبیت‌گرایی اخلاقی را مورد تأیید خویش قرار می‌دهند.

نمایش انبوهی از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها و سریال‌ها که در آن هم جنس‌گرایی مستقیم و غیرمستقیم مورد تأیید قرار می‌گیرد (مانند مجموعه باب اسفنجی)، یا انبوهی از تولیداتی که در آن‌ها تهاجم به دیگران و غارت دستاور آنان ارزش شمرده می‌شود (نظیر بازی‌های کِلَش آف کلنز، کِلَش رویال) و یا حجم وسیعی از تولیدهایی که در آن‌ها فرد فقط به صرف بردن بازی، باید دست به کشتار دیگران بزند (مانند بازی‌های پابجی و فورتنایت) و در نهایت بسیاری از بازی‌هایی که در آن‌ها مقابله با پلیس و قانون، و رد و بدل کردن مواد مخدر و برقراری روابط نامشروع با این و آن، با دیده تحسین نگریسته می‌شود (مانند مجموعه بازی‌های دزد بزرگ اتوموبیل یا جی‌تی‌ای)، در مجموع کاربران کودک و نوجوان بازی‌های دیجیتال، کارتون‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های غربی را بر آن می‌دارد تا از اخلاقیات ثابت دست برداشته، نسبیت‌گرایی اخلاقی را پیشه خویش کنند.

ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه‌اش از تردیدهای خود نسبت به روابط آزادی که در فیلم نابغه دیده است، سخن می‌گوید، اما ستایش ۱۰ ساله، در مصاحبه خودش با قطعیت از این مسأله یاد می‌کند که هر کس باید آزاد باشد تا هر گونه که خواست، زندگی کند:

«برگردیم دوباره به بحث فیلم‌ها، بخوای فیلم نگاه کنی، از کجا می‌بینی؟

من معمولاً دانلود می‌کنم.

- زبان اصلی؟

آره.

- بدون سانسور؟

آره.

- از کی خودت فیلم‌ها رو دانلود می‌کنی و می‌بینی؟

من از فک کنم کلاس دوم بودم که خواهرم برام می‌داشت فیلمایی که مناسب باشه، دیگه چندتا ماچ و بوس چیزی نبود (می‌خندد)، ولی از همون بچگی شروع کردم به دیدن فیلم با زیرنویس، واقعاً دوبله گند می‌زنه، دوبله‌های خوبی هم هستن، ولی حسی که بازیگر اصلی بهت می‌ده رو کس دیگه نمی‌تونه بده دیگه.

- خوب فیلم‌های بی‌سانسوری رو که می‌بینی، چه طوری هستن؟

خب تا حالا شده که یه صحنه‌هایی توش داشته باشه دیگه، توی گیفتد دختره بچه هست و مهدکودک می‌ره و کلی مسأله ریاضی اینا رو بلده حل بکنه، خیلی باهوشه و اینا، بعد معلمش با داییش با هم... (مکث می‌کند).

- با هم رابطه دارن؟ خوب نظرت راجع به روابط آزاد چی هست؟

نمی‌دونم... بعضی وقتا... نمی‌دونم... همون بعد ازدواج کار بهتریه».

«- به نظرت دوست پسر داشتن خوبه؟

خب آره، از یه سنی به نظرم اشکالی نداره، من واقعاً از آدمایی که می‌گن دوستی بده خوشم نیامد، تازه به نظرم بوس و کارهای عاشقانه هم خیلی خوبه، مثلاً بعضیا فکر می‌کنن حجاب داشتن و با کسی دوست نبودن، خیلی کار خوبیه.

- یعنی به نظرت حجاب و این‌ها بده؟

بد نیست، ولی من که دوست ندارم چادر سرم کنم، واقعاً سخته و دوست ندارم، نماز بخونم، هیچ‌کدوم از این آدمایی که کلیپ درست می‌کنن تو اینستا، نه حجاب دارن و نه نماز می‌خونن، خب بذارن هر کی هر طور دوس داره زندگی کنه».

بنیامین ۱۲ ساله و اشکان ۱۳ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، ضمن دفاع از فردی نظیر تتلو، فحاشی‌های وی و صرف مواد مخدر و مشروب توسط وی را جزو زندگی شخصی وی قلمداد کرده، آن‌ها را مواردی نمی‌دانند که برمبنای آن‌ها، دست به نفی تتلو بزنند:

«تتلو هم زندگی خودش رو داره، نمی‌شه که چون روی بقیه تأثیر می‌ذاره، اون جویری که می‌خواد زندگی نکنه، من بیش‌تر فن آهنگا و موسیقش که خدایی حرف نداره، حرفاشم همه نه، ولی ۸۰ درصد درسته.

- با این که توی آهنگ‌هاش فحش می‌ده، مشکلی نداری؟

نه، مشکلی ندارم.

- به نظرت این فحش‌ها روی بچه‌ها و کسانی که کم سن و سال هستند، تأثیر منفی نداره؟

(با خنده) بابا الآن دیگه همه فحش می‌دن، همه. فک نکن کسی که دبستانیه فحش بلد نیست یا نشنیده، حالا تتلو هم یه دوتا فحش بده توی آهنگاش».

«- تو گفتی که حرف‌های روحانیت اشتباهه و عقاید اشتباهی رو به ما اجبار کردن. بله.

- به نظرت چه عقایدی درسته و می‌تونه جایگزین اون‌ها بشه؟  
هیچ عقیده‌ای. آدم باید خودش برای خودش باشه و هیچ چیز بهش اجبار نشه.  
- خوب پس این که یه نفر گل بکشه، مشروب بخوره یا حتی زنا بکنه، به خودش مربوطه، درسته؟  
نمی‌دونم، شاید.

- به نظرت این جور، اخلاقیات بهم نمی‌ریزه.  
اگه زندگی هر کی به خودش مربوط بشه، نه.  
- به نظرت زندگی امیر تتلو که الگو و سلبریتی فقط به خودش مربوطه؟  
بله، زندگیش فقط به خودش مربوطه و به ما هیچ ربطی نداره که چه کار می‌کنه.  
- تا الان ما به این نتیجه رسیدیم که دین نباید به کسی اجبار بشه و شاید خیلی از احکام دینی مثل نهی از مشروب خوردن و خیلی کارهای دیگه، در عمل وارد شدن به زندگی شخصی افراد و کسی که گل می‌کشه یا ورزش می‌کنه، این کارها زندگی شخصیشه و ملاکی برای خوب یا بد بودنش نیست، درسته؟  
بله».

رضا و ارغوان ۱۲ ساله هم در مصاحبه‌های خودشان، دزدی از افراد پولدار و پذیرش هم جنس‌گرایی را مباح و پذیرفته می‌دانند:  
«- گفتی پول برات مهمه، خب اگه بخوایم پول به دست بیاریم، ولی اون رو با دزدی به دست بیاریم، نظرت در این مورد چی هست؟  
دزدی کار خوبی نیست، ولی باید ببینیم از چه جهتی نگاه کنیم.  
- یعنی چی از چه جهتی نگاه کنیم؟  
اگه از یه پول‌دار بگیریم مثل ساشا کار بدی نیست، اون قدر خودش دزدی کرده و داره که اشکالی نداره.

- ساشا کی هست؟  
یه آقازاده.  
- خوب چه کار کرده؟  
با پول باباش رفته خارج، یه عالمه زن داره.  
- خوب پس یعنی نباید از فقیرها دزدی کنیم؟  
نه اونا خودشون به سختی پول به دست آوردن».

«چانیول گفت، عشق بین دختر و پسر فقط خلاصه نمی‌شه و خودش خیلی حمایت می‌کنه از این افراد و خیلی تفاوت فرهنگ وجود داره بین آرتیست‌های کره‌ای و مردم عادی کره. مثلاً اونا میان از ال‌جی‌بی‌تی‌ها حمایت می‌کنن، مثلاً یه دختر میاد می‌گه با دوست دخترم اومدم و اینا هم می‌گن وای چه قدر بهم میاین، اونا کاملاً اوکین، ولی مردم‌شون نه.

- حالا به نظر تو که نسل جدید هستی چه جایگزین و راه‌کاری می‌تونه وجود داشته باشه؟  
مثلاً من خیلی وقتاً می‌بینم که توی هم‌سن و سالای خواهرم (۱۶ ساله است)، مشکل دارن با هم‌جنس‌گراها و می‌گن نجسه و فالانه و گناهه... .

- پس این‌ها رو از دوست‌های خودت شنیدی؟  
از دوستای خودم نه، چون باهاشون در مورد اینا حرف نمی‌زنم، چون حس می‌کنم نسبت به من بیش‌تر تحت کنترل خانواده ان، بعد نمی‌خوام بگن وای ارغوان من رو پر کرد و این چیزا، شاید خانواده‌شون اوکی نباشن، چون منم که با مامانم در مورد این چیزا صحبت نکردم و می‌دونم که پدر و مادر من با این فکر که اینا گناهه بزرگ شدن، منم با این تفکر بزرگ بشم، کی ما باید به این سطح شعور برسیم که این یه چیز عادیه تو دنیا؟ و ما قراره جهان سومی بمونیم تا ابد، ولی من اگه با این چیزا اوکی باشم، بچه‌های منم کاری می‌کنم که اوکی باشن و نسل به نسل این اتفاق درست می‌شه، ولی متأسفانه نمی‌خوان که بشه».

### پذیرش اخلاق خودمدار به جای اخلاق دیگرمدار

از یک منظر می‌توان اخلاق را به دو اخلاق خودمدار و دیگرمدار تقسیم کرد.  
اخلاق خودمدار اخلاقی معطوف به خود و هوا و هوس شخص است، در حالی که اخلاق دیگرمدار معطوف به دیگران و کمک به دیگران برای رفع مشکلاتشان است.

دیدگاه دینی که دیدگاهی تکلیف‌گرا است و انسان را موظف به پرهیز از بدی‌ها و تحقق خیر و نیکی برای خود، خانواده، جامعه و جامعه جهانی و حتی زیست محیط خودش می‌داند، تکالیف زیادی را برای فرد دیندار مطرح می‌سازد که از اخلاق مبتنی بر تکالیف اخیر می‌توان با عنوان اخلاق دیگرمدار یاد کرد. البته زیست آدمی نیز منطبق بر اخلاق دیگرمدار است، به این معنا که سلول‌های آئینه‌ای که قریب ۲۵ سال پیش در میمون و ۲۰ سال پیش در انسان‌ها کشف شدند، عواطف دیگری را در میمون و انسان بازنمایی می‌کنند و بالطبع وقتی انسانی با فرد دردمندی مواجه می‌شود، اگر در جهت کمک به وی اقدام نکند، از عواطف متألمی که توسط سلول‌های آئینه‌ای در وی پدید آمده است، گریزی نخواهد داشت. بنابراین زیست آدمی در جریانی همسو با ادیان الهی که انسان را تکلیف‌گرا می‌بینند، در اخلاق، مسیر اخلاق دیگرمدار را تجویز می‌کند، در حالی که بسیاری از

الگوهای ویرانگر، با نشان دادن خطامشی کامیابی حداکثری از لذات زندگی، در عمل با اخلاق خودمدار همسویی و همخوانی نشان می‌دهند (منطقی، ۱۳۹۹ ج).

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی، مشخص می‌شود که این دانش‌آموزان از سویی به سبب تغذیه‌ای که با بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها و پویانمایی‌های فراپرخاشگرانه شده‌اند و از سوی دیگر به سبب انتقال سبک زندگی و حاشیه‌پردازی‌های مبتدلی که الگوهای مخرب به نمایش آن‌ها می‌پرداختند، رفته رفته از عواطف رقیق انسانی خویش که مبنایی برای شکل‌گیری اخلاق دیگرمدار است، دور شده، وارد عرصه‌ای شده‌اند که در این عرصه و فضا، نوع دوستی نفی و انکار شده و کودک و نوجوان با غرق شدن در آن، به دلیل مواجهه با انبوهی از کینه‌ها و نفرت‌ها، دیگر فرصتی برای اندیشیدن به افق‌های والاتر نمی‌یابد.



اظهارات محمدحسین ۸ ساله، رضای ۱۲ ساله و امیرحسین ۱۱ ساله در مصاحبه‌هایشان، شواهد گویایی در همین جهت را به دست داده، نشان می‌دهند که چه گونه این کاربران خردسال، به جای یافتن اخلاقی دیگرمدار، خود به خود به سمت و سوی اخلاقی خودمدار سوق یافته‌اند:

«- محمدحسین به خاله می‌گی چه بازی‌هایی تو ایکس باکست داری؟

داعش بازی دارم، مشت زنی، فوتبال، دزد و پلیس....

- کدوم رو از همه بیش‌تر دوست داری؟

خب معلومه داعش بازی.

- داعش بازی چه جوریه؟

تو داعش بازی خب یه آدمی رو می‌برن بالای پشت بوم، آدمی که رو ویلچره، بعد بهش هم بمب بستن خب، بعد می‌خوان پرتش کنن پایین، ولی قبل از این که پرتش کنن، خودش روی هوا منفجر می‌شه، بدنش تیکه تیکه می‌شه، بعد خووون می‌ریزه همه جا.

- این بازی رو دوست داری؟

آره، بعد تازه یه پلیسی رو داعشیا می‌دزدن می‌برن به یه طنابی می‌بندن، دارش می‌زنن.

- چرا داعش بازی رو این قدر دوست داری؟

آخه خیلی باحاله.

- این که آدم‌ها همدیگه رو بکشن باحاله؟
- آره، باحال نیس؟
- بعد از این که داعش بازی می‌کنی چه کار می‌کنی؟
- بلند می‌شم، خب اون کارا رو تمرین می‌کنم.
- تمرین می‌کنی؟
- (از دیدن چهره‌ی متعجب مصاحبه‌گر می‌خندد) آره تمرین می‌کنم، شاید منم بخوام یکی رو بکشم.
- کی رو می‌خوای بکشی؟
- چه می‌دونم، یه آدم بی‌ادبی چیزیه... .
- آدم‌های بی‌ادب رو می‌کشن؟
- آره، من می‌کشمشون.
- کشتن دیگران رو دوست داری؟
- آره، دوس دارم گلوشون رو ببرم، خون بریزه بیرون.
- اولین بار کجا دیدی یکی یکی رو بکشه و خون بریزه بیرون؟
- توی داعش بازی.
- از همون موقع دوست داشتی؟
- آره، عاشقش شدم.
- تا حالا خواب داعش بازی رو دیدی؟
- آره یه شب خواب دیدم یکی رو کشته بودم، بعد گوشتش رو کنده بودم، خب خونشم ریخته بود تو کل خونه.
- با دوست‌های خودت هم داعش بازی می‌کنی؟
- آره، یه بار با بردیا شمشیر بازی کردم، بعد با شمشیر سرش رو مثل داعش جدا کردم.
- دردش نیامد؟
- چرا اینقد دردش اومد که نگو.
- آخی گناه داشت.
- حقش بود، خواست نیاد به جنگ من.
- هر کی بیاد به جنگت می‌کشیش؟
- آره، تازه الان می‌خوام تو رو هم بکشم (کودک به حالتی جنگی شروع به بازی می‌کند) «.
- »- عزیزم تا حالا شده بازی‌هایی تو گوشت داشته باشی که مراقبت از حیوانات رو یاد بدن؟
- تو بازی مانکرافت هست، هم می‌تونیم از حیوانات مراقبت کنیم، هم می‌تونیم بکشیمشون.

- برای چی بکشی؟  
بازی مانکرافت می‌تونیم لاکپشت بندازیم تو یه ماده مذاب.
- بعدش چی می‌شه؟  
دُمیج می‌خورد، بعد می‌مرد.
- خوشت می‌اومد؟  
آره کیف می‌داد، آخه هر موجودی توی مانکرافت بندازی تو مواد مذاب، موقع مردن خیلی باحال می‌شه.
- چه طوری باحال می‌شه؟  
وقتی که داره می‌میره، می‌پره بالا پایین، بعد می‌میره».
- «- خوب خواننده مورد علاقه‌ات کی هست؟  
من از خشایار اس آر خوشم میاد.
- از چی خشایار خوشت میاد؟  
از آهنگاش که مثل رپ خارجی‌ست، بیتاش و لحنش که عالیه.
- رپ خارجی چه فرقی با رپ ایرانی داره؟  
تو همین لحن و مدل خوندن و ایناش فرق دارن.
- خشایار اس آر توی آهنگاش راجع به چی می‌گی؟  
مثلاً می‌گه کسی نمی‌تونه من رو میوت کنه جز خودم، یعنی کسی جرأت نداره با من بیفته، تیکه‌های قوی داره.
- تپیش چه جوریه هست؟  
خوش تپیه، تازه کچله و می‌گه به خاطر این کچله که پشماش ریخته از دست خودش، از بس که خفته، چندی پیش با بهزاد لیتو می‌خواست فیت بده.
- خشایار اس آر توی آهنگ‌هاش حرف‌های بد هم می‌زنه؟  
مگه می‌شه رپ بخونی و فحش ندی، یه دیس داده بود به تتلو، خدا بودا، به تتلو می‌گفت هَوَلو.
- یعنی چی هَوَل؟  
یعنی تتلو هَوَله دیگه.
- خوب هَوَل به چه معنی هست، می‌دونی؟  
این پسراییه که داف می‌بینن می‌گن جون و اینا.
- عزیزم می‌دونی داف یعنی چی؟  
این دخترا که خوش اندام و پلنگن، تتلو از این دخترا خوشش میاد و همه‌اش با این جور دختر اس، خشایار اس آر مسخره‌اش کرده به خاطر همین کار.

- حالا چرا تتلو رو دیس کرد؟

آخه تتلو چرت زیاد می‌گه، همه رپرا یهو دیسش می‌کنن که تتلو دیس بک می‌ده بهشون، مثلاً در جواب تتلو هَوَلو، بهش گفت، جوجه هنری و این رو خوند براش.

- پس کلاً این‌ها با هم در حال دعوا کردن هستند؟

آره دیگه، رپ بتل می‌کنن، همین چند وقت پیش اس آر با خلوت رپ بتل کردن، آهنگ رینگ که خیلی خفنه.

- چی می‌گفتند؟

خلوت به خشایار اس آر می‌گفت، اومده می‌گه، به جا این که این سگه جای من رو بگیره، این وزغ کچل. منظورش اینه که خشایار اومده جای من رو بگیره، بعد می‌گه تو اصلاً در حد من نیستی، تو یه آهنگ خشایار دُ، دُ، دُ می‌گه اولش بعد خلوت اومده بهش می‌گه لال نمی‌ری باو.

- می‌دونی چرا بهش می‌گن خشایار اس آر؟

نه، همین جوری دوست داشته بگه دیگه، معنی خاص نداره.

- برای چی تتلو و خشایار اس آر به هم دیس دادن؟

زمانایی که یکی میاد یه حرفی می‌زنه الکی، دنبال حاشیه ان، مثلاً تتلو یه چی می‌گه تا طرف مقابل جوابش رو بده، این طوری یه کم فالوور بگیرن.

- یعنی الان تتلو دنبال حاشیه بود؟

آره، پرحاشیه‌ترین خواننده تتلو هست، هر موقع قاطی می‌کنه، یه چی می‌گه، بعد همه یهو میان دیسش می‌کنن، وگرنه اس آر کاریش نداشت که، خودش الکی میاد مسخره بازی در میاره.

- به نظرت کارش خوبه که دنبال حاشیه هست؟

برای فالووره دیگه، هر کی یه کاری می‌کنی.

- برای داشتن فالوور زیاد، باید به هم فحش داد؟

مردم دنبال حاشیه ان دیگه، اینم یه کاریه.

- تو از رپ بتل خوشت میاد؟

آره، منم بعضی وقتا از این تیکه خفنا می‌گم.

- تو همه این آهنگ‌ها رو حفظ هستی؟

آره چه جورم (شروع به خواندن آهنگ رینگ می‌کند)».

## پذیرش القائات عقیدتی الگو

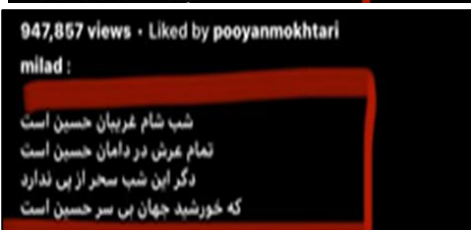
در عنوان تحولات قرائت دینی کودکان و نوجوانان هوادار الگوهای مخرب، خاطرنشان شد که الگوهایی نظیر پویان مختاری، میلاد حاتمی و ساشا سبحانی در عین گرفتن ژست مذهبی بودن و

حج نهادن یا شرکت در عزاداری امام حسین، علیه السلام، از مشروب خوردن و قمار و قماربازی و هرزه‌نگاری نیز ابایی ندارند و به راحتی با همکاری با سایت‌های شرط‌بندی و قمار، هواداران خویش را به این سایت‌ها کشیده و با برنامه‌ریزی دستگاه مبنی بر این که ارقام کوچک شرط‌بندی زیاد برنده شوند، مخاطبان را به ولع می‌اندازند که مبالغ کلانتری در شرط‌بندی‌ها وارد کنند که در آنجا در اکثر موارد برنده نمی‌شوند و حتی در صورت برنده شدن، ممکن است با بهانه‌هایی نظیر عدم احراز هویت، جایزه فرد برنده به وی مسترد نشود.

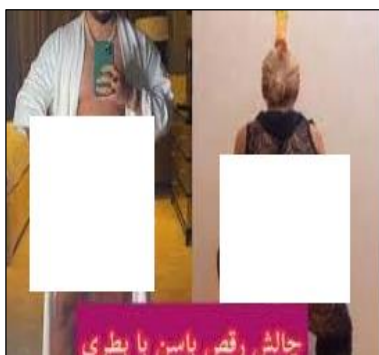
الگوهای ویرانگری نظیر پویان، میلاد و مانند آن‌ها، در ابتدا ممکن است در زمینه مسایل دینی، خود را وابسته به دین و افرادی دین‌مدار معرفی کنند و شواهدی نیز در این جهت ارایه کنند، در ادامه برای تحکیم بیش از پیش اندیشه دین‌مداری خویش، به تبلیغ کارهای خیرخواهانه خویش نیز بپردازند، اما در نهایت با تبلیغ سایت‌های شرط‌بندی و قمار، هواداران را تشویق به حضور در سایت‌های اخیر و قمار در آن‌ها می‌کنند.

مضاف بر این، تبلیغ هرزه‌نگاری (تا جایی که اندام نیمه برهنه همسر خویش را به معرض دید مخاطبان قرار دهند)، از دیگر اقدام‌های الگوهای ویرانگر به شمار می‌روند، در این قسمت با مرور گذرایی در صفحات اینستاگرامی پویان و میلاد، موارد پیش گفته مورد بررسی قرار خواهند گرفت.









کودکان و نوجوانانی که متوجه الگوهای ویرانگری نظیر پویان و میلاد می‌شوند، از سویی با ملاحظه رفتارهای به ظاهر مذهبی آنان، نسبت بدن‌ها دلگرم شده و از سوی دیگر با ملاحظه رفتارهای خلاف دین آنان، ممکن است نسبت بدن‌ها تردید یابد، اما در غالب موارد به دلیل برخورد بیش‌تر عاطفی و کم‌تر منطقی هواداران با الگوها، کودکان و نوجوانان هوادار، در نهایت با پذیرش خطمشی الگوهای ویرانگر در دین و دیانت، در عمل التقاط معنویت و قداست را با حرام و گناه پذیرفته، همین قرائت دینی در دستور کار آنان قرار خواهد گرفت.

در موارد دیگری ممکن است الگوهای مورد علاقه کودکان و نوجوانان، دست به ارایه برخی از خطمشی‌های عقیدتی خاص بزنند که در این حالات هم غالباً هواداران در جریان تبعیت از الگو، از خطمشی‌های اخیر تبعیت خواهند کرد. بنیامین ۱۲ ساله، در نمونه‌ای از همین موارد می‌گوید:

«تتلو کارای خوبم زیاد کرده.

– مثلاً چی؟

خیلی چیزا، کلاً خیلی وقت می‌ذاره واسه فالوورهاش، زود به زود آهنگ می‌ده بیرون، کاراش قوین یا مثلاً دوره‌های پاکیش.

- چه دوره‌هایی، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟  
یه سری دوره ۱۴ روزه اس که می‌گه کلاً نباید کار بد کنن و به طبیعت و حیوون‌ها آسیب بزنین.  
- بعدش چی می‌شه؟

مثلاً می‌گی خدایا من این ۱۴ روز پاک بودم، تو هم این کار رو برام بکن!<sup>۱</sup>  
در موارد مشابهی برخی از نوجوانان هوادار تتلو، با استناد به گیاه‌خواری وی، خاطرنشان می‌سازند که آنان نیز گیاه‌خواری را همچون تتلو در دستور کار خود قرار داده‌اند و می‌کوشند تا با گیاه‌خواری، به طبیعت احترام نهاده و به این ترتیب در تعالی خویش بکوشند.

## ۶-۳- اثرهای اقتصادی الگوهای ویرانگر

کودکان و نوجوانان دختر و پسر دبستانی در مصاحبه‌های خویش در کنار یاد کردن از برخی از موضوع‌های روانی- تربیتی، فرهنگی- اجتماعی، اخلاقی- عقیدتی و مانند آن‌ها، از موضوع‌های اقتصادی نیز به شکل‌گذار یاد کرده‌اند. موضوع‌ها اخیر را می‌توان ذیل عناوین: تهیه وسایل متناسب به الگو، مصرف‌گرایی، ذائقه‌سازی جهت مصرف، هزینه کردن برای بازی‌های دیجیتالی، آشنایی با شرط‌بندی و قمار و تلاش برای کسب پول و ثروت، طبقه‌بندی کرد.  
در ادامه با ارایه برخی از شواهد ارایه شده توسط دختران و پسران مصاحبه شده، از عناوین پیش‌گفته یاد خواهد شد.

---

۱. سالار کاشانی در رادیو زمانه گزارش می‌دهد:

تتلیتی‌ها فقط یک جمع طرفداری نیستند. تتلو پیامبر یک مرام و حتی مبتکر آیین‌هایی ویژه برای تتلیتی‌هاست. یکی از این آیین‌ها، دوره پاکی است؛ دوره‌هایی که در آن تتلیتی‌ها نباید دست از پا خطا کنند و خصوصاً سمت رابطه با جنس مخالف برونند. برای دوره پاکی چهارده روزه باید این‌جوری نیت کرد: پروردگارا چهارده روز به طبیعت و موجوداتی که آفریدی احترام می‌ذارم و عشق می‌ورزم و هیچ انرژی منفی‌ای در طبیعت آزاد نمی‌کنم، به نیت پاکی روح و جسم از گناه و انرژی منفی و پرداختن بدهی طبیعت، به این صورت دوره پاکی شروع می‌شه و چهارده روز باید هیچ موجودی رو نکشید و نخورید و دل هیشکی رو نشکونید و کارای بد نکنید و حتماً ورزش کنید که همه چی از راه عرق کردن از بدنتون خارج بشه.  
او در یکی از فراخوان‌هایش در شبکه‌های اجتماعی از تتلیتی‌هایش خواست برایش بغوغو کنند. با گذشت چند ساعت هزاران تتلیتی به دعوت پیامبرشان لبیک گفتند.



### تهیه وسایل متناسب به الگو

کودکان و نوجوانان هوادار الگوهای مختلف در ابتدا برای احساس نزدیکی بیش‌تر به الگوی مورد علاقه خویش، با تهیه پوشش و وسایل متناسب به الگو، خود را به وی نزدیک سازند. البته در ادامه اتخاذ مشی رفتاری و در نهایت اتخاذ نظام ارزشی الگو در دستور کار هواداران قرار می‌گیرد. امیرحسین ۱۱ ساله و علیرضای ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از علاقه وافرشان به تهیه وسایل متناسب به الگوهای مورد علاقه خودشان، به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- خوب تو چیزی خریدی؟

آره، مامان برای اتاق خوابم فرش رونالدو اینترنتی سفارش داد، آوردن واسمون.

- پس وسایل اتاقت سِت رونالدو هست؟

نه فعلاً، فقط فرش و پتو و بالش‌م رونالدو هست، البته می‌خوام پرده رونالدو رو هم سفارش بدیم.

- دفتر و لوازم تحریر چی، اون‌هایی که می‌خری فوتبالی هستند؟

آره، چند سال پیش تمام دفترام بازیکنای رئال بودن».

«- بیش‌تر از تیپ کی خوست میاد که دوست داری مثل اون بشی؟

خب من چون قدم متوسطه و این که یه کم صورتم گرده، (با خنده) شبیه دی‌کاپریو هستم، برای

همین سعی می‌کنم مثل اون بپوشم یا یه سری چیزای دیگه رو مثل اون کنم.

- مثلاً چه چیزهای ریزی؟

مثلاً مدل مو یا مدل ریشم رو مث اون بزیم تا بهم بیاد.

- مثلاً می‌تونم برام مثال بزنی یک نمونه که داخلش مثل اون لباس پوشیدی؟

خب فیلم *once upon a time in Hollywood* رو دیدی؟

- آره دیدم، داخل فیلم دی‌کاپریو هم بود.

آره، اون تیپش رو خیلی باهاش حال کردم که روی پوستر فیلم بود، همون جاکت چرمیه قهوه‌ایه.

- خوب بعدش چه کار کردی، رفتی مثل اون رو خریدی؟

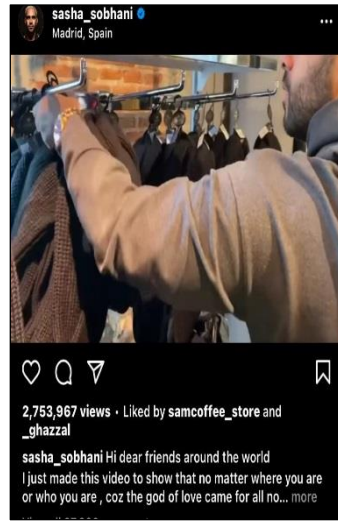
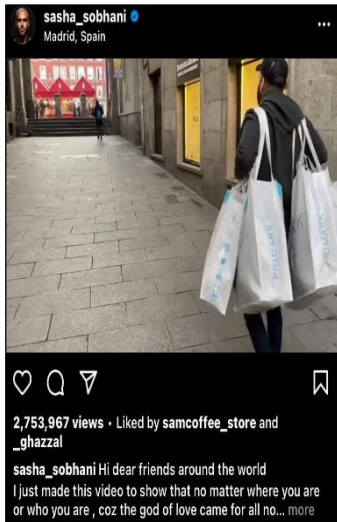
آره، چند وقت بعدش هی همین طور توی اینستا و اینترنت می گشتم، که بتونم مثلش رو پیدا کنم  
بخرم که آخرشم تونستم پیدا کنم».

با ملاحظه مصاحبه‌های امیرسام ۹ ساله و رضا و صدف ۱۲ ساله نیز این نتیجه حاصل می‌شود  
که این افراد برای شباهت‌جویی هر چه بیش‌تر به الگوی مورد نظرشان کوشیده‌اند تا با تهیه البسه  
الگو یا ماسک و کلاه خود و یا ملحفه‌ای که حاوی تصویر الگوی مورد علاقه هست، به نوعی  
شیفتگی و دلدادگی خویش به الگوی مورد نظر را رقم بزنند.

## مصرف‌گرایی

جهان سرمایه‌داری به دنبال کسب سود است و در همین راستا تبلیغات جهانی سرمایه‌داری می‌کوشند  
تا به شکل مستقیم و غیرمستقیم دیگران را تشویق به مصرف و مصرف هر چه بیش‌تر کالاهای  
تهیه شده در کارخانه‌های جهان سرمایه‌داری کنند. بالطبع کودکان و نوجوانان بازار بالقوه‌ای را  
تشکیل می‌دهند که با هدایت آنان، می‌توان از این جمعیت بالقوه مصرف‌کننده کالاهای دنیای  
سرمایه‌داری، جمعیتی بالفعل پدید آورد که واقعاً به مصرف کالاهای جهان سرمایه‌داری دست بزنند.  
از این رو الگوهای طراحی شده در تبلیغات دنیای آن سوی آب، در کنار القائات فرهنگی، سیاسی و  
عقیدتی خویش، واجد القائات اقتصادی نیز هستند و این القائات مستقیم و غیرمستقیم از کودکان و  
نوجوانان علاقه‌مند به الگوها می‌خواهند تا آنان دست به مصرف مواردی بزنند که الگوهای مورد  
نظر به نمایش آن می‌پردازند و در عمل با عطف توجه بیش‌تر به مصرف، به تدریج به جایی سوق  
یابند که مصرف به جای رفع نیازهای فیزیکی آنان در خدمت رفع نیازهای روانی آنان درآید و اصولاً  
مصرف کردن برای آنان به مثابه یک ایدئولوژی درآید.





امیرحسین ۱۱ ساله در مصاحبه‌اش، از افزایش توقعات اقتصادی خویش در برخورد با الگو و رضای ۱۲ ساله در مصاحبه خودش، از فزونی گرفتن مصرف‌گرایی خویش خبر داده‌اند:

«- به نظرت توی کشور ما عدالت وجود داره؟

نه.

- چرا؟

اگه عدالت بود، این همه فقر نبود که، منم هر چی دلم می‌خواست می‌تونستم داشته باشم.

- تو چی دلت می‌خواد داشته باشی؟

وی آر، اسکوت برقی که الان بچه پول‌دارا دارن، از اینا مثل بچه رونالدو، بعد من ندارم.

- پس چون این‌ها رو نداری می‌گی عدالت نیست؟

آره».

«- حالا خودت وسایلی از این ابر قهرمان‌ها داری؟

آره، من ادکلن بتمن دارم.

- اسمش ادکلن بتمن هست؟

آره، با مامانم رفته بودیم بیرون برای من و خواهرم خرید، یه جعبه فلزی داره عکس بتمن روشه، خواهرمم ادکلن سیندرلا رو داره.

- تا حالا برای تولدت شده تم این ابر قهرمان‌ها رو بزنی؟

خیلی کوچیک بودم، مامان و بابام برای تولدم، رو یکم عکس مردعنکبوتی سفارش داده بودن بذارن، چون خیلی مردعنکبوتی رو دوست داشتم، خمیر دندان و مسواک، حتی لوازم تحریر کلاس

اولم رو که گرفته بودم جامدادی، پاک‌کن، خط‌کش، کیف و کفش مدرسه‌ام، همه مردعنکبوتی بود، دوستانم حسودیشون می‌شد که من همه وسایل مردعنکبوتی رو دارم.

- چرا دوستان تو حسودیشون می‌شد؟

آخه اونا همه چیزهای مردعنکبوتی رو نداشتن.

- می‌توننی چندتا از این سایت‌ها که خرید کردی رو بهمم بگی؟

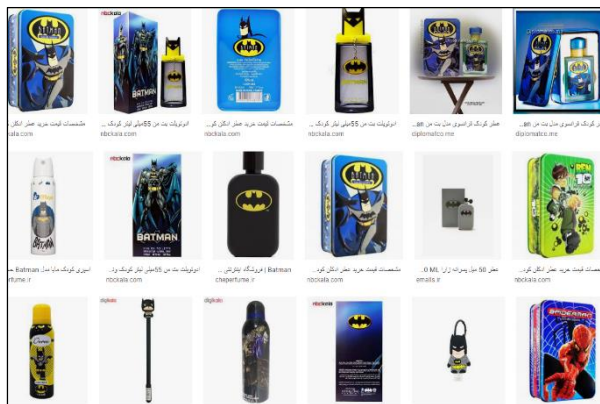
سایت مستر کالا که تو گوگل سرچ کنی میاد، چندتا دیگه بود، الان یادم نیست.

- از چیزهایی که خریدی راضی بودی؟

هر چیزی که تا حالا گرفتم، خوب بوده، ولی یه قاب اسپایدرمن سفارش دادم برای گوشیم، زیاد خوب نبود.

- قاب گوشیت اسپایدرمنه؟

قبلاً آره، الان قابم مارشملو هست».



مصاحبه زیر نیز متعلق به یک فروشنده لوازم کودکان است که طی آن از علایق وافر کودکان و نوجوانان برای تهیه وسایل بن‌تنی سخن گفته است:

«- شما عروسک بن‌تن را دارید؟

بله تقریباً همه عروسک‌های کارتون بن‌تن و خیلی اجناس دیگه که از مشتقات اونا محسوب میشن رو دارم.

- می‌شه بگین مثل چی؟

ساعت بن‌تن، ساعت دیواری بن‌تن، جامدادی بن‌تنی، دفتر فانتزی با عکس بن‌تن، پاک‌کن با عکس بن‌تن، گوشی موبایل اسباب‌بازی با عکس‌های بن‌تن، ماسک‌های بن‌تن، چسب‌ونک با عکس‌های بن‌تن، توپ‌های اسفنجی بزرگ و کوچک با عکس‌های بن‌تن، لیوان‌های آب‌خوری تو کیفی با عکس‌های بن‌تن و خیلی چیزهای دیگه که همه رو ما نداریم.

- مثل چی؟

پتو، تشک و بالش، کیف و کفش و کوله پشتی، اسکیت برد بن تن و خیلی چیزهای دیگر که البته هر روز هم به آن‌ها اضافه می‌شود».

در اقدامی مشابه، الگوهای ویرانگر داخلی نیز با تصور این که همه زندگی در مادیات خلاصه شده است و هر کس از امکانات مادی بیش‌تری برخوردار باشد، از اعتبار بیش‌تری در جمع همگنان برخوردار خواهد بود، با به نمایش نهادن یک زندگی لاکچری می‌کوشند تا اعتبار نداشته خویش را به رخ دیگران بکشند.

تصاویر زیر که از صفحه اینستاگرامی دانیال پایدار (ای پایدار) برداشت شده است، حکایت‌گر جشن تولد وی است که مبلغ ۵۰ میلیون تومان برای جشن تولد ۲-۳ ساعته وی هزینه شده است:

### ذائقه‌سازی جهت مصرف



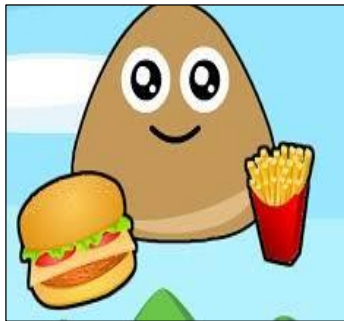
یکی از موارد مدنظر برای جهان سرمایه‌داری، ذائقه‌سازی برای مصرف بیش‌تر و هر چه بیش‌تر کالاها و مواردی است که ممکن است در جایی شناخته شده نباشند و بالطبع بازاری برای آن کالاها در این مناطق وجود نخواهد داشت. اما با ذائقه‌سازی می‌توان برای کالاهای مختلف در نواحی مختلف جهان بازار مورد نظر را پدید آورد.

بررسی‌های میدانی انجام شده دلالت بر آن دارند که با طرح هر کالایی در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف، کالاهای موجود در صحنه‌های مختلف آن فیلم و سریال، بلافاصله مورد توجه مخاطبان قرار گرفته، فروش آن‌ها سیر صعودی به خود می‌گیرد. مسأله اخیر چنان در عرف تجارت شناخته شده است که گاهی تولید کنندگان مختلف از سازندگان فیلم‌ها تقاضا می‌کنند، کالای تهیه شده آن‌ها را به نوعی در صحنه‌هایی از فیلم خود بگنجانند تا به این ترتیب فروش محصولشان تضمین شود.



(همبرگر با ورق نازک طلا)

ملاحظه انبوهی از کارتون‌ها و پویا نمایی‌هایی که در آن‌ها همبرگر (مک دونالد) در محوریت آن‌ها قرار دارد، گویای سرمایه‌گذاری نهادهای تبلیغاتی غرب در کارتون‌ها و پویانمایی‌ها برای ذائقه‌سازی و یا دامن زدن به مصرف کالای مورد نظر، توسط مخاطبان کارتون‌ها و پویانمایی‌های تهیه شده است.



ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه‌ای که با گروه تحقیق داشته است، از ذائقه سازی که کاربری از کارتون باب اسفنجی برای وی به ارمغان آورده است، به شرح زیر یاد کرده است:

«- خوب بیا از باب اسفنجی شروع کنیم، چه طوری بود؟

همین الانم حاضرم سالاعت‌ها بشینم باب اسفنجی رو ببینم.

- دوبله نگاه می‌کردی؟

آره، دوبله پرشین تون بود، خیلی خوب بود، بازم دوست دارم همون رو ببینم، ولی هیچ‌جا نیست، بعد این که باب اسفنجی یه شخصیت احمق فانی داشت، بعد پاتریکم از اون کودن‌تر بود، بعد این که اختاپوس یه آدم بی‌حوصله بود و این تضاد بین شون باحال بود، واییی همبرگراش! همه‌اش آرزوم بود از اون همبرگرای باب اسفنجی بخورم، واقعاً دوست داشتم به حدی که وقتی می‌رفتیم رستوران، می‌گفتم مامان چرا از اون همبرگرای باب اسفنجی ندارن؟ (می‌خندد)

- مگه همبرگرش چی داشت؟

نمی‌دونم والا، خود باب اسفنجی درست می‌کرد و می‌داد به مردم، برام خیلی جذاب بود».



### هزینه کردن برای بازی‌های دیجیتالی

تبلیغات جهان سرمایه‌داری هم‌زمان با القای اقتصادی خویش، در پی کسب سود از تمامی امکان عمل‌های موجود است، و یکی از این امکان عمل‌ها، اخذ وجه از کاربران بازی‌های دیجیتالی است که بازی به رایگان در اختیار آنان نهاده شده است.

البته چه‌گونه‌ای اخذ وجه اخیر تاحدودی پیچیده است، به این معنا که بسیاری از بازی‌های ساخته شده توسط نهادهای تبلیغاتی دنیای سرمایه‌دار، در آغاز با عنوان کاربری مجانی و رایگان در دسترس مخاطبان خردسال و نوجوانان خود قرار می‌گیرند، اما در ادامه بازیکنان درمی‌یابند که مثلاً برای برخورد کردن از پوشش‌های مختلف (نظیر بازی فورتنایت) و یا مدل موهای متنوع و یا برخورد کردن از اسلحه‌های سنگین‌تر و مهمات بیشتر، باید وجهی را بپردازند. بنابراین بازیکنانی که در آغاز با اندیشه رایگان بودن بازی وارد آن شده‌اند و در ادامه به نوعی وابسته به آن بازی گردیده‌اند، به سادگی حاضر به کنار گذاشتن و ترک بازی نشده، می‌کوشند تا با پرداخت وجه لازم (که غالباً به دلار بوده، با تبدیل به ریال، بسیار گران تمام می‌شود)، امکانات لازم برای ادامه بازی یا ادامه جدی‌تر بازی را به دست بیاورند. اظهار نظر امیرحسین ۱۱ ساله در مصاحبه‌اش، گویا همین نکته است:

«- چه بازی‌هایی می‌کنی؟

من کال آف دیوتی موبایل بازی می‌کنم.

- دانلود بازی رایگان هست؟

بله، ولی پرداخت درون برنامه‌ای داره.

- خوب این پرداخت درون برنامه‌ای برای چی هست؟

برای خرید چندتا سلاح و شخصیت.

- خوب این سلاح‌ها و شخصیت‌ها چه فرقی با رایگانش دارند؟

خفن‌ترن، هر پرو پلیری این شخصیت‌ها و اسلحه‌ها رو داره.

- چه قدر پرداخت کردی؟

۱۳۹ هزار تومان.

- باز هم باید پول بدی؟

نه دیگه نیاز نیست، همه چیزاش باز می‌شه. فقط باید هم‌هاش بازی کنیم تا تایر آپ بشم، لولم بره بالا.

- لولت چه قدر بالا می‌ره؟

تا ۵۰ بشه».

## آشنایی با شرط‌بندی و قمار



برخی از سلبریتی‌های ایرانی طی چند سال اخیر به ترکیه مهاجرت کرده‌اند و پس از جا افتادن در فضای این کشور، با هدایت برخی از افراد، موظف به کشاندن طرفدارانشان به طرف سایت‌های شرط‌بندی و قمار شدند.



متن پست: (بشین و بازی کن و میلیونی درآمد کن - حکم-پوکر-تخته نرد - پاسور- رولت- فوتبال بازی کنید).

پویان مختاری، حسین تهی و حصین در ایران چند ترک آهنگ خوانده و تعدادی طرفدار پیدا کرده بودند، میلاد حاتمی نیز به عنوان آقای مربی که از حریم خصوصی خویش فیلم‌هایی منتشر

می‌کرد، طرفدارانی برای خودش دست و پا کرده بود. دانیال پایدار جوان ۲۱ ساله‌ای بود که فن پیچ رپرهای مشهور شده بود و در ادامه در کوچه و خیابان‌های تهران کلیپ می‌ساخت. ساشا سبحانی هم فرزند دیپلماتی بود که زندگی لاکچری وی مورد توجه برخی از نوجوانان و جوانان قرار گرفته بود.

دنیا جهان‌بخت نیز فردی بود که به سبب مدل بودن و حاشیه‌سازی‌های متعددی که با ساسی مانکن، منتیگو، تتلو و مهرداد جم داشت، مورد توجه و پیگیری گروه دیگری قرار گرفته بود. نسخه جدید دنیا را نیز می‌توان در ریحانه پارسا سراغ گرفت.

افراد نامبرده و برخی دیگر از ایرانیانی که فضای ایران را برای خودشان مناسب نیافته و به ترکیه پناه برده بودند، در ترکیه فضای جدیدی گشودند و با ارتکاب برخی از مواردی که در ایران جزو منهیات شمرده می‌شد (نظیر استفاده از دختران نیمه برهنه در هنگام اجرای آهنگ، بی‌حجاب ظاهر شدن، نقد نسبی مسوولان و مانند آن‌ها)، بیش از پیش مورد توجه هواداران قرار گرفته و هواداران آن‌ها فزونی گرفت.



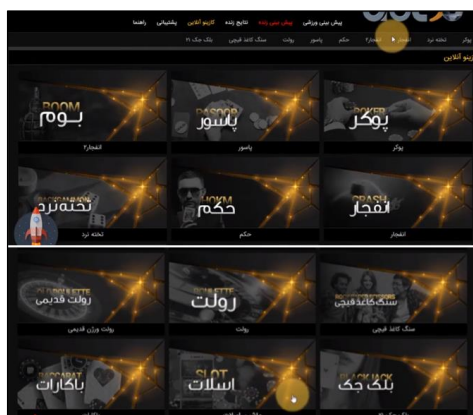
از سوی دیگر افرادی نظیر فرشید امیرشقایق (مونتیگو) و برخی دیگر، کوشیدند تا از شهرت افرادی که به ترکیه مهاجرت کرده بودند و طرفدارانی برای خود دست و پا کرده بودند، سود ببرند، برای همین با تهیه برنامه‌های شرط‌بندی، با افراد نامبرده طرف قرارداد شدند تا آن‌ها با حضور یافتن در سایت‌های شرط‌بندی، مشوق طرفداران خویش برای ورود در سایت‌های اخیر و شرط‌بندی و قمار هواداران در آن‌ها بشوند.

تصاویر زیر نمونه‌هایی از تبلیغ غیرمستقیم شرط‌بندی و قمار بازی در سایت میلاد است:



محسن افشانی در افشاگری که در مورد برخی از افراد نامبرده در بالا داشت، تعداد هواداران پویان مختاری در سایت شرطبندی ذیل عنوان نام وی را ۱/۸ میلیون نفر و تعداد هواداران میلاد حاتمی را ۱/۲ میلیون نفر اعلان کرد.

سایت‌های شرطبندی مختلف با پرداخت حدود ۵۰٪ سود حاصل از شرطبندی‌ها و قمارهایی که در سایت برگزار می‌شود، به سلبریتی‌هایی که انبوهی از نوجوانان و جوانان را با خود به سایت‌های قمار آورده‌اند، پول باد آورده و سرشاری را نصیب امثال پویان، میلاد، پایدار، دنیا، داوود هزینه و مانند آن‌ها می‌کند.



رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش از آشنایی خود با سایت‌های شرط‌بندی و قمار سلبریتی‌های ترکیه‌نشین صحبت کرده، از تجربه متضرر شدن برادرش هم در این سایت‌ها سخن می‌گوید:

«- پس دنیا جهان‌بخت پول‌داره؟

آره.

- پولش رو از کجا میاره؟

سایت شرط‌بندی انفجار رو داره، پول مدل بودنش هم هست.

- سایت شرط‌بندی چی هست؟

برای مسابقه هست.

- مسابقه چی؟

همین استوری می‌داشت می‌گفت من دارم میام سر میز انفجار شارژ کنید حساب‌هاتون رو، خودشم

بازی می‌کنه، یه پولی می‌ذاره، بعد اون پول چند برابر می‌شه.

- تو هم این بازی رو کردی؟

نه، ولی رو لینک که رو بیوش بود می‌زدم، باید حساب کاربری درست می‌کردیم، بعد بازی‌های

تنیس و فوتبال و بسکتبال اینا داشت، روز قبلش پیش‌بینی می‌کنی کی می‌بره، اگه درست بگی

پولت اضافه می‌شه، بازی‌های دیگه هم داره... .

- داداشت راجع به این سایت‌های شرط‌بندی چه چیزهای دیگه‌ای به تو گفته؟

داداشم می‌گفت، سایت‌های شرط‌بندی خیلی آدم رو وابسته می‌کنن، ولی بالاخره بی‌خیالش شد،

آخه مثلاً ۲۰ تومن ته حسابش مونده بود، تو یه روز می‌گه اون رو کرد ۵۰۰ تومن، ولی سر یه بازی

دیگه شرط بست اون بازی رو باخت، همون ۵۰۰ تومن رو هم از دست داد.

- می‌دونی برادرت چه قدر پولش رو تو این سایت‌های شرط‌بندی از دست داد؟

نمی‌دونم، ولی خیلی پولایی که می‌رفت سرکار جمع کرده بود رفت، اولش ناراحت بود، ولی گفت

دیگه هیچ‌وقت نمی‌ره تو این سایت‌ها».

در مورد اظهارات رضا لازم به ذکر است که سایت‌های شرط‌بندی و قمار که سلبریتی‌ها

نوجوانان و جوانان جامعه را به سمت آن‌ها می‌کشند، در اشکال مختلف آنان را مورد سوءاستفاده قرار

می‌دهند. ساده‌ترین سوءاستفاده سایت‌های اخیر این است که در شرط‌بندی‌های کوچک، تعداد

برندگان زیادی دارند، و وقتی افراد تازه کار ولع شرط‌بندی‌های بزرگ‌تر را یافتند، در آن هنگام،

مسأله برعکس می‌شود و غالب این افراد با تحمل خسارت و شکست، سایت‌های شرط‌بندی را ترک

می‌کنند، همان گونه که برادر رضا با از دست دادن تمامی سرمایه‌اش، سایت‌های اخیر را ترک کرد.

در مراحل بعد سوءاستفاده از شماره کارت و رمز عبور شرکت کنندگان (که در مرکز سایت مشهود است) و فیشینگ نیز به تخلفات مالی سایت‌های شرط‌بندی و قمار افزوده می‌شود که بحث آن‌ها را باید در جای دیگری پی گرفت.

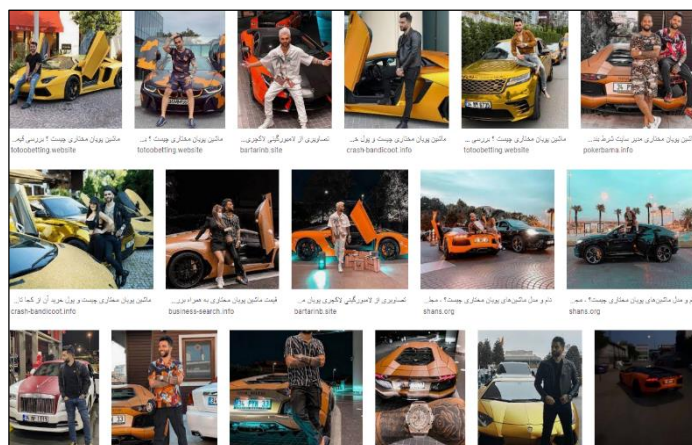


## تلاش برای کسب پول و ثروت

سلبریتی‌های ایرانی مستقر در ترکیه، با اتکا به سایت‌های شرط‌بندی و قمار و سود حاصل از آن‌ها و تاحدودی تبلیغات صفحات اینستاگرامی خودشان، بعضاً به پول‌های بادآورده و سرشاری می‌رسند. محسن افشانی در افشاگری که در مورد افرادی نظیر پویان و میلاد و مانند آن‌ها دارد، درآمد پویان را دو میلیارد تومان در روز و درآمد میلاد را یک میلیارد تومان در روز اعلان کرد. ثروت بادآورده اخیر (که برمبنای کشاندن هواداران به سایت‌های قمار و غالباً ورشکسته کردن آن‌ها فراهم آمده است)، امکان عملی‌های بسیاری برای الگوهای مخرب فراهم آورده، آن‌ها یا هر روز ماشین مدل جدیدی زیر پایشان می‌اندازند، یا دست به تهیه جت شخصی می‌زنند و یا آن که مثلاً گوسفندی را برای یک وعده غذای خویش بریان می‌کنند.



تصاویر زیر برگرفته از سایت‌های پویان و ساشا و میلاد، نمایی از زندگی لاکچری آنان را که در برابر هواداران مطرح می‌شود، به دست می‌دهد:



زندگی لاکچری که از آن‌ها یاد شد، چشم و دل بسیاری از نوجوانان و جوانان هوادار را معطوف به خود کرده، آنان نیز تصور می‌کنند با تراشیدن بدنشان نظیر دنیا جهان‌بخت یا خواننده شدن نظیر پویان و ساشا (که به تازگی وارد عرصه خوانندگی هم شده است)، می‌توانند به زندگی مشابهی دست پیدا کنند، در حالی که چنین نیست.

افشانی در افشاگری که در مورد سلبریتی‌های ایرانی مستقر در ترکیه دارد، از قاچاق دختران توسط آن‌ها نیز یاد می‌کند. وی در مصاحبه خودش بیان می‌کرد، فردی نظیر میلاد، شخصاً به دختران جذاب و بی‌حجابی که در اینستا می‌بیند، در دایرکت پیام می‌دهد که مأموران برای شما که

بی حجاب فعالیت می کنید، مشکل درست خواهند کرد، از این رو بهتر است به ترکیه بیاید تا با عنوان پشتیبان سایت، فعالیت کرده و درآمد کسب کنید.

اگر چه دخترانی که فریب خورده راهی ترکیه می شود، در آغاز در محل مناسبی اسکان داده شده و امکانات مناسبی در اختیارشان قرار داده می شود، اما در ادامه، پس از آن که به اشکال گوناگون از وی سوءاستفاده کردند، در حالی که دختران فریب خورده راهی برای بازگشت ندارد، پس از از دست دادن تازگی و شادابی خودشان، جای خود را به دختران جدیدی که به ترکیه کشیده می شوند داده و با امکانات بسیار محدودتر و محقرتری ایام خویش را سپری می سازند.

در هر صورت آنچه از الگوهای ویرانگر در سطح پیدا است، زندگی لاکچری است که از خود به نمایش نهاده اند و هواداران ساده خویش را تشویق می کنند تا با نسخه هایی که آنان برایش می پیچند، با شرکت در سایت های شرط بندی و قمار و مانند آن، به زندگی مشابهی دست یابند.

ستایش ۱۰ ساله و رضای ۱۲ ساله، تحت تأثیر تبلیغات الگوهای اخیر در مصاحبه هایشان، به ارایه بیانات زیر اقدام کرده اند:

«- خوب، اما چرا این قدر برای تو مهمه که توی اینستاگرام کلیپ بگذاری؟

خاله تو هم که حرفای مامانم رو می زنی، خب این جوری آدم معروف می شه، اعتماد به نفس می گیره، تازه شاید بتونم پولم دربیارم، مگه بده این؟

- نه عزیزم، این که به فکر این هستی دستت تو جیب خودت باشه، خیلی خوبه، من فعلاً فقط

سوال می پرسم، خوب حالا بگو ببینم کی به نظرت با اینستاگرام پول دار شده؟

خیلیا، مثلاً دنیا جهانبخت.

- دوست داشتی جای اون باشی، به نظرت اون توی اینستاگرام چه کار می کنه که پول درمیاره؟

کار خاصی نمی کنه، فقط از خودش عکس می ذاره، به نظرم چون خیلی خوشگله، این همه فالوور

داره. لازم نیست حتی کاری انجام بدیم، توی اینستا مثل دنیا جهانبخت می تونیم پول دربیاریم، فقط

باید عکس های خوب بگیریم بذاریم.

- خوب عزیزم مگه تو ویالون نمی زنی، چرا از این هنرت استفاده نمی کنی؟

آره، از این می تونم استفاده کنم، اما اول باید یه کاری کنی که توجه ها بهت جلب بشه، مثلاً با

رقص یا یک کار دیگه».

«- پس در آینده می خوای چه کاره بشی؟

خواننده.

- چرا خواننده؟

خب هم پول زیاد در میاری، هم معروفی دیگه، بهتر از اینه بری دانشگاه، پول تو اینه.

- به خانواده ات این ها رو گفتی؟

آره.

- خوب نظر اون‌ها چی بود؟

مامانم می‌گه دانشگاه برم، بعد خواننده هم بشم.

- چرا مامانت می‌گه دانشگاه بری؟

می‌گه اون جووری خواننده بی‌سوادم، ولی همین ماکان بند، امیر مقاره دیپلم داره، ولی الآن هم

مدله هم خواننده یا تهی تو یه آهنگش می‌گه لقبم تهی شد با این که ریاضی رد شده بودم، همه چی درس نیست».

## جهت بخشی حرفه‌ای

الگوهای ویرانگر به دنبال به نمایش گذاردن زندگی لاکچری و پر از پول و رفاه خودشان، مستقیم

و غیرمستقیم جهت‌گیری حرفه‌ای هوادارانشان را تحت تأثیر خود قرار داده، به نوعی آنان را ترغیب می‌کنند که همچون خود آنان به سمت بلاگر شدن یا راه‌اندازی سایت‌های قمار بروند. آیدای ۱۲ ساله در مصاحبه‌اش از همین معنا یاد کرده است:

«من دوست دارم مثل خیلی از بلاگرهای اینستا آزاد باشم، راستش خیلی دوست دارم زودتر مستقل بشم، برای خودم یه خونه‌ی بزرگ بگیرم و مهمونی هم بگیرم توش.

- مگه بلاگرهای اینستاگرام چی کار می‌کنند؟

نمی‌دونم باهاشون آشنایی داری یا نه، اما بلاگرا معمولاً این‌جووری‌اند که کلی پست و استوری و

اینا درباره‌ی خودشون و شوهرشون و زندگیشون می‌ذارن، اکثرشون هم اصلاً حجاب و اینا ندارن، نمی‌دونم چرا این‌قدر مامانم به من گیر می‌ده.

- خوب این بلاگرها شغل‌شون چی هست؟

خب همینه دیگه، اینا شغل‌شون همینه، کلی هم پول درمیارن، لازم نیست زحمت هم بکشی.

- یعنی با تبلیغ پول درمیارن؟

آره، این‌جووری نیست که مثل بابا و مامان من کلی زحمت بکشن، آخرش هیچی به هیچی، کلی

پول درمیارن و کیف می‌کنن.

- یعنی دوست داری بعداً بلاگر بشی؟

آره، خیلی دوست دارم همین کار رو بکنم. آخه آدم این همه درس بخونه برای چی؟ این همه

دارن درس می‌خونن بعداً می‌خوان بی‌کار بشن، تازه لوازم آرایش و زندگی‌شون هم به راهه و کلی

کیف می‌کنن. می‌رن مسافرت و استوری می‌ذارن، یه بار یکی‌شون رو به مامانم نشون دادم، کلی

اخم کرد و گفت این کارا چیه و باید آدم کار مفید بکنه، یا مثلاً با سواد بشه، ولی من که دوست دارم

حتی از همین الآن هم که شده مستقل بشم، و خودم برای خودم تصمیم بگیرم، نه مثل مامانم که همین الانش هم خیلی وقتا واسه کاراش، از بابام اجازه می‌گیره».

### ۷-۳- اثرهای سیاسی الگوهای مخرب

همان گونه که از دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری انتظار می‌رود، تولیدهای این دستگاه نمی‌تواند عاری از القائات سیاسی باشد و بالطبع سنخ این القائات نیز ستایش نظام سرمایه‌داری و حکومت مدافع آن از سویی و نفی مخالفان سیاسی نظام سلطه، از سوی دیگر خواهند بود.



بررسی اظهارات دانش‌آموزان مصاحبه شده در پژوهش حاضر، دلالت بر آن دارد که القائات سیاسی کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌ها و سریال‌های تهیه شده در آن سوی آب در کاربران آن‌ها مؤثر واقع شده، آن‌ها در حالی که به امریکا و نظام سرمایه‌داری آن با دیده تکریم و احترام می‌نگرند، به نظام سیاسی حاکم بر جامعه خودشان با دیده نفی و انکار می‌نگرند. برتر دیدن الگوهای امریکایی، ستایش صاحبان ابزار، خضوع در برابر قدرت، ستایش ابرشر و علاقه به مهاجرت به امریکا، از جمله موارد مثبتی است که مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با نظام سرمایه‌داری بیان داشته و مواردی مانند احساس حقارت ملی، کاهش عرق ملی، یافتن همسویی سیاسی با الگوهای مخرب، نقد سیاسی نظام و تبلیغ آنارشیسم و هرج و مرج طلبی از جمله مواردی است که در ارتباط با نظام سیاسی ایران در اذهان کاربران الگوهای غربی شکل گرفته‌اند.

#### برتر دیدن الگوهای امریکایی

الگوهای امریکایی غالباً در اوج زیبایی (در الگوهای دخترانه) و یا قدرت (در الگوهای پسرانه) پردازش شده و گاهی با ظرفیتهایی مطرح می‌شوند که دارای توانایی‌های فرا بشری هستند، از این رو این الگوها در قیاس با دیگر الگوهای موجود داخلی و خارجی، گوی سبقت را از آنان می‌ربایند. مضاف بر این، زمینه طرح الگوهای اخیر غالباً واجد ساختمان‌هایی آسمان خراش، ماشین‌هایی آخرین

سیستم، زیست محیطی زیبا و سرشار از امکانات رفاهی است و ترکیب ویژگی‌های پیش‌گفته، خود به خود به برتر دیدن نظام امریکا می‌انجامد.



اشکان ۷ ساله، در مصاحبه خویش در عمل با برتر دیدن الگوهای امریکایی، در یک قدمی این نتیجه‌گیری قرار دارد که اصولاً نظامی که این الگوها متعلق به‌اند، نظامی برتر و مطلوب است.

### ستایش صاحبان ابزار

دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری در فرازی از تولیدهای خویش دست به طراحی کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های تخیلی می‌زند که در آن قهرمانان از ابزارهای پیشرفته‌ای برخوردارند و با اتکا به همان ابزارها (نظیر ساعت بن‌تن، تارهای مرد عنکبوتی، شمشیرهای لیزری، سفینه‌های پیشرفته و مانند آن‌ها)، در برخورد با دشمن، وی را شکست داده، پیروز صحنه می‌گردند. تداوم روند اخیر بدانجا می‌انجامد که کودکان و نوجوانان کاربر کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌ها و سریال‌های تخیلی، به شکل غیرمستقیم به این نتیجه می‌رسند که اصولاً در تقابل افراد و گروه‌ها و نظام‌ها هم، ابزار حرف اول را می‌زند و بالطبع صاحبان ابزارهای پیشرفته، به سبب برخورداری از ابزارهایی که در خدمت آن‌ها است، دست برتر را نسبت به دیگر رقیبان خود به دست آورده‌اند.

امیر ۱۱ ساله در مصاحبه خودش، با استناد به ساعت جادویی بن‌تن که موجودهای مختلفی از آن خارج شده، با شکست دشمن، اهداف بن‌تن را محقق می‌سازند، به این نتیجه رسیده است که بن‌تن نه تنها بر دشمنان پیروز می‌شود، بلکه می‌تواند جهان را نیز نجات دهد و قدرتمندتر از خداوند منان در جهان هستی مؤثر واقع شود:

«- امیر بن‌تن رو دوست داری؟»

آره خیلی خوبه، خلاقه.

- چه جور خلاقه؟

یه ساعت برا خودش درست کرده که می‌تونه تبدیل بشه به جنگجویای قوی.

- کدومش رو دوست داری؟
- لا مصب همه شون هم خوبن، تکنیکی عمل می کنن، اگه بتونم تابستون حتماً واسه خودم یکی از اون ساعتا درست می کنم.
- چه طوری می خواهی درست کنی با چی؟
- وسایلاش رو باید از آمریکا بخرم، ولی چه طوری نمی دونم.
- چرا از آمریکا؟
- این وسایلا فقط تو آمریکا پیدا می شن، الکی نیست که.
- یعنی چی الکی نیست که؟
- آخه چیزای مهم و تو ایران نمی تونن بسازن، فقط خارج پیدا می شه.
- امیر بن تن چه جور آدمیه؟
- بن تن آدم خوبیه.
- یعنی چی، مگه چه طوریه؟
- آدم خلاقیه، زرنکه با ساعت جادویش می تونه به یه عالمه موجود فضایی تبدیل شه و دنیا رو نجات بده.
- بن تن دنیا رو نجات می ده؟
- آره فقط بن تن می تونه دنیا رو نجات بده.
- بن تن مگه کیه که دنیا رو نجات بده؟
- یه ساعت داره که با کمک اون همه کاری می کنه، حتی می تونه با اون همه ی دشمنای جهان رو نابود کنه.



- بدون ساعت چی؟
- نه دیگه بدون ساعت که نمی شه کاری کنه، یه آدم بی زوره، منم وقتی ساعت بن تن می زنم، احساس می کنم که خیلی قوی شدم.
- امیر به نظرت بن تن قوی تره یا بابات؟

(خنده‌ی مسخره کننده) بن تن قویه، بابام که زور نداره، ببین بن تن رو با هیچکی نمی‌تونم مقایسه کنی.

– خدا از بن تن قوی‌تره یا بن تن از خدا قوی‌تره؟  
خدا که تا حالا کاری نکرده، ولی بن تن همیشه موفقه».



### خضوع در برابر قدرت

برخی از کارتون‌ها و پویانمایی‌های تهیه شده، هدف تبیین ضرورت خضوع افراد عادی در برای پرنسس‌ها را به کودکان و نوجوانان کاربر القا می‌کنند، به عنوان مثال، کاربر در بازهای آرایشگر پرنسس، موظف است، نهایت زیبایی ممکن به لحاظ آرایشی و پوششی را برای پرنسس فراهم آورد و خود را در نقش خادم وفادار وی ببیند و به این ترتیب رفته رفته کاربران بازی‌های دیجیتالی به این ادراک برسند که اصولاً نهایت تلاش و تعالی آنان، قرار گرفتن در مسند خدمت به پرنسس است.

اظهارات صدف ۱۲ ساله در مصاحبه‌اش، گواه روشنی بر همین موضوع است که وی نهایت تلاش خویش را به کار می‌گیرد تا بتواند در مسند آرایشگر پرنسس، رضایت خاطر وی را جلب کند.

### ستایش ابرشر و نفی تحقق عدالت

بررسی قهرمان‌های پردازش شده در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌ها تا چند دهه قبل، حکایت از آن دارد که قهرمانان یا الگوهای مطرح شده در محصولات فرهنگی اخیر، بالاتفاق الگوهایی بودند که در جهت مقابله با بدی‌ها و گسترش خوبی‌ها مبارزه می‌کردند. اما طی دهه‌های اخیر برخی از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها در کنار طرح ابر قهرمان، به طرح ابرشر پرداخته و حتی با برخی از مقاصد سیاسی خاص، دست به ستایش ابرشر زده‌اند!

کارتون‌ها و پویانمایی‌ها و فیلم‌ها می‌توانند در سنین اولیه کودکان و نوجوانان که آنان هنوز به تفکر انتزاعی دست نیافته‌اند و بالطبع به دلیل عدم برخورداری از مفاهیم انتزاعی، تفکر انتقادی نیز ندارند، به راحتی آنچه را که کودکان و نوجوانان ارایه می‌شود، به عنوان حاق واقع بقبولانند.

اطلاعات اخیر جمعیت خردسال کاربر کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و بازی‌های دیجیتالی را قانع می‌کنند که در کنار ابر قهرمان‌هایی که همواره در گذشته مطرح می‌شدند، ابرشرّهایی نیز وجود دارند که با قدرت تام و تمام، کارها و اهداف خویش را پیش می‌برند و در نهایت باید بدان‌ها تن داد و گریزی از این امر نیست. آنچه در ادامه این تفکر در اذهان ساده‌نگر کاربران کم سن شکل گرفته و نهادینه می‌شود، پذیرش گروه‌ها و کشورهای متجاوزی است که به سادگی حقوق انسانی انسان‌ها را زیرپا نهاده و می‌نهند (منطقی، ۱۳۹۹ دال).

رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه خود ابرشرّها را در کنار ابر قهرمانان پذیرفته است:

«- فیلم خارجی مورد علاقه‌ات چی هست؟

ونوم، کاپیتان آمریکا، انتقام جویان، افراد ایکس.

- چرا از فیلم ونوم خوشت می‌اد؟

تام هاردی بازی کرده و فیلم قشنگی بود، من کلاً فیلم‌های ابر قهرمان‌ها رو دوست دارم.

- ونوم ابر قهرمان هست؟

نه، دشمن اسپایدرمن بود، ابر شرور بود.

- حالا از ابر قهرمان‌ها خوشت می‌اد یا ابر شرورها؟

کنار هم خوبن».



امیر ۱۱ ساله، با یاد کردن از برخی از محصول‌های فرهنگی که به طرح ابرشرّهایی نظیر مینیون‌ها و یا جوکر پرداخته‌اند، به کارهای پرخاشگرانه و حتی فوق پرخاشگرانه جوکر با دیده ستایش می‌نگرد و با اذعان به این که عدالت وجود ندارد، اظهار می‌دارد که دوست دارد در مسیر جوکر شدن گام بردارد:

«- توی این فیلم‌ها چه کسی رو از همه بیش‌تر دوست داری؟

خیلیا باحالن، من شرور خیلی باحاله، بت منم باحاله، جوکر که دیگه از همه باحال‌تره.

- من شرور چرا باحاله؟
- باحاله دیگه، تو قسمت اول که خیلی جالبه یه خلافتکار غیر حرفه‌ایه.
- غیر حرفه‌ای یعنی چه جوری؟
- یعنی هنوز چیز با ارزش و عجیب غریبی ندزدیده که حرفه‌ای بشه.
- مثلاً چی باید بدزده که حرفه‌ای بشه؟
- مثلاً ماه.
- چرا باید حرفه‌ای بشه؟
- واسه این که همه ازش بترسن و پلیسا دنبالش کنن، خیلی حال می‌ده.
- مگه چه چیز جالبی داره که حال می‌ده؟
- خوبه دیگه، می‌ری یه چیزی می‌دزدی و همه ازت می‌ترسن.
- همه ازت بترسن خوبه؟
- آره.
- چرا؟
- خلافتکار بودن همینش خوبه.
- چی؟
- این که همه ازت حساب ببرن، توام حال آدمای مسخره رو بگیری.
- آدم‌های مسخره که می‌گی، چه کسانی هستن؟
- پلیسا و این آدم خوبا دیگه.
- آدم خوب‌ها چه کسانی هستن؟
- همینایی که به پلیسا کمک می‌کنن.
- به نظرت خوبه که حال این‌ها رو بگیری؟
- آره، خیلی هیجان انگیزه.
- چرا، مگه چه طوریه؟
- یه خلافتی کنی تو شهر، بعد همه جا مشهور می‌شی و همه می‌گردن دنبالت، وایای باید هی فرار کنی اونوخ.
- خوبه این طوری که هی مجبور باشی فرار کنی؟
- آره معلومه که خوبه، باید همیشه همه ازت بترسن.
- خوب چرا باید بترسن؟
- چون اگه نترسن که کارت راه نمی‌افته.
- یعنی چی کارت راه نمی‌افته؟

- یعنی اگه ازت نترسن، بهت زور می‌گن و حقت رو نمی‌دن.
- تو این‌ها رو از کجا یاد گرفتی امیر؟
- از تو همین فیلما دیگه، همین من شرور خودش کلی چیز به آدم یاد می‌ده.
- مثلاً چی به آدم یاد می‌ده؟
- همین که چه طوری یه خلاف‌کار بزرگ بشی.
- چرا خلاف‌کاری رو یاد می‌گیری؟
- چون لازمه.
- کجا لازم می‌شه؟
- همه جا لازم می‌شه، وقتی می‌خوای آدم حسابی باشی، باید یاد بگیری.
- کی گفته؟
- گرو می‌گه دیگه.
- دقیقاً چی می‌گه؟
- می‌گه باید یه خلاف‌کار باشیم، اونم از نوع خیلی بزرگ و مشهورش.
- خوب به نظرت حرفش درسته یا غلطه؟
- درسسته.
- چرا درسته؟
- چون راست می‌گه آدم باید خلاف سنگین باشه تا حواس همه رو به خودش جمع کنه.
- چرا باید حواس همه رو به خودش جمع کنه؟
- واسه مشهور شدن.
- خلاف سنگین چی هست؟
- دزدیدن چیزای بزرگ یا کشتن آدمای گنده یا نابود کردن یه شهر.
- خلاف سنگین خوبه؟
- آره یه عالمه آدم علّافت می‌شن، دنبال می‌گردن، هیچ کاری‌ام نمی‌تونن کنن هه.
- خوب حالا این گرو یه خلاف‌کاره؟
- تو من شرور ۱ خلاف‌کاره بزرگیه.
- توی قسمت‌های دیگه چه طوریه؟
- توی من شرور ۲ مینیونا هم هستن، اونا هم شرورن، هم بانمکن، ولی به گرو کمک می‌کنن که پدر مهربونی بشه، خیلی باحال نیست.
- چرا باحال نیست؟
- چون گرو کم‌کم سعی می‌کنه از خلاف بکشه بیرون.

- گرو وقتی پدر می‌شه، دیگه خلاف نمی‌کنه؟
- خلافاش کم می‌شه، بیش‌تر به اون سه‌تا دخترش می‌رسه، اگنس و ادیت و مارگو.
- وقتی پدر می‌شه، رفتارش رو دوست داری؟
- یه کم دردسراش بیش‌تر می‌شه، دیگه نمی‌تونه به خلافاش رسیدگی کنه، زیاد جالب نیست.
- پس کجا جالب می‌شه؟
- تو منِ شرور ۳ اولش که عشقولانه اس، ولی بعداً یه دزد حرفه‌ای سر و کله‌ش پیدا می‌شه، می‌خواد الماس بدزده گرو با اون وارد یه جنگ می‌شه.
- از اون خوشت میاد؟
- نه به اندازه گرو تو قسمت اول.
- قسمت اول چی داشت که بهتر بود؟
- اون جا باحال‌تر بود، می‌جنگید، فرار می‌کرد، تقریباً مته جوکر دیگه، همه‌اش خلاف می‌کرد... .
- برام توضیح بده که چرا جوکر رو دوست داری؟
- جوکر ساده نیست، زرنگه.
- یعنی چه کار می‌کنه که زرنگه؟
- گول حرفای بقیه رو نمی‌خوره، خودش می‌دونه که نباید به عدالت اعتقاد داشته باشه، واسه این که ثابت کنه هیچ عدالتی نیست، همیشه شهر رو خراب می‌کنه و قانون‌شکنی می‌کنه تا هیچ اثری از عدالت نباشه، بت من که ساده اس، می‌افته دنبالش که بکشتش، ولی اون کمیسر که جوکر شکنجه‌اش می‌کنه، می‌گه نکشش وگرنه موفق می‌شه.
- جوکر کمیسر رو چه طوری شکنجه می‌کنه؟
- بین یه کاری می‌کنه که کمیسر گوردون روانی می‌شه.
- چه طوری؟
- هم زنش رو می‌کشه، هم دخترش رو، خیلی‌ام ناجور می‌کشه، زنش می‌ره که بچه‌ها رو نجات بده، جوکر یه گلوله می‌زنه، مخش پخش می‌شه، دخترش رو که اصن خیلی بد می‌کشه.
- تو نمی‌ترسی این‌ها رو نگاه می‌کنی؟
- نه دیگه، فقط یه کم اولاش می‌ترسیدم، ولی الآن نه نمی‌ترسم.
- یعنی جوکر این همه بی‌رحمه؟
- تازه بدتر از اینا هس، کجاش رو دیدی.
- خوبه این طوری؟
- آره بابا، جنگ و خون‌ریزی نباشه که فیلم معنی نداره.
- بت من چی اون هم خوبه؟

بت منم خوبه، ولی جوکر خیلی ترسناکه، اون خدای ترسناکیاست.

- منظورت چیه؟

بالا تر از جوکر نیست اصن تو دنیا.

- چرا مگه جوکر کیه؟

جوکر ابر ترسناک جهان، اصن از اون ترسناک تر هیچکی نیست، هم می خنده، هم جنایتکاره.

- دوست داشتی تو به جای جوکر بودی؟

هم آره، هم نه.

- چرا آره، چرا نه؟

می خوام مته جوکر دشمنام رو پوستشون رو بکنم و بکشم و همه ازم بترسن، ولی نمی خوام آخرش

هم بت من من رو بکشه، می خوام تا ابد زنده بمونم.

- واقعاً می خوای پوست آدم ها رو بکنی؟

فقط دشمنام رو.

- به نظرت بهترین شخصی که تا حالا شناختی کی بوده؟

جوکره، یعنی اون از همه واقعی تره، درسته دشمن بت منه، ولی دوش دارم.

... جوکر شهر رو چه طوری بهم می ریزه؟

هرج و مرج می کنه.

- خوبه؟

آره، یه کم بت منه بیچاره رو تو دردسر میندازه فقط.

- بت من خوبه یا بده؟

بت من یه کم ساده لوحه.

- چرا؟

چون فک می کنه، همیشه عدالت هست.

- مگه نیست؟

نه.

- کی گفته عدالت نیست؟

جوکر همیشه می گه، ولی بت من گوش نمی ده، وگرنه انقد ساده نبود.

- تو با کدومشون موافقی؟

معلومه با هر کی که راست بگه.

- کی راست می گه؟

جوکر دیگه.

- جوکر دقیقاً چی می‌گه که تو با اون موافقی؟  
می‌گه دنبال عدالت نگردید، تو این دنیا همچین چیزی اصلاً اتفاق نمی‌افته».

### علاقه به مهاجرت به امریکا



بسیاری از کودکان و نوجوانان کاربر محصول‌های فرهنگی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب پس از مواجهه با زیست محیط زیبای غرب، امکانات و رفاه موجود در غرب، ساختمان‌های رفیع آن، ماشین‌های مدل بالا و نظایر آن‌ها، خود به خود حتی بدون آن که با نام امریکا آشنایی داشته باشند، ابراز می‌دارند که مایل به مهاجرت به این منطقه از جهان هستند که بسان بهشتی در روی زمین ترسیم شده است. اظهارات محمدحسین ۸ ساله در مصاحبه خودش، گواهی در همین راستا به شمار می‌رود:

«- بازی‌های تو چه جوریه؟

من ماشینای پر قدرت دارم.

- ماشین‌های تو خیلی پر قدرتن؟

آره.

- ساخت کدوم کشورن؟

ساخت آمریکا، ندیدی اون علامت گرگی که بهت نشون دادم، اون علامت پلیس آمریکاس.

- همه ماشین‌ها ت ساخت آمریکا هستن؟

نه، بعضیاشونم ساخت فرانسه ان، کارخونه رنو مال فرانسه است.

- دیگه ساخت چه کشورهایی هستن؟

کیاموتورز هم مال کره هست، البته ماشین کره‌ای ندارم تو ایکس باکسم، اما آمریکایی‌ها از همه

باحال‌تره.

- هیچ ماشین ایرانی نداری؟

ایرانی؟!

- آره مثلاً سمند.

(باحالتی تمسخرآمیز) اووو سمند که اصلاً خوب نیس، من فراری و لامبورگینی و بی‌امو دارم، همه‌شون ساخت امریکان.

- به نظرت ایرانیا نمی‌تونن ماشین خوب بسازن؟  
فعلاً که نساختن... .

- دوست داری بزرگ شدی، ماشین بخری؟  
می‌خوام بزرگ که شدم خب ده میلیون تا ماشین بخرم، نه... می‌خوام ده میلیون تا ماشین بدزدم، خب بعد با پولش ده‌تا فراری و ده‌تا لامبورگینی و ده‌تا پورشه بخرم.

- این همه ماشین رو می‌خوای چه کار؟  
می‌خوام باهاشون برم گاز بدم برم.

- کجا می‌خوای بری؟  
برم دیگه، برم شیراز خونه آقاجون، برم شمال، برم آمریکا... .  
- آمریکا رو دوست داری؟  
آره.

- چرا؟  
دوس دارم دیگه... .  
- آمریکا رو بیش‌تر دوست داری یا ایران رو؟  
هردوشون رو».

به عنوان مثال، آرمین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، پیش‌بینی می‌کند که طی یک دو دهه آینده، ایران از امریکا شکست خواهد خورد. رضای ۱۲ ساله، نیز بدون کم‌ترین عرق ملی، با تمسخر با کشور خودش برخورد می‌کند:

«- خوب حالا بزرگ شدی و مثلاً ۳۰ ساله شده، فکر می‌کنی اون موقع کجا هستی؟  
قطعاً خارجم.  
- کجا مثلاً؟  
آمریکا.

- می‌تونی توضیح بدی آمریکا اون موقع چه جوری هست؟  
اون موقع آمریکا بُرده.  
- برده، چی رو برده؟  
ایران رو دیگه.

- منظورت چی هست؟  
دیگه ایران تا اون موقع نابود شده.

- چه جوری ایران نابود می‌شه؟
- هیچی دیگه تا اون موقع آمریکا با ایران جنگیده، ایرانم شکست می‌خوره.
- خوب چه جوری ایران رو شکست می‌ده؟
- این قدر آمریکا قویه که نمی‌تونه ایران باهاش بجنگه.
- یعنی اگه مثلاً جنگ بشه، نمی‌خوای از کشورت هر جوری که بشه دفاع کنی؟
- نه، معلومه که نه.
- حتی اگه قوی شده باشی، بدن‌سازی هم رفته باشی؟
- نه عمراً.
- آمریکا چی داره که فکر می‌کنی جنگ رو می‌بره؟
- همه چی، یه عالمه تانک، یه عالمه مسلسل، همه چی داره.
- اگه ایران هم این‌ها رو داشته باشه چه طور؟
- بازم داشته باشه می‌بازه، مطمئنم که می‌بازه».
- «... یه پیر مرده می‌گه شهلا نرو این جور جاها، خیلی باحال و خنده‌داره.
- می‌شه راجع بهش یک کم بیش‌تر توضیح بدی؟
- این پیر مرده با یه مزاحم تلفنی حرف می‌زنه، مزاحم تلفنی پسره ولی صدای دختر در میاره، مسخره بازی در میاره، یه مدت همه مسخره‌اش می‌کردن.
- تو از کجا شنیدی؟
- تو اینترنت، همیشه این جوریه دیگه، الان دیگه شهلا نمی‌گیم، می‌گم آروم نمی‌گیگیریم.
- این حرفی که می‌گی، چی هست؟
- هر بار یه اتفاقی می‌افته، یهو تیکه کلام همه می‌شه، و همه اونو می‌گن، تازه از این پیکسل شهلا، خدا وکیلی صد تومن می‌دم هست، خیلی خوبه، تا ق\*س پس نگیریم آروم نمی‌گیگیریم (می‌خندد).
- دیگه چه چیزهایی هست؟
- هارمانم بابا نرده چارچارقم، این آهنگی بود قبل آروم نمی‌گیگیریم می‌گفتن».

### یافتن همسویی سیاسی با الگو

کودکان و نوجوانان برای چه‌گونه بودن و شدن خویش نیازمند الگوهایی هستند که خود را بر همان مبنا پردازش کنند. بالطبع با ضعف مفرط الگوپردازی در داخل، خود به خود نگاه کودکان و

نوجوانان در الگویابی، معطوف به جهان آن سوی آب می‌شود و الگوهای مورد نیاز خویش را از الگوهای طراحی شده برای آنان در آن سوی آب‌ها انتخاب خواهد کرد.



کودکان و نوجوانان در آغاز دلبستگی و علاقه‌مند شدن به الگو، به لحاظ ظاهری از وی تبعیت می‌کنند و می‌کوشند تا با درآمدن به هیبتی شبیه الگو، به وی نزدیکی بجویند، اما در ادامه رفتارهای الگو و در نهایت نظام ارزشی او در دستور کار هواداران قرار گرفته، تبعیت از این ارزش‌ها را پیشه خویش خواهند کرد.

خط‌مشی‌های سیاسی نیز قسمتی از ارزش‌های الگو هستند که تبعیت از این خط‌مشی‌ها، در دستور کار هواداران قرار خواهد گرفت.

اشکان ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش، پس از مطرح کردن تمایل تتلو به فوتبالیست شدن، استدلالی را مطرح می‌سازد که حاوی رنگ و بوی استدلال‌های خود تتلو در همین زمینه است:

«- خیلی از طرفداران تتلو می‌گن، تتلو خیلی سختی کشیده، با این حرف موافقی؟  
بله، موافقم.

- اون چه سختی‌هایی کشیده؟

همین که اجازه ورود به لیگ‌های ایران رو تو فوتبال بهش ندادن.

- دیگه چی؟

همین.

- یعنی استعداد فوتبال رو داشت؟

آره.

- چه کسی اجازه ورود در فوتبال رو به اون نداد؟

دولت. اسطوره می‌شد، اگه شناخته می‌شد.



رضای ۱۲ ساله هم در مصاحبه خودش با استدلالی که به نظر می‌رسد متاخذ از استدلال‌های الگوی مورد علاقه‌اش است، بحث خود را به انجام می‌رساند:

«- عزیزم تو گفتی پول برات مهم هست، خب اگه زیاد پول داشته باشی می‌خوای چه کار کنی؟ از این کشور عقب مونده می‌رم.»

- چرا می‌گی عقب مونده؟

عقب مونده اس دیگه.

- جایی شنیدی یا خودت این‌جوری فکر می‌کنی؟

خب همه می‌گن، یه رپر نمی‌تونه این‌جا انتقاد کنه، وگرنه اعدامش می‌کنن، همه رپرآمون رفتن خارج، هیچ رپری تو ایران نمی‌مونه وگرنه میندازنش زندان، انتقادپذیر نیستن، وگرنه وضع مملکت این نبود».

### نقد سیاسی نظام

با تأملی در بیانات الگوهای ویرانگر مشخص می‌شود که آنان در پی شیفتگی و دلدادگی به یک زندگی لاکچری و به دست آوردن آزادی در پوشش، روابط بی‌قید و بند و هرزه‌نگاری، وطن خودشان را ترک کرده‌اند. بالطبع با خروج سلبریتی‌ها از ایران، به دلیل کاهش تهدیدهای امنیتی، آنان به شکل آشکارتری منویات درونی خویش را آشکار کرده و دست به موضع‌گیری خواهند زد. به عنوان مثال، تتلو زمانی که در ایران بود، در پست‌های مختلفی که برای هوادارانش می‌گذاشت، روی حجاب زنان تأکید داشت و مصرانه از هوادارانش می‌خواست که پشت سر آیت الله خامنه‌ای قرار گرفته و از وی تبعیت کنند، به همین ترتیب تتلو در حمایت از انرژی هسته‌ای آهنگ اجرا کرده و هواداران خویش را دعوت به رأی دادن به یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ می‌کند. اما وقتی وی به دلیل تنگناهایی که فرارویش احساس می‌کرد، راهی ترکیه می‌شود، با از یاد بردن سجده کردن‌هایی که بیان می‌داشت، بارهای منفی را از بدن آدم خارج می‌کند یا افراد به دنبال تبعیت از

رهبری جامعه باشند، دست به طرح موضوعی می‌زند که شاید ۱۸۰ درجه با مواضع قبلی وی تفاوت دارد.<sup>۱</sup>

۱. متن زیر که متعلق به آهنگ حرمسرای تتلو هست، شواهدی از این چرخش را به دست می‌دهد:

عشق که پولی باشه آدمای فقیر تنها میمون و آدمای پولدار میفتن به فکر حرمسرا  
زمین یه حرمسراست اما تو این حرمسرا وقتی پر می‌شد معلم ساختن از  
تو بگو جر بگو پاره بگو جنگ من هستما تنها رفتیم همه جا ولی اونا یهو ریختن  
مادرم کلفت بود منم که بچه بودم و می‌گرفت بغضم زود  
بابا معتاد شد و رفت یهو هیز شد عموم  
بزرگ شدیم اما فریکش خب مونده کلاً روم  
جوونا رو تشنه می‌داشت که بشن حامله زود  
گرون که باشه همه چی جوش می‌خوره معامله خوب  
با فقر و ترافیک و دزدی شدن عامل دود  
پول که نباشه بگو به چه درد می‌خوره بابات پس  
آخه خب تو دنیا مگه چند تا مثل آرات هست  
هر چه قدرم خوب باشی می‌میری تو بی کسی  
پس وگر نه تو همون شهرستانا صد تا لیونر مسی هست  
منم و ترس حبس تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه سفت بمون و بهش برس  
منم و درس منم و درس کلی درس زندگی و یه حس حرص  
منم و ترس نقض تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه سفت بمون و بهش برس  
منم و درس منم و درس کلی درس زندگی و یه حس حرص  
گاهی تنها مرگ درمان است نیک گوش بسپار تنها مرگ  
اما برای رفتن بلیطی گران‌تر از ماندن نیاز است  
گاهی آنان که می‌مانند بلیط و پای رفتن نداشتن وگر نه می‌رفتن  
منم و کمبود که هزار تا فکر منفی به سرم زد و انقده زده بالا  
انقده داغه مخم که فقط دلم می‌خواد یه حرمسرا  
منم و هیولای تاریکی منم و ابهام من و فکر ملیکا، منا و الهام  
من و داره می‌زنه بیرون از چشمام پر  
مغر حرومم شده خودش یه پا حرمسرا  
توی صف هم فقط از شنیدم مودنا اینجا حتی بد آدم مودنا  
اسلامو پله کن خودت دنبال حتی پشت تلفن  
خون بکن تو شیشه بعد قایم بشو پشت ریش توی شهر ما هر کی عاقل شد کشته می‌شه  
رئیس حرمسرا رفتاراً گازنبوری انقده درجا زدم که نفسم بازم برید  
مردا همه اسکناسی بی‌محتوی مثل ساسی دخترا همه سوراخ فوری همش پی قصه‌سازی  
همه دنبال قول‌خ توری عشق برنامه عشق ماشین معلوم نیست شوهر داری  
حق داری دچار اشتباه شی اینجا عشقی نمونده که بی‌خودی چشم به راه شی

حتی بهت کار نمی‌دن خره یه خورده زشت که باشی  
هر جا بری یه آدم مریض می‌بینی سر پسته آره  
خوب بمالی محبوبی عقب مونده‌ای اگه محجوبی ولی خودشون عقب‌ترین طرز فکر دوره سلجوقی  
منم و ترس حبس تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه سفت بمون و بهش برس  
منم و درس منم و درس کلی درس زندگی و یه حس حرص  
منم و ترس نقض تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه سفت بمون و بهش برس  
منم و درس منم و درس کلی درس زندگی و یه حس حرص  
منم و چهار تا دیوار بهم گره خورده رو به روم انگاری هر چی دله مرده  
من و یه تنه خشک یه میوه کهنه من و یه عده دریده گنده  
من و فکر امضاء تو پلیس ببین یه جو معرفت توتون نیست  
من و نگرفتن از غم و غربت منو یه مشت لاشی یه مشت عشق شهرت  
این تنم روحی نداره تو بیا چشم منم کور کن  
من ندارم خودکشیو تو منو مجبور کن  
صبح تا شب عین شب تا صبح همه روزا عین همین غر میزنم عین ننم ببین این رگه رو کی بزnm  
از عشق و الو غم می‌گیره زندگی یه جور اجباری عنه پوچ شدن انگاری همه موزیک تنها دلداری منه  
من روزا خوابم ولی شب طعممو بیا بچش تو آلبوم رو عکس من دوتا شاخ سیاه بکش  
معلوم نیست چه مرگمه اصلاً معلوم نیست که فازم چیه کی این ترکیبو واسم چیده حال ندارم که بسازم دیگه  
هر کی اومد دوشید و غیب شد شمارشو پاک کن بعد بگو گم کردی گوشیتو حیف شد ای بابا این جوری که زشت شد  
تکراری تصویر هر روز مغز رد تعطیلمت گوز همه شبای ما سرده چرا میاد تو سال تحویلمت سوز  
منم و ترس حبس تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه سفت بمون و بهش برس  
منم و درس منم و درس کلی درس زندگی و یه حس حرص  
منم و ترس نقض تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه سفت بمون و بهش برس  
منم و درس منم و درس کلی درس زندگی و یه حس حرص  
آری من از هموطن خود دیدم تهمت و قتل و ریا  
چاقو از همجنس خود خوردم نه از اجنبیا  
من از اسلام دیدم اعدام شلاق اجبار و تکرار  
من از پدر و مادر خود دیدم طلاق و جنگ و استکبار  
آشنا که هست صداقت نیست این سکوتم از رضایت نیس  
دلت خونه چشاتم خیس بغضت ۱۹ گریه‌هاتم ۲۰  
نفسم هست هوا نیس هیچ نوری تو شبا نیس  
تن من هست صفا نیست هیچی عین اولای نیست  
تازگیا شعر می‌نویسم خودکارم کافر می‌شه  
ورقو که حرفشو زنن، پر فحش خواهر مادر می‌شه

چشمتو باز کن درست ببین چندتا داری آدم پیشت  
 دور پره گاوه با این فرق که این جا می‌زنه گاوم نیست  
 می‌گفتم حرمسرا کارگر و برده می‌خواد  
 بی‌پول که باشن مغز پدر مادر و بچه  
 مخ همونه حیوون بمونی دزدی هم راحت‌تره  
 هالو که باشی عزیزم که می‌کنن راحت خرت  
 مدیره حرمسرا هر روز یه جور فاز می‌ده آره شدی خطرناک چون بالا بازدیدت  
 آشپز حرمسرا انگار پای گاز ریده  
 تو قفسه موسیقی اسلحه به جا ساز چیده  
 آسمونو گرفتن دریا رو طوفان کردن  
 خنده مرده اینجا همه ایران و توران سردن  
 گوسفندای گله همه میفتن تو دام بعدن  
 همه از گرگ می‌ترسن اما خب می‌زنه چوپان گردن  
 قلب من تیر می‌کشه  
 امیدم به تهش بود اینم از این آخری  
 با این وضعیت ببین حق داری اگه کافری  
 خبری دیگه نی از اون سرزمین مادری  
 منم و ترس حبس تند زدن نبض و استرس  
 منم و یه صدا که می‌گه صفرمونو بهش برس  
 منم و ترس کلی درس زندگی و یه حسه حرص  
 ببین کسی که قراره مثلاً تو ۳۰ سالگی شه  
 چه فرقی میکنه از ۱۸ سالگی شروع کنه یا مثلاً از ۲۰ سالگی  
 تو حرمسرا با اعداد بازی می‌کنن که صورت مسأله رو پاک کنن  
 و گرنه هر کاری کنی و هر وقت شروع کنی ته بازی همونه  
 عجب با پول و اسکناس‌ها رو باز کردن  
 با بی‌پولی ولی خب ما رو بستن  
 صدتا از اونا هست از زیر پا تا گردن  
 ولی رو یکی زومن که نبینی بقیه رو اصلاً  
 دخترای مملکتو  
 کاری کردن که حتی زده شی از بوشون  
 پسرای مملکتو می‌گیرن نفروشون  
 بزنه که بالا نازک شه ابروشون  
 بس که فضا بسته بودن همه چیو دیدن  
 بس که معلما بدن بچه‌ها همه میخن  
 حق ما رو خوردن بعد با پولمون پز می‌دن  
 تا فشار روم نباشه که نمی‌کنم دزدی من  
 می‌گفتم حرمسرا خب حور و پری می‌خواد

اشکان ۱۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، احساس می‌کند دولت ایران در صدد دستگیری و اعدام کردن امیر تتلو است:

«- از ایرانی‌ها الگویی نداری؟»

چرا، تتلو هست.

دوستش داری؟

خیلی زیاد.

- تتلو چه ویژگی‌های داره که تحسینش می‌کنی؟

حرف حقیقت و محض رو می‌زنه. ولی نمی‌دونم چرا دولت ایران می‌خواد اعدامش کنن؟ - خوب.

به علت تشویق مواد مخدر گرفتنش، اما تمام استوری‌هاش تشویق برای ورزش بود.

- پس به نظرت دولت ایران می‌خواد تتلو رو اعدام کنه؟

احساس می‌کنم یه همچین کاری رو بکنن».



---

می‌دونی حوری پری رو مانتو رو سریع  
پس بیا زوریش کنیم ملت از ش زده شن  
اونورم که فیلم بعد از ۱۰ شب  
اوه اوه جالب شد آقای داروغه  
داداش چه قد کاسب شد  
آمریکا بده چرا بچت داره پاسشو  
چه طور وسط شلوغی کرونا پهو قالب شد خدایی‌ها  
حرمسرا رو ولش کن تو بگو زایشگاه  
بگو یه زندن و مام موش آزمایشگاه  
واسه یه مخ زدن باس بری دانشگاه  
درس و مدرسه کجاس زیر تخمای شاه  
منم و ترس حبس تند زدن نبض و استرس  
منم و یه صدا که می‌گه صفرمونو بهش برس  
منم و ترس کلی درس زندگی و یه حسه حرص  
پس حرمسرا حق من است زیرا که من بزرگ شده‌ام  
یک یک دو دو هشت  
خلاص.

شروین ۱۲ ساله، در جریان مصاحبه خودش، وقتی با پرسشی در مورد شهید قاسم سلیمانی مواجه می‌شود، با عدم پذیرش رفتار وی، بیان می‌دارد که نباید الکی دعوا راه انداخت و سرانجام رضای ۱۲ ساله با نفی کمک به مردم فلسطین، پیشنهاد می‌کند باید با کشور قدرتمندی مثل امریکا دوست شد تا از وی منتفع شد، نه با کشورهای ضعیفی که چیزی از آن‌ها عاید کشور نمی‌شود:

«- تو قاسم سلیمانی رو می‌شناسی؟

آره.

- نظرت راجع بهش چی هست؟

هیچی، نمی‌شناختمش اصلاً، بعد که کشته شد فهمیدم.

- یعنی اسمش رو نشنیده بودی؟

نه.

- فکر می‌کنی ایشون چه طور آدمی بود؟

از اینا که همه‌اش می‌خوان با همه بجنگن.

- با کی می‌خواست بجنگه؟

اینای می‌گن با دشمن.

- خوب کسی که با دشمن می‌جنگه، به نظرت آدم شجاعی نیست؟

چرا شجاع هست، ولی خوشم نمیداد، می‌خوان جنگ درست کنن.

- مگه می‌خواستن جنگ درست کنند؟

آره، همه‌اش می‌خوان با آمریکا بجنگن، با همه بجنگن.

- به نظرت نباید بجنگند؟

نه، کی آخه خوشش میاد، همه‌اش دردسره.

- پس این‌هایی که شهید شدن توی جنگ، کار درستی نکردن که از کشورشون دفاع کردند؟

چرا، ولی الآن که کسی به ما حمله نکرده، اینا خودشون می‌خوان جنگ درست کنن.

- برای چی باید خودشون جنگ درست کنن؟

نمی‌دونم.

- نظر دوست‌های خودت راجع به قاسم سلیمانی چی هست؟

اونا هم همین حرفای من رو قبول دارن.

- ولی به هر حال به نظرت قاسم سلیمانی آدم شجاعی بود؟

آره، شاید.

- تو دلت می‌خواد مثل اون باشی؟

نه.

- چرا؟

آخه اون هم معروف نبود، یعنی توی اینستا و اینا، هم من از الکی دعوا راه انداختن خوشم نمیاد». «- گفته بودی آروم نمی‌گیریم، تیکه کلامت شده بود، می‌دونی چرا این شعار رو می‌دادند؟ آره می‌گفتن تا ق\*س پس نگیریم، آروم نمی‌گیریم.

- می‌دونی ق\*س کجاست؟

یه منطقه‌ای دقیق نمی‌دونم حس می‌کنم تو فلسطین، ایران بهش کمک می‌کنه دیگه، بهشون پول می‌ده.

- برای چی بهشون پول می‌ده؟

بجنگن دیگه با داعش.

- به نظرت کار خوبی هست که ایران بهشون کمک می‌کنه؟

نه به ما چه، همین کار رو می‌کنیم آمریکا باهامون بده.

- یعنی چون به قدس کمک می‌کنیم، آمریکا باهامون بده؟

آره فکر کنم.

- پس اگه کسی نیاز به کمک داشته باشه، نباید بهش کمک کنیم؟

آخه اگه اون ضعیف باشه، به ما کمکی نمی‌کنه که، ما باید با قوی‌ها دوست باشیم.

- چرا با ضعیف‌ها دوست نباشیم؟

باید با قوی‌ها دوست باشیم دیگه».

## تبلیغ هرج و مرج طلبی و آنارشسیسم

کودکان و نوجوانانی که در اثر کاربری از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها و سریال‌ها و شوها با الگوهای مختلفی آشنا شده و به آن‌ها دل می‌بندند، می‌کوشند تا از ظواهر صوری گرفته تا ابعاد رفتاری و از رفتارهای الگو گرفته تا نظام ارزشی او از وی تبعیت و پیروی کنند. از سوی دیگر دستگاه تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری در پی پیگیری اهداف این نظام مبنی بر مصرف حداکثری در کنار رعب و ترس حداکثری افراد است تا آنان ضمن تأمین منافع حداکثری نظام سرمایه‌داری به سبب رعبی که در ذهنشان نهادینه شده است، به اندیشه فرو کشیدن و به زیر کشاندن این نظام نباشند، از این رو قسمت مهمی از تولیدهای دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، از سویی دامن زدن به شهوات افراد و تبلیغ مصرف هر چه بیش‌تر برای آنان را برعهده داشته و از سوی دیگر معطوف به ترسیم جهان به صورت جهانی آشفته، پر هرج و مرج و حاوی انبوهی از پرخاشگری‌ها و فراپرخاشگری‌ها است تا در مجموع دستگاه تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری به تربیت افرادی نایل آید که در عین برخورداری از ویژگی شهوی عمل کردن و مصرف‌گرا بودن،



## ۸-۳- اثرهای زیباشناختی الگوهای ویرانگر

الگوهای ساخته و پرداخته دستگاه تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌ها، واجد القائنات زیباشناختی بسیار زیادی هستند و اساساً به سبب آن که تفکر کودکان و نوجوانان (تا سنین ۱۱-۱۲ سالگی) تفکری عینی است، محصول‌های فرهنگی اخیر با سوءاستفاده از تفکر عینی کاربران، با ارایه جذاب‌ترین چهره‌های ممکن بدان‌ها، در عمل پذیرش الگوهای طراحی شده را در نزد کودکان و نوجوانان تسهیل می‌کنند و کودکان و نوجوانانی که تحت تأثیر الگوهای اخیر قرار می‌گیرند، بر همین مبنا دست به قضاوت می‌زنند و به فرض به صرف دیدن چهره زیبای باربی، مهربان بودن وی یا به صرف دیدن لبخند زدن باربی، خوب بودن وی را نتیجه می‌گیرند، در حالی که این گونه نتیجه‌گیری‌ها که در نتیجه فقدان تفکر انتزاعی و عدم فهم دقیق مفاهیم انتزاعی از سوی کودک یا نوجوان صورت پذیرفته‌اند، خطا هستند و نمی‌توان به صرف وجود یک ویژگی عینی (نظیر زیبایی چهره یا لبخند زدن)، ویژگی‌های ذهنی فرد (مانند مهربان یا خوب بودن) را نتیجه گرفت.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با دختران و پسران دانش‌آموز ابتدایی بیانگر آن است که این دانش‌آموزان تحت تأثیر الگوهای غربی، نه تنها برای «زیبایی فیزیکی» اهمیت زیاد و فوق‌العاده‌ای قایل هستند، بلکه دست به «پذیرش استانداردهای زیبایی غرب» (نظیر داشتن چشم‌های آبی، موهای صاف، لخت و طلایی، پوست سفید، اندام لاغر) زده‌اند، بالطبع به دنبال «عمده شدن مقوله زیبایی فیزیکی» برای افراد، تمایل به زیبا شدن به هر طریق ممکن برای هواداران مطرح می‌گردد که گزینه «جراحی‌های زیبایی»، در اولین گام به ذهن آنان خطور می‌کند.

مسأله «مد و مدگرایی» و «تبعیت از الگو در آرایش» از دیگر مواردی است که طی انبوهی از بازی‌های دخترانه (و بعضاً پسرانه) به کاربران آن‌ها القاء می‌گردد.

در ادامه در ذیل عناوین پیش‌گفته، شواهدی از مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبستانی ارایه خواهند شد.

### عمده شدن مقوله زیبایی فیزیکی

جنس مؤنث نسبت به زیبایی از حساسیت خاصی برخوردار است و البته در این زمینه آموزه‌های دینی با طرح زیبایی‌های معنوی، برخوردار از زیبایی‌های معنوی را بر زیبایی‌های مادی ارجح دانسته‌اند، اما کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها، شوها و برنامه‌های مدلینگ با طرح الگوهایی که زیبایی آنان غیرمعمول و فرابشری است (نظیر زیبایی باربی، برتز در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و یا برخی از مدل‌هایی که بدن خود را به دست انبوهی از جراحی‌های زیبایی سپرده‌اند)، در عمل کودکان و

نوجوانان کاربر با مقوله زیبایی بیش از پیش برخورد داده شده، مسأله زیبایی فیزیکی را در ذهن آنان عمده می‌سازد<sup>۱</sup>. تصاویر زیر نمونه‌هایی از عمده سازی مقوله جذابیت جنسی در اذهان کودکان و نوجوانان کاربر فضای مجازی توسط کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و بازی‌های دیجیتالی است:

۱. مسأله جذابیت فیزیکی برای جنس مؤنث چنان پر اهمیت است که دستگاه‌های تبلیغاتی غرب برای تسهیل القائات خویش ممکن است به این مقوله پر اهمیت متوسل گردند. به عنوان مثال در پویانمایی دخمه جادویی که محوریت آن مقوله جادو و جادوگری است، طراحان پویانمایی با دست گذاشتن روی روح زیبایی دوست جنس مؤنث، در عمل جذابیت آن را برای کودکان و نوجوانان کاربر چند برابر کرده‌اند. همان گونه که از تصاویر زیر پیداست، قهرمانان پویانمایی اخیر انواع مختلف و نامتعارفی از رنگ مو و پوشش را در خود به نمایش نهاده‌اند:





اما آن چه که کودکان و نوجوانان کاربر محصولات فرهنگی اخیر بدان توجه ندارند، این مسأله است که زیبایی‌های پیش‌گفته یا توهمی است (نظیر کمر باریک باری یا چشم‌های درشت برتز) و یا آن که محصول جراحی‌های متعدد چهره و بدن است که در هر صورت امری پذیرفته و معقول نیست.



### پذیرش استانداردهای غرب در زیبایی

غرب در صدد برتر نشان دادن خویش است و تلاش برای تأیید و ستایش معیارهای این دیار در زیبایی هم جزوی از تلاش برای نمایش برتری بلامنازع غرب است. از همین رو در بسیاری از بازی‌های دیجیتالی (خاصه بازی‌های دخترانه)، الگوهای مطرح شده با چشمان آبی، موهای صاف و طلایی، پوست سفید، قد بلند و اندام لاغر، ترسیم شده‌اند. کاربری کودکان و نوجوانان کاربر محصولات تدارک شده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی دنیای سرمایه‌داری، آنان را دایم با الگوهایی که واجد استانداردهای زیبایی غرب هستند، مواجه می‌سازد و رفته رفته کودکان و نوجوانان کم تجربه، با دیدن الگوهای چشم آبی، مو طلایی و سفید پوست در زمینه‌ای از ساختمان‌های آسمان خراش، ماشین‌های گران قیمت، زیست محیط زیبا، امکانات رفاهی گسترده و نظایر آن، به این نتیجه می‌رسند، همان‌گونه که دیار غرب در قدرت‌های مادی دست بالاتری تا دیار آنان دارد، حتماً در زیبایی نیز همین‌گونه است و اصولاً زیبا کسی است که با معیارهای زیبایی غرب همخوانی و وفاق داشته باشد.

رزیتای ۹ ساله در مصاحبه خودش به صراحت تیپ شرقی خویش را زیر سوال برده، از تیپ غربی باری استقبال می‌کند:

«- خوب دیگه چی خریدی؟

موی اکسشن (کودک اشتباه تلفظ می‌کند).

- با اون‌ها چه کار می‌کنی؟

می‌زنم رو موهام.

- موهای خودت قشنگ نیست؟

نه، اونا که طلایی باحال‌ترن.



- موی مشکی رو دوست نداری؟  
نه.
- چرا فکر می‌کنی موی طلایی قشنگ‌تره؟  
چون باربی موهاش طلاییه.
- باربی رو دوست داری؟  
آره خیلی، همه می‌شناسنش.
- کیا می‌شناسن؟  
همه، دوستام، مامان، فامیلامون.
- باربی چه جوریه؟  
خیلی خوشگله.
- چه کار می‌کنه خوشگله؟  
موهاش طلاییه، قدش بلنده.
- خوب دیگه چی؟  
باریکه، خوشگله، چشماشم رنگیه.
- تو خوشگل‌تری یا باربی؟  
باربی.
- چه کار می‌کنی مثل اون خوشگل بشی؟  
موی طلایی می‌ذارم، کفش پاشنه بلند می‌پوشم، دامن کوتاه می‌پوشم....
- دوست داری بزرگ شدی، چه کاره بشی؟  
آرایشگر.
- چرا؟  
چون آرایش دوس دارم، دوس دارم خوشگل بشم، لنز بذارم.
- رنگ چشم‌هات رو دوس نداری؟  
نه، آبی دوس دارم، آبی خیلی خوشگله، چشای باربی آبی آبیّه.



اگر چه استانداردهای غرب در ارتباط با جنس مؤنث زیبایی فیزیکی و لاغر اندامی زن است، اما این استاندارد در ارتباط با جنس مذکر تفاوت یافته، اندام عضلانی آنان، معیاری برای جذاب دیده شدن آنان می‌گردد، بنابراین پسران کاربر الگوهای غربی برای تشبیه‌جویی به الگوهای مورد علاقه-شان، به اندیشه قوی کردن خویش و افزایش حجم عضلات بدن خود می‌افتند، از سوی دیگر با توجه به آن که افزایش حجم عضلات کودکان پس از بلوغ و در بزرگسالی رخ می‌دهد، سیکس پک شدن (یا عیان شدن عضلات شکم) مورد در دسترس‌تری است که جای عضلانی شدن را گرفته، انعکاسی از قدرت جسمانی پسران می‌شود که سیکس پک داشته، عضلات شکم آنان هویدا است.

فردین ۱۱ ساله، در مصاحبه‌اش در ارتباط با اندیشه سیکس پک شدن، بیان می‌دارد، یکی از کارهای معمول وی و دوستانش نشان دادن شکمشان به یکدیگر هست تا مشخص شود، شکم چه کسی عضلانی‌تر است (و به این ترتیب در جایگاه بالاتری در بین همگنان قرار دارد).

### استقبال از جراحی زیبایی

اگر چه زمانی جراحی پلاستیک برای افرادی به کار گرفته می‌شد که دچار آسیبی در سطح چهره یا بدنشان شده بودند، اما با پیشرفت دانش جراحی، جراحی پلاستیک و زیبایی در جهت پردازش هر چه زیباتر افراد به کار گرفته شد.

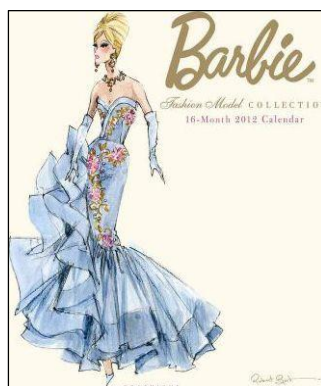
از آنجا که بسیاری از سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرهای مورد توجه افراد، با جراحی‌های زیبایی متعدد سعی در تراشیدن و به نوعی بازسازی چهره و بدن خویش را کرده‌اند، هواداران آن‌ها نیز به این اندیشه می‌افتند که آنان نیز با توسل به جراحی‌های زیبایی، خود را زیباتر از آنچه هستند، پردازند. مرضیه ۷ ساله، در مصاحبه خویش در حالی که به دوران بلوغ زیستی خویش هنوز نرسیده است و بالطبع اجزای چهره‌اش هنوز شکل قطعی خود را پیدا نکرده‌اند، بیان می‌دارد که به اندیشه جراحی بینی خودش افتاده است و می‌خواهد بینی خود را عروسکی کند.



Lips Surgery Simulator - ...  
appsftw.com



## مد و مدگرایی





هوه<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در مقاله خویش خاطرنشان می‌سازد: «کودکان کاربر بازی‌های دیجیتالی در جریان بازی، با مواردی مانند سالن زیبایی، سالن بدن‌سازی، فروشگاه‌های بزرگ و نظایر آن مواجه می‌گردند» که پیام پنهان این دست از موارد، چیزی جز عمده شدن مسأله جذابیت، مد و مصرف هر چه بیش‌تر برای مخاطبان آن نیست.



سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها در فراز مهمی از اقداماتشان می‌کوشند تا مدهای جدیدی را معرفی کرده و آن‌ها را در معرض دید همگان قرار داده، آنان را به تبعیت از آن‌ها تشویق کنند. بالطبع از آنجا که پوشش زیبا، در هر چه زیباتر ادراک شدن فرد ذی سهم است و پوشش نازیباء، در ادراک هر چه زشت‌تر وی مؤثر است، بنابراین غالب افراد، خاصه هواداران الگوهایی که هر یک مد خاصی را به معرض دید می‌گذارند، طرفدار مد هستند و با بی‌توجهی از کنار آن رد نمی‌شوند.



رضای ۱۲ ساله، در مصاحبه خویش اظهار می‌دارد، الگوهای مورد علاقه وی به شدت مدگرا بوده، او نیز با الهام از الگوی مورد نظرش، از مدهای معرفی شده توسط وی تبعیت و پیروی می‌کند:

«- الآن چه لباسایی مد هست؟

این لباسا که از سایز خودمون بزرگ‌ترن.

- چرا؟

اونایی که هیپ هاپ دوست دارن، این مدل لباس رو می‌پوشن، تازه از این گردنبند گنده‌ها میندازن تو گردنشون... .

- خوب عزیزم تو به این که لباس‌هایی که می‌پوشی، مد روز باشند، اهمیت می‌دی؟

آره، بیش‌تر مثل داداشم، لباسایی که می‌پوشیم یا مدل موهامون برامون مهمه.

- مگه مدل موها ت چه جوری هست؟

بغل موهام رو خط انداختم، موهای من و داداشم مدل موجیه».



## تبعیت از الگو در آرایش

کودکان، نوجوانان و جوانان همسان با الگوبرداری از ظواهر پوششی الگوهای مورد علاقه و پسند خویش می‌کوشند تا در مسیر شباهت‌یابی به الگوی مورد توجه خود، از آرایش (و احیاناً تتوی) وی نیز کپی‌برداری کنند و به زعم خودشان به این ترتیب بیش از پیش به الگوی مورد علاقه‌شان نزدیکی و شباهت پیدا کنند.

رزیتای ۹ ساله و شروین ۱۲ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از الگوبرداری‌های خود از آرایش و تتوی الگوهای مخرب مورد علاقه‌شان به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- باربی آرایش هم می‌کنه؟

آره، اون از خواب بیدار می‌شه، همیشه آرایش داره، آرایشش پاک نمی‌شه، آرایش داره، باز می‌ره آرایش می‌کنه.

- تو هم دوست داری مثل اون آرایش کنی؟

آره، لوازم آرایشی باربی رو گرفتم.

- باهاشون چه کار می‌کنی؟

نگه داشتم، بزرگ شدم، آرایش کنم، بعضی وقتا یه کمی آرایش می‌کنم، رژ می‌زنم.»

«- تتلو رو دوست داری؟

آره، صداش خیلی خوبه، عاشق آهنگاشم.

- از شخصیتش چی، خوش می‌اد؟

آره، خیلی شخصیت جالبی داره، از چیزی ترس نداره.

- مثلاً از چی نمی‌ترسه؟

مثلاً یه حرفایی می‌زنه یا کارایی می‌کنه که کسی جرأت اونا رو نداره.

- یک مثال می‌زنی؟

مثلاً همین تتوهایی که داره.

- تتو رو دوست داری؟

آره، خودمم تتو دوست دارم بزنم.

- چه تتویی؟

نمی‌دونم، هنوز تصمیم نگرفتم.

- تتو زدن کار خاصی هست یا این که شجاعت خاصی می‌خواد؟

آره، چون هیچ کسی رو ندیدم، این جوری تتو داشته باشه روی همه بدنش».

## ۹-۳- اثرهای خانوادگی الگوهای مخرب

الگوهایی که در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌های غربی مطرح می‌شوند، گاهی چنان کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند که کاربران تحت تأثیر آنان با اخذ دقایق رفتاری آنان، می‌کوشند تا عیناً همان رفتارها را پیشه خود کرده، به عنوان مواضع خودشان اعلان دارند، هر چند که آن رفتارها منطبق با عرف فرهنگی و اجتماعی جامعه نباشد. مصادیقی مانند: کم توجهی به اولیا، تزلزل دیگرپیروی کودکان و نوجوانان، پنهان نگه داشتن علایق خویش در خانواده، نفی ازدواج در بزرگسالی، بچه‌دار شدن و استقبال از دوست جنس مخالف، پذیرش کنار نهادن و ترک اولیا، زندگی مجردی در آینده و احیاناً جایگزین کردن یک سگ یا مانند آن به جای اولیا، همسر یا فرزند؛ ایجاد اختلاف در خانواده و در معرض خطر قرار دادن آبروی خانواده، از جمله مواردی هستند که بعضاً در مصاحبه کودکان و نوجوانان کاربر کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها و سریال‌های غرب، ملاحظه می‌گردد.

### کم توجهی به اولیا

تربیت فرزندان همواره به صورت امر دشواری دیده شده است، خاصه در عصر حاضر که علاوه بر اثرگذاری اولیا و اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه در تربیت فرزندان، عوامل آن سوی آب نیز در تربیت فرزندان مؤثر واقع آمده، به اثرگذاری در این رابطه می‌پردازند.

در خانواده‌هایی که برای فرزندان سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام داده، ضمن تغذیه عاطفی مناسب وی، روابط دوستانه و مسالمت‌آمیزی با وی برقرار می‌کنند و تعامل مثبت، مؤثر و پویایی با فرزندان دارند، هماهنگی فرزند با اولیا در حد قابل توجهی ملاحظه می‌شود و این کودکان حتی با وجود فشار گروه همسالان، حاضر به تن دادن به انتظارات نادرست گروه نبوده، در برابر فشار گروه مقاومت می‌کنند، اما در کودکان، نوجوانان و جوانانی که اولیای آن‌ها از شغل اول به شغل دوم و سوم می‌پردازند تا معیشت و گذران زندگی را تأمین کنند و یا آن که با تهیه البسه و وسایل گران قیمت برای فرزندان تصور می‌کنند وظیفه والدگری خویش را به انجام رسانده‌اند و یا آن که به دلیل طلاق عاطفی که بین اولیا پدید آمده است، اساساً مقوله فرزندان به فراموشی سپرده شده است،

فرزندان با شدت بیش‌تری تحت تأثیر الگوها و الگوهای مخرب و ویرانگر قرار گرفته، مبتنی بر رهنمودهای آنان عمل می‌کنند.

با ملاحظه بسیاری از کارتون‌ها و پویانمایی‌ها هم ملاحظه می‌شود که الگوهایی نظیر باربی، برتز، السا، آنا، بن‌تن و مانند آن‌ها در خانواده زندگی نکرده، اولیای آنان در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته‌اند. بنابراین کودکان و نوجوانان کاربر محصولات فرهنگی پردازش شده توسط نهادهای تبلیغاتی غرب، ضمن اخذ خط‌مشی کم‌اهمیت دیدن خانواده از الگوهایی که پیگیر آن‌ها بوده‌اند، در صورت فقدان تعامل‌های مثبت و مؤثر در خانواده خودشان، ممکن است به سادگی به این نتیجه برسند که باید با کنار نهادن خانواده، به دنبال تحقق اهداف خودشان بربیایند.

اظهارات آرمین ۱۳ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، شاهد مثال بارزی در همین جهت است:  
«خوب تو اگه بری آمریکا، اون موقع مامان و بابا دلشون برات تنگ نمی‌شه؟  
نه.

– آخه مثلاً تو دیگه پیششون نیستی و خب همه‌اش می‌گن آرمین کجا هست.  
نه، برای چی بگن؟

– خوب تا اون موقع، مامان و بابا دیگه مامان بزرگ و بابا بزرگ می‌شن، مثل مامان بزرگ الان که داری... به نظرت یکی مثل مامان یا بابای تو نباید باشند که بهشون کمک کنه؟  
نه، اونا خودشون مواظبن، من این‌جا نمی‌مونم، نمی‌تونم مامان و بابام رو همه‌اش با خودم ببرم این‌ور و اون‌ور».

### تزلزل دیگرپروی کودک از اولیا

با بررسی میدانی مقوله دیگرپروی کودکان و نوجوانان، مشخص می‌شود که حداقل دیگرپروی اقشاری از آنان از اولیایشان، دچار وقفه و تردید شده است، به این معنا که کودکان و نوجوانان یا در برابر معیارها و ارزش‌های اولیا، دست به مخالفت نسبی می‌زنند و یا آن‌که در سطحی فراتر، دست به مخالفت تام و تمام با اظهارات اولیایشان می‌زنند. در موارد دیگری ملاحظه می‌شوند که ضمن مخالفت کودکان و نوجوانان با اولیا، مخالفت آنان جنبه عملی نیز در برابر اولیا به خود می‌گیرد.



در بررسی دلایل وقوع تردید در دیگرپیروی افشاری از کودکان و نوجوانان از اولیایشان که به سهم خود مسأله جدید و مهم و قابل توجهی هست، می‌توان به برخی از عوامل خانوادگی و اجتماعی اشاره داشت. احساس ضعف پدر و مادر، بیانات متعارض اولیا، مواجه شدن کودک با تعارض‌های ارزشی و هنجاری موجود بین الگوهای رسانه‌ای و اولیا، فشار هنجاری گروه و برخی از تحول‌های اجتماعی مانند: تغییر نسبی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، افزایش توقعات اقتصادی کودکان و نوجوانان در پی پررنگ شدن معیارهای رفاه و تجمل‌پرستی در جامعه و ارتقای دید نقادانه کودکان و نوجوانان، از جمله عواملی هستند که در ایجاد تردید در دیگرپیروی برخی از کودکان از اولیایشان مؤثر واقع شده‌اند.

### پنهان نگه داشتن علایق خویش در خانواده

کودکان و نوجوانان ایرانی در حالی که در ایران و ارزش‌های بومی و عرفی آن متولد شده و در این فضا زندگی می‌کنند، به دلیل بی‌توجهی و ضعف تولید محصول‌های فرهنگی در داخل، به طور عمده متوجه محصول‌های فرهنگی آن سوی آب شده، کاربری بسیار بالایی از کارتون‌ها، پویانمایی، بازی‌های دیجیتالی، فیلم‌ها، سریال‌ها و شوها و کنسرت‌های غربی دارند، بالطبع فضای ارزشی غرب که مبتنی بر اندیشه انسان‌مداری است، با فضای ارزشی جامعه که -حداقل در حرف، مبتنی بر

خدامداری است- در بسیاری از موارد متفاوت و حتی متناقض با هم هستند، بنابراین کاربران نوجوان در برخورد با ارزش‌های متفاوتی که از سوی اولیا و اولیای آموزشی بدان‌ها القا می‌شود و ارزش‌هایی که از سوی الگوهای غربی و خاصه الگوهای ویرانگر بدان‌ها القا می‌گردد، دچار نوعی از سردرگمی شده، بعضاً ترجیح می‌دهند با پنهان نگه داشتن علایق خویش که غالباً معطوف به الگوهای مورد علاقه آنان است، درگیری بیش‌تری در محیط خانواده برای خودشان پدید نیاورند.

ارغوان ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش نمونه‌ای از این دست پنهان‌کاری‌ها را به معرض دید نهاده است. وی در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، پس از آشنا شدن با اندیشه ال‌بی‌جی‌تی، بدان‌ها علاقه‌مند شده است، اما علاقه خود را در ذهن خویش مکتوم نگاه می‌دارد، زیرا هراس آن را دارد که با طرح علایق واقعی خودش، پدر و مادر وارد تخاصم و نفی و انکار او شده، ایام وی را به تکدر و کدورت بکشند:

«- بعد فقط از زوج گی خوشت میاد یا از زوج دختر و پسر هم خوشت میاد؟

نه دختر و پسر هم خیلی خوبه، دوست دارم. مثلاً همین دوتا که گفتم تو باستد هستن، بین این‌که یه دختر و پسر عاشق هم باشن و عکس و فیلم بذارن خب قشنگه و همه این کار رو می‌کنن، ولی این‌که دوتا دختر یا دوتا پسر این کار رو بکنن، بدون این‌که نگران باشن بقیه در موردشون چه فکری می‌کن، این برام خیلی دوست داشتنیه.

- یعنی خودت هم دوست داری جای این‌ها می‌بودی؟

نه.

- این‌که مهم نیست براشون بقیه چه فکری می‌کنند رو بیش‌تر توضیح می‌دی؟

این‌که اهمیت ندن زیاد به مردم، چون تو هر چه قدر هم که تلاش بکنی نمی‌تونی بازم به عنوان کسی که شناخته شدی همه‌ی مردم دنیا رو از خودت راضی بکنی.

صد در صد یکی هست که از تو خوشش نیاد و یه هیتی بهت بده، وقتی من حاضر شدم که یه آدم شناخته شده بشم، پس باید قابلیت شنیدن این حرفا رو هم داشته باشم، ولی این‌که باز اهمیت نده بقیه چه فکری می‌کنن، مثلاً من دوست دختر دارم؟ خب اوکی به تو چه ربطی داره؟ زندگی خودمه من یه بار متولد می‌شم و دوست دارم جوری که خودم می‌خوام زندگی کنم، پس به تو ربطی نداره که زندگی من چه طوره، خیلی خوبه به نظرم که تو هم انتقاد پذیر باشی، ولی نه در حدی که زندگی شخصیت رو بهش آسیب بزنه و تو رو دور بکنه از چیزی که واقعاً هستی. اگه من یه سری عقاید دارم، نباید بقیه باعث تغییر عقایدی بشن که من فکر می‌کنم درسته، اگه خانواده باشه اوکیه‌ها، مثلاً بیان بگن این کار غلطه ارغوان، یه کار دیگه بکن، نصیحت می‌کنن، ولی این‌که من به خاطر حرف یه سری آدم پیام زندگی شخصی خودم رو تغییر بدم، به نظرم کار مزخرفیه.

- فکر می‌کنی آدم باید توی همه‌ی زمینه‌ها، حرف خودش فقط ملاک باشه؟

نه.

- چه طوری این‌ها رو از هم جدا می‌کنی؟

مثلاً در تصمیم‌های مهمی که آدم توی زندگیش می‌گیره، باید با یکی مشورت بکنه، ممکنه تصمیمی که من می‌گیرم، روی آینده خودم و پدر و مادرم تأثیر داشته باشه، این دیگه واقعاً بستگی به شعور و عقل خود آدم داره، خدا به آدم عقل داده که تشخیص بده این چیزا رو، و خب شاید من هنوزم خیلی نتونم بفهمم این چیزا رو، من هنوزم خیلی چیزا دارم برای فهمیدن، الان شاید قد گنجشک باشه و خیلی راه دارم برای فهمیدن بقیه حقایق زندگی، و یه سری چیزا خیلی تأثیر دارن روی آینده خودمون و بقیه و اینا... ولی چیزایی که به خود آدم بستگی داره مثلاً گرایش، شاید پدر و مادرم باهاش اوکی نباشن، ولی این خیلی بده که یه دختر یه دختر دیگه رو دوست داشته باشه و مجبورش کنن که با یه مرد زندگی کنه، اینا باید یه طوری باشه که تو پدر و مادرت رو راضی بکنی تا مجبور نشی یک عمر با آدمی زندگی کنی که نه دوشش داری نه گرایش باهاشه، و این می‌شه تصمیم شخصی، ولی بعضی چیزا رو باااید من مشورت بکنم دیگه... .

- فکر می‌کنی خیلی با خانواده تفاوت داری؟

آره.

- این چه حسی بهت می‌ده؟

بعضی وقتا واقعاً حس بدی می‌گیرم که من این قدر توی یه فاز دیگه‌ام و اونا تو یه فاز دیگه و هیچ‌کس نیست که من رو درک بکنه.

- مثلاً چه فازی؟

همین کی پاپ، همین ال‌جی‌بی‌تی و این چیزا... من که هیچ‌وقت حرف نزدم، ولی مطمئناً خوش‌شون نمیداد از این روابط.

یا این که کی پاپ، هی می‌گن ارغوان این چینی مینی‌ها چیه، چند سال دیگه از سرت می‌افته، بابا وواااای سلیقه است، به تو چه ربطی داره!

خب خوشت نمیداد، من نگفتم بیا نگاه بکن که... مثلاً بابام پارسال رفته بود تو فاز این که ارغوان کمش کن، این قدر نرو تو این سایتا و گروه‌ها... چه کار دارم می‌کنم مگه، چهار نفر هستن دارن منو خوشحال می‌کنن، ولم کنید دیگه، آره خیلی تفاوت وجود داره، کلاً آدم وقتی نوجوون می‌شه، خیلی از بقیه جدا می‌شه».

## علاقه به زندگی مجردی در آینده

مصاحبه‌های انجام شده با کودکان و نوجوانان دبستانی حکایت از آن دارد که آشنایی از دختران و پسران مصاحبه شده از زندگی مجردی در آینده استقبال کرده، ضرورت ازدواج را برای خویش نمی‌کنند.

منطقی (۱۳۹۹ و او) در کتاب «بررسی اثرهای خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه» درباره منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده در اندیشه برخی از کودکان پیش دبستانی ایرانی می‌نویسد:

«علاقه به تشکیل خانواده (و در پی آن بچه‌دار شدن)، برای دختران همواره مطرح بوده است، شدت علاقه به ازدواج و تشکیل خانواده در دختران در حدی بوده است که همواره یکی از بازی‌های مرسوم بین دختران، برگزاری ازدواج بین خود و یک داماد فرضی و به دنبال آن، تجربه موهبت مادر شدن و یافتن عرصه‌ای برای عطف و ورزیدن به نوزادی که به دنیا می‌آورند، بوده است، اما برخی از شواهد میدانی گردآمده، حکایت از عدم علاقه دختران خردسال به تشکیل خانواده در بزرگسالی آنان دارد.

برخی از کودکان کاربر کارتونها، پویانمایی‌ها و بازی‌های دیجیتالی، در مصاحبه‌های خود با استناد به الگوهای فمینیست، از عدم تمایل خویش به تشکیل خانواده یاد کرده‌اند. برخی از کودکان هم در پی الگوبرداری از الگوهای غیرفمینیست غربی، به این نتیجه رسیده‌اند که زندگی مجردی بهترین سبک زندگی است که آنان می‌توانند از آن استقبال کنند.

مهم‌ترین دلیل عدم علاقه برخی از دختران خردسال ایرانی به مقوله خانواده را می‌توان در الگوبرداری آنان از الگوهای عروسی کارتونی که در اختیار آنان قرار دارد، دید. این الگوها، اولاً خانواده مشخصی ندارند و ثانیاً غالباً مجرد هستند (نظیر باربی، برتز، السا، سیندرلا) و ثالثاً در غالب موارد یک یا چند دوست پسر در اطراف خودشان دارند.

در سطح بعد، می‌توان تحولات اجتماعی و گسترش گرایش‌های فمینیستی در جامعه را عامل عدم استقبال دختران خردسال از تشکیل خانواده برشمرد.

تحولات اجتماعی که در جهان معاصر به وقوع پیوسته است، خانواده‌های گسترده را به سمت هسته‌ای شدن سوق داده و با بروز پدیده هم‌خانگی، حتی خانواده هسته‌ای نیز تا حدودی تحت تأثیر این مسأله کم‌رنگ شده است. مضاف بر این، یادگیری‌های مشاهده‌ای کودکان در جامعه، به صورت مکمل آموخته‌های آنان از القائات بازی‌های دیجیتالی و کارتونها عمل کرده، ورود زنان به زندگی مشترک را مستلزم از دست دادن آزادی و محدود شدن آنان ترسیم می‌کند. البته گرایش‌های فمینیستی موجود در جامعه (به ویژه گرایش‌های رادیکال که به جای همیاری زنان با مردان، مقابله زنان با مردان و له کردن مردان در زیر پای زنان — و به موازات آن پذیرش هم‌جنس‌گرایی — را در

دستور کار خود دارد) نیز مزید بر علت شده، با تبلیغ آن که زنان به مردان نیازی ندارند و زنان با حفظ تجرد خود می‌توانند پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی بیشتری به دست بیاورند، در کاهش میل دختران به ازدواج ممکن است مؤثر واقع آمده باشند.

نکته دیگری که تذکر آن لازم می‌نماید، این مسأله است که هم‌زمان با منفی جلوه‌گر شدن تشکیل خانواده، هم‌جنس‌گرایی و ازدواج افراد هم‌جنس به عنوان یکی از صور حیات جنسی و خانواده، در برخی از کشورهای غربی پذیرفته شده و انعکاس آن در برخی از کارتون‌ها و پویانمایی‌های تهیه شده در آن سوی آب مشهود است. بالطبع هدف این اقدام، نهادینه کردن مسأله هم‌جنس‌گرایی به عنوان امری طبیعی در اذهان کاربران خردسال است.

علاقه به تشکیل خانواده (و در پی آن بچه‌دار شدن)، برای دختران همواره مطرح بوده است، شدت علاقه به ازدواج و تشکیل خانواده در دختران در حدی بوده است که همواره یکی از بازی‌های مرسوم بین دختران، برگزاری ازدواج بین خود و یک داماد فرضی و به دنبال آن، تجربه موهبت مادر شدن و یافتن عرصه‌ای برای عطوفت ورزیدن به نوزادی که به دنیا می‌آورند، بوده است، اما برخی از شواهد میدانی گردآمده، حکایت از عدم علاقه دختران خردسال به تشکیل خانواده در بزرگسالی آنان دارد.

منفی جلوه‌گر شدن والدگری در نزد کودک، مورد دیگری است که در زمینه خانواده و اندیشه تشکیل خانواده در مصاحبه‌های میدانی کودکان ملاحظه می‌شود.

دختران از بدو خردسالی خویش، علاقه مفروطی به عروسک خود نشان می‌دهند و در واقع بسان یک مادر برای عروسکشان مادری می‌کنند و در این روند به نوعی تمرین مادرگری را نیز تجربه می‌کنند.

شاید کم‌تر کسی باشد که عطوفت دختر بچه‌های سه ساله را که عروسکی هم قد خودش را روی پاهایش خوابانده‌اند و با لالایی کردن خودشان، در صدد خواباندن عروسکشان است، ندیده باشد. طبع مادرگری عمیق کودک حتی برخی از روان‌شناسان را به این تردید رسانده است که شاید هورمون خاصی در دختران هست که متصدی بروز چنین رفتارهای عاطفی و مادرانه در آنها است که انسان‌ها تا حال حاضر به کشف آن نایل نیامده‌اند.

اما با وجود علایق مفروط دختر بچه‌ها به حفظ و حراست از عروسکشان و به نمایش نهادن مادرگری برای آنها، برخی از شواهد میدانی گردآوری شده گروه پژوهش، حکایت از آن دارد که حداقل در اقشاری از دختران خردسال ایرانی مصاحبه شده، علاقه چندانی به والد شدن و مادرگری وجود ندارد و این کودکان ترجیح می‌دهند که در آینده ازدواج نکنند و اگر ازدواج هم کردند، بچه‌دار نشوند.

نگاهی به الگوهای مطرح در بازی‌های دیجیتالی و کارتون‌های آن سوی آب (مانند باربی، برتر، آنا و السا، بن‌تن، بت‌من، اسپایدرمن و نظایر آن‌ها)، حکایت از آن دارد که به شکل بلامنازعی تمامی این الگوها، دوستی از جنس مخالف را در کنار خود دارند.



هم‌زمان با طرح دوست جنس مخالف در کنار قهرمان‌های مطرح در بازی‌ها و کارتون‌ها، روابط جسمانی آن‌ها نیز کم و بیش به نمایش درمی‌آید.

در بسیاری از بازی‌ها و کارتون‌ها، روابط جسمانی اخیر، به جای نفی شدن، در هاله‌ای از قداست نیز پیچیده و ارایه می‌گردند. به عنوان مثال، در کارتون زیبای خفته، شاهزاده تنها با بوسه یک دختر از خواب مرگ بیدار می‌شود. در کارتون یخ زده (فروزن) نیز پس از آن که آنا توسط خواهرش به اشتباه یخ می‌زند، بوسه یک مرد گرما را به وجود وی برگردانده، قلب یخ زده او شروع به تپیدن دوباره می‌کند.

مصاحبه‌های انجام شده با کودکان دلالت بر آن دارد که کودکان اخیر پس از کاربری بازی‌ها و کارتون‌هایی که از نمونه‌هایی از آن‌ها یاد شد، در عمل احساس می‌کنند که دوست جنس مخالف به مثابه مسأله‌ای اساسی در زندگی مطرح است و شخصاً به دنبال رفع نیاز اخیر برآیند.

رزیتای ۷ ساله، در مصاحبه خود از علاقه‌اش به زندگی مجردی به شرح زیر یاد کرده است:

«- خوب خاله جون بهم می‌گی باربی با کی زندگی می‌کنه؟

باربی با هیچکی، دوستاش میان پیشش.

- یعنی باربی مامان و بابا نداره؟

داره، ولی اون خونه تنها داره، هر کاری بخواد می‌کنه.

- تو هم دوست داری تنها باشی؟

آره، هر جا دلم خواست می‌رم.

- کجاها دوست داری بری؟

شبا برم بیرون، با دوستانم بگردم، برم خرید.

- خوب دیگه چه کار بکنی؟

هر چی دیدم می‌خرم، آرایش می‌کنم.

- اگه بزرگ شدی، دوست داری تنها باشی؟

آره.

- اگه بابات و مامانت نگذارن چی؟

می‌ذارن.

- چه کار می‌کنی که تنها بشی؟

اون قدر پول جمع می‌کنم، می‌رم خونه دیگه.

- چه جوری پول جمع می‌کنی؟

کار می‌کنم.

- چه کاری؟

گفتم دیگه آرایش می‌کنم، واسه دوستانم، واسه همه».

امیر ۱۱ ساله هم با استناد به بسیاری از الگوهای کارتونی و پویانمایی که شاهد آن‌ها بوده است،

خاطر نشان می‌سازد که الگوهایی نظیر بن‌تن، مرد عنکبوتی و مانند آن‌ها فقط دوست دختر دارند و

با داشتن دوست دختر، دیگر ازدواج و تشکیل خانواده، معنایی ندارد:

«- مرد خفاشی چه جور آدمیه؟

قدرت پرواز داره، هر جا بخواد می‌پره، می‌ره دشمناش رو تار و مار می‌کنه، همه ازش می‌ترسن به

جز جوکر.

- تو چی، ازش می‌ترسی؟

من که باهاش، ازش نمی‌ترسم، خودم لباسشم دارم، اصن خودم یه بت‌منم.

- تو بت‌منی؟

آره، لباسمو می‌پوشم، شب که می‌شه بدون این که کسی من رو ببینه، صدام رو ترسناک می‌کنم و تو آسمون به پرواز میام و شهر رو نجات می‌دم، دختر کمیسرم نجات می‌دم.  
- چرا؟

نجاتش می‌دم می‌ذارمش خونه‌ی خودم تا آشپزی کنه، زن زندگی باشه (خنده)، الکی نیاد بیرون قهرمان بازی کنه... .

- حالا باب اسفنجی رو چرا دوست داری؟

باب رفیق واقعیه، بقیه‌ی آدم‌ها بعد از چن سال می‌رن زن می‌گیرن و فراموش می‌کنن که یه روزی یه رفیقی داشتن، ولی باب به خاطر پاتریک با اون می‌مونه تا آخر.

- خوب مگه چی می‌شه، هم ازدواج بکنه، هم با رفیقش دوست بمونه؟

نه دیگه، نمی‌شه یا زن بگیره یا رفیقش رو تنها نذاره.

- تو بزرگ شی چه کار می‌کنی؟

من با رفقام می‌مونم.

- مگه نگفتی یه زن می‌گذاری تو خونه‌ات که آشپزی کنه؟

می‌ذارم، ولی با اون که ازدواج نمی‌کنم، فقط دوست می‌مونم، فلشم این کار رو می‌کنه.

- بقیه کارتون‌ها و انیمیشن‌هایی که دیدی، همه همین طوری هستن؟

وایستا ببینم، آره پلنگ صورتی زن نداره، تام و جری زن ندارن، مینیون زن نداره، مرد عنکبوتی‌ام

فقط دوس دختر داره، بن تنم دوس دختر داره.

- بن تن دوس دختر داره؟

آره.

- مگه بن تن چندسالشه؟

همسنای خودمه.

- تو این سن به نظرت یه کم زود نیست به دختر فکر کنه؟

نه بابا زود کدومه، باید داشته باشه.

- تو چی تو هم داری؟

من که با یه عالمه دختر دوستم.

- از کی یاد گرفتی؟

دیگه راحت دیگه، کسی لازم نیست یاد بده، خود آدم چندتا فیلم می‌بینه یاد می‌گیره».

آرمین ۱۳ ساله نیز از منظری دیگر، با یادآوری این که الگوهای دخترانه‌ای که شاهد آن‌ها بوده

است، لوس هستند، بیان می‌دارد که حاضر به ازدواج با هیچ دختری نیست:

«- خوب تو با کی ازدواج می‌کنی؟

- نه با هیچ کس، برا چی ازدواج کنم؟  
 - خوب گفتم شاید ۳۰ سالت باشه، تا اون موقع ازدواج کرده باشی؟  
 نه، من ازدواج نمی کنم، بدم میاد.  
 - منظورت چی هست؟  
 من از دخترا بدم میاد.  
 - چی شده که بدت میاد؟  
 دخترا لوسن، بچه ننه ان، من همه دوستانم پسرن.  
 - یعنی همه دخترها این جور می هستند؟  
 آره این جورین».

### ایجاد اختلاف در خانواده

تفاوت های فرهنگی - اجتماعی ایران و غرب از سویی و تغذیه فرهنگی - اجتماعی کودکان و نوجوانان و جوانان کشور از محتوای پردازش شده نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه داری از سوی دیگر، در مجموع به برخی از تعارض های نظری و عملی بین فرزند و خانواده می انجامد. در عناوین قبلی از این مسأله یاد شده که در تعارض های موجود، برخی از فرزندان می کوشند تا با پنهان کاری، عقاید خویش را از قضاوت اولیاء کنار و دور نگه دارند، اما در موارد دیگری ممکن است، تعارض ارزشی فرزند و خانواده که در اثر تغذیه از الگوها و الگوهای مخرب پدید آمده است، مطرح شود و در حالت اخیر عدم همخوانی آرای فرزند با خانواده بحث انگیز و جدل آمیز واقع شود.



ارغون ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می دهد، پس از آن که از علاقه خویش به گیتاریست شدن در خانواده صحبت کرده است، خانواده با بیان این که ارغوان به این ترتیب مایه ننگ خانواده می شود، وی را از تصمیمش منصرف کرده اند، اما سوگند ۱۱ ساله که به زعم خودش عاشق گروه بی تی اس است، با الگوگیری از یکی از اعضای گروه که در برابر مخالفت خانواده برای خواننده شدن وی، از خانه فرار کرده است، اظهار می دارد، وی برای دستیابی به هدفش، در صورت لزوم حتی

حاضر است (نظیر الگوی مخرب خودش) دست به فرار از خانواده بزند تا خواست خود را که خواننده شدن هست، محقق سازد:

«- دکتر شدن رو دوست داری یا به خاطر فشار اطرافیان و جامعه می‌خواهی دکتر بشی؟  
بین اگه ایران اوکی بود با این چیزا، خیلی دلم می‌خواست که گیتاریست موسیقی بشم، و اگه زنا آزاد بودن برای رفتن دنبال رؤیاشون این کار رو می‌کردم، حتی یه مدت خیلی رفته بودم تو فازش و می‌گفتم به مامان اینا، ولی بابا مخالفت کرد.  
- به خاطر درس مخالفت کرد؟

نه، کلاً با این چیزا حال نمی‌کنه، منم دیدم هی می‌گن نه، نه، خورد تو ذوقم و ول کردم، کلاً همون چندتا شغل مهمه دیگه، اگه بری دنبال هنر، می‌شی مایه ننگ خانواده».  
«گروه بی‌تی‌اس می‌گه ما باید برای رسیدن به هدفمون خیلی تلاش کنیم و همه موانع رو از سر راه برداریم.

- مثلاً چه هدفی؟  
رسیدن به هر چیزی که می‌خوایم.  
- می‌دونی منظورش از موانع چیه؟  
اونا منظورشون اینه که فرقی نمی‌کنه چه چیزی، هر چیزی که جلومون رو می‌گیره و برای رسیدن به هدف این مانع ماس، باید کنارش بزنی و به هدفمون برسیم.  
- حتی اگه اون چیز خانواده خودمون باشه؟  
آره، اتفاقاً یکی از اعضای گروه برای این که موفق بشه، از خونه فرار کرده، چون اونا مانع می‌شدن.  
- تو با این کار موافقی؟  
آره، برای رسیدن به هدف باید زیاد سختی بکشی.  
- تو حاضری یه زمانی این کار رو بکنی؟  
شاید، نمی‌دونم انقد قوی شدم یا نه، ولی شاید یه روزی برای رسیدن به هدفم این کار رو بکنم، اون وقت، اون موقعی که به هدفم رسیدم، خانواده‌ام هم ازم راضین.

- هدفت چیه؟  
این که یه روزی خواننده بشم.  
- استعداد داری؟  
صدام از اون عالیا نیس، ولی اگه تلاش کنم می‌تونم.  
- این رو به خانواده خودت هم گفتی؟  
یه بار گفتم، گفتند دیگه این حرفا رو نزن، اگه کسی بفهمه زشته برامون.  
- پس ممکنه یه روزی برای خواننده شدن فرار کنی و بری؟

آره.

- می‌دونی اگه فرار کنی، ممکنه چه مشکلائی برات پیش بیاد؟  
نه، قراره چی بشه مگه؟! من بزرگ‌تر که شدم، از پس خودم بر میام دیگه».

## در معرض خطر قراردادن آبروی خانواده



نوجوانانی که در محیط فرهنگی اجتماعی ایران رشد می‌یابند، اما تغذیه فکری - فرهنگی آنان به میزان قابل توجهی متعلق به آن سوی آب است، خود به خود دچار تعارض ذهنی می‌شوند، همان‌گونه که از آن یاد شد، تعارض اخیر در جریان عمل ممکن است، به پنهان کاری از خانواده یا مقابله با خانواده بیانجامد، اما برخی از نوجوانانی که تعارض را به عیان در خود احساس می‌کنند، از سناریوهای پیش‌گفته سود نبرده، راه حل سومی را پیشه خود می‌کنند که با فریب دادن و دور زدن خانواده حاصل می‌آید. به این ترتیب که نوجوانان با تهیه چند صفحه مختلف، خود را در صفحه نخست که خاص اولیاء و فامیل است، فردی موجه نشان می‌دهند، اما در صفحه دیگر خود در فضای مجازی، با تغییر احتمالی نام خویش، هر آنچه را که دوست می‌دارند، محقق می‌سازند.

دانش‌آموزان مصاحبه شده زیادی با بیان اتخاذ راهکار اخیر، خاطرنشان می‌ساختند که آنان تصاویر بی‌حجاب و بعضاً نیمه برهنه خویش یا رقص خود یا انجام چالش پیشنهادی را در صفحه پنهان خودشان قرار می‌دهند. اظهارات ستایش ۱۰ ساله در مصاحبه‌اش، نمونه‌ای در همین زمینه را به دست می‌دهد:

«- دوست داشتی یک کشور دیگه زندگی کنی؟

آره.

- چه کشوری؟

مثلاً کشور آمریکا.

- خوب چرا کشور آمریکا؟

چون راحت زندگی کنم، هر کاری می‌خوام بتونم انجام بدم، مثلاً می‌خوام یه کلیپ از خودم درست کنم بذارم تو اینستا، مامانم بهم گفت این‌جا ایرانه زشته این کارا، مگه من می‌خواستم چه کار کنم، همه انجام می‌دن، منم یه دونه پیچ دیگه زدم، می‌خوام توی اون کلیپ بذارم، نگي اینا رو به مامانما خاله».

بالطبع آشکار شدن مضامین صفحات پنهان فرزندان، در برخی از مواقع به شدت آبروی اولیا را تهدید کرده و اعتبار اجتماعی آنان را به شدت مخدوش خواهد کرد.

در موارد دیگری کودکان و نوجوانان مصاحبه شده بیان می‌داشتند که آنان در پی یافتن دوستان مجازی، بدون آن که آن‌ها را دیده باشند، بدان‌ها اعتماد یافته، بعضاً اسرار خانوادگی خودشان را برای آنان مطرح می‌سازند. سوگند ۱۱ ساله در همین ارتباط چنین بیان می‌داشت:

«سوگند تو مسایل خصوصیت رو به دوست‌هات می‌گی؟»

خب ببین بعضی مسایل خصوصی مهم نیستن می‌تونن بگی، اما بعضی چیزا مهمن، نباید بقیه بدونن اونا رو، معمولاً فقط به یکی دوتا از دوستای صمیمیم می‌گم.

- مسایل خصوصی که مهم نیستند، مثلاً چه چیزهایی هستند؟

مثلاً این که مامان بابام چه کاره ان، یا توی روزای تعطیل چه کار می‌کنیم، رابطه مامان و بابام چه جوریه.

- این که رابطه مامان و بابات با هم چه جوریه، خصوصی نیست؟

هست، اما می‌شه به بقیه گفت.

- یعنی اگه مامان و بابات یه اختلافی داشتند، به دوست‌هات می‌گی؟

اووووم... آره بعضی وقتا.

- مثلاً چی می‌گی؟

مثلاً می‌گم مامان و بابام سر فلان موضوع با هم دعوا کردن.

- به کدوم دوست‌هات می‌گی؟

مثلاً تو اون گروه دوستانم که واسه بی‌تی اسه می‌گم.

- تو که اون‌ها رو نمی‌شناسی، چرا چنین مسأله خصوصی رو بهشون می‌گی؟

می‌شناسمشون، ندیدمشون».



## تأملی دوباره

در مبحث مقدماتی این کتاب خاطرنشان شد که اسوه‌ها و الگوها می‌توانند مثبت یا منفی باشند. در مقدمه همین فصل نیز مطرح شد، در میان الگوهای نامناسب و منفی نیز می‌توان مراتبی قایل شد. به این معنا که اگر الگوهایی را که تنها منادی هوا و هوس و مصرف هر چه بیش‌تر هستند، الگوهای نامناسب بنامیم، الگوهای دیگری هستند که علاوه بر آن که منادی هوا و هوس و ایدئولوژی شدن مصرف هستند، در گامی فراتر با ارایه آدرس‌های اشتباه به هوادارانشان، در عمل آنان را وارد عرصه‌ای توهم‌زا می‌کنند که هواداران پس از شکست‌های سنگین متوجه شده، فضای توهمی را که الگوهای نامناسب برای آنان رقم زده‌اند، کنار گذاشته و ترک می‌کنند، به عنوان نمونه بت‌من که در روند فیلم‌هایش، در ابتدا قانون را می‌پذیرد، اما در ادامه با سرباز زدن از قانون، شخصاً در صدد مجازات به اصطلاح مجرمان برمی‌آید، علاوه بر برخورد دادن هوادارانش با هزینه‌نگاری، روابط بی‌قید و بند، خشونت و پرخاشگری به افراط، قانون شکنی را نیز به هوادارانش می‌آموزد. از این الگوی منفی می‌توان با عنوان الگوی مخرب یا ویرانگر یاد کرد. سلب‌ریتی‌های ایرانی ترکیه‌ای نشین، نمونه شاخص دیگری برای الگوهای ویرانگر هستند، این افراد که به دلیل ته صدایی که داشته‌اند، یا فن‌پیچ‌هایی که تهیه کرده بودند یا به سبب تراشیدن بدن خویش مورد توجه قرار گرفته بودند، با تعدادی فالوور به ترکیه رفته، در آنجا آلت دست افرادی شده‌اند که در برابر تبلیغ سایت‌های قمار آنان، در صدی از عواید سایت‌های مزبور را دریافت دارند و این سایت‌ها هم با ترفندهای خاص خودشان، بسیاری از هواداران شرکت‌کننده در شرط‌بندی‌ها و قمارها را در عمل ورشکسته می‌کنند. به همین ترتیب افرادی که بدون داشتن هیچ هنری با تراشیدن بدن خودشان و حاشیه‌پردازی‌های مختلف به فالوورهای میلیونی رسیده‌اند و بر همین مبنا با دریافت پول تبلیغاتی که در صفحه آنان می‌شود، به پول بادآورده‌ای رسیده‌اند، الگوی کودکان و نوجوانان بسیاری شده‌اند و این کودکان و نوجوانان، تصور این که با شرکت در سایت‌های شرط‌بندی و قمار، آنان نیز به پول، ثروت، امکانات و یک زندگی لاکچری می‌رسند و یا با سپردن چهره و نشان به جراحی‌های زیبایی، تزریق ژل و نظایر آن، با دست یافتن به اندام مورد نظر و گذاشتن تصاویرشان در صفحه خودشان، قادر به جذب فالوورهای میلیونی و به تبع آن پول می‌شوند، در عمل وارد فضایی توهمی می‌شوند که با شکست

خوردن و از دست دادن سرمایه‌شان و یا شکست خوردن در پلنگ شدن<sup>۱</sup>، فضای توهمی که الگوهای مخرب برایشان رقم زده‌اند، شکسته شده، مواجهه با واقعیات آنان را رنجیده خاطر، آزرده و افسرده و ناکام می‌سازد.<sup>۲</sup>



۱. در فرهنگ نوجوانان و جوانان جامعه به دخترانی که چهره و تن خود را به جراحی‌های متعدد می‌سپرنند، اصطلاحاً پلنگ گفته می‌شود.

۲. در پی تبلیغ کوکاکولا (که حتی روی لباس برخی از اعضای گروه بی‌تی‌اس هم لگوی آن درج شده است، کمپانی کوکاکولا دست به تبلیغ ارزش‌های خودش نیز می‌زند. تصاویر زیر نمونه‌هایی از تبلیغات کوکاکولا است که در سایت رسمی کوکاکولا قابل مشاهده هستند:





ستایش ۱۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از نمونه‌ای از الگوهای ویرانگر به شرح زیر یاد کرده است:

«- به نظر تو یک نفر چه ویژگی‌هایی داشته باشه، خوشگل هست؟  
لاغر باشه، دماغش بزرگ نباشه، صورتشم جوش نداشته باشه، لباسای قشنگ بپوشه، صورتش پف نداشته باشه. فیلم سیب ممنوعه رو دیدی خاله؟ مثل شاهیکا، یه خانومه هست خیلی خوشگله، من دوست دارم عین اون باشم.

- این فیلم رو تو ی ماهواره می‌ده؟  
آره.

- مامانت مشکلی نداره که تو این فیلم‌ها رو می‌بینی؟  
نه، چیز خاصی نمی‌گه، منم گاهی می‌بینم.

- چرا دوست داری مثل شاهیکا باشی؟  
چون هم خیلی خوشگله، هم خیلی قشنگ لباس می‌پوشه و صاحب یه شرکت هم هست، خیلی پول‌داره و همیشه می‌تونه از خودش دفاع کنه، نه آدم زرنگیه».

کودکان، نوجوانان و جوانان در اثر برخورد با الگوهای ویرانگر، تحت تأثیر این الگوها قرار گرفته، می‌کوشند تا از ظواهر گرفته تا رفتارها و ارزش‌ها بدن‌ها تشبه بجویند. اظهارات سوگند ۱۱ ساله که بیان می‌دارد با دیدن سریال فرندز<sup>۱</sup>، با دوستانش ادای آن‌ها را در می‌آورند، تنها قسمتی از اثرپذیری است که از الگوهای مخرب پذیرفته‌اند:

«- چرا سریال فرندز رو دوست داری؟

چون واقعاً خنده داره، یه دقیقه از فیلم نیست که نخندی، خیلی فیلم قویه.

- دوست‌های تو هم این سریال رو می‌بینن؟  
آره اکثرشون دیدن.

- شده تو یا دوست‌هات از رفتار یا حرف زدن بازیگرهای این فیلم تأثیر بگیرین؟

---

۱. در این سریال ۳۲۶ قسمتی که با مایه‌های طنز پردازش شده است، سه دختر و سه پسر با یکدیگر هم خانه‌اند و در فراز و فرودهای سریال این افراد روابط نزدیک خود را با یکدیگر تغییر می‌دهند.

یعنی مثلشون رفتار کنیم؟

- آره.

خب... نمی‌دونم، مثلشون نمی‌شیم، ولی بعضی وقتا اداشون رو درمیاریم.

- سریال فرندز درباره چیه؟

رابطه شیش تا دوست رو نشون می‌ده.

- دختر یا پسر؟

هم دختر و هم پسر، البته ۴ تا شون وسطای این فیلم با هم رل می‌زنن.

- یعنی چی؟

یعنی با هم دوست دختر، دوست پسر می‌شن.

- روابطشون رو تو فیلم نشون می‌ده؟

آره، فیلمش آمریکاییه‌ها.

آرمین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش وجه دیگری از اثرپذیری از الگوهای ویرانگر را در خود به معرض

دید نهاده است که آن محوریت یافتن پول و پول و پول است:

«- حالا تو توی آمریکا، اون موقع اون جا چه کار می‌کنی؟

اون موقع من توی بزرگی، یه لامبورگینی مشکی دارم، سیگار دارم، لباسام مشکیه.

- اون موقع آمریکا، همه مردمش لامبورگینی دارند؟

نه، من اون موقع دارم، اون موقع این قدر پول دارم که همه‌اش لامبورگینی دارم.

- پس دوست داری پول دار هم باشی؟

آره خیلی، همه چی پولیه.

- اگه پول دار شدی به بقیه هم از پولت کمک می‌کنی، مثل بتمن که به بقیه کمک می‌کرد؟

نه خیر.

- حتی اگه یک عالمه پول داشتی که لازمت هم نمی‌شد؟

نه.

- خوب چی باعث می‌شه کمک نکنی؟

خودم همه پولش رو درآوردم، مال خودمه، بقیه جون بکنن پول دربیارن».

الگوهای ویرانگر در نهایت نظام ارزشی خویش را به هوادارانشان انتقال داده، سبب می‌شوند

هواداران ارزش‌های تبلیغ شده آن‌ها را به مثابه ارزش‌های خودشان ببینند. به عنوان مثال، ارغوان

۱۲ ساله پس از اطلاعاتی از روابط هم جنس‌گرایانه در گروه‌های موسیقایی موردعلاقه‌اش، بیان

می‌دارد که تازه با حقایق زندگی آشنا شده است و اشکان ۱۳ ساله، حرف‌های تتلو را که منادی

تشکیل حرمسرا، وان نایت استند، نیوفیس و مصرف گل و مانند آن‌ها است را از حرف‌های روحانیت (و با تسامح، حرف‌های دین) برتر می‌داند:

«- در کل فکر می‌کنی کارتون‌هایی که دوست داشتی، مثلاً باب اسفنجی تأثیر مثبت روی تو گذاشت یا منفی؟

اممممم نمی‌دونم....»

- مثلاً روابط و دوستی‌های دختر و پسر رو چه طور نشون می‌داد؟

دوست پسر اینا نه، اون سنجاب هم فقط دوست صمیمی پاتریک و باب اسفنجی بود، دختر آقای خرچنگ هم بود که خیلی کم نشونش می‌داد، بعضی وقتا به عنوان دوست‌شون بود، مثل این که باب اسفنجی هممممم...»

- چی؟

می‌گن گی بوده!

- جدی، این رو از کجا فهمیدی؟

همین امسال فهمیدم، البته من با ال‌جی‌بی‌تی مشکلی ندارم.

- چه طوری با این مفهوم آشنا شدی؟

این که مثلاً چیزی به اسم لز و گی وجود داره رو، من همین پارسال باهاش آشنا شدم.

- از کجا آشنا شدی؟

بعد از این که با کی پاپ آشنا شدم، فهمیدم که همچنین چیزی هم هست و با حقایق زندگی آشنا شدم».

«- اشکان جان چه حرف‌های درستی رو از امیر تتلو یاد گرفتی که فکر می‌کنی توی زندگی به کارت بیاد.

خیلی چیزا، دقیق نمی‌تونم توصیف کنم، توصیف شدنی نیست.

- یعنی به نظرت خیلی از اشعار تتلو اون قدر با معنی هستند که توصیف شدنی نیستند؟  
بله.

- این مطلب رو برای قرآن یا کتاب‌های آسمانی دیگه گفتند، به نظر تو بالا بردن اشعار تتلو از لحاظ محتوایی تا این حد، کار درستیه؟

نمی‌دونم. اما اشعار تتلو واقعاً ارزشمندن. حرفای تتلو هم خیلی بالاتر از حرفای روحانیت هست». با تحول نظام ارزشی هواداران الگوهای ویرانگر، می‌توان بیان داشت که ارزش‌ها واژگون شده و ضد ارزش‌ها جای آن‌ها را پر می‌کنند. اظهارات امیرحسین ۱۱ ساله و شروین ۱۲ ساله، شواهد گویایی از این امر را به دست می‌دهند. به این معنا که امیرحسین در پاسخ به این پرسش که آیا ما ایرانی‌ها هم قهرمان داریم یا خیر، افرادی نظیر رونالدو و مسی را قهرمان می‌داند، نه شهید سلیمانی

و امثال وی را. شروین ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش در پاسخ به سوال مشابهی تتلوی معتاد و فاسد را برتر از شهید قاسم سلیمانی معرفی می‌کند:

«- امیر چرا از وسایلی نمی‌خری که مثلاً قهرمان‌های ایرانی روش باشند؟  
مگه قهرمان داریم؟

- به نظرت ما قهرمان نداریم؟

نه، ما کسایی مثل رونالدو یا مسی نداریم که کل جهان بشناسن.

- شهید سلیمانی چی؟ الآن مجسمه‌هاش تو شهره و برای ما ایرانی‌ها قهرمان حساب می‌شه، به نظرت اون قهرمان نیست؟  
نه.

- چرا قهرمان نیست؟

نیست دیگه، همه‌اش باعث می‌شد آمریکا با ما بدتر بشه.

- خوب اگه نبودن داعش یا خیلی افراد دیگه الآن ممکن بود تو کشور ما باشند و امنیت نداشتیم، می‌دونی؟

زیادی بزرگ کردن، دیگه ما همه‌اش با آمریکا بدیم، هی می‌گیم، مرگ بر آمریکا، مگه آمریکا میاد بگه مرگ بر ایران.

- یعنی به نظر تو ایران باید با آمریکا دوست باشه؟

آره، هر کی باهاش دوسته کشورش خوبه، ما فقط بلدیم الکی بجنگیم».

«- غیر از تتو چی؟

مثلاً چیزایی که در مورد دخترا می‌گه، می‌گه که خانواده یا برادرشون اذیتشون نکنن.

- پس حرف‌هاش برای تو جذابه؟

اول که گفتم صداش و آهنگاش قشنگن، بعدشم حرفای جالبی می‌زنه، نمی‌ترسه از کسی.

- این‌ها که گفتی باعث شده این‌قدر معروف باشه؟

اول خودش معروف شد، ولی بعدش مردم به خاطر حرفاش دوش دارن و به حرفاش گوش می‌دن.

- چرا پیجش رو بستن؟

چون دشمن زیاد داره که نمی‌تونن ببینن یه نفر از خودشون بهتره.

- الآن می‌دونی کجاست؟

ایران نیست، از ایران رفت خارج، فکر کنم رفته ترکیه یا اروپا.

- چرا از ایران رفت؟

نمی‌داشتن آهنگ بخونه دیگه، آخوندا اذیتش می‌کردن، اون به خاطر مردم خواست بمونه، هر کاری تونست کرد، ولی اذیتش کردن.

- از کجا این‌ها رو می‌دونی؟

خودش گفت، توی لایوش.

- الآن می‌تونه راحت کار کنه؟

آره، اون جا به کسی گیر نمی‌دن.

گفتی تتلو جرأت داره، یعنی شجاعه، درسته؟

آره.

- به نظرت قاسم سلیمانی شجاع‌تر هست یا تتلو؟

نمی‌شه این‌جوری گفت که.

- حالا اگه بخوایم مقایسه‌شون کنیم که مردم کدوم رو بیش‌تر دوست دارن، نظر تو چیه؟

تتلو رو همه دوست دارن، چون از هیچ کسی نمی‌ترسه، حرفش رو می‌زنه، ولی قاسم سلیمانی

فقط می‌خواد جنگ درست کنه، بعدشم تتلو خیلی معروفه، همه آهنگاش رو دوست دارن.

- خوب قاسم سلیمانی هم از کشور دفاع کرده، درسته؟

نمی‌دونم این رو.

- تو آهنگ‌های تتلو رو توی گوشیت داری؟

آره همه‌اش رو دارم، هر آهنگی هم جدید میاد با دوستانم به هم می‌دیم، آهنگاش رو حفظم.

آنچه به اجمال از آن یاد شد، ضرورت مطالعه برای پردازش علمی الگوها و سرمایه‌گذاری در

جهت پردازش بهینه آنان را نشان داده، این مسأله را از پرداختن به بمب اتمی و حتی نان شب مردم،

ضروری‌تر می‌نمایاند.



## منابع

- سیگل، دانیل جی و برایسون، تینا پین (۲۰۱۱). کودکان کامل مغز. ترجمه مهرناز شهرآرای. چ ۳. ۱۳۹۸. تهران: آسیم.
- سیگل، دانیل جی. و برایسون، تینا (۲۰۱۸). مغز پذیرا: پرورش شجاعت، کنجکاوی و تاب‌آوری در فرزندان. ترجمه مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۸. تهران: آسیم.
- فرانکل، ویکتور (؟). فریاد ناشنیده برای معنا. علی علوی‌نیا و مصطفی تبریزی. ۱۳۷۱. تهران: یادآوران.
- منصور، محمود (۱۳۷۸) روان‌شناسی ژنتیک. ج. ۱. تهران: سازمان سمت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ الف). رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۳.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ ب). از مقاومت فرهنگی تا مقاومت قهرآمیز. همایش ملی مناسبات نسلی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی. بهمن، ۱۳۸۳.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵ الف). بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳). از مقاومت فرهنگی تا مقاومت قهرآمیز. همایش ملی مناسبات نسلی در ایران. پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی. بهمن، ۱۳۸۳.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ الف). بررسی اثرهای زیستی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ ب). بررسی اثرهای روانی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ ج). بررسی اثرات عقیدتی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ دال). بررسی اثرات سیاسی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ واو). بررسی اثرهای خانوادگی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱ و ۲. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۴۰۰). چند مصاحبه با کودکان پیش دبستانی (۶-۳ ساله) کاربر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته (تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و اینترنت). تهران: بعثت، هیوز، دانیل و بیلین، جانانان (۲۰۱۲). فرزندپروری مغز- بنیان. ترجمه دکتر مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۶. تهران: آسیم.

Culp, Jennifer; Bell, Robert A.; Cassady, Diana (2010). Characteristics of Food Industry Web Sites and "Advergames" Targeting Children. *Journal of Nutrition Education and Behavior*, v42 n3 p197-201 May-Jun 2010

Huh, Youn Jung (2017). Uncovering Young Children's Transformative Digital Game Play through the Exploration of Three-Year-Old Children's Cases. *Contemporary Issues in Early Childhood*, v18 n2 p179-195 Jun 2017

Provenzo, E. F. (1991). *Video Kids, Making Sense of Nintendo*. London: Harvard University Press.